

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



ترجمہ:

آسادی شیخ حسین انصاری

فهرست

پیشگفتار.....	الف
مقدمه.....	ب
۱- ستایش خدای عزوجل.....	۱
۲- درود بر محمد و آل محمد.....	۱۱
۳- دعا بر حاملان عرش.....	۱۵
۴- دعا بر آنان که به پیامبران ایمان آورده‌اند.....	۲۲
۵- دعا برای خود و نزدیکانش.....	۲۸
۶- دعا به وقت صبح و شام.....	۳۳
۷- دعا به وقت مهمات و رنج.....	۴۱
۸- دعا در پناه بردن به خداوند.....	۴۴
۹- دعا در شوق به آمرزش.....	۴۷
۱۰- دعا در پناه بردن به خداوند.....	۵۰
۱۱- دعا در عاقبت به خیری.....	۵۲
۱۲- دعا در اقرار به گناه.....	۵۴
۱۳- دعا در طلب حاجت‌ها.....	۶۱
۱۴- دعا در دادخواهی از ستمگران.....	۶۷
۱۵- دعا به وقت بیماری.....	۷۲
۱۶- دعا در طلب بخشش و آمرزش گناهان.....	۷۵
۱۷- دعا هنگامی که نام شیطان برده می‌شد.....	۸۶

- ۱۸- دعا در دفع بلاها و سختی‌ها ۹۲
- ۱۹- دعا به وقت درخواست باران ۹۴
- ۲۰- دعا در مکارم اخلاق ۹۷
- ۲۱- دعا به هنگام محزون شدن از امری ۱۱۳
- ۲۲- دعا در سختی و گرفتاری ۱۲۰
- ۲۳- دعا برای تندرستی ۱۲۸
- ۲۴- دعا برای پدر و مادر ۱۳۳
- ۲۵- دعا برای فرزندان ۱۴۰
- ۲۶- دعا برای همسایگان و دوستان ۱۴۷
- ۲۷- دعا برای مرزداران ۱۵۰
- ۲۸- دعا در ترس از خدا ۱۶۲
- ۲۹- دعا به وقت تنگی رزق ۱۶۵
- ۳۰- دعا برای ادای وام ۱۶۷
- ۳۱- دعا در توبه و بازگشت ۱۷۰
- ۳۲- دعا در نماز شب ۱۸۲
- ۳۳- دعا در درخواست خیر و نیکی ۱۹۵
- ۳۴- دعا به هنگام گرفتاری ۱۹۷
- ۳۵- دعا در رضا به قضای حق ۲۰۰
- ۳۶- دعا به وقت شنیدن رعد ۲۰۲
- ۳۷- دعا در شکر ۲۰۵
- ۳۸- دعا در عذرخواهی از حق ۲۱۱
- ۳۹- دعا در طلب عفو ۲۱۳
- ۴۰- دعا به وقت یاد مرگ ۲۱۹
- ۴۱- دعا در درخواست پرده‌پوشی ۲۲۲
- ۴۲- دعا به وقت ختم قرآن ۲۲۴

-
- ۴۳- دعا به وقت دیدن ماه نو ۲۳۶
- ۴۴- دعا به وقت فرا رسیدن ماه رمضان ۲۳۹
- ۴۵- دعا به هنگام وداع ماه رمضان ۲۴۹
- ۴۶- دعا در روز عید فطر و جمعه ۲۶۹
- ۴۷- دعای حضرت در روز عرفه ۲۷۶
- ۴۸- دعا در روز عید قربان و جمعه ۳۱۴
- ۴۹- دعا در دفع مکر دشمنان ۳۲۷
- ۵۰- دعا در ترس از حق ۳۳۵
- ۵۱- دعا در تضرع و زاری به درگاه حق ۳۳۹
- ۵۲- دعا در اصرار در طلب ۳۴۵
- ۵۳- دعا در فروتنی ۳۵۰
- ۵۴- دعا در رفع اندوهها ۳۵۳

پیشگفتار

قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ

(سوره فرقان آیه ۷۷)

ادعیه، گنجینه‌های عرشی و میراث گران سنگ امامان معصوم علیهم السلام و به تعبیر امام راحل (ره) قرآن صاعدند که معارف حیات‌بخش اسلام عزیز از طریق انس عاشقانه با این چشمه‌سار نور، قابل ادراک است.

کتاب شریف صحیفه سجادیه - که در برگزیده مناجات‌های امام‌العارفین و سیدالساجدین حضرت علی بن‌الحسین علیهماالسلام می‌باشد - لجه‌ای از این بحر عمیق است که به سالکان طریق هدایت تقدیم می‌شود. مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران با هدف ایجاد هماهنگی میان شیوه نگارش و علامت‌گذاری مصاحف و سایر متون دینی و تسهیل خواندن آن، اقدام به تهیه کتاب شریف «صحیفه سجادیه» با شیوه اعراب‌گذاری آسان (کم‌علامت) نموده است. بهره‌مندی از ترجمه سلیس جناب استاد انصاریان و همچنین صفحه‌بندی چشم‌نواز متن عربی و ترجمه فارسی در قالب قطعی بدیع، از دیگر ویژگی‌های این اثر می‌باشد؛ ضمن آنکه با هدف تسهیل در فهم بهتر معارف این کتاب شریف، علایم ترقیم (نقطه، ویرگول و ...) و همچنین فرازبندی دقیق و مناسبی - متناسب با معنای عبارات - در این چاپ لحاظ شده است. امید آن که این اقدام، گامی مؤثر در جهت ترویج فرهنگ انس با ادعیه مأثوره و آشنایی با معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام باشد.

مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران

مقدمه در بیان اسناد صحیفه سجادیه

حدیث کرد برای ما سید اجل نجم الدین بهاء الشرف، ابوالحسن، محمد بن الحسن فرزند احمد بن علی، فرزند محمد بن عمر بن یحیی العلوی الحسینی - رحمت خدا بر او باد - که گفت: خبر داد ما را شیخ سعید ابوعبدالله محمد بن احمد بن شهریار، خزانه دار آستان ملک پاسبان مولایمان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در ماه ربیع الاول از سال ۵۱۶، در حالی که صحیفه بر او خوانده می شد و من مستمع آن بودم، گفت: شنیدم آن را در حالی که خوانده می شد بر شیخ راستگو، ابونصور محمد بن محمد بن احمد بن عبدالعزیز عکبری معدل، - رحمت خدا بر او باد - از ابوالفضل: محمد بن عبدالله بن مطلب شیبانی، گفت: حدیث کرد ما را شریف ابوعبدالله، جعفر بن محمد بن جعفر بن حسن بن جعفر بن حسن بن حسن بن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام گفت: حدیث کرد ما را عبدالله بن عمر بن خطاب زبای در سال ۲۶۵ گفت: حدیث کرد مرا داییم، علی بن نعمان اعلم گفت: حدیث کرد مرا عمیر بن متوکل ثقفی بلخی، از پدرش متوکل بن هارون گفت: یحیی بن زید بن علی علیه السلام را پس از شهادت پدرش به وقتی که به سوی خراسان می رفت ملاقات کردم و به حضرتش سلام نمودم، به من فرمود: از کجا می آیی؟ عرضه داشتم: از حج، پس مرا از حال اهلش و عموزادگان خویش که در مدینه بودند پرسید و در پرسش از حال جعفر بن محمد علیه السلام مبالغه نمود، پس از حال آن حضرت و احوال ایشان و اندوهشان بر شهادت پدرش زید بن علی علیه السلام به او خبر دادم، یحیی فرمود: عمویم حضرت باقر علیه السلام پدرم را به ترک خروج و شورش سفارش کرد و به او فهماند که در صورت خروج و جدا شدن از مدینه کارش به کجا خواهد کشید، آیا تو پسر عمویم حضرت جعفر بن محمد علیه السلام را ملاقات نمودی؟ گفتم: آری. گفت: آیا درباره من و وضع و کارم شنیدی چیزی بگوید؟ گفتم: آری، گفت: به چه صورت از من یاد فرمود؟ به من بگو، گفتم: فدایت گردم، علاقه ندارم آنچه را از آن حضرت شنیده ام در برابر تو بیان کنم، گفت: آیا مرا از مرگ می ترسانی؟ بگو آنچه شنیده ای، گفتم، از او شنیدم که: تو کشته می شوی و بدنت را به دار می آویزند، چنانکه پدرت کشته و به دار آویخته شد، پس چهره اش تغییر کرد و گفت: «خدایا هر سرنوشتی را خواهد محو می کند و یا ثبت می نماید و امّ الکتاب نزد اوست.» ای

متوکل همانا که حضرت حق این دین را به وجود ما تأیید فرموده و دانش و اسلحه را به ما مرحمت کرده و هر دو برای ما فراهم گشته و عموزادگان ما به دانش تنها اختصاص یافته‌اند، گفتم: قربانت گردم، من مردم را مشاهده کردم که به پسر عمویت حضرت صادق مایل‌ترند تا به تو و پدرت، گفت: همانا عمویم محمد بن علی و پسرش جعفر، مردم را به زندگی دعوت کرده‌اند و ما آنان را به مرگ خوانده‌ایم، گفتم: ای فرزند رسول حق! آیا ایشان دانانترند یا شما، پس مدتی دیده به زمین دوخت سپس سر برداشت و گفت: هر یک از ما از دانش بهره‌ای داریم جز آنکه ایشان هر چه را ما می‌دانیم می‌دانند، ولی ما هر چه ایشان می‌دانند نمی‌دانیم، آنگاه به من گفتم: آیا از پسر عمویم چیزی نوشته‌ای؟ گفت: آری، گفت: به من نشان بده، پس چند نوع دانش را که از آن حضرت ضبط کرده بودم به او عرضه داشتم و داعیی را به او نشان دادم که حضرت صادق علیه السلام بر من املا فرموده بود و حدیث کرده بود که پدرش محمد بن علی علیه السلام بر او املا فرموده بود و خبر داده بود که آن از دعای پدرش علی بن الحسین علیه السلام از دعای صحیفه کامله است، پس یحیی تا پایان آن را نظر کرد و گفت: آیا اجازه می‌دهی که نسخه‌ای از روی آن برداریم؟ گفتم: ای پسر رسول خدا! آیا در آنچه که از خود شماست اجازت می‌خواهی؟ پس گفتم: هم اکنون بر تو ارائه خواهم کرد صحیفه‌ای از دعای کامل را از آنچه پدرم از پدرش حفظ فرموده و مرا به نگاه داشتن و بازداشتن آن از ناهل سفارش فرموده. عمیر گوید: پدرم گفت: پس برخاستم و پیشانی او را بوسیدم و گفتم: به خدا قسم! ای پسر پیامبر خدا که من خدا را با محبت و طاعت شما پرستش می‌کنم و امیدوارم که مرا در حیات و ممات به دوستی شما سعادتمند کند. پس صحیفه‌ای را که به او داده بودم به جوانی که با او بود داد و گفت: این دعا را با خطی روشن و نیکو بنویس و به نظر من برسان که شاید آن را از حفظ نمایم؛ زیرا که من آن را از پسر عمویم جعفر - که در حفظ خدا باد - می‌خواستم او آن را به من نمی‌داد. متوکل گفت: من از کرده خود نادم شدم و نمی‌دانستم چه کنم و حضرت صادق علیه السلام قبل از آن به من دستور نداده بود که آن را به کسی ندهم، پس از آن یحیی جامه دانی را طلبید و صحیفه قفل خورده مهر کرده‌ای را از آن خارج کرد و به مهر آن نظر نمود و بوسید و گریه کرد، سپس مهر را شکست و قفل را باز کرد، آنگاه صحیفه را گشود و بر چشم خود گذاشت و بر روی خود مالید و گفت: به خدا قسم! ای متوکل اگر نبود مطلبی که در رابطه با کشته شدن و به

دار آویختم از پسر عمویم حدیث کردی، بدون شك این صحیفه را به تو می‌دادم و از تسلیمش خودداری می‌نمودم ولی برای من روشن است که گفتار حضرت صادق علیه السلام حق است و آن را از پدرانش گرفته و به زودی صحت آن روشن خواهد شد و من ترسیدم که چنین علمی به دست بنی‌امیه افتد و آن را از دیده‌ها بپوشانند و در خزانه خویش برای خود ذخیره نمایند، پس آن را بگیر و مرا از پریشانی فکر نسبت به آن آسوده کن و این امانت در نزد تو باشد و تو به انتظار بنشین تا چون خداوند در کار من و این قوم حکم خود را جاری سازد، این صحیفه را به دو پسر عمویم محمد و ابراهیم، فرزندان عبدالله بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام برسان که آن دو نفر پس از من در مسئله قیام بر علیه بنی‌امیه قائم مقام منند. متوکل گفت: من صحیفه را گرفتم و چون یحیی بن زید به شهادت رسید به مدینه رفتم و امام صادق علیه السلام را زیارت کردم و قصه یحیی را برای آن جناب گفتم، آن حضرت گریست و فوق العاده بر یحیی اندوهگین شد و فرمود: خدا عموزاده‌ام را رحمت کند و به پدرانش ملحق سازد، به خدا قسم! ای متوکل مرا از دادن این دعا به او منع نکرد مگر همان سبب که یحیی بر صحیفه پدرش از آن می‌ترسید، اکنون آن صحیفه کجاست؟ گفتم: اینک این همان صحیفه است، پس آن را باز کرد و فرمود: به خدا قسم! این خط عمویم زید و دعای جدم علی بن الحسین علیه السلام است آنگاه به فرزندش فرمود: ای اسماعیل! برخیز و آن دعا را که به حفظ و نگهداریش تو را امر کردم بیاور، پس اسماعیل برخاست و صحیفه‌ای را که انگار همان صحیفه‌ای است که یحیی بن زید به من داده بود بیرون آورد، پس حضرت صادق علیه السلام آن را بوسید و بر چشم خود نهاد و فرمود: این خط پدرم و املائی جدم علیه السلام در حضور من است، عرض کردم: ای پسر رسول خدا! اگر اجازه دهی آن را با صحیفه زید و یحیی مقابله نمایم، پس اجازه داد و فرمود: تو را برای این عمل شایسته دیدم، پس من آن دو را مقابله کردم و دیدم که هر دو یکی است و حتی در يك حرف هم با یکدیگر اختلاف ندارند، سپس از آن حضرت اجازه طلبیدم که صحیفه یحیی را بنابر وصیتش به عموزادگانش پسران عبدالله بن حسن مسترد دارم، فرمود: «خداوند شما را امر می‌کند که امانت‌ها را به صاحبانشان بازگردانید»، آری، آن را به ایشان بده، چون برای زیارت آن دو برخاستم، فرمود: بنشین، سپس کسی را به احضار محمد و ابراهیم فرستاد، چون حاضر شدند، فرمود: این میراث پسرعمویتان یحیی است از پدرش که شما را به جای برادران خود به آن اختصاص داده و ما را در خصوص آن با شما شرطی

است، گفتند: بگوی، خداوند تو را رحمت کند که سخن تو مقبول است، فرمود: این صحیفه را از مدینه خارج نکنید، گفتند: چرا؟ فرمود: پسر عموی شما درباره این صحیفه از برنامه‌های ترس داشت که من راجع به شما به همان گونه ترس دارم، گفتند: او زمانی درباره این صحیفه ترسید که دانست کشته می‌شود، امام صادق علیه السلام فرمود: شما نیز از این واقعه ایمن نباشید؛ زیرا به خدا قسم من می‌دانم که شما به زودی خروج خواهید کرد چنانکه او خروج کرد و به زودی کشته خواهید شد چنانکه او کشته شد. پس از جای برخاستند در حالی که می‌گفتند: لاحول و لاقوه الا بالله العلی العظیم. چون از نزد حضرت صادق علیه السلام بیرون رفتند به من فرمود: ای متوکل! چگونه یحیی به تو گفت که عمویم محمد بن علی و پسرش جعفر مردم را به زندگی دعوت کردند، و ما ایشان را به مرگ؟! گفت: آری - اَصْلَحَكَ اللهُ - عموزادها ت یحیی چنین سخنی به من گفت، فرمود: خدا یحیی را رحمت کند، پدرم مرا از پدرش از جدش از علی علیه السلام حدیث کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله را در حالی که روی منبر بود، خواب سبکی ربود، پس در عالم خواب دید که مردانی چند همانند بوزینگان بر منبرش می‌جهند و مردم را به عقب (دوران جاهلیت) برمی‌گردانند. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به حال عادی بازگشت و نشست و اندوه و حزن در چهره‌اش آشکار بود، پس امین وحی این آیه را برای حضرت آورد: «و ما رؤیایی را که در خواب به تو نمایانیدم و شجره ملعونه در قرآن را قرار نداده‌ایم مگر برای آزمایش مردم؛ و مردم را بیم می‌دهیم ولی جز بر سرکشی آنان نمی‌افزاید» و مراد از شجره ملعونه، بنی‌امیه هستند. پیامبر فرمود: ای جبرئیل! آیا ایشان در زمان من خواهند بود؟ گفت: نه، ولی آسیای اسلام از ابتدای هجرت به گردش می‌آید و تا ده سال می‌گردد، سپس بر سر سال سی و پنجم از هجرت به گردش می‌افتد و تا پنج سال به آن صورت می‌ماند، آنگاه به ناچار آسیای ضلالت بر محور خود قائم خواهد شد و پس از آن پادشاهی فراعنه است. حضرت صادق علیه السلام فرمود: و خدای بزرگ در این باره وحی نازل کرد که: «به تحقیق ما آن را در شب قدر نازل کردیم و چه می‌دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر بهتر از هزار ماه است» که بنی‌امیه در آن حکومت کنند و شب قدر در آن نباشد. سپس فرمود: پس خدای عزوجل، پیامبر صلی الله علیه و آله را آگاه فرمود که بنی‌امیه قدرت و حکومت این امت را به دست می‌گیرند و مدت سلطنتشان برابر همین زمان است، پس اگر کوهها با ایشان به سرکشی برخیزند ایشان بر کوهها بلندی گیرند تا وقتی که خدای بزرگ به نابودی حکومتشان حکم

کند و بنی‌امیه در این مدت عداوت و کینه ما اهل بیت را شعار خود می‌نمایند، خداوند از آنچه در مدت حکومت بنی‌امیه بر اهل بیت محمد و دوستان و شیعیانشان می‌رسد به رسولش خبر داد، آنگاه حضرت صادق علیه السلام فرمود: و خدا درباره بنی‌امیه وحی نازل فرمود که: «آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفر بدل کردند و قوم خود را به دار هلاکت افکندند دوزخ که در آن سرنگون شوند و بد قرارگاهی است.»! و نعمت خدا محمد و اهل بیت آن حضرتند که دوستی ایشان ایمانی است که باعث ورود به بهشت است و دشمنی ایشان کفر و نفاق است که به جهنم درمی‌آورد، پس رسول خدا این راز را پنهانی با علی و اهل بیتش در میان گذاشت. متوکل گفت: پس از آن حضرت صادق علیه السلام فرمود: احدی از ما اهل بیت تا روز قیامت قائم ما برای دفع ظلمی یا به پا داشتی حقی (بدون اذن امام یا بدون نیروی لازم) خروج نکرده و نخواهد کرد مگر آنکه طوفان بلا او را از ریشه برکند و قیامش موجب افزایش غصه ما و شیعیان ما گردد. متوکل گفت: آنگاه حضرت صادق علیه السلام دعاهای صحیفه را بر من املا فرمود و آن هفتاد و پنج باب بود که من به حفظ یازده باب آن توفیق نیافتم و شصت و چند باب آن را حفظ نمودم. (عکبری گوید): و حدیث کرد ما را ابوالفضل، گفت: و حدیث کرد مرا محمد بن حسن بن روزبه ابوبکر مدائنی کاتب ساکن رحبه در خانه خودش، گفت: حدیث کرد مرا محمد بن احمد بن مسلم مطهری، گفت: حدیث کرد مرا پدرم از عمیر بن متوکل بلخی از پدرش متوکل بن هارون گفت: یحیی بن زید بن علی علیه السلام را ملاقات نمودم - سپس حدیث را تا خواب پیامبر صلی الله علیه و آله که حضرت صادق علیه السلام از پدرانش - که درود خدا بر آنان باد - روایت کرد بیان کرد و فهرست ابواب دعا در روایت مطهری ۵۴ فقره (مطابق فهرست کتاب) است. و باقی ابواب به لفظ ابوعبدالله حسنی رضی الله عنه است: حدیث کرد ما را ابوعبدالله جعفر بن محمد حسنی، گفت: حدیث کرد ما را عبدالله بن عمر بن خطاب زیات، گفت: حدیث کرد مرا دایم علی بن نعمان اعلم، گفت: حدیث کرد مرا عمیر بن متوکل ثقفی بلخی، از پدرش متوکل بن هارون گفت: املا فرمود بر من آقایم امام صادق علیه السلام ابوعبدالله جعفر بن محمد، فرمودند: جدم علی بن الحسین بر پدرم محمد بن علی - بر تمامشان درود - در حضور من املا فرمود.



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتَدَأَ بِالْدُعَاءِ، بَدَأَ

دعای امام سجاد علیه السلام چون به دعا برمی‌خواست بدین صورت به

بِالتَّحْمِيدِ لِلَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - وَالشَّنَاءِ عَلَيْهِ، فَقَالَ:

سپاس و حمد خداوند عزوجل ابتداء می‌کرد و می‌گفت:

﴿١﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ

(۱) سپاس مخصوص خداست. آن وجود مبارکی که اول است، بی آن که

بِلا آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ، الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَتِهِ
أَوَّلُ پِيشِ اَزْ اَوْ بَاشَدِ وَ آخِرِ اسْتِ، بِيْ اَن كِهْ آخِرِيْ پَسِ اَزْ اَوْ بَاشَدِ.

أَبْصَارُ التَّاطِرِينَ، وَ عَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ
دِيْدِهْ بِيْنْدِگَانِ اَزْ دِيْدِنَشِ نَاتَوَانِ، وَ گِمَانِ وَصْفِ كِنْدِگَانِ اَزْ سْتُوْدِنَشِ

الْوَاصِفِينَ.

عاجز است.

﴿٢﴾ ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا، وَ اخْتَرَعَهُمْ

(۲) موجودات را به قدرتش آفرید؛ آفریدنی خوش‌نما و مخلوقات را به

عَلَى مَشِيَّتِهِ اخْتِرَاعًا، ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ
اِرَادَهْ اَشِ سَاخْتِ، سَاخْتِنِيْ زِيْبَا. اَن گَاهِ، تَمَامِ اَن هَا رَا دَر مَسِيْرِ خَوَاسْتِهْ خُوْدِ

اِرَادَتِهِ، وَ بَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ، لَا يَمْلِكُونَ

راهی نمود و در راه محبتش برانگیخت. قدرت پس رفتن، به جانب مرزهای



تَأْخِرًا (تَأْخِرًا) عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ، وَلَا يَسْتَطِيعُونَ

که آنان را از آنها پیش انداخت ندارند و توان پیش رفتن به سوی حدودی که

تَقَدَّمًا إِلَى مَا آخَرَهُمْ عَنْهُ، ﴿۳﴾ وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ

آنان را از آنها پس انداخت ندارند. (۳) از رزق و روزیش، برای هر یک

مِنْهُمْ قُوَّةً مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ

از جان داران، خوراک معلوم و قسمت شده قرار داد. سهم کسی را که فراوان داده،

مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ، وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ؛

احدی نمی‌تواند بکاهد و نصیب کسی از آنان را که کاسته، هیچ کس نمی‌تواند

﴿۴﴾ ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا، وَنَصَبَ

ببفزاید. (۴) آنگاه زندگی او را زمانی

لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا، يَتَخَطَّأُ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمْرِهِ،

محدود قرار داد که به سوی آن پایان، با ایام عمرش قدم برمی‌دارد و با

وَيَرْهَقُهُ بِأَعْوَامٍ دَهْرِهِ، حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَقْصَىٰ

سالهای زندگی، به آن نزدیک می‌شود، تا هنگامی که به دورترین باقی

أَثَرِهِ، وَاسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ، قَبَضَهُ إِلَىٰ مَا

مانده پایان زندگی برسد و پیمانه حساب عمرش را تمام و کامل دریافت

نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورِ عِقَابِهِ،

کند. او را به سوی آنچه از پاداش بسیار، یا عذاب دردناک فرا خوانده برسد،

﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَيَجْزِيَ الَّذِينَ

تا به خاطر عدالتش، بدکاران را به علت کردار ناپسندشان و نیکوکاران



أَحْسِنُوا بِالْحُسْنَى»، عَدْلًا مِنْهُ؛ ﴿٥﴾ تَقَدَّسَتْ

را به سبب کار نیکشان جزا دهد. (٥) پاک و مبارک است نام‌های

أَسْمَاؤُهُ، وَتَظَاهَرَتْ أَلَاؤُهُ؛ «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ

حضرتش و پی در پی است نعمت‌هایش. از آنچه انجام می‌دهد، بازخواست

وَهُمْ يُسْأَلُونَ».

نشود، ولی همگان در پیشگاهش بازخواست شوند.

﴿٦﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنِ عِبَادِهِ

(٦) سپاس مخصوص خداست که اگر بندگانش را از شناخت سپاس‌گزاریش بر آنچه

مَعْرِفَةً حَمَدِهِ عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مِّنْهُ الْمُتَتَابِعَةِ،

که از عطایای پیاپی که محض امتحان‌کردنشان به آنان عنایت فرمود و نعمت‌های

وَ أَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعْمَةِ الْمُتَظَاهِرَةِ، لَتَصَرَّفُوا

پیوسته‌ای که بر آنان کامل‌کرد به چاه محرومیت می‌انداخت، در عطایا و نعمت‌هایش، دخل

فِي مِّنْهُ، فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ

و تصرف می‌کردند و او را سپاس نمی‌گزاردند و روزیش را به فراوانی خرج می‌کردند و به

فَلَمْ يَشْكُرُوهُ، ﴿٧﴾ وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ، لَخَرَجُوا مِنْ

شکر عنایاتش برغمی‌خاستند. (٧) اگر چنین بودند، از حدود انسانیت بیرون

حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ، فَكَانُوا كَمَا

می‌رفتند و به مرز حیوانیت می‌رسیدند. در نتیجه به این صورت بودند که

وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: «إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ، بَلْ

در کتاب محکم‌ش وصف کرده: «آنان جز مانند چهارپایان نیستند بلکه



هُم أَضَلُّ سَبِيلًا».

آنان گمراه‌ترند!».

﴿٨﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا عَرَّفْنَا مِنْ نَفْسِهِ ،

(٨) و سپاس مخصوص خداست که وجودش را به ما شناساند و

وَالْهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ، وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ

شکرش را به ما الهام فرمود و درهای دانش را به پروردگارش

بُرُوبِيَّتِهِ، وَدَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي

به روی ما گشود و ما را بر اخلاص ورزی در یکتایش راهنمایی

تَوْحِيدِهِ، وَجَتَّبْنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَالشَّكِّ فِي أَمْرِهِ؛

کرد و از انحراف در دین و تردید در دستورش، دور داشت.

﴿٩﴾ حَمْدًا نَعْمَّرُ بِهِ فِي مَنْ حَمَدَهُ مِنْ خَلْقِهِ،

(٩) خدا را سپاس می‌گزارم، سپاسی که با آن، در گروه سپاس‌گزاران از بندگانش زندگی کنم

وَنَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَىٰ رِضَاهُ وَعَفْوِهِ؛ ﴿١٠﴾

و با آن سپاس بر هر که به خشنودی و گناه بخشی‌اش پیشی‌جسته، سبقت بگیرم. (١٠)

حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرَزَخِ، وَيُسَهِّلُ

سپاسی که به سبب آن، تاریکی‌های برزخ را بر ما روشن کند و به وسیله

عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ، وَيُشْرِفُ بِهِ مَنَازِلَنَا

آن، راه رستخیز را بر ما آسان فرماید و به کمک آن، رتبه‌های ما را نزد گواهان

عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ، «يَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ

روز قیامت بلند گرداند. «روزی که هر وجودی، به خاطر آنچه مرتکب شده،



بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»، «يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى

پاداش داده شود و مورد ستم قرار نگیرد»؛ «روزی که هیچ دوستی، چیزی از عذاب را از

عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ»؛ ﴿۱۱﴾ حَمْدًا

دوستش دفع نکند و این گنهکاران حرفه‌ای از جانب کسی یاری نشوند»؛ (۱۱) سپاسی

يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَىٰ أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ، «فِي كِتَابِ مَرْقُومٍ،

که از جانب ما، در پرونده‌ای که کردار نیکان در آن رقم خورده و مقربان درگاهش

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ»؛ ﴿۱۲﴾ حَمْدًا تَقَرُّ بِهِ عُيُونُنَا

گواهان آنند، به سوی اعلا عِلِّيِّينَ بالا رود، (۱۲) سپاسی که چون دیده‌ها در قیامت

إِذَا بَرِقَتِ الْأَبْصَارُ، وَتَبَيَّضُ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا

خیره شود، سبب روشنی دیده ما شود و هنگامی که چهره‌ها سیاه گردد، به نورانیت

اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ؛ ﴿۱۳﴾ حَمْدًا نَعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ

آن صورت‌های ما به سپیدی رسد. (۱۳) سپاسی که ما را از آتش دردناک

نَارِ اللَّهِ، إِلَىٰ كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ؛ ﴿۱۴﴾ حَمْدًا نَزَّاحِمٌ

خدا آزاد و در جوار کریمانه‌اش جای دهد. (۱۴) سپاسی که به وسیله آن،

بِهِ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبِينَ، وَنُضَامٌ بِهِ أَنْبِيَاءُهُ

همدوش فرشتگان شویم و در پیشگاه رحمتش جای را بر آنان تنگ کنیم و به

الْمُرْسَلِينَ، فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ، وَمَحَلِّ

سبب آن، در سرای جاودانی که از بین نمی‌رود و محل کرامتش که دگرگونی نمی‌پذیرد

كِرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ.

با پیامبران مرسل همراه شویم.



﴿۱۵﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ،

(۱۵) و سپاس مخصوص خداست که زیبایی‌های آفرینش را برای ما برگزید

وَأَجْرِي عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَجَعَلَ

و روزی‌های پاکیزه را به سوی ما روان ساخت. و ما را با تسلط بر همه

لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ،

موجودات برتری داد. در نتیجه، همه موجوداتش بر اساس قدرت حضرتش

فَكُلُّ خَلْقِيَّتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ، وَصَائِرَةٌ إِلَى

فرمانبردار ما هستند و در سایه عزتش، در گردونه اطاعت از ما قرار

طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ.

دارند.

﴿۱۶﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ

(۱۶) و سپاس مخصوص خداست که در احتیاج و نیاز ما را از غیر

إِلَّا إِلَيْهِ، فَكَيْفَ نُطِيقُ حَمْدَهُ؟! أَمْ مَتَى

خود بست؛ پس چگونه قدرت سپاس‌گزاری او را داریم؟ یا چه زمانی

نُؤَدِّي شُكْرَهُ؟! لَمْ مَتَى؟ ﴿۱۷﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

می‌توانیم به ادای شکرش اقدام کنیم؟ هیچ‌گاه! (۱۷) و سپاس مخصوص خداست

الَّذِي رَكَّبَ فِينَا آلَاتِ الْبَسْطِ، وَجَعَلَ لَنَا

که در پیکر ما ابزار گشودن اندام را سوار کرد و آلات بستن آنها را قرار داد و

أَدْوَاتِ الْقَبْضِ، وَمَتَّعَنَا بِرُوحِ الْحَيَاةِ، وَأَثَبَتْ

ما را با روان‌های زنده، از زندگی بهره‌مند ساخت و اعضای انجام دادن کار



فِي نَاجِوَارِحِ الْأَعْمَالِ، وَغَدَانَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ،

را در وجود ما استوار کرد و با روزی‌های پاکیزه خوراک داد و با احسانش

وَ أَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَأَقْنَانَا بِمَنِّهِ؛ ﴿١٨﴾ ثُمَّ أَمَرْنَا

ما را بی‌نیاز کرد و با عطایش به ما سرمایه بخشید، (۱۸) آنگاه دستورهایش را

لِيَخْتَبِرَ طَاعَتَنَا، وَنَهَانَا لِيَبْتَلِيَ شُكْرَنَا،

متوجه ما فرمود تا فرمان بردن ما را بسنجد و از محرمات بر حذرمان داشت تا شکر کردنمان

فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ، وَرَكِبْنَا مُتُونِ زَجْرِهِ،

را بی‌ایمانی، پس از این همه عنایت، از مسیر دستورش روی گردانیدیم و بر مرکب سخت و

فَلَمْ يَبْتَدِرْنَا بِعُقُوبَتِهِ، وَلَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ، بَلْ

سنگین محرماتش سوار شدیم. با این همه، به کیفرش نسبت به ما شتاب نوریذ و بر انتقام

تَأَنَّنَا بِرَحْمَتِهِ تَكْرُمًا، وَانْتَظَرْنَا مُرَاجَعَتَنَا

گرفتن از ما عجله نکرد؛ بلکه به رحمت و کرمش از سر خشنودی و رضایت با ما معامله کرد و به

بِرَأْفَتِهِ حَلْمًا.

مهربانی و بردباریش، بازگشت ما را از مسیر گناه انتظار کشید.

﴿١٩﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ، الَّتِي

(۱۹) و سپاس مخصوص خداست که ما را به بازگشت و توبه از گناه، راهنمایی کرد؛ توبه‌ای که آن

لَمْ نَفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ، فَلَوْلَمْ نَعْتَدِ مِنْ فَضْلِهِ

را جز از طریق احسانش به دست نیاوردیم و اگر از فضل و احسان بی‌شمارش، غیر این عنایت را که

الْآبِهَاءُ، لَقَدْ حَسُنَ بَلَاؤُهُ عِنْدَنَا، وَجَلَّ

عبارت از بخشیدن نعمت توبه و بازگشت است، به حساب نیاوریم، محققاً آزمایشش درباره ما نیکو



اِحْسَانُهُ الْيَنَاءِ، وَجَسْمَ فَضْلِهِ عَلَيْنَا، فَمَا هُنَّكَ

واحسانش در حق ما بزرگ و بخشش او بر ما عظیم است. روش وجود مقدسش در برنامه توبه در باره

كَانَتْ سُنَّتَهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا؛ (۲۰) لَقَدْ

کسانی که پیش از ما بودند، چنین نبود: (۲۰) آنچه را در عرصه گاه توبه، در طاقت و توان ما نبوده،

وَضَعْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَلَمْ يُكَلِّفْنَا

از دوش جان ما برداشته و جز به اندازه قدرت و وسعمان به ما تکلیف نفرموده، در میان آن همه

اِلَّا وُسْعًا، وَلَمْ يُجَسِّمْنَا اِلَّا يَسْرًا، وَلَمْ يَدْعِ

تکالیف سخت، ما را جز به تکالیف آسان و انداشته و در این زمینه، برای هیچ یک از ما دلیل و بهانه‌ای

لَا حَدٍ مِّنَّا حُجَّةً وَلَا عُذْرًا، فَالْهَالِكُ مِمَّنْ

باقی نگذاشته است؛ بنابراین هلاک شونده از ما، کسی است که در میدان مخالفت با او هلاک گردد

هَلَكَ عَلَيْهِ، وَالسَّعِيدُ مِمَّنْ رَغِبَ اِلَيْهِ.

و سعادتمند از ما کسی است که به سوی او میل و رغبت نماید.

(۲۱) وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ اَدْنٰى

(۲۱) و خدا را سپاس، به همه آن سپاسی که نزدیک‌ترین فرشتگان

مَلَائِكَتِهِ اِلَيْهِ، وَاكْرَمُ خَلْقَتِهِ عَلَيْهِ، وَاَرْضٰى

به او و بزرگواریترین مخلوقاتش نزد او و پسندیده‌ترین ستایش‌گران

حَامِدِيهِ لَدَيْهِ؛ (۲۲) حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ،

آستان او، حضرتش را ستوده‌اند؛ (۲۲) سپاسی که از دیگر سپاس‌ها،

كَفْضَلِ رَبِّنَا عَلٰى جَمِيعِ خَلْقِهِ، ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ

برتری جوید، مانند برتری پروردگار به همه مخلوقات. سپس او را



مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَّهُ عَلَيْنَا، وَعَلَىٰ جَمِيعِ عِبَادِهِ

سپاس، به جای تمام نعمت‌هایی که او بر ما و به تمام

الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ، عَدَدًا مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ

گذشته‌اش و همه آنانی که هستند و می‌آیند دارد، سپاسی به عدد

مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَمَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ

تمام‌اشیایی که دانشش بر آنها احاطه دارد و سپاسی به جای هر یک از اشیا

مِنْهَا عَدَدًا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً، أَبَدًا سَرْمَدًا

به چندین برابر؛ سپاسی ابدی و همیشگی

إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ ﴿٢٣﴾ حَمْدًا لَا مُنْتَهَىٰ لِحَدِّهِ،

تا روز قیامت، (۲۳) سپاسی که مرز را پایانی

وَلَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ، وَلَا مَبْلَغَ لِغَايَتِهِ،

و شماره آن را حسابی و پایانش را نهایی

وَلَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ؛ ﴿٢٤﴾ حَمْدًا يَكُونُ وُصْلَةً إِلَىٰ

و مدت‌ش را سرآمدی نباشد. (۲۴) سپاسی که رشته اتصال

طَاعَتِهِ وَعَفْوِهِ، وَسَبَبًا إِلَىٰ رِضْوَانِهِ، وَذَرِيعَةً

به طاعت و بخشش و عامل رضایت و خشنودیش و وسیله

إِلَىٰ مَغْفِرَتِهِ، وَطَرِيقًا إِلَىٰ جَنَّتِهِ، وَخَفِيرًا

آمرزشش و راهی به سوی بهشتش و حفاظت کننده

مِنْ نَقْمَتِهِ، وَأَمْنًا مِنْ غَضَبِهِ، وَظَهِيرًا عَلَىٰ

از کيفرش و امان از خشمش و مددکاری بر



طَاعَتِهِ، وَ حَاجِزًا عَنِ مَعْصِيَتِهِ، وَ عَوْنًا

طاعتش و مانع و سدی از نافرمانیش و کمکی

عَلَى تَأْدِيَةِ حَقِّهِ وَ وَظَائِفِهِ؛ ﴿٢٥﴾ حَمْدًا نَسَعْدُ

بر ادای حق و عهد و پیماناش باشد. (۲۵) سپاسی که به وسیله آن، در گروه

بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَ نَصِيرُهُ فِي نَظْمِ

سعادتمندان از دوستانش، به خوشبختی و سعادت برسیم، و به سبب آن با شمشیر

السُّهْدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ؛ إِنَّهُ وَلِيُّ حَمِيدٍ.

دشمنانش در سلك شهیدان قرار گیریم. همانا اویار بندگان، و خدای ستوده خصال است.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ هَذَا التَّحْمِيدِ،

دعای امام سجاد علیه السلام پس از این ستایش

فِي الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

در درود بر رسول خدا صلی الله علیه و آله

﴿١﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ

(۱) سپاس مخصوص خداست، که نه بر امت‌های گذشته و زمان‌های سپری

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ،

شده؛ بلکه بر ما به وجود محمد صلی الله علیه و آله منت نهاد؛ با قدرتش که

وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ، بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجِزُ عَنْ شَيْءٍ

از هیچ چیز هر چند بزرگ باشد، ناتوان نمی‌شود و هیچ چیز هر چند کوچک و

وَإِنْ عَظُمَ، وَلَا يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَإِنْ لَطْفٌ، ﴿٢﴾

ریز باشد، از دایره اختیار و عرصه ارادتش، بیرون نمی‌رود. (۲) خدای توانا، ما را

فَخَتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعٍ مِنْ ذُرَا، وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ

بر همه امت‌هایی که آفرید، خاتم قرار داد و بر همه منکران حق و حقیقت

عَلَى مَنْ جَحَدَ، وَكَثَّرْنَا بِإِمْنِهِ عَلَى مَنْ قَلَّ.

گواه گرفت و با نیکی و احسانش، ما را بر آنان که اندک بودند، فزونی بخشید.

﴿٣﴾ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا مِينِكَ عَلَيَّ وَحَيْكَ،

(۳) خدایا بر محمد درود فرست، آن وجود مبارکی که امین بر



وَنَجِيكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَفِيكَ مِنْ عِبَادِكَ،

وحیت و گزیده از مخلوقات و انتخاب شده از بندگان توست

إِمَامِ الرَّحْمَةِ، وَقَائِدِ الْخَيْرِ، وَمِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ،

و او پیشوای رحمت و قافله سالار خوبی و کلید برکت است.

﴿٤﴾ كَمَا نَضَبَ لِأَمْرِكَ نَفْسَهُ، وَعَرَّضَ فَيْكَ

(٤) چنانکه جانش را برای فرمانت به زحمت انداخت و بدنش را در راه وجود مقدست

لِلْمَكْرُوهِ بَدَنَهُ، وَكَاشَفَ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ

در معرض ناراحتی قرار داد و در دعوت به سوی تو، آشکارا با خویشان و نزدیکانش

حَامَّتَهُ، وَحَارَبَ فِي رِضَاكَ أَسْرَتَهُ، وَقَطَعَ

رو در رو قرار گرفت و در مسیر خشنودیت با اشخاص خانواده اش جنگید و در راه

فِي إِحْيَاءِ دِينِكَ رَحْمَةً، وَأَقْصَى الْأَدْنَى عَلَى

برقراری دینت، از خویشاوندانش برید و نزدیک ترین بستگانش را به سبب انکارشان، از

جُحُودِهِمْ، وَقَرَّبَ الْأَقْصَى عَلَى اسْتِجَابَتِهِمْ لَكَ،

خود دور کرد و دورترین را به علت پذیرفتن دین تو، به خود نزدیک فرمود. با بیگانه ترین

وَوَالِي فَيْكَ الْأَبْعَدِينَ، وَعَادَى فَيْكَ الْأَقْرَبِينَ،

مردم، به خاطر تو دوستی ورزید و با نزدیک ترین خویشان، به هوای تو دشمنی کرد.

وَأَدَابَ نَفْسِهِ فِي تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ، وَاتَّعَبَهَا

و جانش را در رساندن پیام تو به خستگی افکند و وجودش را به خاطر فراخواندن

بِالدُّعَاءِ إِلَى مِلَّتِكَ، وَشَغَلَهَا بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ

مردم به آیین تو، به زحمت افکند و خود را به جهت خیرخواهی، نسبت به پذیرندگان



دَعْوَتِكَ، ﴿٥﴾ وَهَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الْغُرَبَةِ، وَمَحَلِّ

دعوت در عرصه کار و کوشش گذاشت (۵) و برای تبلیغ دینت، به سرزمینهای

النَّأْيِ عَنِ مَوْطِنِ رَحْلِهِ، وَ مَوْضِعِ رَجْلِهِ،

غربت و جا و مکان دور از وطن و دور از خانه و منزلش و جدای از مرکز سکونت

و مَسْقَطِ رَأْسِهِ، وَ مَأْنَسِ نَفْسِهِ، إِرَادَةً مِنْهُ

و محل تولد و آرامگاه جانش، هجرت کرد. این هجرت اراده و خواست او بود برای

لِإِعْزَازِ دِينِكَ، وَ اسْتِنصَارًا عَلَى أَهْلِ الْكُفْرِ

نیرومند شدن دینت و یاری جستن علیه کافران به حضرت، (۶) تا جایی که هر

بِكَ، ﴿٦﴾ حَتَّى اسْتَتَبَّ لَهُ مَا حَاوَلَ فِي أَعْدَائِكَ،

آنچه، دریاه دشمنانت با چاره‌جویی و دوراندیشی، در صدد به دست آوردنش بود،

وَ اسْتَتَمَّ لَهُ مَا دَبَّرَ فِي أَوْلِيَائِكَ، فَنَهَدَ إِلَيْهِمْ

برای او هموار شد و آنچه در مورد دوستانت، سنجیده و نظام داده بود برایش کامل

مُسْتَفْتِحًا بِعَوْنِكَ، وَ مُتَّقَوِيًّا عَلَى ضَعْفِهِ

گشت. پس در حالی که از کمک دهیات، خواستار پیروزی بود و از یاریت به جبران

بَبَصْرِكَ، فَغَزَاهُمْ فِي عَقْرِ دِيَارِهِمْ، وَ هَجَمَ

ناتوانیش خواهان نیرو و قدرت بود، به سرعت به کارزار، با دشمنان برخاست ؛

عَلَيْهِمْ فِي مُجْبُوْحَةٍ قَرَارِهِمْ، حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُكَ،

در نتیجه در وسط سرزمینشان با آنان جنگید و در میان محل اقامتشان به آنان هجوم

وَ عَلَتِ كَلِمَتُكَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

برد تا فرمانت آشکار شد و دینت برتری یافت ؛ گرچه مشرکان را خوش نیاید.



(۷) اللَّهُمَّ فَارْفَعُهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجَةِ

(۷) خدایا! به خاطر مشقت و زحمتی که در راه تو کشید، مرتبه او را به

الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ، حَتَّى لَا يُسَاوَى فِي مَنْزِلَةٍ،

بالاترین درجه بهشت بالا بر، تا جایی که هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسل،

وَلَا يُكَافَأُ فِي مَرْتَبَةٍ، وَلَا يُوَازِيهِ لَدَيْكَ

در پیشگاه حضرت در قدر و منزلت و درجه و مرتبت با او یکسان و برابر و

مَلِكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَعَرَفَهُ فِي

موازی نشود و از نیکی شفاعت و پذیرش میانجی‌گری او در مورد

أَهْلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ أُمَّتِهِ الْمُؤْمِنِينَ، مِنْ حُسْنِ

اهل بیت پاکیزه‌اش و امت مؤمنش، بیش‌تر از آنچه

السَّفَاعَةِ أَجَلَ مَا وَعَدْتَهُ؛ (۸) يَا نَافِذَ الْعِدَّةِ، يَا

به او وعده داده‌ای، به حضرتش اعلام کن. (۸) ای که وعده‌ات تحقق می‌یابد

وَإِيفَاءِ الْقَوْلِ، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنْ

و عهدهت قرین وفاست! ای که بدی‌ها را، به چندین برابر به خوبی‌ها تبدیل

الْحَسَنَاتِ؛ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.

می‌کنی! همانا تو صاحب احسان و بخشش عظیمی.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در طلب رحمت بر حاملان عرش

وَكَلِّ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ

و تمام فرشتگان مقرب

﴿١﴾ اللَّهُمَّ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يُفْتَرُونَ

(۱) خدایا! و حاملان عرش: آن بزرگوارانی که از تسیح گفتن

مِنْ تَسْبِيحِكَ، وَلَا يَسَامُونَ مِنْ تَقْدِيسِكَ،

برای تو سست و بی حال نمی شوند و از تقدیست به ستوه نمی آیند،

وَلَا يَسْتَحْصِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا يُؤْثِرُونَ

و از بندگیت خسته و وامانده نمی گردند، و کوتاهی در عمل را بر کوشش

التَّقْصِيرَ عَلَى الْجَدِّ فِي أَمْرِكَ، وَلَا يَغْفَلُونَ عَنِ

در اجرای دستورت ترجیح نمی دهند، و از شیفگی و سرگشتگی نسبت به

الْوَلِّهِ إِلَيْكَ؛ ﴿٢﴾ وَ إِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ،

تو، غفلت نمی ورزند. (۲) و اسرافیل که صاحب شیپور است؛ آن بلندمرتبه ای که

الشَّأْخِصُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ، وَ حُلُولَ

چشم به راه اجازه و فرود آمدن دستور، از جانب توست. به محض رسیدن فرمانت

الْأَمْرِ، فَيَنْبِئُهُ بِالنَّفْحَةِ صَرَعى رَهَائِنَ الْقُبُورِ؛

با یک بار دمیدن در شیپور، افتادگان در زندان گور، از خواب مرگ بیدار می کند.



(۳) وَمِيكَائِيلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ، وَالْمَكَانِ

(۳) و میکائیل که نزد تو، صاحب مقام و مرتبه است، و در

الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِكَ؛ (۴) وَجِبْرِيلُ الْأَمِينُ عَلَى

عرصه طاعتت دارای درجه‌ای بلند است. (۴) و جبرئیل که امین بر

وَحِيكَ، الْمُطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَاوَاتِكَ، الْمَكِينُ

وحی توست، و در میان اهل آسمان‌هایت مورد اطاعت است؛

لَدَيْكَ، الْمُقَرَّبُ عِنْدَكَ؛ (۵) وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ

فرشته‌ای که در پیشگاهت ارجمند، و نزد حضرتت مقرب است. (۵) روحی

عَلَى مَلَائِكَةِ الْحُجُبِ، وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ

است که بر فرشتگان حجاب‌ها گمارده‌ای، و جانی است که از

مِنْ أَمْرِكَ؛ (۶) فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ

مشرق فرمانت طلوع کرده؛ (۶) پس بر همه آنان درود فرست.

الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ، مِنْ سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ،

و بر فرشتگانی که از نظر مرتبه و مقام پایین‌تر از آنانند؛ فرشتگانی که

وَأَهْلِ الْأَمَانَةِ عَلَى رِسَالَتِكَ؛ (۷) وَالَّذِينَ

ساکنان آسمان‌هایت هستند، بر پیام‌هایت امینند. (۷) و آنان که

لَا تَدْخُلُهُمْ سَأْمَةٌ مِنْ دُؤُوبٍ، وَلَا أَعْيَاءٌ مِنْ

به خاطر کوشش پیوسته و دائم‌شان، ملامت بر آنها وارد نمی‌شود، و از

لُغُوبٍ وَلَا فُتُورٍ، وَلَا تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِيحِكَ

هیچ زحمتی، خستگی و سستی و ناتوانی به آنان راه پیدا نمی‌کند. امیال



الشَّهَوَاتِ ، وَلَا يَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِيمِكَ سَهُوُ

و شهوات، از تسبیح بازشان نمی‌دارد، و فراموشی ناشی از غفلت‌ها

الْغَفْلَاتِ ، ﴿٨﴾ الْخَشَعُ الْأَبْصَارِ ، فَلَا يَرُومُونَ

آنان را از تعظیم به تو جدا نمی‌کند، (۸) فروهسته دیدگانند؛ بنابراین،

النَّظَرَ إِلَيْكَ ، النَّوَاصِيسُ الْأَذْقَانِ ، الَّذِينَ قَدْ

نظر کردن به جمال و جلال حضرتت را درخواست نمی‌کنند. از حقارت

طالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِيمَا لَدَيْكَ ، الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِكْرِ

و خواری، در برابر عظمت سر به زیر افتاده‌اند. شوقشان به آنچه نزد

آلَائِكَ ، وَالْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ وَجَلالِ

توست، طولانی شد. به یاد نعمت‌هایت شیفته‌اند و در برابر عظمت

كِبْرِيائِكَ ؛ ﴿٩﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى

و بزرگی کبریایت فروتنند. (۹) و آن دسته از فرشتگانی که چون به

جَهَنَّمَ ، تَزْفِرُ عَلَىٰ أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ : سُبْحَانَكَ ،

جانب جهنم بنگرند، و آن را بر متخلفان از دستورهایت خروشان و عربده‌کنان ببینند،

مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ ؛ ﴿١٠﴾ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

می‌گویند: خدایا! منزه و پایی. ما تو را چنانکه سزاوار توست بندگی نکردیم؛ (۱۰) پس

وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ ، وَ أَهْلِ

بر آنان درود فرست، و نیز درود فرست بر روحانیون از فرشتگان و اهل

الرُّؤْفَةِ عِنْدَكَ ، وَ حَمَالِ الْغَيْبِ إِلَى رُسُلِكَ ،

رتبه و منزلت در پیشگاهت و حاملان پیام غیب، به سوی رسولانت،



وَالْمُؤْتَمِنِينَ عَلَى وَحْيِكَ، وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ

و امینان بر وحیت و اصناف فرشتگانی که

الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَأَغْنَيْتَهُمْ عَنِ

آنان را به خود اختصاص داده‌ای، در سایه تقدیست،

الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ بِتَقْدِيرِكَ، وَأَسْكَنْتَهُمْ بُطُونَ

از خوراک و آشامیدن بی‌نیاز کرده‌ای، و در اندرون طبقات آسمان‌هایت، ساکن

أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ؛ ﴿۱۱﴾ وَالَّذِينَ عَلَى أَرْجَائِهِا إِذَا

فرموده‌ای. (۱۱) و درود بر آنان که چون فرمانت به انجام وعده‌ات نازل

نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَمَامٍ وَعَدِكَ؛ ﴿۱۲﴾ وَخُزَّانِ الْمَطَرِ

شود، به اطراف آسمان‌ها گماشته شوند. (۱۲) و درود بر خزانه‌داران باران

وَزَوَاجِرِ السَّحَابِ، وَالَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ

و حرکت دهندگان ابر و فرشته‌ای که به صدای فریادش،

يُسْمَعُ زَجَلُ الرَّعُودِ، وَإِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَةٌ

غرش رعدها شنیده می‌شود، و هنگامی که ابر خروشان به وسیله او

السَّحَابِ التَّمَعَّتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ؛ ﴿۱۳﴾

به حرکتی شتابانه درآید، شعله‌های برق درخشیدن گیرد. (۱۳)

وَمُشِيعِي الثَّلْجِ وَالْبَرَدِ، وَالْمَاهِطِينَ مَعَ قَطْرِ

و درود بر فرشتگانی که برف و تگرگ را بدرقه می‌کنند، و فرشتگانی که همراه قطره

الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ، وَالْقَوَّامِ عَلَى خَزَائِنِ الرِّيَّاحِ،

باران، چون ببارد، فرود آیند. و درود بر آنان که سرپرست خزینه‌های بادند،



وَالْمُؤَكَّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ؛ ﴿١٤﴾ وَالَّذِينَ

و آنان که بر کوهها گماشته شده‌اند؛ بنابراین از جا در نمی‌روند، (۱۴)

عَرَفْتَهُمْ مَثَاقِيلَ الْمِيَاهِ، وَكَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوْ أَعْجُ

و درود بر آنان که وزن آب‌ها، و اندازه باران‌های سیل‌آسا، و رگبارهای

الْأَمْطَارِ وَعَوَالِجُهَا، وَرُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى

متراکم را به آنها شناسانده‌ای. و درود بر فرستادگانت به سوی

أَهْلِ الْأَرْضِ، بِمَكْرُوهِ مَا يَنْزِلُ مِنَ الْبَلَاءِ،

اهل زمین، از فرشتگانی که گرفتاری ناخوشایند و گشایش

وَمَحْبُوبِ الرَّخَاءِ، ﴿١٥﴾ وَالسَّفَرَةَ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ،

خوش آیند برای آنان می‌آورند، (۱۵) و درود بر سفیران بزرگواری نیکوکار،

وَالْحَفْظَةَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَمَلِكِ الْمَوْتِ

و نویسندگان ارجمندی که حافظان اعمال مردمند، و درود بر فرشته مرگ

وَأَعْوَانِهِ، وَمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ، وَرُومَانَ فَتَّانِ

و یارانش و منکر و نکیر و رومان آزمایش کننده مردگان

الْقُبُورِ، وَالطَّائِفِينَ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، وَمَالِكِ

قبرها، و درود بر طواف‌کنندگان بیت معمور، و بر مالک

وَالْخَزْنَةِ وَرِضْوَانَ، وَسَدَنَةَ الْجِنَانِ؛ ﴿١٦﴾

و خازنان دوزخ و رضوان، و خدمتگزاران بهشت. (۱۶)

«وَالَّذِينَ لَا يَعِصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَيَفْعَلُونَ

و درود بر فرشتگانی که، خدا را «در آنچه دستورشان می‌دهد، مخالفت نمی‌کنند، و آنچه



مَا يُؤْمَرُونَ»؛ ﴿١٧﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ: «سَلَامٌ

رافرمان داده می شوند، انجام می دهند». (۱۷) و درود بر فرشتگانی که به اهل بهشت می گویند: «بر

عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»، وَالزَّيْنِيَّةِ

شهباه خاطر صبری که بر عبادات و ترک محرمات کردید، سلام باد». بنابراین خانه آخرت برای شما

الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ: «خُذُوهُ فَغُلُّوهُ، ثُمَّ الْجَحِيمَ

نیکو خانه ای است، و درود بر نگاهبانان دوزخ؛ چون به آنها گفته شود: «مجرم را بگیرید و او را زنجیر

صَلُّوهُ»، ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا وَلَمْ يُنْظَرُوهُ، ﴿١٨﴾

کنید و سپس به جهنم دراندازید، «شتابان و سریع دستگیرش کنید و به او مهلت ندهند، (۱۸) و

وَمَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَلَمْ نَعْلَمْ مَكَانَهُ مِنْكَ،

درود بر فرشته ای که یادش را از حساب انداختیم، و از رتبه و منزلتش آگاه

وَبِأَيِّ أَمْرِ وَكَلَّتْهُ، وَسُكَّانِ الْهَوَاءِ وَالْأَرْضِ

نشدیدم، و نمی دانیم او را به کاری گماشته ای. و درود بر فرشتگانی که ساکن هوا،

وَالْمَاءِ، وَمَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ؛ ﴿١٩﴾ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

و زمین و آبند، و کسانی از آنان که گماشتگان بر مخلوقاتند؛ (۱۹) پس بر آنان درود

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ، وَصَلِّ

فرست، روزی که هر شخصی به محشر می آید، در حالی که همراه او فرشته راننده،

عَلَيْهِمْ صَلَاةٌ تَزِيدُهُمْ كِرَامَةً عَلَى كِرَامَتِهِمْ،

و فرشته گواه عمل است، و بر آنان درود فرست؛ درودی که، کرامت بر کرامتشان

وَطَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ.

و پاکی بر پاکیشان بیفزاید.



﴿٢٠﴾ اللَّهُمَّ وَإِذَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مَلَائِكَتِكَ

(۲۰) خدایا! زمانی که بر فرشتگان و رسولانت درود می‌فرستی،

وَرُسُلِكَ، وَبَلَغْتَهُمْ صَلَاتَنَا عَلَيْهِمْ، فَصَلِّ

و درود ما را به آنان می‌رسانی، به خاطر گفتار نیکی که در

عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ؛

وصف آنان بر زبان ما جاری ساختی، بر ما هم درود فرست:

إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

همانا تو بخشنده ارجمندی.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در درود

عَلَى أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقِيهِمْ

بر پیروان پیغمبران و ایمان آورندگان به ایشان



﴿١﴾ اللَّهُمَّ وَاتَّبَاعِ الرُّسُلِ، وَ مُصَدِّقُوهُمْ مِنْ أَهْلِ

(۱) خدایا! پیروان رسولان و تصدیق کنندگانشان، که عبارتند از مردم روی

الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ، عِنْدَ مُعَارَضَةِ الْمُعَانِدِينَ

زمین، آن مردمی که تصدیقشان، قلبی و درونی بود، آنهم زمانی که دشمنان با

هُمْ بِالتَّكْذِيبِ، وَ الْإِشْتِاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ

تکذیب رسالت رسولان، به مخالفت با آنان برخاستند، ولی پیروان و تصدیق

بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ، ﴿٢﴾ فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ،

کنندگان، به کمک حقایق ایمانی، مشتاقانه به طرف رسولان روی آوردند، (۲) در

أَرْسَلْتَ فِيهِ رَسُولًا، وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا،

هر روزگار و زمانی که رسولی فرستادی، و برای مردم آن روزگار و زمان، چراغ راه

مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ -

و دلیل و برهان برپا کردی، از زمان آدم، تا دوران محمد صلی الله علیه و آله،

مِنْ أَيْمَةِ الْهُدَى، وَ قَادَةَ أَهْلِ التَّقَى - عَلَى

از پیشوایان هدایت و فرماندهان اهل تقوا، بر همه آنان

جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ- فَادْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ

سلام باد! خدایا! آنان را از جانب خود، به آمرزش و خشنودی

وَرِضْوَانٍ.

یاد کن.

(۳) اَللّٰهُمَّ وَاَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً، الَّذِيْنَ

(۳) خدایا! و به ویژه اصحاب محمد را، آنان که شرط همنشینی با او را، به

اَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ، وَالَّذِيْنَ اَبْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ

خوبی پاس داشتند، و کسانی که در یاری دادن به حضرتش، امتحان دادند،

فِي نَصْرِهِ وَكَانَفُوهُ، وَاسْرَعُوا اِلَى وِفَادَتِهِ،

امتحانی نیکو، و او را در تمام پیشامدها کمک کردند، و به زیارت و دیدارش

وَسَابَقُوا اِلَى دَعْوَتِهِ، وَاسْتَجَابُوا لَهٗ حَيْثُ

شتافتند، و برای شنیدن دعوتش، بر یکدیگر پیشی جستند، و هنگامی که دلیل

اَسْمَعَهُمْ حُجَّةَ رِسَالَتِهِ، (۴) وَفَارَقُوا الْاَزْوَاجَ

پیام‌هایش را، به گوش آنان رساند، او را اجابت کردند، و آیینش را پذیرفتند

وَالْاَوْلَادَ فِي اِظْهَارِ كَلِمَتِهِ، وَاقَاتَلُوا الْاَبَاءَ

(۴) و در راه آشکار کردن دینش، از همسران و فرزندان جدا شدند، و برای

وَالْاَبْنَاءَ فِي تَثْبِيْتِ نُبُوَّتِهِ، وَانْتَصَرُوا بِهٖ،

پابرجا شدن نبوتش، با پدران و فرزندان خود جنگیدند، و به خاطر وجود او،

وَمَنْ كَانُوا مُنْطَوِيْنَ عَلٰى مَحَبَّتِهِ، «يَرْجُونَ

در آن جنگ‌ها پیروز شدند. و کسانی که به رشته محبت او پیچیده شدند، در مسیر



تِجَارَةً لَّنْ تَبَوَّرَ» فِي مَوَدَّتِهِ، وَالَّذِينَ هَجَرْتَهُمْ

دوستی و عشقش، «تجارتی را امید دارند، که هرگز کسادی و زیان، در آن راه ندارد».

العشائر، إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ، وَانْتَفَتَ مِنْهُمْ

و آنان که وقتی به دستگیره دین او آویختند، قبایل و عشایرشان از آنان دوری

القراباتُ، إِذْ سَكَنُوا فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ؛ ﴿۵﴾

گزیدند، و زمانی که در سایه قرب به او آمیدند، خویشاوندانشان از آنان کناره گرفتند.

فَلَا تَنْسَ لَهُمْ- اللَّهُمَّ- مَا تَرَكُوا لَكَ وَفِيكَ،

(۵) خدایا! لطفت را برای اصحاب محمد به خاطر آنچه که محض تو، و در راه تو از

وَأَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ، وَبِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ

دست دادند، از نظر دور مدار و آنان را از خشنودیت خشنود ساز! و نیز به خاطر

عَلَيْكَ، وَكَانُوا مَعَ رَسُولِكَ دُعَاةً لَكَ إِلَيْكَ،

آن که مردم را پیرامون دینت گرد آوردند، و در حالی که خالصانه، ملت را به سوی تو

وَاشْكُرْهُمْ عَلَى هَجْرِهِمْ فِيكَ دِيَارَ قَوْمِهِمْ،

دعوت می‌کردند، همراه فرستاده‌ات بودند، و برای این که در راه تو از شهر و دیار

وَخُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْمَعَاشِ إِلَى ضَيْقِهِ،

و قوم خود هجرت کردند و از فراخی معاش، به تنگی و سختی دچار شدند و افراد

وَمَنْ كَثُرَتْ فِي إِعْزَازِ دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ.

زیادی که برای بزرگداشت دینت ستم‌ها تحمل کردند، پاداش عنایت کن.

﴿۶﴾ اللَّهُمَّ وَأَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ،

(۶) خدایا! به آنان که به خوبی و نیکی پیرو اصحاب پیامبرند؛



الَّذِينَ « يَقُولُونَ: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا

آن پیروانی که می‌گویند: « پروردگارا! ما و برادران ما را که

الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ»، خَيْرَ جَزَائِكَ، ﴿٧﴾

به ایمان بر ما پیشی گرفتند پیامرز! « بهترین پاداشت را برسان؛ (۷)

الَّذِينَ قَصَدُوا سَمَتَهُمْ، وَتَحَرَّوْا وَجْهَتَهُمْ،

همانان که روش اصحاب را قصد کردند و سمت و سو و جهت آنان را برگزیدند،

وَمَضَوْا عَلَى شَاكِلَتِهِمْ، لَمْ يَشْهِمْ رَيْبٌ فِي

و شیوه آنان را دنبال کردند، در حالی که تردیدی در بینایشان

بصيرَتِهِمْ، وَلَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ،

خطور نکرد و شکی در پیروی آثارشان، و اقتدا به نشان هدایتشان، دل مشغولشان نساخت.

و الْإِيْتِمَامِ بِهِدَايَةِ مَنْارِهِمْ، مُكَانِفِينَ وَ مُوَازِرِينَ

کم کاران و تقویت کنندگان اصحاب بودند؛ به دین آنان می‌گروند و به هدایت

لَهُمْ، يَدِينُونَ بِدِينِهِمْ، وَيَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ،

آنان راه می‌یابند و نسبت به اصحاب واقعی پیامبر اتفاق نظر دارند، و آنان را در

يَتَّفِقُونَ عَلَيْهِمْ، وَلَا يَتَّهَمُونَهُمْ فِيمَا آدَّوْا إِلَيْهِمْ.

برنامه‌هایی که از رسول اسلام به ایشان رساندند، متهم به دروغ و کذب نمی‌کنند.

﴿٨﴾ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ، مِنْ يَوْمِنَا هَذَا

بر خدایا! از امروز تا روز قیامت،

إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، وَعَلَى أَزْوَاجِهِمْ وَعَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ،

تابعین و همسران و فرزندان ایشان و بر هر که از آنان که



وَعَلَىٰ مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ، ﴿٩﴾ صَلَاةً تَعَصِمُهُمْ بِهَا

تو را اطاعت کرده، درود فرست؛ (۹) درودی که به سبب آن از

مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَتَفْسَحُ لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ،

معصیت بازمانداری، و به آنان در باغ بهشت، وسعت و گشایش دهی

وَتَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ، وَتُعِينُهُمْ بِهَا

و از نیرنگ شیطان مانعشان گردی، و به هر کار نیک که نسبت به آن

عَلَىٰ مَا اسْتَعَانُوكَ عَلَيْهِ مِنْ بَرٍّ، وَتَقِيهِمْ طَوَارِقَ

از تو مدد جویند، یاریشان دهی، و

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ، ﴿١٠﴾

حوادث شب و روز حفظشان کنی، مگر حادثه‌ای که به خیر می‌آید، (۱۰)

وَتَبِعْتُهُمْ بِهَا عَلَىٰ اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ،

و آنان را به سبب آن درود، بر اساس اعتقاد به امید نیک و نسبت به

وَالطَّمَعِ فِيمَا عِنْدَكَ، وَتَرِكَ الشُّهُمَةَ فِيمَا تَحْوِيهِ

عنايات و لطف، و طمع به آنچه نزد توست و ترك بدگمانی درباره آنچه بندگان

أَيْدِي الْعِبَادِ، ﴿١١﴾ لَتَرُدَّهُمْ إِلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ،

مالك و صاحب آند، برانگیزی. (۱۱) و به جانب شوق و رغبت به سویت،

وَالرَّهْبَةَ مِنْكَ؛ وَتُزَهِّدُهُمْ فِي سَعَةِ الْعَاجِلِ،

و بیم از حضرتت برگردانی و به فراخی دنیای زودگذر

وَتُحِبِّبَ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْآجِلِ، وَالِاسْتِعْدَادَ لِمَا

و فانی شدنی بی‌رغبتشان سازی، و عمل برای جهان آخرت، و آمادگی برای آنچه



بَعْدَ الْمَوْتِ، ﴿۱۲﴾ وَتَهْوَنَ عَلَيْهِمْ كُلُّ كَرْبٍ،

پس از مرگ است، محبوب آنان فرمایی (۱۲) و هر سختی و مشقت و اندوه و حزنی که

يَحِلُّ بِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَسْدَانِهَا،

روز بیرون رفتن جان‌ها از بدن‌ها بر آنان وارد می‌شود، آسان کنی، و آنان را از

وَتُعَافِيهِمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ مَحْدُورَاتِهَا،

اموری که به سبب آنها، فتنه واقع می‌شود؛ فتنه‌هایی که از آن می‌پرهیزند،

وَكَبَّةِ النَّارِ وَطُولِ الْخُلُودِ فِيهَا، وَتُصَيِّرَهُمْ

و از کانون و مرکز آتش و طول ماندگاری در آن، سلامت همه جانبه دهی، و

إِلَى أَمْنٍ مِنْ مَقِيلِ الْمُتَّقِينَ.

به مقام امنی که جایگاه استراحت پرهیزکاران است، منتقل گردانی.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِنَفْسِهِ وَ لِأَهْلِ وَوَلَايَتِهِ

دعای امام سجاد علیه السلام درباره خود و دوستانش

﴿۱﴾ يَا مَنْ لَا تَنْقُضِي عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْجُبْنَا عَنِ الْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِكَ؛

(۱) ای آن که، شگفتی‌های عظمتش به پایان نمی‌رسد! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از سرکشی و ستیزگی در برابر بزرگیت، حایل و مانع باش.

﴿۲﴾ وَيَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّةَ مُلْكِكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنْ نِقْمَتِكَ؛ ﴿۳﴾ وَيَا

(۲) و ای آن که دوران فرمانرواییش به نهایت نمی‌رسد! بر محمد و آل محمد درود فرست، و ما را از مجازات‌ت رهایی بخش. (۳) و ای آن

مَنْ لَا تَفْنِي خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لَنَا نَصِيبًا فِي رَحْمَتِكَ؛ ﴿۴﴾ وَيَا

که خزینه‌های رحمتش نابود نمی‌شود! بر محمد و آلش درود فرست، و از رحمت برای ما بهره و سهمی قرار ده. (۴) و ای

مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُؤْيَتِهِ الْأَبْصَارُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَادْنِنَا إِلَى قُرْبِكَ؛ ﴿۵﴾ وَيَا مَنْ تَصَغَّرُ عِنْدَ

آن که دیده‌ها، از دیدنش قطع است! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را به قرب خود نزدیک کن. (۵) و ای آن که نزد



خَطْرِهِ الْأَخْطَارُ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

عرصه‌گاه مقامش، همه مقام‌ها کوچک است! بر محمد و آلش درود

وَكَرَّمْنَا عَلَيْكَ؛ ﴿٦﴾ وَيَا مَنْ تَظَهَّرُ عِنْدَهُ

فرست، و ما را در پیشگاهت ارجمند دار، (٦) و ای آن که خیره‌ای

بِوَاطِنِ الْأَخْبَارِ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

پنهانی، نزدش آشکار می‌شود، بر محمد و آلش درود فرست.

وَلَا تَفْضَحْنَا لَدَيْكَ.

و ما را نزد خود رسوا مکن.

﴿٧﴾ اللَّهُمَّ اغْنِنَا عَنْ هَبَةِ الْوَهَّابِينَ بِهَيْبَتِكَ،

(٧) خدایا! به عطا و احسانت، ما را از عطا و احسان دیگران بی‌نیاز ساز، و از

وَ اكْفِنَا وَحْشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصِلَتِكَ، حَتَّى

ما غم و اندوه بریده شدن احسان دیگران را به احسان و جایزه‌ات کفایت

لَا نَرْغَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَدَلِكَ، وَلَا نَسْتَوْحِشُ

فرما، تا با بذل و بخشش تو، به بذل و بخشش احدی رغبت نکنیم، و با فضل

مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِكَ.

و احسان تو از احدی نهراسیم.

﴿٨﴾ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكَدَلْنَا

(٨) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و به سود ما چاره فرما و به زیان ما

وَلَا تَكِدْ عَلَيْنَا، وَامْكُرْ لَنَا وَلَا تَمْكُرْ

چاره مساز، و به سود ما تدبیر کن و به زیان ما تدبیر مفرما، و ما را بر دیگران



بِنَا، وَادِلْ لَنَا وَلَا تُدِلْ مِنَّا.

پیروزی ده، و دیگران را بر ما پیروز مگردان.

﴿۹﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقِنَا

(۹) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست و ما را از خشم خود نگاه دار و به

مِنْكَ، وَ احْفَظْنَا بِكَ، وَ اِهْدِنَا اِلَيْكَ،

عنايت محافظت فرما و به سوی خود هدايت کن و از حضرتت دور مساز؛ همانا

وَلَا تُبَاعِدْنَا عَنْكَ. اِنَّ مِنْ تَقِيهِ يَسْلَمَ، وَمَنْ تَهْدِهِ

هر که را تو حفظ کنی سالم می ماند، و هر که را تو هدايت فرمایی دانا می شود، و

يَعْلَمَ، وَمَنْ تَقُرَّبْهُ اِلَيْكَ يَغْنَمَ.

هر که را تو به خود نزديك کنی، به بهره مندی می رسد.

﴿۱۰﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اَكْفِنَا

(۱۰) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و ما را

حَدَّ نَوَائِبِ الزَّمَانِ، وَ شَرِّ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ،

از شدت حوادث ناگوار زمان و شرّ دام های شيطان

وَمَرَارَةِ صَوْلَةِ السُّلْطَانِ.

و قهر و خشم سلطان، كفايت فرما.

﴿۱۱﴾ اَللّٰهُمَّ اِنَّمَا يَكْتَفِي الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ

(۱۱) خدایا! جز اين نيست كه قناعت كنندگان، به فضل

قُوَّتِكَ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ اَكْفِنَا؛ وَ اِنَّمَا

نيروی تو قناعت می کنند؛ پس بر محمد و آتش درود فرست



يُعْطِي الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جِدَّتِكَ، فَصَلِّ

و ما را از فضل نیروی خود کفایت فرما، و جز این نیست که بخشندگان از فضل

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْطِنَا؛ وَإِنَّمَا يَهْتَدِي

جود تو می‌بخشند؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و از فضل جود خود بر ما

الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بخش، و جز این نیست که راه یافتگان، به نور وجه تو راه می‌یابند؛ پس بر محمد

وَآلِهِ، وَاهْدِنَا.

و آلش درود فرست، و ما را به نور وجه خود هدایت کن.

(۱۲) اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنْ وَالَيْتَ لَمْ يَضُرَّهُ خِذْلَانُ

(۱۲) خدایا! هر که را تو یاری دهی، اقدام خوارکنندگان برای خوار کردنش

الْخَاذِلِينَ، وَمَنْ أَعْطَيْتَ لَمْ يَنْقُصْهُ مَنَعُ الْمَانِعِينَ،

زیانی به او نمی‌رساند، و هر که را تو عطا کنی، ممانعت کردن منع‌کنندگان

وَمَنْ هَدَيْتَ لَمْ يُغْوِهِ إِضْلَالُ الْمُضِلِّينَ؛ (۱۳) فَصَلِّ

از او نمی‌کاهد، و هر که را تو هدایت فرمایی، اقدام گمراه‌کنندگان برای

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْنَعْنَا بَعْزِكَ مِنْ عِبَادِكَ،

گمراه کردنش او را به گمراهی دچار نسازد؛ (۱۳) پس بر محمد و آلش درود

وَاعْنِنَا عَنْ غَيْرِكَ بِإِرْفَادِكَ، وَاسْلُكْ بِنَاسِبِ سَبِيلِ

فرست، و به عزت ما را از شرّ بندگان باز دار و به عطایت از غیر خود

الْحَقِّ بِإِرْشَادِكَ.

بی‌نیاز کن، و به هدایتت ما را به راه حق ببر.



﴿۱۴﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ

(۱۴) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و سلامت

سَلَامَةً قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ، وَفَرَاغَ أَبْدَانِنَا

دل‌های ما را در یاد بزرگیت، و آسایش بدن‌هایمان را

فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَانْطِلاقَ السِّنِّتِنَا فِي

در شکر نعمت و گشوده شدن زبانمان را در

وَصِفِ مِنَّتِكَ.

وصف عطایت قرار ده.

﴿۱۵﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا

(۱۵) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از دعوت کنندگانی که

مِنْ دُعَاةِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ، وَهُدَاةِكَ الدَّالِّينَ

به سوی تو دعوت می‌کنند، و راهنماییانی که به دلالت بندگان

عَلَيْكَ، وَ مِنْ خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ؛ يَا

برمی‌خیزند، و از ویژه‌بندگان که در پیشگاه حضرتت اختصاص به تو دارند

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

قرار ده، ای مهربان‌ترین مهربانان.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ

دعاى امام سجاد عليه السلام در بامداد و شامگاه

﴿۱﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بِقُوَّتِهِ،

(۱) سپاس مخصوص خداست، که شب و روز را به نیرویش آفرید

وَمَيَّزَ بَيْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ، وَجَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ

و به قدرتش میان آن دو جدایی ایجاد کرد و برای هر يك

مِنْهُمَا حَدًّا مَحْدُودًا، وَأَمَدًا مَمْدُودًا؛ ﴿۲﴾ يُولِجُ

از آنها مرزی مشخص و زمانی گسترده قرار داد. (۲) هر

كُلًّا وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ، وَيُولِجُ صَاحِبَهُ

کدام را در درون دیگری وارد می‌کند، به سرنوشت و تقدیری

فِيهِ، بِتَقْدِيرِ مَنْهُ لِلْعِبَادِ فِيمَا يَغْذُوهُمْ بِهِ، وَيُنْشِئُهُمْ

که از جانب او، برای بندگان مقرر شده، تا آنان را به این وسیله روزی

عَلَيْهِ؛ ﴿۳﴾ فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ

رساند و رشد و پرورششان دهد. (۳) پس شب را برای بندگان آفرید، تا در آن

حَرَكَاتِ التَّعَبِ، وَنَهَضَاتِ النَّصَبِ، وَجَعَلَهُ

از حرکات خستگی آور و برپا ایستادن‌های رنج‌زا بیاسایند و آن را پوششی قرار

لِبَاسًا لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَ مَنَامِهِ، فَيَكُونُ

داد تا از آسایش و خوابش بهره‌مند شوند و نهایتاً از برکت نعمت شب، پیمانه



ذَلِكَ لَهُمْ جَمَامًا وَقُوَّةً، وَلِيَنَالُوا بِهِ لَذَّةَ وَشَهْوَةَ؛

وجودشان از نشاط و نیرو لبریز شود و به وسیله آن به لذت و کام دل رسند.

﴿٤﴾ وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا، لِيَبْتَغُوا فِيهِ مِنْ

(٤) و روز را برای بندگان روشنی بخش آفرید، تا در آن به طلب فضل و

فَضْلِهِ، وَلِيَتَسَبَّبُوا إِلَى رِزْقِهِ، وَيَسْرَحُوا فِي

احسانش برآیند، و آن را وسیله و ابزاری برای رسیدن به رزق و روزیش قرار

أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ،

دهند، و در زمین او از پی به دست آوردن آنچه در آن سود بدون تأخیر و سریع

وَدَرَكَ الْآجِلِ فِي أُخْرَاهُمْ؛ ﴿٥﴾ بِكُلِّ ذَلِكَ

دنیای آنهاست، و نیز رسیدن به منفعت دائمی آخرتشان به راه افتند. (٥) به تمام

يُصْلِحُ شَأْنَهُمْ، وَيَبْلُوا أَخْبَارَهُمْ، وَيَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ

این امور کارشان را اصلاح می‌کند، و کردارشان را می‌آزماید، و می‌نگرد که

فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ، وَمَنَازِلِ فُرُوضِهِ، وَمَوَاقِعِ

در اوقات طاعتش و جایگاه‌های واجباتش، و موارد احکامش

أَحْكَامِهِ، «لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا،

چگونه‌اند. «تا کسانی را که بد کردند، به خاطر کار زشتشان، جزا دهد

وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى».

و آنان را که خوبی کردند، با بهشت پاداش بخشد.»

﴿٦﴾ اَللّٰهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنْ

(٦) خدایا! فقط تو را سپاس، بر این نعمت: که تاریکی شب را شکافتی،



الإصباح، وَمَتَّعْتَنَا بِهِ مِنْ ضَوْءِ النَّهَارِ، وَبَصَّرْتَنَا

و روشنی صبح را آشکار کردی، و ما را به شکافتن تاریکی شب از روشنی

مِنْ مَطَالِبِ الْأَقْوَاتِ، وَوَقَيْتَنَا فِيهِ مِنْ طَوَارِقِ

روز بهره‌مند ساختی و در راه به دست آوردن خوردنی‌ها بینا فرمودی، و از

الْآفَاتِ.

پیشامدهای ناگوار بلاها نگاه داشتی.

(۷) أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجَمَلَتِهَا

(۷) شب را برای تو صبح کردیم، و همه آفریده‌ها برای تو قدم

لَكَ: سَمَاوُهَا وَ أَرْضُهَا، وَ مَا بَثَّتْ فِي كُلِّ وَاحِدٍ

در عرصه صبح گذاشتند. آسمان و زمینشان، و آنچه در هر کدام

مِنْهُمَا، سَاكِنُهُ وَ مَتَحَرَّكُهُ، وَ مَقِيمُهُ وَ شَاخِصُهُ،

از آنها پراکنده‌ای، ساکن و جنبنده‌اش، ایستاده و رونده‌اش،

وَ مَا عَلَا فِي الْهَوَاءِ، وَ مَا كُنَّ تَحْتَ الثَّرَى.

و آنچه در هوا بالا رفته و آنچه زیر خاک پنهان شده.

(۸) أَصْبَحْنَا فِي قَبْضَتِكَ، يَحْوِينَا مُلْكُكَ

(۸) در عرصه گاه ملکیت تو صبح کردیم. فرمانروایی و پادشاهیت

وَ سُلْطَانُكَ، وَ تَضَمَّنَا مَشِيَّتِكَ، وَ تَصَرَّفَ

ما را گرد آورده، و اراده‌ات ما را جمع کرده. از برکت فرمانت، در کارها تصرف

عَنْ أَمْرِكَ، وَ نَتَقَلَّبُ فِي تَدْبِيرِكَ، لَيْسَ لَنَا مِنْ

می‌کنیم، و در سایه تدبیرت دگرگون می‌شویم. جز آنچه



الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ، وَلَا مِنْ الْخَيْرِ إِلَّا مَا

فرمانت بر آن صادر شده، برای ما کار و مطلبی نیست، و جز آنچه را به ما
أَعْطَيْتَ؛ ﴿۹﴾ وَ هَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ،

بخشیدی، خیری وجود ندارد. (۹) امروز روز آفریده شده جدیدی است، و او
وَهُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ؛ إِنْ أَحْسَنَّا وَدَعْنَا
بر ما گواه آماده‌ای است. اگر خوبی کنیم، ما را با سپاس ترک می‌کند و اگر

بِحَمْدِهِ، وَإِنْ أَسَأْنَا فَارْقَنَّا بِذَمِّهِ.

بدی کنیم، نکوهش‌کنان از ما جدا می‌شود!

﴿۱۰﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنَا

(۱۰) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و نیکو هم‌نشینی با این روز

حُسْنٍ مُصَاحَبَتِهِ، وَاعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ
را نصیب ما گردان، و از بد جدا شدن با او، همراه دست زدن به گناه،

بَارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ،
و ارتکاب معصیت کوچک یا بزرگ، ما را حفظ فرما، و در آن، بهره

وَ أَجْزَلِ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَ أَخْلِنَا فِيهِ
ما را از خوبی‌ها سرشار و فراوان قرار ده و از زشتی‌ها تهی کن.

مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ أَمَلْنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا
و از ابتدا تا پایانش را، برای ما از سپاس و شکر و پاداش و اندوخته آخرت و

و شُكْرًا، وَ أَجْرًا وَ ذُخْرًا، وَ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا.

فضل و احسان پُر فرما.



﴿۱۱﴾ اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَيَّ الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ مَوْوَنَتْنَا،

(۱۱) خدایا! سختی و دشواری ما را به برکت تقوا و اعمال شایسته، بر کرام کاتبین

وَ اَمَلًا لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَائِفُنَا، وَلَا تُخْزِنَا

که فرشتگان نویسنده اعمالند، آسان ساز، و صفحات پرورنده ما را از خوبی‌ها

عِنْدَهُمْ بِسُوءِ اَعْمَالِنَا.

پر کن، و ما را نزد فرشتگان نویسنده اعمال، به کردارهای زشتان رسوا مساز.

﴿۱۲﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ

(۱۲) خدایا! در هر ساعتی از ساعات

حَظًا مِنْ عِبَادِكَ، وَ نَصِيبًا مِنْ شُكْرِكَ، وَ شَاهِدَ

روز بهره‌ای از بندگیت، و سهمی از شکرگزاریت، و شاهد راستی از

صِدْقٍ مِنْ مَلَأْتِكِتِكَ.

فرشتگانت برای ما قرار ده.

﴿۱۳﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ احْفَظْنَا

(۱۳) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را

مِنْ بَيْنِ اَيْدِينَا وَ مِنْ خَلْفِنَا، وَ عَن اَيْمَانِنَا، وَ عَن

از پیش رو، و پشت سر و طرف راست و جانب چپ

شَمَائِلِنَا، وَ مِنْ جَمِيعِ نَوَاحِينَا، حِفْظًا عَاصِمًا

و از تمام سمت و سویان، حفظ کن، حفظی که ما را

مِنْ مَعْصِيَتِكَ، هَادِيًا اِلَى طَاعَتِكَ، مُسْتَعْمِلًا

از نافرمانیت باز دارد، و به فرمانبرداریت راهنمایی کند، و برای



لِمَحَبَّتِكَ. ﴿١٤﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

عشق و محبتت به کار گیرد. (۱۴) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست،

وَوَفَّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلَتِنَا هَذِهِ، وَ فِي جَمِيعِ

و ما را در این روز و شبمان، و در تمام

أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ، وَ هِجْرَانِ الشَّرِّ،

ایامان برای این امور موفق بدار: به کارگیری خیر، و دوری از شر،

وَ شُكْرِ النِّعَمِ، وَ اتِّبَاعِ السُّنَنِ، وَ مُجَانَبَةِ الْبِدْعِ،

و شکر نعمتها و پیروی از روشهای نیک، و دوری از بدعتها،

وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ،

و امر به معروف، و نهی از منکر،

وَ حَيَاةِ الْإِسْلَامِ، وَ انْتِقَاصِ الْبَاطِلِ وَ إِذْلَالِهِ،

و پاسداری از اسلام و کم کردن و خوار ساختن باطل،

وَ نُصْرَةِ الْحَقِّ وَ إِعْزَازِهِ، وَ إِرْشَادِ الضَّالِّ،

و یاری و گرمی داشت حق، و گمراهی راهنمایی

وَ مُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ، وَ إِدْرَاكِ اللَّهْفِيفِ.

و کمک کردن به ناتوان، و پناه دادن به درمانده و گرفتار.

﴿١٥﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اجْعَلْهُ أَيْمَنَ

(۱۵) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و امروز را فرخندهترین روزی که تاکنون

يَوْمَ عَهْدِنَاهُ، وَ أَفْضَلَ صَاحِبِ صَحْبِنَاهُ، وَ خَيْرَ

شناخته‌ایم، و برترین همنشینی که با او همراه بوده‌ایم و بهترین زمانی که در



وَقَتِّ ظِلِّلِنَا فِيهِ؛ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ

آن به سر برده‌ایم قرار ده، و ما را از میان تمام آفریده‌هایت، از خشنودترین

الَّيْلِ وَالنَّهَارِ، مِنْ جُمْلَةِ خَلْقِكَ، أَشْكُرُهُمْ لِمَا

کسانی که شب و روز بر آنها گذشته، و شاکرترین کسانی که نعمت‌هایت را به

أَوْلَيْتَ مِنْ نِعْمِكَ، وَأَقَوْمَهُمْ بِمَا شَرَعْتَ مِنْ

آنان داده‌ای، و مستقیم‌ترین آنان، در عرصه گاه آیین‌هایی که وضع کرده‌ای، و

شَرَايِعِكَ، وَأَوْقَفَهُمْ عَمَّا حَذَرْتَ مِنْ نَهْيِكَ.

خویشترند درترین مردمی که از نافرمانیت بیمشان داده‌ای، قرار ده.

﴿١٦﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا،

(١٦) خدایا! قاطعانه تو را گواه می‌گیرم، و تو از نظر گواه بودن

وَأَشْهَدُ سَمَاءَكَ وَأَرْضَكَ، وَمَنْ أَسْكَنْتَهُمَا مِنْ

کافی هستی و آسمان و زمینت و فرشتگانی که میان آسمان و زمینت

مَلَائِكَتِكَ وَسَائِرِ خَلْقِكَ، فِي يَوْمِي هَذَا، وَسَاعَتِي

ساکن کرده‌ای، و دیگر آفریده‌هایت را در امروز و این ساعت و

هَذِهِ، وَلَيْتِي هَذِهِ، وَمُسْتَقْرَى هَذَا، إِنِّي أَشْهَدُ

این ششم، و این جایگاهم گواه می‌گیرم، که من شهادت می‌دهم

أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ، الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَائِمٌ بِالْقِسْطِ،

که همانا تویی خدا؛ که خدایی جز تو نیست، بر پایه قسط، عادل

عَدْلٌ فِي الْحُكْمِ، رَوِّفٌ بِالْعِبَادِ، مَالِكُ الْمُلْكِ،

در حکم، مهربان به بندگان، مالک هستی،



رَحِيمٌ بِالْخَلْقِ، ﴿١٧﴾ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ

رحیم به آفریده‌هایی. (۱۷) و شهادت می‌دهم که محمد، بنده و فرستاده و

وَرَسُولُكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، حَمَلْتَهُ

برگزیده‌ات، از میان آفریده‌های توست. رسالت را برعهده‌اش گذاشتی و او

رِسَالَتِكَ فَأَدَّاهَا، وَأَمَرْتَهُ بِالنُّصْحِ لِأُمَّتِهِ فَنَصَحَ

حق آن رسالت را ادا کرد و حضرتش را به خیرخواهی برای امتش دستور دادی،

لَهَا؛ ﴿١٨﴾ اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، أَكْثَرَ

و او برای امت خیرخواهی کرد. (۱۸) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست،

مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَآتِهِ عَنَّا أَفْضَلَ

بیش از آنچه بر احدی از آفریده‌هایت درود فرستاده‌ای، و از جانب ما بهترین

مَا آتَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، وَاجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ

چیزی که به یکی از بندگانت داده‌ای، به او عنایت کن، و از ناحیه ما برترین

وَ أَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ، أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنْ أُمَّتِهِ؛

و کریمانه‌ترین پاداشی که به یکی از پیامبرانت از طرف امتش داده‌ای، به او

إِنَّكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْجَسِيمِ، الْغَافِرُ لِلْعَظِيمِ،

بده؛ همانا تو بسیار احسان کننده‌ای؛ احسان کننده به نعمت‌های تنومند،

وَأَنْتَ أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ؛ فَضِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و آمرزنده‌ای؛ آمرزنده گناه بزرگ، و تو از هر مهربانی مهربان‌تری، پس بر

وَآلِهِ، الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، الْأَخْيَارِ الْأَنْجَبِينَ.

محمد و آل پاکیزه و پاکش که نیکوکاران برگزیده‌اند، درود فرست.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَرَضَتْ لَهُ مُهَيَّمَةٌ،

دعای امام سجاد علیه السلام هنگامی که مهمی به وی دست می‌داد

أَوْ نَزَلَتْ بِهِ مُلِمَّةٌ، وَعِنْدَ الْكَرْبِ

یا رنجی فرود می‌آمد و به وقت اندوه

﴿١﴾ يَا مَنْ تَحَلَّى بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ، وَيَا مَنْ

(۱) ای آن که گره‌های امور رنج‌آور، به وسیله او گشوده می‌شود، و ای آن که تندی

يُفْتَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ

و تیزی سختی‌ها، به عنایت او فرو می‌نشیند، و ای آن که بیرون آمدن از تنگی

الْمَخْرُجُ إِلَى رُوحِ الْفَرَجِ؛ ﴿٢﴾ ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ

و فشار، و قرار گرفتن در راحتی گشایش، و رهایی از غم و اندوه، از او خواسته می‌شود. (۲)

الصَّعَابُ، وَتَسَبَّبَتْ بِطُفِكَ الْأَسْبَابُ، وَجَرَى

دشواری‌ها در برابر قدرت آسان گردد. وسایل زندگی و اسباب حیات، به لطف

بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ، وَمَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ

فراهم آید، و فرمان و حکم به نیرویت جریان یابد. و همه چیز بر اساس و اراده‌ات

الْأَشْيَاءُ، فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمَرَةٌ،

می‌گذرد؛ پس همه موجودات به خواست تو بی آن که فرمان قوی دهی، فرمان

وَبَارَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ.

برند، و به اراده‌ات، بی آن که با گفتار نهی کنی از کار باز ایستند.



(۳) أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهَمَّاتِ ، وَ أَنْتَ الْمَفْزَعُ

(۳) تنها تو را در دشواری‌های می‌خوانند، و در بلاهای سخت و دشوار، تنها تو پناهگاهی.

فِي الْمُلِمَّاتِ ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعَتْ ،

بلاهای سخت و دشوار از انسان دور نمی‌شود، مگر آنچه را که تو دور کنی، و از گره‌های

و لَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفَتْ ، ﴿٤﴾ وَ قَدْ نَزَلَ

رنج آور، چیزی گشوده نمی‌شود، مگر آنچه را تو بگشایی. (۴) پروردگارا! بلایی بر من

بِی- يَا رَبِّ- مَا قَد تَكَاذَنِي ثِقَلُهُ ، وَ اَللَّهِ بِي مَا

نازل شده، که سنگینی‌اش مرا به زحمت و رنج انداخته، و سختی و مشکلی به دردم

قَدْ بَهَظَنِي حَمَلُهُ ، وَ بِقُدْرَتِكَ اَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ ،

آورده، که تحملش مرا در فشار قرار داد. و تو آن را به قدرتت بر من وارد کرده‌ای،

وَ بِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ اِلَيَّ ، فَلَا مُصْدِرَ لِمَا

و به اقتدارت به سوی من فرستاده‌ای؛ چیزی را که تو آورده‌ای کسی نبرد، و آنچه تو

اَوْرَدْتَ ، وَ لَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ ، وَ لَا فَاتِحَ

فرستاده‌ای کسی بازنگرداند، و چیزی را که تو بسته‌ای گشاینده‌ای برایش نمی‌باشد، و

لِمَا اَغْلَقْتَ ، وَ لَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ ، وَ لَا مُبَسِّرَ

چیزی را که تو بگشایی، کسی قدرت بستنش را ندارد، و آنچه را که تو دشوار کرده‌ای،

لِمَا عَسَّرْتَ ، وَ لَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ ؛ ﴿٥﴾ فَصَلِّ

آسان کننده‌ای برایش نیست، و کسی را که تو بی یار و یاور گذاشته‌ای یآوری برای

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اَلِهِ ، وَ افْتَحْ لِي- يَا رَبِّ- بَابَ الْفَرَجِ

او وجود ندارد. (۵) پس بر محمد و آلش درود فرست، ای پروردگارم! به توان و



بَطُولِكَ، وَ أَكْسِرَ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ،

تواناییت در گشایش و فرج را به روی من باز کن، و به چاره سازیت، تسلط غم و اندوه

وَ أَنْلِنِي حُسْنَ النَّظْرِ فِيمَا شَكَّوْتُ، وَ أَذِقْنِي

را از من بشکن و مرا در موردی که از آن شکایت دارم، به تأمل و تدبیر نیک برسان. و

حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ

در آنچه از تو درخواست می‌کنم، شیرینی اجابت را بچشان، و از جانب خودت،

رَحْمَةً وَ فَرْجًا هَنِيئًا، وَ اجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ

رحمت و گشایشی گوارا به من ببخش، و برای من از نزد خود،

مَخْرَجًا وَ حَيًّا؛ ﴿٦﴾ وَ لَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِمَامِ عَنِ

راه نجاتی سریع قرار ده. (۶) و مرا به خاطر غمگینی و حزن و اندوه

تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ، وَ اسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ، فَقَدْ ضِيقْتُ

از رعایت واجبات، و به کار گرفتن مستحبات باز مدار. پروردگارا! به سبب بلایی

لِإِنَّمَا نَزَلْتُ بِي - يَا رَبِّ - ذَرَعًا، وَ امْتَلَأْتُ بِحَمَلِ

که بر من نازل شده، درمانده شده‌ام و از تحمل آنچه برای من پیش آمده،

مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمًّا، وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا

دم از اندوه و غصه پر شده، و تو به برطرف کردن آنچه که به آن گرفتار شده‌ام،

مُنِيْتُ بِهِ، وَ دَفَعَ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ،

و دور کردن بلایی که در آن افتاده‌ام، توانایی؛ بنابراین قدرت و تواناییت را درباره

وَ إِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ؛ يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

من به کار گیر؛ اگر چه از جانب تو سزاوار آن نیستم. ای دارای عرش بزرگ!





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِسْتِعَاذَةِ مِنَ الْمَكَارِهِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در پناه بردن به حق از ناملایمات

وَسَيِّئِ الْأَخْلَاقِ، وَمَذَامِ الْأَفْعَالِ

و اخلاق سوء و کارهای ناپسند



﴿١﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيَجَانِ الْحَرِصِ،

(۱) خدایا! به تو پناه می‌آوریم، از توفان حرص و تندی

وَسُورَةِ الْعُزْبِ، وَغَلْبَةِ الْحَسَدِ، وَضَعْفِ

و شدت خشم، و چیرگی حسد و ناتوانی

الصَّبْرِ، وَقَلَّةِ الْقِنَاعَةِ، وَشَكَاةِ الْخُلُقِ،

صبر، و کمی قناعت و ناسازگاری اخلاق، و پافشاری

وَالْحَاحِ الشَّهْوَةِ، وَمَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ، وَمُتَابَعَةِ

و سماجت شهوت و صفت تعصب، و پیروی

الهُوَى، وَمُخَالَفَةِ الْهُدَى، وَسِنَةِ الْغَفْلَةِ،

از هوای نفس و عقب ماندن از هدایت، و خواب غفلت و

وَتَعَاطِي الْكُفَّةِ، ﴿٢﴾ وَآيثارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ،

انجام کار سخت و پرمشقت (۲) و ترجیح دادن باطل بر حق

وَالْإِصْرَارِ عَلَى الْمَأْثِمِ، وَاسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ،

و پافشاری بر گناه، و کوچک شمردن معصیت

وَ اسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ ، وَ مُبَاهَاةِ الْمُكْثِرِينَ ،

و سنگین دانستن طاعت و فخر فروشی ثروتمندان و

وَ الْإِزْرَاءِ بِالْمُقَلِّينَ ، وَ سُوءِ الْوَلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ

تحقیر تهی دستان و بدی سرپرستی نسبت به زیردستان،

أَيْدِينَا ، وَ تَرَكَ الشُّكْرَ لِمَنْ اصْطَنَعَ الْعَارِفَةَ

و ترک سپاس نسبت به کسی که به ما احسان و خوبی

عِنْدَنَا ، ﴿٣﴾ أَوْ أَنْ نَعُضِدَ ظَالِمًا ، أَوْ نَخْذُلَ

کرده. (۳) خدایا! به تو پناه می‌آوریم از این که ستمگری را یاری

مَلْهُوفًا ، أَوْ نَرُومَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقِّ ، أَوْ نَقُولَ فِي

کنیم، یا ستم دیده‌ای را تنها گذاریم، یا آنچه که برای ما حق نیست

الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ .

بخواهیم، یا بدون آگاهی در امور علمی سخن گوئیم.

﴿٤﴾ وَ نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَنْطَوِيَ عَلَى غِشِّ أَحَدٍ ،

(۴) و به تو پناه می‌آوریم از این که راه خیانت به کسی را بی‌پیماییم، و نسبت

وَ أَنْ نُعْجِبَ بِأَعْمَالِنَا ، وَ نَمُدَّ فِي آمَالِنَا ؛ ﴿٥﴾

به کردارمان خودپسندی کنیم، و آرزوهای خود را دور و دراز سازیم (۵) و به

وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ ، وَ احْتِقَارِ الصَّغِيرَةِ ،

تو پناه می‌آوریم، از بدی باطن و ناچیز شمردن گناه کوچک، و این که

وَ أَنْ يَسْتَحُوذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ ، أَوْ يَنْكُتُنَا

شیطان بر ما چیره شود، یا روزگار ما را به عرصه بلا و نکبت اندازد، یا



الزَّيْمَانُ، أَوْ يَتَهَضَّمْنَا السُّلْطَانُ؛ ﴿٦﴾ وَنَعُوذُ بِكَ

پادشاه بر ما جور و ستم روا دارد. (٦) و به تو پناه می‌آوریم، از

مِن تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ، وَمِنْ فَقْدَانِ الْكِفَافِ؛

رسیدن به اسراف، و از دست دادن آنچه که در زندگی به اندازه و کافی

﴿٧﴾ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ الْفَقْرِ

است (٧) و به تو پناه می‌آوریم از سرزنش دشمنان و از احتیاج به

إِلَى الْأَكْفَاءِ، وَمِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ، وَمَيْتَةٍ عَلَى

هم نوعان، و از معیشت در سختی، و از مرگ

غَيْرِ عُدَّةٍ؛ ﴿٨﴾ وَنَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ الْعُظْمَى،

بدون توشه. (٨) و به تو پناه می‌آوریم، از حسرت عظیم‌تر

وَالْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى، وَأَشَقَى الشَّقَاءِ، وَسَوْءِ

و بلای بزرگ‌تر، و بدترین بدبختی و بدی

الْمَأْبِ، وَحِرْمَانِ الثَّوَابِ، وَحُلُولِ الْعِقَابِ.

بازگشت، و محرومیت از ثواب، و داخل شدن مجازات.

﴿٩﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِزَّنِي مِنْ

(٩) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست و مرا و تمام

كُلِّ ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ، وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

مؤمنین و مؤمنات را به رحمتت از همه این امور زشت

وَالْمُؤْمِنَاتِ؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پناه ده، ای مهربان‌ترین مهربانان!





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِشْتِيَاقِ إِلَى طَلَبِ

دعای امام سجاد علیه السلام در شوق به طلب

الْمَغْفِرَةِ، مِنْ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ

آمرزش از خدای بزرگ

﴿١﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصَيِّرْنَا إِلَى

(۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و راه ما را به جانب توبه که

مَحْبُوبِكَ مِنَ التَّوْبَةِ، وَأَزِلْنَا عَنْ مَكْرُوهِكَ مِنْ

محبوب توست تغییر ده، و وجودمان را از پافشاری بر گناه که مورد نفرت

الِإِصْرَارِ.

توست، دور ساز.

﴿٢﴾ اللَّهُمَّ وَ مَتَى وَقَفْنَا بَيْنَ نَقْصَيْنِ فِي دِينِ

(۲) خدایا! هر گاه در ارتباط با دین یا دنیا، میان دو کاهش قرار

أَوْ دُنْيَا، فَأَوْقِعِ النَّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً،

گرفتیم، کاهش را بر دنیایمان که زودتر از دست می‌رود، وارد کن، و

وَ اجْعَلِ التَّوْبَةَ فِي أَطْوَلِهِمَا بَقَاءً؛ ﴿٣﴾

توبه و انابه را در دینمان که با دوام‌تر است قرار ده.

وَ إِذَا هَمَّ مَنَابِهَمَيْنِ يُرْضِيكَ أَحَدُهُمَا عَنَّا،

و زمانی که دو برنامه را قصد کردیم که یکی از آنها تو را از ما خشنود می‌کند،



وَيْسُخِطُكَ الْآخِرُ عَلَيْنَا، فَمِلْ بِنَا إِلَى مَا يُرْضِيكَ
 و آن دیگری تو را بر ما خشمگین می‌سازد، ما را به جانب آن کاری که تو را از ما
 عَنَّا، وَ أَوْهِنَ قُوَّتَنَا عَمَّا يُسْخِطُكَ عَلَيْنَا،
 خشنود می‌کند، رغبت ده، و قدرت و توانمان را از عملی که تو را بر ما خشمگین
 وَلَا تُخَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ نَفُوسِنَا وَ اخْتِيَارِهَا، فَإِنَّهَا
 می‌کند، سست کن و در این امور ما را میان نفوسمان و انتخابشان رها مکن که
 مُخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَفَّقْتَ، أَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ
 نَفْسِ انتخاب کننده باطل است، مگر آن که تو در انتخاب حق توفیقش دهی، و
 إِلَّا مَا رَحِمْتَ.

فراوان دستور دهنده به زشتی و بدی است، مگر آن که رحمتش آری.

﴿٤﴾ اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ مِنَ الضُّعْفِ خَلَقْتَنَا،
 (۴) خدایا! ما را از ناتوانی آفریدی،

وَعَلَى الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا، وَمِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا،
 و بر سستی بنا کردی، و از آب ناچیز و بی‌مقدار به وجود آوردی؛
 فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ، وَلَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنِكَ؛
 پس ما را جز به نیروی تو چاره و تدبیر نیست، و جز به یاریت قوت و قدرت نمی‌باشد؛

فَأَيَّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ، وَسَدَّدْنَا بِتَسْدِيدِكَ، وَأَعْمِ
 پس ما را به توفیقت نیرو بخش و به هدایتت استوار دار، و دیده قلوبمان
 أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ، وَلَا تَجْعَلْ
 را از آنچه مخالف عشق توست کور کن، و برای هیچ یک از



لِشَیْءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نَفُوذًا فِی مَعْصِيَتِكَ.

اعضای ما راه نفوذی به جانب معصیتت قرار مده.

﴿٥﴾ اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ

(٥) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و رازهای دلمان

هَمَسَاتِ قُلُوْبِنَا، وَ حَرَكَاتِ اَعْضَائِنَا،

و حرکات اعضامان، و نگاههای چشم‌هایمان، و گفتارهای

وَلَمَحَاتِ اَعْيُنِنَا، وَلَهَجَاتِ السِّنِّتِنَا فِی مَوْجِبَاتِ

زبانمان را در موجبات ثوابت قرار ده، تا جایی که کار نیکی

ثَوَابِكَ، حَتّٰی لَا تَفُوْتَنَا حَسَنَةٌ نَّسْتَحِقُّ بِهَا

که به خاطر آن مستحق پاداش تو می‌شویم، از دست ما

جَزَاءُكَ، وَلَا تَبْقَى لَنَا سَيِّئَةٌ نَّسْتَوْجِبُ بِهَا

نرود و کار بدی که به سبب آن سزاوار مجازاتت می‌شویم،

عِقَابِكَ.

برای ما ماند.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ فِي اللَّجَائِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

دعای امام سجاد علیه السلام در پناه بردن به خداوند متعال

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ إِنْ تَشَاءُ تَعْفُ عَنَّا فَبِضْلِكَ، وَإِنْ تَشَاءُ

(۱) خدایا! اگر بخواهی ما را عفو کنی، به فضل و احسانت عفو می‌کنی، و اگر

تُعَذِّبْنَا فَبِعَذَابِكَ، فَسَهِّلْ لَنَا عَفْوَكَ بِمَتِّكَ،

بخواهی عذابمان کنی، به عدالتت عذاب می‌کنی. عفو را از سر منتت بر ما آسان

وَأَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ بِتَجَاوُزِكَ، فَإِنَّهُ لَا طَاقَةَ

کن، و ما را به چشم پوشی و گذشتت، از عذابت پناه ده. مسلماً ما را نسبت به

لَنَا بِعَذَابِكَ، وَلَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِّنَّا دُونَ عَفْوِكَ؛ ﴿۲﴾

عدالتت تاب و توان نیست، و برای احدی از ما بدون عفو، نجاتی میسر نمی‌باشد.

يَا غَنِيَّ الْأَغْنِيَاءِ، هَا نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ،

(۲) ای بی‌نیازترین بی‌نیازان! اینک ما بندگان پیش روی توایم، و من تهیدست‌ترین

وَإِنَّا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ، فَاجْبُرْ فَاقَتَنَا بِوَسْعِكَ،

تهیدستان در پیشگاه توام. تهیدستی و نداری ما را، به تواناییت جبران کن، و امید ما

وَلَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْعِكَ، فَتَكُونَ قَدْ أَشْقَيْتَ

را به بازدارندگیت قطع مفرما! که اگر چنین کنی، به تحقیق کسی که خود را به تو

مَنْ اسْتَسْعَدَ بِكَ، وَحَرَمْتَ مَنْ اسْتَرْفَدَ فَضْلَكَ،

خوشبخت خواسته، بدبخت کرده‌ای، و آن که فضل و احسانت را طلبیده، محروم



فَالِي مَنْ حِينِيذٍ مُنْقَلَبِنَا عَنْكَ؟! وَإِلَىٰ أَيْنَ مَذْهَبِنَا

ساخته‌ای. در این وقت از پیشگاه تو، به سوی چه کسی بازگردیم و با محرومیت از

عَنْ بَابِكَ؟! ﴿٣﴾ سُبْحَانَكَ، نَحْنُ الْمُضْطَرُّونَ الَّذِينَ

در رحمت، راه ما به کجا خواهد افتاد؟ (۳) پاک و منزهی. ما درماندگانی هستیم

أَوْجَبَتْ إجابَتَهُمْ، وَأَهْلُ السَّوِّ الَّذِينَ وَعَدَتْ

که پذیرش دعایشان را واجب کرده‌ای، و گرفتارانی هستیم که برطرف کردن گرفتاری

الْكَشْفَ عَنْهُمْ، وَأَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِمَشِيَّتِكَ، وَأَوْلَىٰ

آنان را وعده فرموده‌ای. خدایا! شبیه‌ترین چیزها به خواسته‌ات و سزاوارترین امور به

الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ، رَحْمَةٌ مِنْ اسْتَرْحَمَكَ،

حضرت، در عرصه عظمت و بزرگیت، رحمت آوردن بر کسی است که از تو رحمت

وَعَوْتُ مِنْ اسْتَعَاثَ بِكَ، فَأَرْحَمُ تَضَرُّعِنَا إِلَيْكَ،

خواسته، و فریادرسی نسبت به کسی است که به تو فریاد خواهی کرده، پس زاری ما

وَأَعْنَا إِذْ طَرَحْنَا أَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ.

را به پیشگاهت رحمت آر و به فریاد ما رس؛ چون وجودمان را در برابر تو انداخته‌ایم.

﴿٤﴾ اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدِ شِمِتَ بِنَا إِذْ شَاعِنَاهُ عَلَيَّ

(۴) خدایا! شیطان ما را سرزنش کرد؛ چون او را در نافرمانیت همراهی کردیم. پس بر

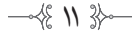
مَعْصِيَتِكَ؛ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَشْمِتْهُ

محمد و آلش درود فرست، و پس از این که او را به خاطر تو رها کردیم و از او روی

بِنَا بَعْدَ تَرْكِنَا إِلَيْهِ لَكَ، وَرَغِبْنَا عَنْهُ إِلَيْكَ.

گردانده، به سوی تو آمدیم، وی را با دوباره گرفتار شدن به دست او شیرین کام مکن.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخَوَاتِمِ الْخَيْرِ

دعای امام سجاد علیه السلام در طلب عاقبت به خیری

﴿۱﴾ يَا مَنْ ذَكَرَهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ، وَيَا مَنْ شُكِرَهُ

(۱) ای آن که یادش، برای یادکنندگان مجد و بزرگواری است، و ای آن که سپاس

فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ، وَيَا مَنْ طَاعَتْهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ،

گزاریش، برای سپاس گزاران پیروزی و رستگاری است، و ای آن که فرمان برداریش

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ

برای فرمانبرداران، نجات و رهایی است! بر محمد و آلش درود فرست، و دل‌های

عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ، وَالسِّدْتَنَا شُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ،

ما را به یادت از هر یاد، و زبانتان را به سپاس گزاریت از هر سپاسی،

وَجَوَارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ؛ ﴿۲﴾ فَإِنْ

و اعضمان را به طاعتت از هر طاعتی غافل کن. (۲) و اگر

قَدَّرْتَ لَنَا فِرَاغًا مِنْ شُغْلٍ، فَاجْعَلْهُ فِرَاغَ سَلَامَةٍ

در جنب کار و کوشش، فراغت و آسایشی برای ما مقدر فرموده‌ای، آن فراغت و آسایش را

لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبَعَةٌ، وَلَا تَلْحَقُنَا فِيهِ سَامَةٌ، حَتَّىٰ

قرین سلامت قرارده که در عرصه گاه آن، پی آمد بدی به ما نرسد، و ملالت و دل‌تنگی به ما

يَنْصَرِفَ عَنَّا كِتَابُ السَّيِّئَاتِ، بِصَحِيفَةٍ خَالِيَةٍ

نیبوندد، تا فرشتگان نویسنده بدی‌ها، با پرونده‌های پاک و خالی



مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا، وَيَتَوَلَّى كِتَابَ الْحَسَنَاتِ عَنَّا

از ثبت بدی‌های ما برگردند، و فرشتگان نویسنده خوبی‌ها،

مَسْرُورِينَ، بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا؛ ﴿۳﴾ وَإِذَا

به سبب خوبی‌هایی که از ما نوشته‌اند، خوشحال و شادان باز آیند. (۳) و

انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا، وَتَصَرَّمَتْ مُدَدُ أَعْمَارِنَا،

هنگامی که روزگار زندگی‌مان سپری شود، و مقدار عمرمان بگذرد و به پایان برسد

وَاسْتَحْضَرْتَنَا دَعْوَتُكَ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْهَا وَ مِنْ

و دعوتت به مرگ که چاره از آن و اجابتش نیست، ما را آماده افتادن

إِجَابَتِهَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ خِتَامَ

به کام مردن کند. پس بر محمد و آلش درود فرست، و پایان آنچه نویسدنگان

مَا تَحْصِي عَلَيْنَا كِتَبَةَ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً،

اعمال ما در پرورده ما خواهند نوشت، توبه پذیرفته شده قرار بده،

لَا تَوْفِقُنَا بَعْدَهَا عَلَى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ، وَلَا مَعْصِيَةٍ

توبه‌ای که پس از آن ما را بر گناهی که کسب کرده‌ایم و معصیتی که مرتکب شده‌ایم،

اِقْتَرَفْنَاهَا. ﴿۴﴾ وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِرَّاسْرَتَهُ عَلَيَّ

نایستانی. (۴) و پرده‌ای که بر ما پوشاندی، در برابر حاضران روز قیامت، از روی

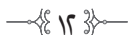
رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِكَ؛ إِنَّكَ

گناهان ما بر نداری، روزی که خبرهای بندگان را آشکار می‌کنی. مسلماً تو نسبت به

رَحِيمٌ بِمَنْ دَعَاكَ، وَمُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ.

کسی که می‌خواندت، مهربانی و نسبت به کسی که صدایت می‌زند، جواب دهنده‌ای.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِعْتِرَافِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در اعتراف به گناه

وَوَطَّلِبُ التَّوْبَةَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

و درخواست بازگشت به حق



﴿۱﴾ اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْبُبُنِي عَنْ مَسَالَتِكَ خِلَالَ

(۱) خدایا! مسلماً سه خصلت، مرا از درخواست از حضرتت مانع می‌شود، و يك

ثَلَاثٌ، وَتَحْدُونِي عَلَيْهَا خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ؛

خصلت، مرا به جانب درخواست از تو پیش می‌برد. (آن سه خصلتی که مانع درخواست

يَحْبُبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ، وَنَهَى

من می‌باشد این است): ۱- کار خوبی که مرا به آن فرمان دادی، و من در انجامش کندي

نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَاسْرَعْتُ إِلَيْهِ، وَنِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا

کردم. ۲- کار زشتی که مرا از آن بازداشتی، و من در ارتکابش شتاب ورزیدم. ۳- نعمتی

عَلَيَّ فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا.

که به من دادی، و من در سپاس گزاریش کوتاهی کردم.

﴿۲﴾ وَيَحْدُونِي عَلَى مَسَالَتِكَ، تَفْضُلِكَ عَلَيَّ مِنْ

(۲) آنچه مرا به جانب درخواست از تو پیش می‌برد، احسان توست به کسی که بانیت

أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ، وَوَفَدَ بِحُسْنِ ظَنِّهِ إِلَيْكَ، إِذْ

خالص به سوی تو آمد، و باخوش گمانیش به پیشگاه حضرتت وارد شد؛ زیرا امام احسانت

جَمِيعِ إِحْسَانِكَ تَفَضُّلٌ، وَإِذْ كُلُّ نِعْمِكَ ابْتِدَاءٌ؛

تفضل و همه نعمت، آغاز و ابتدایی از جانب تو نسبت به آفریده‌هاست.

﴿۳﴾ فَهَا أَنَا ذَا - يَا إِلَهِي - وَاقِفٌ بِبَابِ عِزِّكَ،

(۳) ای معبود من! اینک منم که به پیشگاه عزت ایستاده‌ام؛

وُوقُوفَ الْمُسْتَسْلِمِ الذَّلِيلِ، وَ سَائِلُكَ عَلَى

ایستادن فرمان‌بردار خوار، و بر اساس حیا و شرمم

الْحَيَاءِ مِنِّي سُؤَالَ الْبَائِسِ الْمُعِيلِ، مُقِرُّكَ

از تو درخواست کننده‌ام، درخواست کننده بی‌نوی عیال‌وار. اقرار دارم

بِأَنِّي لَمْ أَسْتَسْلِمِ وَقْتِ إِحْسَانِكَ، إِلَّا بِالْإِقْلَاعِ عَنِ

به این که هنگام احسانت، جز برکنار ماندن از

عِصْيَانِكَ، وَ لَمْ أَخْلُ فِي الْحَالَاتِ كُلِّهَا مِنْ

نافرمانیت، فرمانی نبرده‌ام، و در تمام حالات از نیکی و احسانت،

امْتِنَانِكَ؛ ﴿۴﴾ فَهَلْ يَنْفَعُنِي - يَا إِلَهِي - إِقْرَارِي

بی‌بهره نبودم. (۴) ای معبود من! اقرارم نزد تو به زشتی اعمالی که

عِنْدَكَ بِسُوءِ مَا اكْتَسَبْتُ؟ وَ هَلْ يُنْجِينِي

مرتکب شده‌ام، آیا برابم سودی خواهد داشت؟ و اعترافم به محضر

مِنْكَ اعْتِرَافِي لَكَ، بِقَبِيحِ مَا ارْتَكَبْتُ، أَمْ

حضرتت به بدی کرداری که از من صادر شده، آیا مرا از عذاب تو نجات خواهد داد؟

أَوْ جَبَّتْ لِي فِي مَقَامِي هَذَا سُخْطُكَ، أَمْ لَزِمَنِي

یا در این وضعی که هستم، خشم و غضبت را بر من حتم و واجب نمودی،



فِي وَقْتِ دُعَايِ مَقْتِكَ؟

یا در وقت درخواستم، دشمنیت ملازم من گشته؟!

﴿۵﴾ سُبْحَانَكَ، لَا أَيْسُ مِنْكَ، وَقَدْ فَتَحْتَ لِي

(۵) پاک و منزهی، از تو ناامید نمی‌شوم و حال آن که در توبه به محضرت

بَابِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ، بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ

را به رویم گشوده‌ای؛ بلکه سخن می‌گویم، سخن بنده‌ای خوار؛ بنده‌ای

الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ، الْمُسْتَخْفِ بِحُرْمَةِ رَبِّهِ،

ستم کننده به خویش؛ بنده‌ای که حرمت پروردگارش را سبک شمرده؛

الَّذِي عَظَمَتْ ذُنُوبُهُ فَجَلَّتْ، وَأَدْبَرَتْ أَيَّامُهُ

بنده‌ای که گناهانش بزرگ شده و روی هم انباشته گشته و روزگارش از او روی گردان

فَوَلَّتْ، حَتَّى إِذَا رَأَى مُدَّةَ الْعَمَلِ قَدْ انْقَضَتْ،

شده، و به او پشت کرده، تا جایی که چون نظر می‌کند، می‌بیند زمان عمل سپری

وَعَايَةَ الْعُمُرِ قَدْ انْتَهَتْ، وَآيِقِنَنَّ أَنَّهُ لَا مَحِيصَ لَهُ

شده، و نهایت عمر به پایان رسیده. یقین می‌کند که برای او گریزگاهی از عذابت، و

مِنْكَ، وَلَا مَهْرَبَ لَهُ عَنكَ، ﴿٦﴾ تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ،

پناهگاهی از کیفیت وجود ندارد. (۶) همراه انابه و ناله با حضرتت روبه‌رو می‌شود

وَ أَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ، فَقَامَ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ طَاهِرٍ

و بازگشت و توبه را برای تو خالص می‌کند، پس با دلی پاک و پاکیزه در پیشگاهت

نَقِيٍّ، ثُمَّ دَعَاكَ بِصَوْتٍ حَائِلٍ خَفِيِّ، قَدْ تَطَاطَأَ

می‌آیستد. سپس با ناله‌ای سوزناک و آهسته تو را می‌خواند. در جائی که در برابرت،



لَكَ فَانْحِنِي، وَنَكَّسَ رَأْسَهُ فَانْتَنِي، قَدْ

سر تواضع و فروتنی پایین انداخته، تا جایی که خمیده گشته و از خواری سر به زیر

آرَعَشْتَ خَشِيئَتَهُ وَرَجَلِيهِ، وَغَرَّقْتَ دُمُوعَهُ

افکنده؛ به طوری که قامت راستش کج شده، بیم و ترسش از عظمت تو، قدم‌هایش

خَدَّيْهِ، يَدْعُوكَ بِيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَرْحَمَ

را به لرزه انداخته، و اشک‌هایش صفحه رخسارش را فراگرفته. تو را با این جملات

مَنْ اتَّابَهُ الْمُسْتَرْحِمُونَ، وَيَا أَعْطَفَ مَنْ

می‌خواند: ای مهربان‌ترین مهربانان! و ای رحیم‌ترین کسی که درخواست کنندگان

أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ، وَيَا مَنْ عَفُوهُ أَكْثَرُ

رحمت به او توجّه می‌کنند، و ای عطوف‌ترین کسی که آمرزش خواهان گرد او گردند،

مِنْ نَقْمَتِهِ، وَيَا مَنْ رِضَاهُ أَوْفَرُ مِنْ سَخَطِهِ،

و ای آن که گذشتش از انتقامش بیشتر، و خشنودیش از خشمش افزون‌تر است.

﴿٧﴾ وَيَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى خَلْقِهِ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ،

(٧) و ای آن که باگذشت نیکویش ستوده بودنش را به مخلوقش

وَيَا مَنْ عَوَّدَ عِبَادَهُ قَبُولَ الْإِنَابَةِ، وَيَا مَنْ

می‌نمایاند، و بندگان را به پذیرفتن توبه عادت می‌دهد،

اسْتَصْلَحَ فَاسِدَهُمْ بِالتَّوْبَةِ، وَيَا مَنْ رَضِيَ مِنْ

و اصلاح شدن تباه کاری‌شان را به توبه می‌خواهد، و ای آن که از عمل

فِعْلِهِم بِالْيَسِيرِ، وَيَا مَنْ كَفَى قَلِيلَهُمْ بِالكَثِيرِ،

بندگان، به اندکش خشنود است، و عمل اندک آنان را پاداش فراوان می‌دهد.



وَيَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ إجابةَ الدُّعَاءِ، وَيَا مَنْ وَعَدَهُمْ
و ای آن که اجابت دعایشان را ضامن شده، و به احسانش،
عَلَى نَفْسِهِ بِتَفْضُلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ.

پاداش نیکو را به آنان وعده داده.

(۸) مَا أَنَا بِأَعْصَى مَن عَصَاكَ فَغَفَرْتَ لَهُ،

(۸) خدایا! من نه از گناهکارترین گناهکارانم که او را آمرزیده‌ای، و نه از نکوهیده‌ترین

وَمَا أَنَا بِالْوَمِّ مَنِ اعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَ مِنْهُ،

کسانی که از پیشگاهت عذر خواسته‌اند، و تو عذرشان را پذیرفته‌ای، و نه از

وَمَا أَنَا بِأَظْلَمَ مَن تَابَ إِلَيْكَ فَعُدْتَ عَلَيْهِ.

ستم‌کارترین کسانی که به سویت بازگشته‌اند، و تو بازگشتشان را قبول کرده‌ای.

(۹) أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا، تَوْبَةً نَادِمٍ عَلَى مَا

(۹) خدایا! در این مقام و وضعی که هستم، به درگاهت توبه می‌کنم؛ توبه

فَرَطٌ مِنْهُ، مُشْفِقٍ مِمَّا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ، خَالِصِ

پشیمانی که بی اختیار گناهی از او سرزده و از آنچه بر سرش آمده، در وحشت

الْحَيَاءِ مِمَّا وَقَعَ فِيهِ، عَالِمٍ بِأَنَّ الْعَفْوَ عَنِ الذَّنْبِ

و ترس است، و از امور زشتی که در آن افتاده خالصانه شرمگین است. دانایم به

الْعَظِيمِ لَا يَتَعَاطَمُكَ، ﴿۱۰﴾ وَأَنَّ التَّجَاوُزَ عَنِ

این که گذشت از گناه بزرگ، در نظرت بزرگ نمی‌آید، (۱۰) و بخشیدن معصیت

الْإِثْمِ الْجَلِيلِ لَا يَسْتَصْعِبُكَ، وَأَنَّ احْتِمَالَ

گران بر تو سخت نمی‌باشد. و تحمل جنایات زشت و ناپسند که از مردم بدکار



الْجِنَايَاتِ الْفَاحِشَةِ لَا يَتَكَادُكَ، وَأَنَّ أَحَبَّ

صادر می شود، تو را به مشقت و زحمت نمی اندازد. و آگاهم به این که محبوب ترین

عِبَادِكَ إِلَيْكَ مَنْ تَرَكَ الْإِسْتِكْبَارَ عَلَيْكَ،

بندگانند نزد تو کسی است که از سرکشی و تکبر نسبت به تو دست بردارد، و از

و جَانِبَ الْإِصْرَارِ، وَلَزِمَ الْإِسْتِغْفَارَ؛ ﴿۱۱﴾ وَأَنَا

پافشاری بر گناه اجتناب کند و استغفار را بر خود واجب بداند. (۱۱) من از

أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أَسْتَكْبِرَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُصِرَّ،

این که در برابر تو سرکشی کنم بیزارم، و از این که بر گناه پافشاری ورزم، به

وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا قَصَّرْتُ فِيهِ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيَّ

تو پناه می آورم، و نسبت به آنچه کوتاهی کردم، از تو آمرزش می خواهم، و

مَا عَجَزْتُ عَنْهُ.

بر آنچه از انجامش عاجزم، از تو یاری می طلبم.

﴿۱۲﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي

(۱۲) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و حقوقی که بر عهده من

مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَكَ، وَعَافِنِي مِمَّا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ،

داری بر من ببخش، و از عذابی که از جانب تو سزاوار آنم، مرا به سلامت

وَأَجِرْنِي مِمَّا يَخَافُهُ أَهْلُ الْإِسَاءَةِ، فَإِنَّكَ مَلِيٌّ

دار، و از اموری که بدکاران از آن می ترسند پناهم ده. مسلماً به گذشت

بِالْعَفْوِ، مَرْجُوٌّ لِلْمَغْفِرَةِ، مَعْرُوفٌ بِالتَّجَاوُزِ، لَيْسَ

از گنهکار قدرت داری و برای آمرزش، مورد امیدی، به بخشیدن معصیت



لِحَاجَتِي مَطْلَبٌ سِوَاكَ، وَلَا لِذَنْبِي غَافِرٌ غَيْرُكَ،

معروفی، برای حاجتم محلّ طلبی جز تو نیست، و برای گناهم، آمرزنده‌ای

حَاشَاكَ وَلَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا إِيَّاكَ؛ إِنَّكَ

غیر تو وجود ندارد. حاشا که چنین نباشی، من بر خود به غیر تو نمی‌ترسم. تو

أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ؛ ﴿۱۳﴾ صَلِّ عَلَيَّ

اهل تقوا و آمرزشی. (۱۳) بر محمد و آل محمد

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْضِ حَاجَتِي، وَأَنْجِحْ

درود فرست. و حاجتم را روا کن و خواسته‌ام را برآور

طَلِبَتِي، وَاغْفِرْ ذَنْبِي، وَأَمِنْ خَوْفِ نَفْسِي؛

و گناهم را بیامرز، و ترسم را ایمنی ده. همانا تو بر هر چیز توانایی، و اموری

إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ.

که از تو خواستم، روا کردنش برای تو آسان است. دعایم را مستجاب کن

أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ای پروردگار جهانیان!





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

دعای امام سجاد علیه السلام در درخواست نیازمندی‌ها از خداوند متعال

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ يَا مُنْتَهَى مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ، وَيَا

(۱) خدایا! ای نهایت خواستن حاجات،

مَنْ عِنْدَهُ نَيْلُ الطَّلِبَاتِ، وَيَا مَنْ لَا يَبِيعُ

و ای آن که رسیدن به تمام خواسته‌ها به دست قدرت اوست، و ای آن که

نِعْمَهُ بِالْأَثْمَانِ، وَيَا مَنْ لَا يُكْدِرُ عَطَايَاهُ

نعمت‌هایش را به بها و قیمت نمی‌فروشد، و ای آن که بخشش‌هایش را،

بِالْإِمْتِنَانِ، وَيَا مَنْ يُسْتَعْفَى بِهِ وَلَا يُسْتَعْفَى

به منت گذاشتن، تیره و ناصاف نمی‌کند، و ای آن که به او بی‌نیاز می‌شود،

عَنْهُ، وَيَا مَنْ يُرْغَبُ إِلَيْهِ وَلَا يُرْغَبُ عَنْهُ،

و از او بی‌نیاز نمی‌شوند، و ای آن که به او رغبت می‌کنند، و از او

وَيَا مَنْ لَا تُفْنَى خَزَائِنُهُ الْمَسَائِلُ، وَيَا مَنْ

روی برنتابند، و ای آن که درخواست‌ها، گنج‌هایش

لَا تُبَدَّلُ حِكْمَتُهُ الْوَسَائِلُ، وَيَا مَنْ لَا تَقْطَعُ

را از بین نمی‌برد، و دست آویزها، حکمتش را تغییر نمی‌دهد،

عَنْهُ حَوَائِجُ الْمُحْتَاجِينَ، وَيَا مَنْ لَا يُعْنِيهِ دُعَاءُ

و رشته حوایج نیازمندان از او قطع نمی‌شود،



الدَّاعِيْنَ.

و دعای دعا کنندگان او را خسته و درمانده نمی‌کند.

﴿۲﴾ تَمَدَّحْتَ بِالْغِنَاءِ عَنِ خَلْقِكَ، وَأَنْتَ أَهْلُ

(۲) وجودت را به بی‌نیازی از همه آفریده‌ها ستوده‌ای، و حضرتت به بی‌نیازی

الْغِنَى عَنْهُمْ، وَ نَسَبْتَهُمْ إِلَى الْفَقْرِ، وَ هُمْ

از آنها شایسته است. آفریده‌ها را به نیازمندی نسبت داده‌ای، و آنان هم

أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَيْكَ؛ ﴿۳﴾ فَمَنْ حَاوَلَ سَدَّ خَلَّتِهِ

بی‌چون و چرا نیازمند به تو هستند. (۳) پس کسی که ترمیم خلأ و شکاف

مِنْ عِنْدِكَ، وَ رَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِكَ،

زندگیش را از تو بخواهد، و تغییر تهیدستی و فقرش را از تو درخواست کند،

فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي مَظَانِّهَا، وَ أَتَى طَلِبَتَهُ

محققاً حاجتش را از جایگاه اصل‌اش خواسته و به دنبال مطلبش، از راه

مِنْ وَجْهِهَا؛ ﴿۴﴾ وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَى أَحَدٍ

صحيح و درستش آمده، (۴) و کسی که برای حاجتش به یکی از آفریده‌های

مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نَجْحِهَا دُونَكَ،

تو رو کند، یا او را به جای تو وسیله رسیدن به نیازش قرار دهد، محققاً

فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ، وَ اسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ

خود را در معرض محرومیت قرار داده، و سزاوار از دست رفتن احسان تو

فَوْتَ الْإِحْسَانِ.

گشته است.



(۵) اَللّٰهُمَّ وَ لِيْ اِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا

(۵) خدایا! برای من در پیشگاه حضرتت حاجتی است که دست طاقت و توانم، از

جُهِدِيْ ، وَ تَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِيَلِيْ ، وَ سَوَّلَتْ

دست یابی به آن کوتاه است، و رشته چاره‌ام، بدون لطف تو بریده است، و تَفَسَّم

لِيْ نَفْسِيْ رَفَعَهَا اِلَى مَنْ يَّرْفَعُ حَوَائِجَهُ اِلَيْكَ ،

در نظرم چنین آراسته که رفع نیازم را از کسی بخواهم که رفع نیازهایش را از تو

وَلَا يَسْتَعْنِيْ فِيْ طَلِبَاتِهِ عَنكَ ، وَ هِيَ زَلَّةٌ مِّنْ

می‌خواهد، و در حاجاتش از تو بی‌نیاز نیست. این درخواست حاجت از غیر تو

زَلَلِ الْخَاطِئِيْنَ ، وَ عَثْرَةٌ مِّنْ عَثْرَاتِ الْمُدْنِبِيْنَ ؛

لغزشی است، از لغزش‌های خطاکاران، و افتادنی است، از افتادن‌های گناهکاران.

(۶) ثُمَّ اَنْتَبَهْتُ بِتَذْكِيْرِكَ لِيْ مِّنْ غَفْلَتِيْ ،

(۶) آن گاه به یادآوری تو، از خواب غفلت بیدار شدم و به توفیق تو از عرصه گاه

وَتَهَضُّتُ بِتَوْفِيْقِكَ مِنْ زَلَّتِيْ ، وَ رَجَعْتُ وَ نَكَصْتُ

لغزشم برخاستم و به راهنمایی تو از افتادنم به وادی خطر پس آمدم، و از

بِتَسْدِيْدِكَ عَنْ عَثْرَتِيْ ، وَ قُلْتُ : سُبْحَانَ رَبِّيْ ،

علل در افتادن به گمراهی دست برداشتم، و گفتم: منزه و پاک است پروردگارم،

كَيْفَ يَسْأَلُ مُحْتَاجٌ مُحْتَاجًا؟ وَ اَنْنِيْ يَرِغْبُ مُعْدِمٌ

چگونه نیازمندی از نیازمند دیگر طلب حاجت کند، و از کجا تهی دستی به

اِلَى مُعْدِمٍ؟ (۷) فَقَصَدْتُكَ - يَا اِلٰهِيْ - بِالرَّغْبَةِ ،

تهی دستی دیگر میل و رغبت نشان دهد؟! (۷) روی این حساب، با اشتیاق و



وَأَوْفَدْتُ عَلَيْكَ رَجَائِي بِالثِّقَّةِ بِكَ، وَعَلِمْتُ

شوق، آهنگ تو کردم، و از باب اطمینان به تو، امیدم را به جانب حضرتت آوردم،

أَنَّ كَثِيرًا مَا أَسْأَلُكَ يَسِيرًا فِي وُجْدِكَ، وَأَنَّ

و دانستم آنچه را از تو می‌خواهم، هر چند زیاد باشد، در کنار دارایت اندک

خَطِيرًا مَا اسْتَوْهَبُكَ حَقِيرًا فِي وَسْعِكَ، وَأَنَّ

است، و چیزهای با ارزشی که بخشش را از تو درخواست می‌کنم، در جنب

كَرَمِكَ لَا يَضِيقُ عَنْ سُؤَالِ أَحَدٍ، وَأَنَّ

توانایت کوچک و بی مقدار است، و دایره کرم و بزرگواریت با تقاضای هیچ کس

يَدُكَ بِالْعَطَايَا أَعْلَى مِنْ كُلِّ يَدٍ.

تنگ نمی‌شود، و دست بخشندگیت از هر دستی برتر است.

(۸) اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَهُ، وَاحْمِلْنِي

(۸) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا به کرم و بزرگواریت بر دست یافتن به

بِكْرَمِكَ عَلَى التَّفَضُّلِ، وَلَا تَحْمِلْنِي بِعَدْلِكَ عَلَى

احسانت کمک فرما، و از باب عدالتت بر کیفری که سزاوار آنم دچار مکن. من اولین

الْإِسْتِحْقَاقِ؛ فَمَا أَنَا بِأَوَّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ إِلَيْكَ

رغبت کننده‌ای نیستم که به حضرتت رو آورده، پس به او عطا کرده‌ای، و حال آن که

فَاعْطَيْتَهُ، وَهُوَ يَسْتَحِقُّ الْمَنَعَ، وَلَا بِأَوَّلِ سَائِلٍ

سزاوار ممنوع شدن از عطایات بوده، و اولین خواهنده‌ای نیستم که از تو طلب حاجت

سَأَلْتُكَ فَأَفْضَلْتَ عَلَيْهِ، وَهُوَ يَسْتَوْجِبُ الْحِرْمَانَ.

کرده و تو بر او احسان کرده‌ای در حالی که مستحق محرومیت از احسان توست.



﴿٩﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكُنْ لِدُعَائِي

(۹) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مستجاب کننده

مُجِيبًا، وَمِنْ نِدَائِي قَرِيبًا، وَلِتَضَرُّعِي رَاحِمًا،

دعایم باش و به ندایم توجه کن، و به زاریم رحمت آر،

وَلِصَوْتِي سَامِعًا؛ ﴿١٠﴾ وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي عَنْكَ،

و صدایم را شنو باش، (۱۰) و امیدم را از حضرتت قطع مکن،

وَلَا تَبْتِ سَبَبِي مِنْكَ، وَلَا تُوجِّهْنِي فِي حَاجَتِي،

و دست آویز مرا از خود جدا مساز، و در این حاجتم و دیگر حوایجم،

هَذِهِ وَغَيْرِهَا إِلَى سِوَاكَ؛ ﴿١١﴾ وَتَوَكَّلْنِي بِنُجْحِ

مرا به سوی غیر خودت روانه مکن، (۱۱) و به برآورده شدن

طَلَبَتِي، وَقَضَاءِ حَاجَتِي، وَنَيْلِ سُؤْلِي، قَبْلَ

خواستهام، و روا شدن حاجتم و رسیدن به مطلبم، پیش از

زَوَالِي عَنِ مَوْقِفِي هَذَا، بِتَيْسِيرِكَ لِي الْعَسِيرَ،

برخاستن از جایم و با آسان ساختن مشکلم و با سرنوشت خوبی که

وَحُسْنِ تَقْدِيرِكَ لِي فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ؛ ﴿١٢﴾ وَصَلِّ

در تمام امور برایم رقم می‌زنی، کار ساز من باشد. (۱۲) و بر محمد

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً دَائِمَةً نَامِيَةً، لِأَنْقِطَاعِ

و آلش درود فرست؛ درودی دائمی و فزاینده که برای مدتش

لِأَبْدِهَا، وَلَا مُنْتَهَى لِأَمْدِهَا؛ وَاجْعَلْ ذَلِكَ

انقطاعی، و برای زمانش پایانی نباشد. این درود را برایم مدد، و



عَوْنَالِي، وَسَبَبًا لِنَجَاحِ طَلِبَتِي؛ إِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ

جهت برآورده شدن حاجتم سبب قرار ده؛ همانا تو واسع و کریمی

وَمِنْ حَاجَتِي- يَا رَبِّ- كَذَا وَكَذَا،...

و ای پروردگارم! از جمله درخواست‌هایم چنین و چنان است.

(وَتَذَكَّرُ حَاجَتَكَ، ثُمَّ تَسْجُدُ وَتَقُولُ فِي سُجُودِكَ:)

(و نیاز به درخواست را می‌گویی، سپس به سجده می‌روی، و در سجده‌ات می‌گویی:)

فَضْلِكَ أَسْنَى، وَإِحْسَانِكَ دَلْنِي، فَاسْأَلْكَ بِكَ

عطا و بخشش به من آرامش می‌دهد، و احسانت راهنماییم می‌کند. به حق خودت و به حق

وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ- صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ- أَنْ لَا تَرُدَّنِي خَائِبًا.

محمد و آلش که درودت بر آنان باد، از تو می‌خواهم که مرا از پیشگامت ناامید برنگردانی.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اعْتَدَى عَلَيْهِ،

دعای امام سجاد علیه السلام هرگاه ستمی به او می‌رسید

أَوْ رَأَى مِنَ الظَّالِمِينَ مَا لَا يُحِبُّ

یا از ستمگران چیزی را که خوش نداشت می‌دید

﴿۱﴾ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَظَلِّمِينَ،

(۱) ای آن که اخبار شاکیان از ستم بر او پنهان نیست! و ای آن که نسبت

وَيَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِي قَصَصِهِمْ إِلَى شَهَادَاتِ

به ستمی که بر ستم دیدگان رفته، نیاز به شهادت شاهدان ندارد! و ای آن

الشَّاهِدِينَ، وَيَا مَنْ قَرَّبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ المَظْلُومِينَ،

که یاری و نصرتش به ستم دیدگان نزدیک، و مددکاریش از ستمگران دور است!

وَيَا مَنْ بَعْدَ عَوْنِهِ عَنِ الظَّالِمِينَ، ﴿۲﴾ قَدْ عَلِمْتَ

(۲) ای خدای من! محققاً می‌دانی، از فلانی فرزند فلانی ستمی به من رسیده که او را از آن

يَا إِلَهِي - مَا نَالَنِي مِنْ (فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ) مِمَّا حَظَرْتَ،

ستم نهی کردی، و پرده حرمتم را دریده که دریدنش را بر او منع فرمودی. این ستمگری

وَانتَهَكَهُ مِنِّي مِمَّا حَجَزْتَ عَلَيْهِ، بَطْرًا فِي

و پرده‌داری، از باب طغیان در نعمت توست که در اختیار اوست، و براساس غفلت و

نِعْمَتِكَ عِنْدَهُ، وَاغْتِرَارًا بِبُكْرِكَ عَلَيْهِ.

بی‌اعتنائی به خشم و غضب توست که گریبان او را خواهد گرفت.



(۳) اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخُذْ

خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ستم‌کننده بر من و دشمنم را با نیرویت از

ظالمی و عدوی عن ظلمی بِقُوَّتِكَ،

ستم بر من بازدار، و با قدرتت تندی و تیزی ستمش را بر من بشکن، و برایش در آنچه

وَافْلُ حَدَّهُ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ، وَاجْعَلْ لَهُ

که دوست دارد، مشغولیت و سرگرمی قرار ده، تا از ستم ورزی غافل گردد، و بر وجودش

شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ، وَعَجْزًا عَمَّا يُنَاوِيهِ.

در برابر مظلومی که به دشمنی برمی‌خیزد، داغ عجز و ناتوانی زن.

(۴) اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُسَوِّغْ

(۴) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست. و ستم کار را رخصت

لَهُ ظَلْمِي، وَأَحْسِنْ عَلَيْهِ عَوْنِي، وَأَعْصِمْنِي

ستم بر من مده، و یاریت را نسبت به من، در برابر او نیکو

مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ، وَلَا تَجْعَلْنِي فِي مِثْلِ حَالِهِ.

قرار ده، و مرا از دست زدن به کارهایی مانند کار او حفظ کن.

(۵) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِدْنِي

و در حالتی مانند حال او قرار مده. (۵) خدایا! بر محمد و آلش

عَلَيْهِ عَدُوِّي حَاضِرَةً، تَكُونُ مِنْ غِيظِي بِهِ

درود فرست و مرا بر دشمنم یاری ده؛ یاری دادن بی‌درنگی که خشمم را

شِفَاءً، وَمِنْ حَنْقِي عَلَيْهِ وَفَاءً.

نسبت به او شفا، و کینه‌ام را در برابر او وفا باشد.



(۶) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَوِّضْنِي

(۶) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و عفو و بخشش را، در برابر ستمی

مِنْ ظُلْمِهِ لِي عَفْوِكَ، وَأَبْدِلْنِي بِسُوءِ صَنِيعِهِ بِي

که دشمن به من روا می‌دارد عوض ده و به جای رفتار بدش نسبت به من،

رَحْمَتِكَ، فَكُلُّ مَكْرُوهِ جَلَلٌ دُونَ سَخَطِكَ،

رحمتت را قرار ده، پس هر شدتی ورای خشم تو ناچیز، و هر بلایی با وجود

وَكُلُّ مَرَزِيَّةٍ سِوَاءٍ مَعَ مَوْجِدَتِكَ.

غضب تو معتدل است.

(۷) اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أُظْلِمَ،

(۷) خدایا! همان طور که ستم کردن دیگران را بر من در نظرم ناخوشایند

فَقِنِي مِنْ أَنْ أُظْلِمَ.

جلوه دادی، مرا از این که بر دیگران ستم ورزم حفظ فرما.

(۸) اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَيْكَ إِحْدَ سِوَاكَ، وَلَا أَسْتَعِينُ

(۸) خدایا! به کسی غیر تو شکایت نمی‌کنم، و از هیچ حاکمی غیر

بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ، حَاشَاكَ؛ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

تو یاری نمی‌خواهم؛ حاشا که چنین کنم. پس بر محمد و آلش درود

وَآلِهِ، وَصِلْ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ، وَاقْرِنْ شِكَايَتِي

فرست و دعایم را به اجابت برسان، و شکایتم را به تغییر وضع فعلی‌ام

بِالتَّغْيِيرِ

مقرون ساز.



﴿٩﴾ اللَّهُمَّ لَا تَفْتِنِي بِالْقَنُوطِ مِنْ إِنْصَافِكَ،

(۹) خدایا! مرا به ناامیدی از عدل و انصاف آزمایش نکن، و دشمن را به

وَلَا تَفْتِنَهُ بِالْأَمْنِ مِنْ إِنْكَارِكَ، فَيُضِرَّ عَلَيَّ

ایمنی از کيفرت امتحان مفرما تا بر ستمش نسبت به من پافشاری کند، و

ظُلْمِي، وَيُحَاضِرْنِي بِحَقِّي، وَعَرَفَهُ عَمَّا قَلِيلٍ

بر حَقِّم چیره شود، و به زودی او را به عذابي که ستمکاران را به آن تهدید

مَا أَوْعَدَتِ الظَّالِمِينَ، وَعَرَفَنِي مَا وَعَدَتِ مِنْ

کردی آشنا کن، و مرا با اجابتي که نسبت به دعای بیچارگان وعده

إِجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ.

دادی آگاه فرما.

﴿١٠﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَقِّعْنِي

(۱۰) خدایا! بر مُحَمَّد و آلش درود فرست، و مرا به پذیرفتن هر سود و زبانی که

لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَعَلَيَّ، وَرَضِّنِي بِمَا أَخَذْتَ

برایم مقدور کرده‌ای موفق دار، و مرا به آنچه از دیگری برای من، و از من برای

لِي وَمِنِّي، وَاهْدِنِي لِلتِّي هِيَ أَقْوَمُ، وَاسْتَعْمَلْنِي

دیگری می‌ستایی، خشنود ساز، و به راست‌ترین راه هدایتم کن، و به سالم‌ترین

بِمَا هُوَ أَسْلَمٌ.

برنامه به کارم گمار.

﴿١١﴾ اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتِ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي

(۱۱) خدایا! اگر خیر من نزد تو در این است که در گرفتن حَقِّم تأخیر افتد و



تَأخِيرِ الْأَخْذِ لِي، وَتَرْكِ الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي

انتقام از کسی که به من ستم روا داشته، تا روز جدا شدن حق از باطل و جایگاه

إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ، وَجَمْعِ الْخَصْمِ؛ فَصَلَ عَلَيَّ

گرد آمدن مدعیان متروک گذاشته شود، همان را در حق من عملی فرما. پس بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَيِّدْنِي مِنْكَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ، وَصَبْرٍ

محمد و آلش درود فرست، و مرا از جانب خود، به نیت صادقانه، و پایداری

دَائِمٍ، وَأَعِزَّنِي مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ، وَهَلَعَ أَهْلِ

همیشگی یاری فرما، و از میل و رغبت بد و بی‌قراری اهل

الْحَرِصِ، وَصَوِّرْ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا أَدَّخَرْتَ لِي

حرص پناه ده و نقشی از ثوابی که برای من ذخیره کرده‌ای،

مِنْ ثَوَابِكَ، وَأَعِدِّتْ لِخَصْمِي مِنْ جَزَائِكَ

و کیفر و عقابی که برای دشمنم مهیا ساخته‌ای، (۱۲) در دلم به تصویر آر، و

وَعِقَابِكَ، ﴿١٢﴾ وَاجْعَلْ ذَلِكَ سَبَبًا لِقِنَاعَتِي

آن را وسیله‌ای برای خرسندی و رضایت من نسبت به آنچه که برایم مقدور

بِمَا قَضَيْتَ، وَثِقْتِي بِمَا تَخَيَّرْتَ.

کرده‌ای، و اطمینان به آنچه که برایم انتخاب فرموده‌ای قرار ده.

﴿١٣﴾ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ

(۱۳) ای پروردگار جهانیان! دعایم را مستجاب کن؛ همانا تو دارای احسان

الْعَظِيمِ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

بزرگی و بر هر کاری توانایی.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا مَرِضَ،

دعای امام سجاد علیه السلام به وقت بیماری

أَوْ نَزَلَ بِهِ كَرْبٌ أَوْ بَلِيَّةٌ

یا روی آوردن اندوه و بلا



﴿١﴾ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِيهِ

(۱) خدایا! تو را سپاس بر تندرستی بدنم که پیوسته از

مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَحْدَثَتْ

آن برخوردار بودم، و تو را سپاس بر بیماری و مرضی که

بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي؛ ﴿٢﴾ فَمَا أَدْرِي - يَا إِلَهِي -

در جسمم پدید آوردی. (۲) ای خدای من! کدام یک از این دو حال، برای

أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ؟ وَ أَيُّ الْوَقْتَيْنِ

سپاس گزاری به درگاهت سزاوارتر، و کدام یک از این دو وقت، برای سپاس

أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ؟ أَوْ قَتُ الصِّحَّةِ الَّتِي هَتَّاتَنِي

و ثنا به پیشگاهت شایسته تر است؟ آیا زمان سلامت که روزی‌های پاکیزه‌ات

فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَ نَشَّطَنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ

را در آن برایم گوارا فرمودی، و به سبب آن برای به دست آوردن خشنودی و

مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ قَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا

احسانت به من نشاط دادی، و مرا همراه آن، بر آنچه که از اطاعتت توفیق

وَقَفَّتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ؟ ﴿٣﴾ أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ

دادی، نیرو بخشیدی. (۳) یا هنگام بیماری که مرا به وسیله آن از ناخالصی‌ها

الَّتِي مَحَصَّتَنِي بِهَا، وَالنِّعَمَ الَّتِي اتَّحَفَّتَنِي بِهَا،

خالص ساختی، و نعمت‌هایی که به من هدیه دادی، برای سبک کردن گناهانی

تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ،

که پشتم را گران و سنگین کرده و پاک کردن زشتی‌هایی که در آن فرو رفته‌ام،

و تَطْهِيرًا لِمَا انْعَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ،

و آگاهی دادن برای این که توبه را فراگیرم، و به یاد آوردن نعمت‌های قدیم،

و تَتَبِيهَا لِتَتَاوَلَ التَّوْبَةُ، وَ تَذَكِيرًا لِمَحْوِ الْحَوْبَةِ

برای محو کردن گناهان بزرگ از پرونده‌ام؟ (۴) و در اثنای آن بیماری، از جمله

بِقَدِيمِ النِّعْمَةِ؟ ﴿٤﴾ وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ، مَا كَتَبَ لِي

تحفه‌هایی که به من عنایت کردی این است که فرشتگان نویسنده به

الْكَاتِبِينَ مِنْ زَكِيِّ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فِكْرٌ

حساب من اعمال پاکیزه‌ای نوشتند؛ اعمالی که نه دلی در آن فکر کرده، و نه

فِيهِ، وَلَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ، وَلَا جَارِحَةٌ تَكَلَّمَتْهُ،

زبانی به آن گویا شده، و نه عضوی در انجامش رنج برده، بلکه بخششی از

بَلْ أَفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ، وَإِحْسَانًا مِنْ صَنِيْعِكَ إِلَيَّ.

جانب تو بر من و احسانی از ساخته تو به سوی من بود.

﴿٥﴾ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ حَبِّبْ

(۵) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و آنچه را برایم پسندیده‌ای



إِلَى مَا رَضَيْتَ لِي ، وَ يَسِّرْ لِي مَا أَحَلَّكَ بِي ،

محبوب من ساز، و آنچه را بر من وارد کرده‌ای آسان کن، و از آلودگی
و طَهِّرْنِي مِنْ دَنْسِ مَا أَسْلَفْتُ ، وَ امْحُ عَنِّي شَرَّ

اعمال زشتی که در گذشته انجام داده‌ام پاکم فرما، و شر آنچه که پیش
مَا قَدَّمْتُ ، وَ أَوْجِدْنِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ ، وَ أَذِقْنِي

از این مرتکب شده‌ام، از صفحه وجودم محو کن، و از شیرینی عافیت
بَرْدَ السَّلَامَةِ ، وَ اجْعَلْ مَخْرَجِي عَنِ عَلْتِي إِلَى

کامیابم ساز، و گوارایی تندرستی را به من بچشان، و راه بیرون رفتن از
عَفْوِكَ ، وَ مَتَحَوَّلِي عَنِ صَرَعْتِي إِلَى تَجَاوُزِكَ ،

بیماریم را به سوی بخشش و عفو و جابه‌جا شدنم را از بستر بیماری
وَ خَلَاصِي مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ ، وَ سَلَامَتِي مِنْ

به جانب گذشتت، و نجاتم را از اندوهم به عرصه رحمتت، و تندرستیم را
هَذِهِ الشَّدَّةِ إِلَى فَرَجِكَ ؛ ﴿٦﴾ إِنَّكَ الْمُتَفَضِّلُ

از این دشواری به دایره گشایشت قرار ده، (٦) همانا تو تفضل کننده
بِالْإِحْسَانِ ، الْمَتَطَوَّلُ بِالْإِمْتِنَانِ ، أَلَوْهَابُ

به احسان و عطا کننده به نعمتی، بسیار بخشنده
الْكَرِيمُ ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ .

و بزرگواری؛ دارای جلال و اکرامی.



﴿ ۱۶ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ إِذَا اسْتَقَالَ مِنْ ذُنُوبِهِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در آمرزش خواهی از گناهان،

أَوْ تَضَرَّعَ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ عَنْ عُيُوبِهِ

و زاری در طلب عفو از عیوب

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَعِيثُ الْمُذْنِبُونَ،

(۱) خدایا! ای آن که گنهکاران از رحمتش یاری می‌طلبند،

وَيَا مَنْ إِلَى ذِكْرٍ احْسَانِهِ يَفْزَعُ الْمُضْطَرُّونَ، وَيَا

و ای آن که بیچارگان به جانب یاد احسانش پناه می‌برند، و ای آن که

مَنْ لِحَيْفَتِهِ يَتَّحِبُّ الْخَاطِئُونَ؛ ﴿۲﴾ يَا أُنْسَ كُلِّ

خطاکاران از بیم عذابش به شدت گریه می‌کنند! (۲) ای آرامش هر

مُسْتَوْحِشٍ غَرِيبٍ، وَيَا فَرَجَ كُلِّ مَكْرُوبٍ

نآرام غریب! ای گشایش هر اندوهگین دل

كَثِيبٍ، وَيَا غَوْثَ كُلِّ مَخْذُولٍ فَرِيدٍ، وَيَا عَضُدَ

شکسته! ای کمک کننده هر خوار شده تنها! و ای یاری دهنده

كُلِّ مُحْتَاجٍ طَرِيدٍ.

هر نیازمند رانده شده!

﴿۳﴾ أَنْتَ الَّذِي وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا،

(۳) تویی که از جهت رحمت و دانش، همه چیز را فرا گرفته‌ای



وَأَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ مَخْلُوقٍ فِي نِعْمِكَ

و تویی که برای هر آفریده‌ای، سهم و نصیبی از نعمت‌هایت

سَهْمًا، وَأَنْتَ الَّذِي عَفَوَهُ أَعْلَىٰ مِنْ عِقَابِهِ،

قرار داده‌ای، و تویی که عفو و بخشش از عقابش برتر است،

وَأَنْتَ الَّذِي تَسْعَىٰ رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ، وَأَنْتَ

و تویی که رحمتش پیشاپیش غضبش حرکت می‌کند، و تویی که

الَّذِي عَطَاؤُهُ أَكْثَرُ مِنْ مَنَعِهِ، وَأَنْتَ الَّذِي اتَّسَعَ

عطا و بخشش، از منع کردنش بیشتر است، و تویی که همه آفریده‌ها را

الْخَلَائِقُ كُلُّهُمْ فِي وَسْعِهِ، وَأَنْتَ الَّذِي لَا يَرْعَبُ

در سعه رحمتش فرا گرفته، و تویی که هر کسی را نعمت عطا کردی، از او

فِي جَزَاءٍ مَنْ أَعْطَاهُ، وَأَنْتَ الَّذِي لَا يُفْرَطُ

انتظار پاداش نداری، و تویی که در کیفر کسی که

فِي عِقَابٍ مَنْ عَصَاهُ؛ ﴿٤﴾ وَأَنَا - يَا إِلَهِي -

از تو نافرمانی کرده، از اندازه نمی‌گذری. (۴) و من ای خدای من!

عَبْدُكَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالذُّعَاءِ، فَقَالَ: لَبَّيْكَ

بنده توام؛ که او را به دعا دستور دادی؛ پس لبیک

وَسَعْدِيكَ؛ هَا أَنَا ذَا - يَا رَبِّ - مَطْرُوحٌ بَيْنَ

و سعدیک گفت. اینک منم ای پروردگارم! که انداخته شده در

يَدَيْكَ؛ ﴿٥﴾ أَنَا الَّذِي أَوْقَرْتِ الْخَطَايَا ظَهْرَهُ،

برابر توام؛ (۵) منم که خطاها پشتم را سنگین کرده؛



وَ أَنَا الَّذِي أَفْنَتِ الذُّنُوبُ عُمُرَهُ، وَ أَنَا الَّذِي

و منم که گناهان عمرم را نابود ساخته؛ و منم که به نادانیم، تو را نافرمانی

بِجَهْلِهِ عَصَاكَ، وَلَمْ تَكُنْ أَهْلًا مِنْهُ لِذَلِكَ.

کردم، و تو شایسته این نبودی که من این گونه با تو معامله کنم.

﴿٦﴾ هَلْ أَنْتَ - يَا إِلَهِي - رَاحِمٌ مِّنْ دَعَاكَ فَأُبْلِغْ

(٦) ای خدای من! آیا حضرتت به کسی که تو را بخواند، رحم می‌کند، تا در خواندن تو

فِي الدُّعَاءِ؟ أَمْ أَنْتَ غَافِرٌ لِّمَن بَكَكَ فَأَسْرِعْ فِي

اصرار ورزد؟ یا کسی که به درگاهت گریه و زاری کند می‌آمیزی تا در گریه شتاب کند؟

الْبُكَاءِ؟ أَمْ أَنْتَ مُتَجَاوِزٌ عَمَّنْ عَفَّرَ لَكَ وَجْهَهُ

یا گذشت می‌کنی از کسی که از باب فروتنی، صورت به خاک درگاهت سایید؟ یا کسی

تَذَلُّلاً؟ أَمْ أَنْتَ مُغْنٍ مِّنْ شَكَائِكَ فَقْرَهُ تَوَكُّلاً؟

که از باب توکل و اعتماد، از تهی دستی خودش به تو شکایت کند، بی نیاز می‌سازی؟

﴿٧﴾ إِلَهِي لَا تُخَيِّبْ مَن لَّا يَجِدُ مُعْطِيًا غَيْرَكَ،

(٧) ای خدای من! کسی را که جز تو عطا کننده‌ای نمی‌یابد، ناامید مکن و

وَلَا تُخَذِّلْ مَن لَّا يَسْتَغْنِي عَنْكَ بِأَحَدٍ دُونَكَ.

کسی را که از تو به احدی غیر تو بی نیاز نمی‌شود، خوار و بی‌پار رها مکن.

﴿٨﴾ إِلَهِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُعْرِضْ

(٨) خدای من! بر محمد و آلش درود فرست، در حالی که به تو روی

عَنِّي وَقَدْ أَقْبَلْتُ عَلَيْكَ، وَلَا تَحْرِمْنِي وَقَدْ

آوردهام، از من روی مگردان و اکنون که به تو رغبت کرده‌ام، مرا از لطف و



رَغِبْتُ إِلَيْكَ، وَلَا تَجْهِنِي بِالرَّدِّ، وَقَدْ انْتَصَبْتُ
 رَحْمَتَ مَحْرُومٍ مَكْنٍ. اینک که در برابرت قرار گرفته‌ام، دست ردّ به سینهام
 بَيْنَ يَدَيْكَ.

مزن، و با من برخورد تلخ و بد نداشته باش؛

﴿٩﴾ أَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ؛ فَصَلِّ

(۹) تویی که وجود مقدّست را به رحمت وصف کرده‌ای، بر محمّد و آلش

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْحَمْنِي، وَأَنْتَ الَّذِي سَمَّيْتَ

درود فرست، و به من رحم کن، و تویی که خود را خطابش نامیده‌ای؛

نَفْسِكَ بِالْعَفْوِ، فَأَعْفُ عَنِّي؛ ﴿١٠﴾ قَدْ تَرَى - يَا

بنابراین مرا ببخش (۱۰) ای خدای من! جریان اشکم را به خاطر ترسی که از تو

إِلَهِي - فَيُضِ دَمْعِي مِنْ خَيْفَتِكَ، وَوَجِيبَ

دارم، و لرزیدن دلم را محض خشیتی که نسبت به عظمت تو دارم، و حرکت و تکان

قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَانْتِقَاضَ جَوَارِحِي

اعضایم را در برابر بیمی که از تو دارم مشاهده می‌کنی. (۱۱) همه اینها محصول

مِنْ هَيْبَتِكَ؛ ﴿١١﴾ كُلُّ ذَلِكَ حَيَاءٌ مِنْكَ لِسَوْءِ

شرمساری من از حضرت توست؛ آنهم به خاطر اعمال زشتی که از من سرزده؛ به

عَمَلِي، وَلِلذَلِكَ خَمَدٌ صَوْتِي عَنِ الْجَارِ إِلَيْكَ،

همین سبب صدایم از این که به درگاهت به زاری بلند شود، خاموش شده و زبانم

وَكَلَّ لِسَانِي عَنِ مُنَاجَاتِكَ.

از راز و نیاز با تو باز مانده.



﴿۱۲﴾ يَا اِلٰهِي فَلَكَ الْحَمْدُ؛ فَكَمْ مِنْ عَابِئَةٍ سَتَرْتَهَا

(۱۲) ای خدای من! تو را سپاس، چه بسیار عیوبی که بر من پوشانیدی، و مرا رسوا

عَلَىٰ فَلَمْ تَفْضَحْنِي! وَكَمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتَهُ عَلَيَّ

نکردی، و چه بسیار گناهی که مستور داشتی، و به آنم مشهور نساختی، و چه

فَلَمْ تَشْهَرْنِي! وَكَمْ مِنْ شَائِبَةٍ اَلَمَّتْ بِهَا

بسیار خیانت و نیرنگ و امور هوسناکی که مرتکب شدم، ولی پرده آنها را به

فَلَمْ تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَهَا! وَ لَمْ تُقَلِّدْنِي مَكْرُوهُ

خطر حفظ آبرویم ندریدی، و حلقه عار و ننگ آنها را به گردنم نیاویختی، و

شَنَارَهَا، وَ لَمْ تُبَدِّسْ اَتِّهَا، لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَابِي مِنْ

زشتی هایم را نزد همسایگانی که به دنبال عیوب من هستند، و حسودانی که

جِيرَتِي، وَ حَسَدَةَ نِعْمَتِكَ عِنْدِي، ثُمَّ لَمْ يَنْهَنِي

نعمت‌هایت را نزد من می‌بینند، آشکار نکردی. سپس این همه الطاف و عنایات

ذٰلِكَ عَن اَنْ جَرَيْتُ اِلَى سُوءٍ مَا عٰهَدْت مِنِّي،

نسبت به من، مرا از گرایش به بدی‌هایی که از من سراغ داری باز نداشت.

﴿۱۳﴾ فَمَنْ اَجْهَلُ مِنِّي - يَا اِلٰهِي - بِرُشْدِهِ؟! وَمَنْ

(۱۳) ای خدای من! نادان‌تر از من به صلاح کار خود کیست؟

اَغْفَلُ مِنِّي عَنِ حَظِّهِ؟! وَمَنْ اَبْعَدُ مِنِّي

و غافل‌تر از من به نصیب و بهره‌اش کدام انسان است؟ و چه

مِنْ اِسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ؟ حِينَ اُنْفِقُ مَا اَجْرَيْتَ

کسی از اصلاح وجودش، دور افتاده‌تر از من است، آنگاه که تمام



عَلَىٰ مِنْ رِزْقِكَ، فِيمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ؟!؛

نعمت‌هایی که به من می‌دهی، در گناهانی که مرا از آن نهی فرمودی

وَمَنْ أَبْعَدُ غَوْرًا فِي الْبَاطِلِ، وَأَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَىٰ

صرف می‌کنم؟! و چه کسی بیش از من در غرقاب باطل فرو رفته

السُّوءِ مِنِّي، حِينَ أَقْبُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَدَعْوَةِ

و سخت‌تر از من اقدام به زشتی کرده، زمانی که میان دعوت تو،

الشَّيْطَانِ، فَاتَّبَعُ دَعْوَتَهُ عَلَيَّ غَيْرَ عَمَىٰ مِنِّي

و دعوت شیطان می‌ایستم، ولی از دعوت او پیروی می‌کنم،

فِي مَعْرِفَةٍ بِهِ، وَلَا نِسْيَانٍ مِنْ حِفْظِي لَهُ؟! ﴿۱۴﴾

با این که او را، به صورتی که باید می‌شناسم، و نسبت به وضع او فراموشی

وَأَنَا حِينِيذٍ مَوْقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهَىٰ دَعْوَتِكَ إِلَىٰ

ندارم، (۱۴) و من در این موقعیت، یقین دارم که نهایت دعوت تو

الْجَنَّةِ، وَمُنْتَهَىٰ دَعْوَتِهِ إِلَى النَّارِ.

به سوی بهشت، و عاقبت دعوت او به جانب جهنم است.

﴿۱۵﴾ سُبْحَانَكَ، مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَيَّ

(۱۵) پاک و منزهی تو؛ چه شگفت است که به زیان خود شهادت می‌دهم،

نَفْسِي! وَأَعِدُّهُ مِنْ مَكْتُومِ أَمْرِي! وَأَعْجَبُ مِنْ

و امور پنهان خود را شماره می‌کنم، و شگفت‌تر از آن بردباریت نسبت به

ذَلِكَ أَنَا تَكَ عَنِّي، وَإِبْطَاؤُكَ عَن مِعْجَلَتِي!

من، و درنگت از مؤاخذه سریع این بنده گنهکار است. سببش این نیست که



وَلَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ؛ ﴿١٦﴾ بَل تَأْتِيَا

من در آستان حضرتت انسانی گران قدم: (۱۶) بلکه علتش، مدارایت با من

مِنْكَ لِي، وَ تَفْضُلًا مِنْكَ عَلَيَّ، لِأَن أَرْتَدِعَ عَن

و تفضل وجود مقدست بر من است، برای این که از نافرمانیت که موجب

مَعْصِيَتِكَ الْمُسْخِطَةَ، وَ أَقْلِعَ عَن سَيِّئَاتِي

خشم توست باز ایستم، و وجودم را از عرصه گناهانی که فرسوده کننده

الْمُخْلِقَةِ، وَ لِأَنَّ عَفْوَكُ عَنِّي أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ

هویت و شخصیت من است درآوردم؛ به خاطر این که گذشتت نسبت به

عُقُوبَتِي؛ ﴿١٧﴾ بَل أَنَا- يَا إِلَهِي- أَكْثَرُ ذُنُوبًا،

من نزد تو، از مجازات کردن من محبوب تر است، (۱۷) وگرنه ای خدای من،

وَ أَقْبَحُ آثَارًا، وَ أَشْنَعُ أَعْمَالًا، وَ أَشَدُّ فِي

گناهانم فراوان تر و آثارم زشت تر و کردارم ناپسندتر و گستاخیم در

الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا، وَ أضعفُ عِنْدَ طَاعَتِكَ

باطل شدیدتر، و بیداریم نزد طاعتت ضعیف تر،

تَيْقُظًا، وَ أَقَلُّ لَوْعِيدِكَ انْتِبَاهًا وَ ارْتِقَابًا، مِنْ

و هشیاری و مراقبتم در برابر تهدیدت، ناچیزتر از آن است که

أَن أَحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَيَّ ذِكْرَ ذُنُوبِي.

بتوانم عیوبم را برایت شماره کنم، یا توان ذکر کردن گناهانم را داشته باشم.

﴿١٨﴾ وَ إِنَّمَا أُوْبِّخُ بِهَذَا نَفْسِي، طَمَعًا فِي رَأْفَتِكَ

(۱۸) جز این است که خود را به این صورت نکوهش می‌کنم، در حالی



الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِينَ، وَرَجَاءُ لِرَحْمَتِكَ
که به مهربانی بیش از اندازه‌ات که صلاح کار گناهکاران به آن است، چشم
الَّتِي بِهَا فَكَأْكَ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ.

طمع دارم، و به رحمتت که آزادی خطاکاران، در گروی آن است امیدوارم.

(۱۹) اللَّهُمَّ وَهَذِهِ رَقَبَتِي قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ؛

(۱۹) خدایا! این وجود من است که گناهان او را به بند بردگی کشیده؛

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْتِقْهَا بِعَفْوِكَ،

پس بر محمد و آلش درود فرست، و وجودم را به عفو تو از بند بردگی

وَهَذَا ظَهْرِي قَدْ أَثْقَلْتَهُ الْخَطَايَا؛ فَصَلِّ عَلَيَّ

گناهان آزاد کن، و این پشت من است که خطاها آن را گران و سنگین

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَفِّفْ عَنْهُ بِمَنِّكَ.

کرده؛ پس بر محمد و آلش درود فرست، و به احسانت آن را سبک فرما

(۲۰) يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ

(۲۰) ای خدای من! اگر به درگاهت گریه کنم تا جایی که پلک‌های دو

عَيْنِي، وَانْتَحَبْتُ حَتَّى يَنْقَطِعَ صَوْتِي، وَقُمْتُ لَكَ

چشمم روی هم افتد، و چنان به شدت ناله زنم تا صدایم قطع شود، و

حَتَّى تَنْتَشِرَ قَدَمَايَ، وَرَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلِعَ

چندان به پیشگاهت بایستم که پایم ورم کند، و آن مقدار برای تو رکوع

صُلْبِي، وَسَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَتَفَقَّأَ حَدَقَتَايَ،

کنم که استخوان‌های پشتم از جا کنده شده و زدوده گردد، و به اندازه‌ای



وَأَكَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طَوَّلَ عُمُرِي، وَشَرِبْتُ

سجده کنم که چشم‌هایم از کاسه درآید، و در طول عمرم خاک زمین را

مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِي، وَذَكَرْتُكَ فِي خِلَالِ

بخورم، و تا پایان حیاتم آب آلوده به خاکستر بنوشم، و در اثنای

ذَلِكَ، حَتَّى يَكِلَ لِسَانِي، ثُمَّ لَمْ أَرْفَعْ طَرْفِي إِلَى

این اوضاع و احوال، چندان ذکر تو گویم که زبانم از کار بماند،

أَفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِحْيَاءً مِنْكَ، مَا اسْتَوْجَبْتُ

آنگاه از روی شرمساری از تو، چشم به آفاق آسمان باز نکنم،

بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي؛ ﴿۳۱﴾

با این همه سزاوار محو یک گناه از تمام گناهانم نیستم. (۲۱)

وَإِنْ كُنْتُ تَغْفِرُ لِي حِينَ اسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ،

و اگر زمانی که سزاوار آمرزش شوم، مرا ببامری، و هنگامی که مستحق

وَتَغْفُو عَنِّي حِينَ اسْتَحِقُّ عَفْوَكَ، فَإِنَّ ذَلِكَ

عفو تو گردم، مرا عفو کنی؛ همانا این آمرزش و عفو، به خاطر

غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِاسْتِحْقَاقٍ، وَلَا أَنَا أَهْلٌ لَهُ

استحقاق من نسبت به من واجب نیست، و من مستحق وجوب آمرزش

بِاسْتِحْبَابٍ، إِذْ كَانَ جَزَائِي مِنْكَ، فِي أَوَّلِ مَا

و عفو نیستم؛ زیرا پاداش من از جانب تو، در اولین باری که مرتکب

عَصَيْتُكَ النَّارَ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِي.

معصیتت شدم آتش بود، بنابراین اگر مرا عذاب کنی، ستمکار بر من نیستی.



﴿۲۲﴾ اِلٰهِيْ فَاِذْ قَدْ تَغَمَّدَتْنِيْ بِسِتْرِكَ

(۲۲) خدای من! اکنون که مرا به پرده پوشیت در پوشیده‌ای

فَلَمْ تَفْضَحْنِيْ، وَتَأْنَيْتَنِيْ بِكَرَمِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِيْ،

و رسوایم نکردی، و به کرمت با من مدارا کرده، و به کيفرم شتاب نورزیدی

وَ حَلَمْتَ عَنِّيْ بِتَفْضُلِكَ فَلَمْ تُغَيِّرْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ،

و به احسانت از من گذشتی و نعمتت را نسبت به من تغییر ندادی

وَ لَمْ تُكْذِرْ مَعْرُوفَكَ عِنْدِيْ، فَارْحَمْ طَوْلَ

و نزد من نیکی و خویت را تیره و تار نکردی، پس بر طول

تَضْرُعِيْ، وَ شِدَّةَ مَسْكَنتِيْ، وَ سَوْءَ مَوْقِفِيْ.

زاریم، و سختی بیچارگیم و بدی جایگاهم رحمت آر.

﴿۲۳﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ قِنِيْ مِنْ

(۲۳) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و مرا از

الْمَعَاصِيْ، وَ اسْتَعْمِلْنِيْ بِالطَّاعَةِ، وَ ارْزُقْنِيْ

گناهان حفظ کن، و به طاعت و فرمانبرداری از خود به کار گیر،

حُسْنَ الْاِنَابَةِ، وَ طَهِّرْنِيْ بِالتَّوْبَةِ، وَ اَيِّدْنِيْ

و نیکو بازگشت را روزیم فرما، و به توبه پاکم کن، و به دوری از گناه،

بِالْعِصْمَةِ، وَ اسْتَصْلِحْنِيْ بِالْعَافِيَةِ، وَ اَذِقْنِيْ

یاریم ده، و به سلامت همه جانبه، زندگیم را اصلاح کن

حَلَاوَةَ الْمَغْفِرَةِ، وَ اجْعَلْنِيْ طَلِيْقَ عَفْوِكَ،

و شیرینی آمرزش را به من بچشان، و مرا رها شده عفو



وَعَتِيقَ رَحْمَتِكَ، وَاکْتُبْ لِي أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ،

و آزاد شده رحمت قرار ده و از خشم خود خط امانم بده،

وَبَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي الْعَاجِلِ دُونَ الْآجِلِ،

و هم اکنون نه در آینده، به مؤده آن خوشحالم فرما،

بُشْرِي أَعْرِفُهَا، وَعَرَّفْنِي فِيهِ عَلَامَةً أَتَّبِيْنَهَا؛

مؤده ای که آن را بشناسم، و به نشانه‌ای که، آن را آشکارا بینم،

﴿٢٤﴾ إِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وَسْعِكَ،

(۲۴) آگاهم کن که این کار در عرصه‌گاه سعه رحمت، بر تو دشوار نیست،

وَلَا يَتَكَادُكَ فِي قُدْرَتِكَ، وَلَا يَتَّصَعَّدُكَ

و تو را در میدان قدرتت به مشقت نمی‌اندازد، و در حوزه بردباریت، تو

فِي أَنْاتِكَ، وَلَا يُوْودُكَ فِي جَزِيلِ هِبَاتِكَ، الَّتِي

را دچار سختی نمی‌کند، و در فضای بخشش‌های فراوانت که آیاتت بر آنها

دَلَّتْ عَلَيْهَا آيَاتُكَ؛ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَتَحْكُمُ

گواه است، تو را در فشار و تنگنا قرار نمی‌دهد. همانا هر چه بخواهی انجام

مَا تُرِيدُ؛ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

می‌دهی و هر چه را اراده فرمایی حکم می‌کنی، مسلماً بر هر کاری توانایی.



﴿ ۱۷ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ذُكِرَ الشَّيْطَانُ،

دعای امام سجاد علیه السلام به هنگامی که از شیطان یاد می‌شد،

فَاسْتَعَاذَ مِنْهُ، وَمِنْ عَدَاوَتِهِ وَكَيِّدِهِ

و از دشمنی و مکر او به خدا پناه می‌برد

﴿ ۱ ﴾ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ

(۱) خدایا! به تو پناه می‌برم از فتنه‌انگیزی‌های شیطان

الرَّجِيمِ، وَكَيِّدِهِ وَمَكَايِدِهِ، وَمِنْ الثَّقَةِ بِأَمَانِيهِ

رانده شده، و از نیرنگ و مکرهایش، و از اطمینان به دروغ‌ها

وَمَوَاعِيدِهِ، وَغُرُورِهِ وَمَصَائِدِهِ، وَأَنْ يُطْمَعَ

و وعده‌ها و فریب‌کاری و دام‌هایش، و این که خود را در

نَفْسِهِ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ، وَامْتِهَانِنَا

گمراه کردن ما از راه بندگیت، و خوار کردنمان بر اثر معصیتت، به طمع اندازه

بِمَعَصِيَتِكَ، أَوْ أَنْ يَحْسُنَ عِنْدَنَا مَا حَسَّنَ

یا نزد ما نیکو شود زشتی‌هایی که او در نظر ما نیکو جلوه می‌دهد، یا گران

لَنَا، أَوْ أَنْ يَثْقُلَ عَلَيْنَا مَا كَرِهَهُ الْإِنْسَانُ.

و سخت شود، خوبی‌هایی که او در نظر ما زشت نشان می‌دهد.

﴿ ۲ ﴾ اللَّهُمَّ اخْسَأْهُ عَنَّا بِعِبَادَتِكَ، وَاكْبِتْهُ بِدُؤْبِنَا

(۲) خدایا! به عبادت و بندگی ما، او را از عرصه‌گاه زندگیمان دور کن و به



فِي مَحَبَّتِكَ، وَاجْعَل بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ سِتْرًا
سبب جدیت و تلاشمان در راه محبت، او را ذلیل و خوار گردان، و بین ما و
لَا يَهْتِكُهُ، وَرَدَمًا مُصِمَّتًا لَا يَفْتُقُهُ.

او پرده‌ای قرار ده که آن را ندرد، و حجابی ضخیم برقرار کن که آن را نشکافد.

(۳) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْغَلْهُ

(۳) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و شیطان را با سرگرم شدن به

عَنَّا بَعْضِ أَعْدَائِكَ، وَاعْصِمْنَا مِنْهُ بِحَسَنِ

برخی دشمنانت از ما منصرف کن و ما را به رعایت نیکویت از او حفظ

رِعَايَتِكَ، وَاكْفِنَا خَيْرَهُ، وَوَلِّنا ظَهْرَهُ،

فرما، و از خیانت و نیرنگش کفایت کن و رویش را از ما برگردان، و ردّ پایش

وَاقْطَعْ عَنَّا اثرَهُ.

را از ما قطع کن.

(۴) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْتِعْنَا مِنْ

(۴) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از هدایتی که در دوام

الهُدَى بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ، وَزَوِّدْنَا مِنَ التَّقْوَى،

و پابرجایی مانند گمراهی او باشد، بهره‌مند ساز، و ما را در برابر بی‌راهی

ضِدَّ غَوَايَتِهِ، وَاسْلُفْ بِنَا مِنَ التَّقَى خِلَافَ

او، توشه تقوا کرامت فرما، و خلاف راه هلاکت بار او، ما را به مسیر تقوا

سَبِيلَهُ مِنَ الرَّدَى.

رهنمون باش.



﴿۵﴾ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَهُ فِي قُلُوبِنَا مَدْخَلًا،

(۵) خدایا! برای او در دل‌های ما راه وارد شدن قرار مده، و در شئون زندگی

و لا توطِّنْ لَهُ فِي مَا لَدَيْنَا مَنْزِلًا.

ما برای او جایگاه اقامت فراهم نکن.

﴿۶﴾ اللَّهُمَّ وَمَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرِّفْنَاهُ،

(۶) خدایا! ما را به آنچه که از باطل در نظرمان بیاراید، آگاه ساز، و چون

وَإِذَا عَرَّفْتَنَاهُ فِقْنَاهُ، وَبَصِّرْنَا مَا نُكَايِدُهُ بِهِ،

آگاهمان کردی، از آن نگاهمان دار و ما را به زمینه‌های چاره‌جویی در برابر

وَ الْهِمْنَا مَا نُعِدُّهُ لَهُ، وَ أَيْقِظْنَا عَنْ سِنَةِ الْغَفْلَةِ

او بینا گردان، و آنچه را که باید علیه او آماده کنیم، به ما الهام کن، و ما را

بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ، وَ أَحْسِنِ بِنُتُوقِكَ عَوْنًا عَلَيْهِ.

از خواب غفلتی که سبب گرایش به اوست بیدار فرما، و یاری دادن ما را

﴿۷﴾ اللَّهُمَّ وَ أَشْرِبْ قُلُوبِنَا انْكَارَ عَمَلِهِ، وَ الطَّفْ

در جنگ با او، به توفیقت نیکوگردان. (۷) خدایا! دل‌های ما را از رد کردن

لَنَا فِي نَقْضِ حِيلِهِ.

و انکار عملش سرشار ساز، و به ما برای درهم شکستن حيله‌اش لطف فرما.

﴿۸﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَوَّلْ

(۸) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و سلطه و تسلط شیطان را از ما

سُلْطَانَهُ عَنَّا، وَ اقْطَعْ رَجَاءَهُ مِنَّا، وَ ادْرَأَهُ عَنِ

بگردان، و امیدش را از ما قطع کن، و او را از حرص ورزیدن به گمراهی



الْوَلُوعُ بِنَا.

ما دفع فرما.

﴿۹﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ

(۹) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست،

آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا، وَ أَوْلَادَنَا وَ أَهْلِيْنَا، وَ ذَوِي

و پدران و مادران و فرزندان و اهل ما

أَرْحَامِنَا وَ قَرَابَاتِنَا، وَ جِيرَانِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

و خویشان و نزدیکان و همسایگانم از مردان مؤمن،

وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِنْهُ، فِي حِرْزِ حَارِزٍ، وَ حِصْنِ

و زنان مؤمنه را از وجود خطرناکی چون شیطان در جایگاهی محکم، و دژی

حَافِظٍ، وَ كَهْفٍ مَانِعٍ، وَ أَلْبَسَهُمْ مِنْهُ جُنَّةً

حفظ کننده و پناهگاهی بازدارنده قرار ده و آنان را برای دفع زیان او،

وَاقِيَةً، وَ أَعْطِهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَةً مَاضِيَةً.

زره‌های نگاه دارنده بپوشان و اسلحه‌های برنده بر ضد او عطا کن.

﴿۱۰﴾ اللَّهُمَّ وَ أَعْمُ بِذَلِكَ مَنْ شَهِدَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ،

(۱۰) خدایا! مشمول این دعا قرار ده کسی را که به پروردگاریت گواهی

وَ أَخْلَصَ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، وَ عَادَاهُ لَكَ بِحَقِيقَةِ

می‌دهد، و به وحدانیتت اخلاص می‌ورزد، و به حقیقت بندگیت با

الْعُبُودِيَّةِ، وَ اسْتَظْهَرَ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ

شیطان دشمنی می‌کند، و از تو برای شناخت علوم ربّانی، علیه او یاری



الْعُلُومُ الرَّبَّانِيَّةِ.

جوید.

﴿۱۱﴾ اَللّٰهُمَّ اَحْلِلْ مَا عَقَدَ، وَافْتَقِ مَا رَتَقَ،

(۱۱) خدایا! آنچه را گره زده بگشای، و هر راهی که باز کرده ببند، و هر تدبیری که اندیشیده

وَافْسَخْ مَا دَبَّرَ، وَثَبِّطْهُ اِذَا عَزَمَ، وَانْقُضْ مَا اَبْرَمَ.

به هم زن، و از هر کاری که قصد کرده بازش دار، و هر چه را محکم کرده سست کن.

﴿۱۲﴾ اَللّٰهُمَّ وَاهِزِمْ جُنْدَهُ، وَابْطِلْ كَيْدَهُ،

(۱۲) خدایا! لشکرش را شکست ده، و نیرنگش را باطل ساز، و پناهگاهش را

وَاهِدِمْ كَهْفَهُ، وَارْغِمْ اَنْفَهُ.

ویران کن، و بینی‌اش را به خاک مال.

﴿۱۳﴾ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِي نَظْمِ اَعْدَائِهِ، وَاعْزِلْنَا

(۱۳) خدایا! ما را در سلك دشمنانش قرار ده، و از شمار دوستانش برکنار

عَنْ عِدَادِ اَوْلِيَّائِهِ، لَا نَطِيعُ لَهُ اِذَا اسْتَهْوَانَا،

کن تا چون ما را بفریبد از او پیروی نکنیم، و هر گاه ما را بخواند، جوابش

وَلَا نَسْتَجِيبُ لَهُ اِذَا دَعَانَا، نَاْمُرُ بِمُنَاوَاتِهِ، مَنْ

ندهیم، و هر که را پیروی دستور ماست به دشمنی با او دستور دهیم.

اَطَاعَ اَمْرَنَا، وَنِعِظُ عَنْ مُتَابَعَتِهِ، مَنْ اتَّبَعَ زَجْرَنَا.

و هرکه را پیروی نهی ماست، برای بازداشتن از اطاعت او پند دهیم.

﴿۱۴﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ،

(۱۴) خدایا! بر محمد خاتم انبیا



وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ

و سید رسولان، درود فرست و بر اهل پاک

الطَّاهِرِينَ، وَأَعِزَّنَا وَأَهْلِيْنَا، وَإِخْوَانَنَا،

و پاکیزه او، و ما و اهل ما و برادران ما

وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، مِمَّا اسْتَعَضْنَا

و تمام مؤمنان و مؤمنات را از آنچه از آن پناه می‌جوییم پناه ده،

مِنْهُ، وَأَجِرْنَا مِمَّا اسْتَجَرْنَا بِكَ مِنْ خَوْفِهِ، ﴿۱۵﴾

و از آنچه از بیم آن، از تو ایمنی می‌خواهیم امان بخش، (۱۵)

وَاسْمِعْ لَنَا مَا دَعَوْنَا بِهِ، وَاعْطِنَا مَا أَغْفَلْنَا،

و دعای ما را نسبت به آنچه دعا می‌کنیم بشنو، و آنچه را از درخواستش غفلت می‌کنیم،

وَاحْفَظْ لَنَا مَا نَسِينَا، وَصَيِّرْنَا بِذَلِكَ فِي

به ما عطا فرما، و آنچه را فراموش کردیم برای ما حفظ کن، و ما را به سبب آن به

دَرَجَاتِ الصَّالِحِينَ، وَمَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِينَ.

درجات شایستگان و رتبه‌های اهل ایمان انتقال ده. دعاها را مستجاب کن.

أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ای پروردگار جهانیان!





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دُفِعَ عَنْهُ مَا يَحْذَرُ،

دعای امام سجاد علیه السلام به وقتی که خطری از او می‌گذشت،

أَوْ حُجِّلَ لَهُ مَطْلَبُهُ

و یا حاجت او زودتر برآورده می‌شد



﴿۱﴾ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ، وَبِمَا

(۱) خدایا! تو را سپاس بر سرنوشت خوبی که مقدر می‌کنی، و بر بلا و مصیبت

صَرَفْتَ عَنِّي مِنْ بَلَائِكَ، فَلَا تَجْعَلْ حَظِّي مِنْ

که از من می‌گردانی؛ پس بهرام را از رحمتت، در این عافیتی که در زندگی دنیا

رَحْمَتِكَ مَا مَجَّلْتَ لِي مِنْ عَافِيَتِكَ، فَأَكُونَ قَدْ

به من عنایت کرده‌ای منحصر مکن؛ که در نتیجه به سبب آنچه که دوست

شَقِيتُ بِمَا أَحْبَبْتُ، وَسَعِدَ غَيْرِي بِمَا كَرِهْتُ؛

دارم بدبخت شوم، و دیگری به خاطر آنچه که خوش ندارم، خوشبخت شود،

﴿۲﴾ وَإِنْ يَكُنْ مَا ظَلَمْتُ فِيهِ، أَوْ بُتُّ فِيهِ مِنْ

(۲) و اگر عافیتی که روز را در آن به شب می‌رسانم، یا شب را در آن به روز می‌رسانم،

هَذِهِ الْعَافِيَةِ، بَيْنَ يَدَيَّ، بَلَاءٌ لَا يَنْقَطِعُ، وَوَزِيرٌ

مقدمه بلایی است که قطع نمی‌شود، و پیشاپیش بار سنگینی است که بر طرف

لَا يَرْتَفِعُ، فَقَدِّمْ لِي مَا آخَرْتِ، وَآخِرٌ

نمی‌گردد، پس آنچه را برایم به تأخیر انداخته‌ای، پیش انداز، و آنچه را پیش انداخته‌ای

عَنِّي مَا قَدَّمْتُ، ﴿٣﴾ فَغَيْرُ كَثِيرٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْفَنَاءُ،

به تأخیر افکن؛ (۳) زیرا چیزی که پایانش فنا و نابودی است، بسیار فراوان به حساب

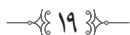
وَغَيْرُ قَلِيلٍ مَا عَاقِبَتُهُ الْبَقَاءُ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

نمی‌آید و آنچه عاقبتش بقا و همیشگی است، اندک و کم نمی‌باشد، و بر محمد و

وَالِهِ.

آتش درود فرست.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الْإِسْتِسْقَاءِ بَعْدَ الْجَدْبِ

دعای امام سجاد علیه السلام به وقت طلب باران پس از خشکسالی

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ، وَانْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ

(۱) خدایا! برای ما باران فرست، و رحمت را به باران پُر آب و فراوان

بَغِيثِكَ الْمُغْدِقِ، مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَقِ لِنَبَاتِ
بر ما بگستران؛ از ابری که برای گیاه زیبای زمینت، در تمام ناحیه‌ها و

أَرْضِكَ، الْمُونِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ، وَامْنِ

اطراف سوق داده شده. و بر بندگانت با به بار آمدن و رسیدن

عَلَى عِبَادِكَ بَيْنَاعِ الثَّمَرَةِ، وَأَحْيِ بِلَادَكَ بِبُلُوغِ

میوه منت گذار، و سرزمین‌های مردهات را با شکفتن شکوفه‌ها

الزَّهْرَةِ، ﴿۲﴾ وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامِ

زنده کن، (۲) و فرشتگان بزرگوار نویسندگان را با فرستادن بارانی سودمند

السَّفَرَةِ، بِسَقْيِ مِنْكَ نَافِعٍ، دَائِمٍ غَزْرُهُ، وَاسِعٍ

و پیوسته، از جانب خودت گواه گیر؛ بارانی که فراوانی و انبوهش وسیع، و

دِرْرُهُ، وَابِلٍ سَرِيعٍ عَاجِلٍ، يُحْيِي بِهِ مَاقَدِمَاتِ،

باریدنش بسیار تند و آمدنش سریع و زود باشد تا به آن باران، هر چه

وَتَرَدُّ بِهِ مَاقَدِمَاتِ، وَتُخْرِجُ بِهِ مَاهُوتِ،

از زمین و گیاه مرده است، زنده کنی، و به سبب آن از دست رفته‌ها را



وَتَوْسَعُ بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ، سَحَابًا مُتْرَاكِمًا،
 بازگردانی، و آنچه از دل زمین آمدنی است، بیرون آری، و از برکت آن باران،
 هَنِيئًا مَرِيئًا، طَبَقًا مُجَلَجَلًا، غَيْرَ مِلْثٍ وَدَقَّةٍ،
 روزی‌ها را وسعت بخشی، از ابری انباشته، لذت بخش، گوارا، فراگیر و غران
 وَلَا خَلْبَ بَرَقَةٍ.

که بارانش اندک نباشد، و برقش نفریبد.

﴿۳﴾ اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا، مَرِيعًا مُرِعًا،

(۳) خدایا! برای ما بارانی فریادرس و برطرف کننده قحطی فرست؛ بارانی رویاننده گیاه، و سرسبز

عَرِيضًا وَاسِعًا غَزِيرًا، تَرُدُّ بِهِ التَّهِيضَ، وَتَجْبِرُ
 کننده دشت و دمن، و بارانی وسیع و فراوان که به وسیله آن گیاه از رشد ایستاده را به عرصه رشد
 بِهِ الْمَهِيضَ.

و نمو بازگردانی و در سایه آن، مردگی و خشکی زمینی که علف و گیاهش از بین رفته جبران کنی.

﴿۴﴾ اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا تُسِيلُ مِنْهُ الظُّرَابَ،

(۴) خدایا! ما را بارانی فرست که به وسیله آن از تپه‌ها آب سرازیر فرمایی،

وَتَمَلَأْ مِنْهُ الْجِبَابَ، وَتُفَجِّرْ بِهِ الْأَنْهَارَ، وَتَنْبِتُ
 و چاه‌ها از آن پر کنی، و نهرها را روان سازی، و درختان را برویانی،

بِهِ الْأَشْجَارَ، وَتُرَخِّصُ بِهِ الْأَسْعَارَ فِي جَمِيعِ
 و قیمت‌ها را در تمام شهرها ارزان کنی، و چهارپایان و مخلوقات

الْأَمْصَارَ، وَتَنْعَشُ بِهِ الْبَهَائِمَ وَالْخَلْقَ، وَتُكْمِلُ
 را نشاط و قوت دهی، و روزی‌های پاکیزه را برای ما کامل کنی،



لَنَا بِهِ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَتُنْبِتُ لَنَا بِهِ الزَّرْعَ، وَتُدْرِئُ
و زراعت را برویانی، و پستان‌ها را پر شیر سازی،
بِهِ الضَّرْعَ، وَتَزِيدُنَا بِهِ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِنَا.

و نیرو به نیروی ما بیفزایی.

(۵) اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَمُومًا،

(۵) خدایا! سایه ابر را بر ما باد گرم و زهراگین مساز،

وَلَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُومًا، وَلَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ

و سردی آن را بر ما شوم و نحس مکن، و بارانش را

عَلَيْنَا رُجُومًا، وَلَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا أَجَاغًا.

بر ما عذاب قرار مده، و آبش را برای ما تلخ و شور مگردان.

(۶) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

(۶) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست،

وَارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛

و ما را از برکت آسمان‌ها و زمین روزی بخش؛

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

همانا تو بر هر کاری توانایی.



﴿ ۲۰ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در مکارم اخلاق

وَمَرْضَى الْأَفْعَالِ

و اعمال پسندیده

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ بِيَأْمَانِي

(۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ایمنم را به

اکمّل الایمان، وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ،

کاملترین ایمان رسان و یقینم را برترین یقین قرار ده.

وَانتَه بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَّاتِ، وَبِعَمَلِي إِلَى

خداوند! نیتم را به بهترین نیتها و عملم را به

أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ.

بهترین اعمال برسان.

﴿۲﴾ اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِطُفِكَ نَيْتِي، وَصَحِّحْ بِمَا

(۲) خدایا! نیتم را به لطف کامل گردان و یقینم را به رحمتت در

عِنْدَكَ يَقِينِي، وَاسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ

گردونه صحت و سلامت قرار ده و فسادم را به قدرتت اصلاح کن.

مِنِّي. ﴿۳﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

(۳) خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست،



وَ اَكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْاِهْتِمَامُ بِهِ، وَ اسْتَعْمَلِنِي

و مرا از آنچه توجه به آن دچار سرگرمی و مشغولیت می کند، کفایت کن، و در امور

بِمَا تَسْأَلُنِي غَدًا عَنْهُ، وَ اسْتَفْرِغْ اَيَّامِي فِيمَا

به کار گیر که فردای قیامت در ارتباط با آن از من بازپرسی می کنی، و روزگارم را در اهدافی که

خَلَقْتَنِي لَهُ، وَ اَغْنِنِي وَ اَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ؛

مرا به خاطر آن به وجود آوردی مصروف دار. و مرا توانگر کن و روزیت را بر من وسعت ده،

﴿٤﴾ وَ لَا تَفْتِنِّي بِالنَّظَرِ (بِالْبَطْرِ) وَ اَعِزَّنِي،

(٤) و مرا به چشم داشت نسبت به آنچه در دست این و آن است مبتلا مکن، و

وَ لَا تَبْتَلِنِي بِالْكِبَرِ وَ عِبْدِنِي لَكَ، وَ لَا تُفْسِدْ

ارجمندم ساز. و مرا به سرکشی و گردن کشی، گرفتار مساز، و بر مدار بندگیت قرار

عِبَادَتِي بِالْعَجَبِ، وَ اجْرِلْ لِلنَّاسِ عَلَيَّ يَدِي الْخَيْرِ،

ده، و عبادتم را به خودپسندی تباه مکن، و خیر و نیکی را به دست من برای تمام

وَ لَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنِّ؛ وَ هَبْ لِي مَعَالِيَ الْاِخْلَاقِ،

مردم جاری ساز و آن را با آلوده شدن به منت نابود مکن، و اخلاق شریفه و بلند

وَ اعِصْمِنِي مِنَ الْفَخْرِ.

مرتبه به من ببخش و از فخرفروشی نگاهم دار.

﴿٥﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ لَا تَرْفَعْنِي

(٥) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا درجه و مرتبه ای

فِي النَّاسِ دَرَجَةً، اِلَّا حَطَطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي

نزد مردم بلند مکن، مگر آن که به همان اندازه نزد خودم پست



مِثْلَهَا، وَلَا تُحَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا، إِلَّا أَحَدَثْتَ
گردانی، و عزت آشکاری برایم ایجاد مکن، مگر آن که به همان اندازه،
لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا.

خواری باطنی برایم ایجاد کنی.

﴿٦﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَتَّعِنِي

(٦) خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا به هدایتی شایسته

بِهَدْيٍ صَالِحٍ لَا أَسْتَبِدُّ بِهِ، وَطَرِيقَةٍ حَقِّ

بهرمند ساز که آن را با روشی دیگر عوض نکنم، و راه حقی نصیصم کن که

لَا أَزِيغُ عَنْهَا، وَنِيَّةٍ رُشِدٍ لَا أَشْكُ فِيهَا، وَعَمِّرْ نِي

از آن منحرف نشوم، و نیت استواری به من عنایت کن که در آن شک نورزم.

مَا كَانَ عُمُرِي بِذِلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ

و مرا زنده دار، مادامی که عمرم در طاعت تو به کار رود، و هنگامی که

عُمُرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ، قَبْلَ أَنْ

عمرم بخواهد چراگاه شیطان شود، جانم را بستان پیش از آن که دشمنی

يَسْبِقَ مَقْتِكَ إِلَيَّ، أَوْ يَسْتَحْكِمَ غَضَبُكَ عَلَيَّ.

و نفرتت بر من پیشی گیرد، یا خشمت نسبت به من محکم و استوار شود.

﴿٧﴾ اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خَصْلَةَ تَعَابٍ مِنِّي إِلَّا

(٧) خدایا! خصلت قابل سرزنشی را در وجود من مگذار، جز این که اصلاحش

أَصْلَحَتْهَا، وَلَا عَابَةً أُوْنِبُ بِهَا إِلَّا حَسَنْتَهَا،

کنی، و عیب قابل ملامتی را در عرصه گاه حیاتم رها مکن، جز این که



وَلَا أُكْرِمُهُ فِي نَاقِصَةٍ إِلَّا أَتَمَمْتُهَا.

نیکویش گردانی، و کرامتی را در من ناقص مگذار، جز این که کاملش فرمایم.

(۸) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

(۸) خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و این خصلت‌هایی

وَ أَبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةَ،

که می‌شمارم، به نفع من تغییر ده: شدت کینه دشمنان را به محبت،

وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ، وَمِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ

و حسد متجاوزان را به مودت، و بدگمانی و تهمت اهل صلاح را

الصَّلَاحِ الثِّقَّةَ، وَمِنْ عَدَاوَةِ الْأَدْنِيْنَ الْوَلَايَةَ،

به اطمینان، و دشمنی نزدیکان را به دوستی، و مخالفت

وَمِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبْرَّةَ، وَمِنْ

خویشان را به خوش رفتاری، و تنها و بیار گذاشت

خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النَّصْرَةَ، وَمِنْ حُبِّ الْمُدَارِينِ

نزدیکان را به یاری، و دوستی فریبکاران را به درست شدن

تَصْحِيحِ الْمَقَّةِ، وَمِنْ رَدِّ الْمَلَابِسِينَ كَرَمِ الْعِشْرَةِ،

دوستی، و رد کردن همنشینان را به رفتاری کریمانه،

وَمِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةِ الْأَمْنَةِ.

و تلخی ترس از ستمکاران را به شیرینی امنیت.

(۹) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ

(۹) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا بر کسی که به من ستم می‌کند غالب



لِي يَدَا عَلِيٍّ مَن ظَلَمَنِي ، وَ لِسَانًا عَلِيٍّ مَن

و چیره، و بر ضد کسی که با من به مجادله برمی‌خیزد زبان گویند، و بر کسی که با من

خاصم می‌ورزد، پیروز قرار ده، و علیه کسی که نیرنگم می‌زند، چاره جویی بخش، و

دشمنی می‌ورزد، پیروز قرار ده، و علیه کسی که نیرنگم می‌زند، چاره جویی بخش، و

مَكْرًا عَلِيٍّ مَن كَايَدَنِي ، وَ قُدْرَةً عَلِيٍّ مَن

در برابر کسی که به من ستم می‌کند قدرت عنایت فرما، و علیه کسی که به من دشنام

اضطهَدَنِي ، وَ تَكْذِيبًا لِمَن قَصَبَنِي ، وَ سَلَامَةً

می‌دهد و غیبت می‌کند، توان تکذیب مرحمت فرما، و از دست کسی که مرا تهدید

مِمَّن تَوَعَّدَنِي ؛ وَ وَفَّقَنِي لِبَطَاعَةِ مَن سَدَّدَنِي ،

می‌کند به سلامت دار، و از آن که مرا به راه صواب می‌برد، توفیق فرمانبری ده، و از آن

وَمُتَابَعَةِ مَن أَرَشَدَنِي .

که مرا به راه راست هدایت می‌کند، توفیق پیروی عنایت کن.

﴿۱۰﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ سَدِّدَنِي

(۱۰) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا به این اموری که از تو می‌خواهم پایدار و

لِأَنَّ أَعَارِضَ مَن غَشَّيَنِي بِالنُّصْحِ ، وَ أَجْزَى مَن

استوار دار؛ ایستادن در برابر کسی که به من خیانت کرده با سلاح نصیحت، پاداش دادن به

هَجَرَنِي بِالْبِرِّ ، وَ أَثِيبَ مَن حَرَمَنِي بِالْبَدْلِ ،

کسی که از من دوری جسته با نیکی، جزا دادن به کسی که مرا از عطایش محروم ساخته،

وَ أَكْفَأِي مَن قَطَعَنِي بِالصِّلَةِ ، وَ أَخَالَفَ

با بخشش، تلافی کردن نسبت به کسی که با من قطع رابطه کرده، باصله و پیوند، مخالفت



مَنْ اغْتَابَنِي اِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَ اَنْ اَشْكُرُ

ورزیدن با کسی که از من غیبت کرده، با نیکو یاد کردن از او، به جا آوردن سپاس،

الْحَسَنَةَ، وَ اَغْضَى عَنِ السَّيِّئَةِ.

در برابر خوبی و چشم پوشی از بدی.

﴿۱۱﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ حَلِّئِي

(۱۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا

بِحِلْيَةِ الصّٰلِحِيْنَ، وَ الْبِسْنِي زِيْنَةَ الْمُتَّقِيْنَ: فِي

به زیور شایستگان بیارای، و زینت پرهیزکاران را به من بپوشان که زیور و زینت

بَسَطِ الْعَدْلِ، وَ كَظْمِ الْغَيْظِ، وَ اِطْفَاءِ النَّارِئَةِ،

شایستگان و پرهیزکاران در این امور است: گسترش عدالت، فروخوردن خشم،

وَ ضَمِّ اَهْلِ الْفِرْقَةِ، وَ اِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ،

خاموش کردن آتش فتنه، جمع کردن پراکنده شدگان، اصلاح بین مردم،

وَ اِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ سِتْرِ الْعَائِبَةِ، وَ لِيْنَ الْعَرِيْكَهٖ،

آشکار کردن کارهای خوب مردم، پوشاندن عیوب انسانها، نرم خوئی،

وَ خَفْضِ الْجَنَاحِ، وَ حُسْنِ السَّيْرِ، وَ سُكُوْنِ

فروتنی، خوش رفتاری، آرامش،

الرِّيْحِ، وَ طَيِّبِ الْمُخَالَقَةِ، وَ السَّبْقِ اِلَى

وقار، خوش اخلاقی، پیشی گرفتن به سوی

الْفَضِيْلَةِ، وَ اِيْثَارِ التَّفَضُّلِ، وَ تَرْكِ التَّعْيِيْرِ،

فضیلت، انتخاب نیکو و احسان، ترك سرزنش،



وَ الْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ ، وَ الْقَوْلِ

خوبی کردن به غیر مستحق، حق گویی، گرچه سنگین باشد،

بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ، وَ اسْتِقْلَالَ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرُ

اندک دانستن گفتار و کردار خوبم، هر چند زیاد باشد و

مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ اسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَإِنْ قَلَّ مِنْ

زیاد شمردن گفتار و رفتار بدم،

قَوْلِي وَ فِعْلِي؛ ﴿۱۲﴾ وَ أَكْمِلِ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ

هر چند اندک باشد، (۱۲) و همه این امور را به دوام

الطَّاعَةِ، وَ لُزُومِ الْجَمَاعَةِ، وَ رَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ،

اطاعت از حضرتت، و همراهی با مسلمانان، و دست برداشتن از اهل بدعت،

وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ.

و آنان که رأی ساختگی در دین را به کار می‌گیرند، کامل کن.

﴿۱۳﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ

(۱۳) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و فراخ‌ترین روزی را، هنگامی

أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ، وَ أَقْوَى قُوَّتِكَ فِيَّ

که پیر شدم برابم قرار ده، و نیرومندترین نیرویت را، زمانی که خسته و

إِذَا نَصَبْتُ؛ وَ لَا تَبْتَلِيَنِّي بِالْكَسَلِ عَنِ عِبَادَتِكَ،

درمانده شدم نصیبم فرما، و مرا به سستی و کسالت از بندگی مبتلا نکن،

وَ لَا الْعَمَى عَنِ سَبِيلِكَ، وَ لَا بِالْتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ

و نه به نابینایی از شناخت راهت، و نه به دچار شدن خلاف دوستیت، و نه



مَحَبَّتِكَ، وَلَا مُجَامَعَةٍ مَن تَفَرَّقَ عَنكَ، وَلَا مُفَارَقَةٍ

به همراهی کردن با کسی که از تو جدا شده، و نه به جدا شدن از کسی که

مِنِ اجْتَمَعَ إِلَيْكَ.

با تو همراه گشته.

(۱۴) اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَصُولَ بَيْتِكَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ،

(۱۴) خدایا! چنانم قرار ده که هنگام ضرورت با کمک حضرتت به دشمنان حمله

وَأَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ، وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ

کنم، و به هنگام نیاز از تو بخوام، و زمان درماندگی و مسکنت، به درگاه تو

عِنْدَ الْمَسْكِنَةِ؛ وَلَا تَفْتِنَنِي بِالْإِسْتِعَانَةِ

بنام. خدایا! مرا به این امور امتحان مکن: کمک خواستن از غیر خودت، هنگامی

بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطَرَّرْتُ، وَلَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ

که مضطر شوم. به خاکساری و فروتنی در برابر ما سواى وجودت، زمانی که به

غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ، وَلَا بِالْتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ

تهی دستی گرفتار آیم. به زاری کردن به درگاه غیر حضرتت، وقتی که دچار ترس

دُونَكَ إِذَا رَهَبْتُ، فَاسْتَحِقَّ بِذَلِكَ خِذْلَانِكَ،

شوم، تا به خاطر این امور مستحق خواری و منع نعمت و روی گردانی و بی‌اعتنایی

وَمَنْعِكَ وَإِعْرَاضِكَ؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

از جانب تو گردم. ای مهربان‌ترین مهربانان!

(۱۵) اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانَ فِي

(۱۵) آنچه شیطان از آرزوی باطل



رُوعِي، مِنْ التَّمَنِّيِّ وَالتَّظَنِّيِّ وَالْحَسَدِ، ذِكْرًا
و بدگمانی و حسد در دل من می‌اندازد، همه را یاد
لِعَظَمَتِكَ، وَتَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَتَدْبِيرًا
بزرگیت و اندیشه در قدرتت، و تصمیم و طرح
عَلَى عَدُوِّكَ، وَمَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ
علیه دشمنت قرار ده، و آنچه بر زبانت جاری می‌کند، از
فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ، أَوْ شَتْمٍ عَرَضٍ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ،
فحش و بدگویی یا ناسزا به ناموس مردم، یا شهادت باطل،
أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ، أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ،
یا غیبت مؤمن غایبی، یا دشنام به حاضری
وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ، نَطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَإِعْرَاقًا
و آنچه شبیه اینهاست، همه را سخن به حمد و سپاست و مبالغه
فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ،
در ثنایت، و فرو رفتن در تعظیمت
و شُكْرًا لِنِعْمَتِكَ، وَاعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ
و شکر نعمتت و اقرار به احسانت
وَإِحْصَاءً لِمَنِّكَ.

نعمت‌هایت قرار ده.

﴿١٦﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا أُظْلَمَنَّ

(۱۶) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و بر من ستم نشود،



وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي، وَلَا أَظْلِمَنَّ وَأَنْتَ

در حالی که به دفعش از من توانایی، و بر دیگری ستم نکنم، در حالی که بر

الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي، وَلَا أَضِلَّنَّ وَقَدْ

نگاه داشتنش از من قادری، و گمراه نشوم در حالی که بر

أَمْكَنتَكَ هِدَايَتِي، وَلَا أَفْتَقِرَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ

هدایت من نیرومندی، و تهی دست نشوم، در حالی که فراخی روزی من نزد

وُسْعِي، وَلَا أَطْغِينَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وَجْدِي.

توست، و طغیان نکنم، در حالی که توانگری من از جانب توست.

(۱۷) اللَّهُمَّ إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُ، وَ إِلَى

(۱۷) خدایا! به سوی آمرزش آمدم، و به جانب

عَفْوِكَ قَصَدْتُ، وَ إِلَى تَجَاوُزِكَ اشْتَقْتُ،

بخشش روی کردم، و به گذشت مشتاقم،

وَ بِفَضْلِكَ وَثِقْتُ، وَ لَيْسَ عِنْدِي مَا يُوْجِبُ لِي

و به احسانت اعتماد کردم. چیزی نزد من نیست که به خاطر آن سزاوار

مَغْفِرَتِكَ، وَ لَافِي عَمَلِي مَا اسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ،

بخشش شوم، و پس از این که علیه خود داوری کردم،

وَ مَا لِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا فَضْلُكَ؛

به این نتیجه رسیدم که چیزی جز احسانت برایم نیست؛

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ.

پس بر محمد و آلش درود فرست و به من احسان کن.



﴿۱۸﴾ اَللّٰهُمَّ وَانْطِقْنِيْ بِالْهُدٰى، وَ اَلْهَمْنِيْ

(۱۸) خدایا! به هدایت، گویایم کن و تقوا را به

التَّقْوٰى، وَ وَفَّقْنِيْ لِلتِّيْ هِيَ اَزْكٰى، وَ اسْتَعْمِلْنِيْ

من الهام فرما، و به پاکیزه‌ترین روش توفیقم ده، و به اموری

بِمَا هُوَ اَرْضٰى.

که پسندیده‌تر است به کارم گیر.

﴿۱۹﴾ اَللّٰهُمَّ اسْأَلُكَ بِبِ الطَّرِيْقَةِ الْمُثَلٰى،

(۱۹) خدایا! مرا به بهترین راه بر، و مرا بر آیینت قرار ده که بر اساس آن

وَ اجْعَلْنِيْ عَلٰى مِلَّتِكَ اَمُوْتُ وَ اَحْيَا.

بمیرم و بر مبنای آن زنده باشم.

﴿۲۰﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهٖ، وَ مَتِّعْنِيْ

(۲۰) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و مرا در تمام امور زندگی از

بِالْاِقْتِصَادِ، وَ اجْعَلْنِيْ مِنْ اَهْلِ السَّدَادِ، وَ مِنْ

میانه‌روی بهره‌مند کن، و اهل صواب و درستی، و از زمره راهنمایان به

اَدَلَّةِ الرَّشَادِ، وَ مِنْ صٰلِحِ الْعِبَادِ، وَ ارْزُقْنِيْ فَوْزَ

خیر، و از بندگان شایسته‌ات قرار ده، و رستگاری روز قیامت و سلامت از

الْمَعَادِ، وَ سَلَامَةَ الْمَرْصَادِ.

کمی‌نگاه عذاب را روزیم فرما.

﴿۲۱﴾ اَللّٰهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِيْ مَا يُخْلِصُهَا،

(۲۱) خدایا! از نفس من آنچه که او را رهایی و نجات می‌دهد، برای خود دریافت کن



وَأَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ أَنْفَسِ مَا يُصْلِحُهَا، فَإِنَّ نَفْسِي
و برای نفس من از نفس من آنچه که او را اصلاح می کند باقی گذار. همانا نفس من در
هَالِكَةٌ أَوْ تَعَصِمُهَا.

معرض هلاکت است؛ مگر این که تو حفظش کنی.

(۲۲) اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ حَزَنْتُ، وَأَنْتَ

(۲۲) خدایا! اگر اندوهگین شوم، تو ذخیره و مایه دل خوشی منی، و اگر از هر دری

مُنْتَجِعِي إِنْ حُرِمْتُ، وَبِكَ اسْتِغَاثَتِي إِنْ كَرِهْتُ،

محروم کنند، تو محل رفت و آمد منی، و اگر در فشار و سختی قرار گیرم، کمک

وَ عِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفُ، وَ لِمَا فَسَدَ صِلَاحُ،

خواهیم از وجود توست، و آنچه از دستم رود، عوض و بدلش نزد توست، و برای

وَ فِيمَا أَنْكَرْتَ تَغْيِيرُ، فَأَمِنْ عَلَيَّ قَبْلَ الْبَلَاءِ

هرچه فاسد شود، مایه اصلاح پیش توست، و هر آنچه را ناپسند داری، تغییرش به

بِالْعَافِيَةِ، وَ قَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجِدَّةِ، وَ قَبْلَ الضَّلَالِ

دست توست. خدایا! پیش از بلا به عافیت، و قبل از درخواست، به توانگری، و پیش از

بِالرِّشَادِ؛ وَ اكْفِنِي مَوْوَنَةَ مَعْرَةَ الْعِبَادِ، وَ هَبْ

کمراهی، به هدایت بر من منت گذار، و مرا از سختی و دشواری، آزار بندگان کفایت

لِي أَمِنْ يَوْمِ الْمَعَادِ، وَ امْنِحْنِي حُسْنَ الْإِرْشَادِ.

فرما، و ایمنی روز قیامت را نصیب کن، و ارشاد کردن نیکو و خوب را به من عطا فرما.

(۲۳) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي

(۲۳) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، شرور را به لطف خود از من دفع



بِلَطْفِكَ، وَ اغْذِنِي بِنِعْمَتِكَ ، وَ اصْلِحْ لِي

کن، و به نعمت مرا پرورش ده، و به بزرگواریت، مرا اصلاح کن، و به احسانت

بِكْرَمِكَ، وَ دَاوِنِي بِصُنْعِكَ، وَ اظْلِمْنِي فِي ذَرَاكَ،

مرا مداوا فرما، و در سایه پناهِت جای ده، و خلعت خشنودیت را بر من

وَ جَلِّ لِنِي رِضَاكَ ، وَ وَفِّقْنِي إِذَا اشْتَكَتْ

پوشان، و زمانی که امور بر من مبهم و مشکل شود، به هدایت آمیزترینش،

عَلَى الْأُمُورِ لِأَهْدَاها، وَ إِذَا تَشَابَهَتِ الْأَعْمَالُ

و هنگامی که اعمال برایم مشتبه شود، به پاکیزه‌ترینش، و چون آیین‌ها دچار

لِأَزْكَاهَا، وَ إِذَا تَنَاقَضَتِ الْمِلَلُ لِأَرْضَاهَا.

اختلاف شوند، به پسندیده‌ترینش، موفقم دار.

﴿٢٤﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تَوَجَّجْنِي

(۲۴) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و تارك وجودم را به تاج کفایت

بِالْكَفَايَةِ، وَ سَمِّنِي حُسْنَ الْوِلَايَةِ، وَ هَبْ لِي

بیاری، و به حسن سرپرستی، بلند مرتبه‌ام گردان، و مرا صدق هدایت بخش،

صِدْقَ الْهِدَايَةِ، وَ لَا تَفْتِنِّي بِالسَّعَةِ، وَ اْمِنْحِنِي

و به گشایش در امور زندگی آزمایشم مکن، و آرامش نیکو به من عطا فرما، و

حُسْنَ الدَّعَةِ؛ وَ لَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا،

زندگیم را دشوار و سخت قرار مده، و دعایم را به من بر مگردان؛ برگرداندنی

وَ لَا تَرُدَّ دُعَائِي عَلَى رَدًّا، فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا،

تلخ و ناهنجار، همانا من برای تو ضدی در اعتقادم قرار نمی‌دهم، و با تو



وَلَا أَدْعُو مَعَكَ نِدًّا.

همانند و شبیهی نمی خوانم.

(۲۵) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْنَعْنِي

(۲۵) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و مرا از

مِنَ السَّرْفِ، وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ، وَوَفِّرْ

اسراف بازدار، و روزیم را از تلف شدن نگاه دار، و داراییم را به برکت در

مَلَكَتِي بِالْبَرَكَاتِ فِيهِ، وَاصْبِ بِي سَبِيلَ

آن افزون کن، و مرا برای خیر و نیکی در آنچه از آن مال خرج می کنم، به

الْهِدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقْتُ مِنْهُ.

راه هدایت برسان.

(۲۶) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنِي

(۲۶) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و مرا از سختی و دشواری کسب

مَوْوَنَةَ الْاِكْتِسَابِ، وَارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ احْتِسَابِ،

و کار کفایت کن و روزیم را از جایی که گمان نمی بریم عنایت فرما، تا در

فَلَا أَشْغَلَ عَنِ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَلَا أَحْتَمِلَ

راه به دست آوردن روزی از بندگیّت باز مانم، و سنگینی وبالهای کسب

اِصْرَتِ بَعَاتِ الْمَكْسَبِ.

را به دوش نکشم.

(۲۷) اللَّهُمَّ فَاطِّبِنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ،

(۲۷) خدایا! آنچه را می طلبم، به قدرتت برابم فراهم کن، و از آنچه



وَاجِرْنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا ارْهَبُ.

می ترسم، به عزتت پناهم ده.

﴿۲۸﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصُنِّ

(۲۸) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و آبرویم را به توانگری حفظ

وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَلَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ،

کن، و قدر و منزلتم را به تنگدستی پست مفرما که از روزی خوارانت روزی

فَأَسْتَرْزِقُ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَأَسْتَعْطِي شِرَارَ خَلْقِكَ،

بخوام، از بدان و اشرار آفریده‌هایت عطایی بطبم، تا به سپاسگزاری کسی

فَأَفْتِنِ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي، وَأُبْتَلِي بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي،

که عطایم می‌کند گرفتار شوم، و به سرزنش کسی که از عطا کردن به من

وَأَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيُّ الْإِعْطَاءِ وَالْمَنْعِ.

باز می‌ایستد دچار گردم، و حال آن که تو متولی عطا و منعی، نه دیگران.

﴿۲۹﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي

(۲۹) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و صحت و سلامتی که در عبادت مصرف شود،

صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ، وَفَرَاغًا فِي زَهَادَةٍ وَعِلْمًا فِي

آسایش و فراغتی که در فضای زهد به کارم آید، و دانش و معرفتی که در عمل به

اسْتِعْمَالٍ، وَوَرَعًا فِي إِجْمَالٍ.

کار گرفته شود، و پارسایی و تقوایی که از افراط و تفریط دور باشد، روزی من فرما.

﴿۳۰﴾ اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِكَ أَجَلِي، وَحَقِّقْ فِي

(۳۰) خدایا! مدت عمرم را به عفو و بخشش پایان ده، و آرزویم را در امید به



رَجَاءِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي، وَسَهْلٍ إِلَى بُلُوغِ رِضَاكَ

رحمتت تحقق ده، و راههایم را برای رسیدن به خشنودیت هموار ساز، و در

سُبُلِي، وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي.

تمام احوال، کردارم را نیکو گردان.

(۳۱) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَنَبِّهْنِي

(۳۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا در اوقات

لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ

بی‌خبری برای یادت بیداری ده، و در روزگار مهلت برای

فِي أَيَّامِ الْمُهْلَةِ، وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا

فرمانبرداریت به کار گیر، و برایم راه آسانی به سوی محبتت باز و هموار کن

سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

و به سبب آن، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل ساز.

(۳۲) اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا

(۳۲) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست؛ مانند برترین

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ، وَأَنْتَ مُصَلِّ

درودی که پیش از او بر یکی از بندگانت فرستادی، و پس

عَلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي

از او بر یکی از آفریده‌هایت می‌فرستی، و ما را در دنیا

الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.

و آخرت خوبی عطا کن، و مرا به رحمتت از شکنجه آتش حفظ فرما.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَحْزَنَهُ أَمْرٌ،

دعای امام سجاد علیه السلام چون برنامه‌ای او را اندوهگین می‌ساخت

وَأَهَمَّتُهُ الْخَطَايَا

و خطاها او را نگران می‌کرد

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ يَا كَافِيَ الْفَرْدِ الضَّعِيفِ، وَوَاقِيَ الْأَمْرِ

(۱) خدایا! ای بی‌نیاز کننده فرد ناتوان! و ای حافظ بندگان از حادثه ترسناک!

الْمَخُوفِ، أَفْرَدْتَنِي الْخَطَايَا فَلَا صَاحِبَ مَعِيَ،

خطاها مرا دچار تنهایی کرده؛ پس هم‌نشینی که وزرو وبال و عذاب خطاها را

وَضَعُفْتُ عَنْ غَضَبِكَ فَلَا مُؤَيِّدَ لِي، وَ أَشْرَفْتُ

از من دفع کند برابم نیست، و از تحمل خشمت ناتوان شده‌ام، و نیرو دهنده‌ای

عَلَى خَوْفِ لِقَائِكَ، فَلَا مُسَكِّنَ لِرَوْعَتِي؛

برابم نمی‌باشد، و بر ترس دیدارت، به وقت مرگ و قیامت، آنهم دیداری نامناسب

﴿۲﴾ وَمَنْ يُؤْمِنُنِي مِنْكَ وَأَنْتَ أَخَفْتَنِي؟

و هولناک نزدیکم، و آرام بخشی برای ترسم وجود ندارد. (۲) اگر مرا بتسانی چه

وَمَنْ يُسَاعِدُنِي وَأَنْتَ أَفْرَدْتَنِي؟ وَمَنْ يُقَوِّبِنِي

کسی در برابر تو امانم می‌دهد؟ و اگر تنهایم بگذاری چه کسی مرا یاری می‌دهد؟

وَأَنْتَ أضعفتني؟ ﴿۳﴾ لَا يُجِيرُ- يَا إِلَهِي- إِلَّا

و اگر ناتوانم سازی چه کسی مرا تقویت می‌کند؟ (۳) ای خدا! من پرورده را جز



رَبُّ عَلَى مَرْبُوبٍ، وَلَا يُؤْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ عَلَى
 پروردگار پناه نمی‌دهد، و شکست خورده را جز پیروز امان نمی‌بخشد، و
 مَغْلُوبٍ، وَلَا يُعِينُ إِلَّا طَالِبٌ عَلَى مَطْلُوبٍ،
 خواسته شده را جز خواستار کمک نمی‌کند.

وَبِيَدِكَ - يَا إِلَهِي - جَمِيعُ ذَلِكَ السَّبَبِ،
 ای خدای من! تمام آن وسایل و اسباب به دست اراده توست، و
 وَإِلَيْكَ الْمَفْرُوقُ وَالْمَهْرَبُ؛ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 گریزگاه و پناهگاه به سوی توست، پس بر محمد و آتش درود فرست،
 وَآلِهِ، وَاجْرَهْرَبِي، وَأَنْجِحْ مَطْلَبِي.
 گریزم را پناه ده، و خواسته‌ام را روا کن.



﴿٤﴾ اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ صَرَفْتَ عَنِّي وَجْهَكَ
 (۴) خداایا! اگر روی کریمت را از من بگردانی، یا مرا از احسان
 الْكَرِيمِ، أَوْ مَنَعْتَنِي فَضْلَكَ الْجَسِيمِ، أَوْ حَضَرْتَ
 بزرگت محروم کنی، یا روزیت را از من دریغ ورزی، یا رشته
 عَلَيَّ رِزْقَكَ، أَوْ قَطَعْتَ عَنِّي سَبَبَكَ، لَمْ أَجِدْ
 پیوندت را از من بگسلی، راهی برای دست یابی، به هیچ یک
 السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرَكَ، وَلَمْ أَقْدِرْ
 از آرزوهایم جز تو نیابم، و بر آنچه پیش توست، جز
 عَلَيَّ مَا عِنْدَكَ بِمَعُونَةِ سِوَاكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ
 به یاری تو دست رسی پیدا نکنم؛ چرا که من بنده تو،

وَفِي قَبْضَتِكَ؛ ﴿٥﴾ ناصيتي بيدك، لا امر لي مع

و در قبضه اراده توام. (۵) اختيارم به دست توست، با فرمان تو فرمانی برای

امرک، ماضٍ في حکمک، عدلٌ في قضاءک،

من نيست. حکم تو در تمام شئون زندگی من جاری است، و تقدیرت درباره

ولا قُوَّةَ لي على الخروج من سلطانک،

من عين عدالت است. مرا نیروی بیرون رفتن از قلمروی سلطنت تو نیست، و

ولا أستطيعُ مجاوزةَ قدرتک، ولا أستميلُ

استطاعت تجاوز از حیطه قدرتت برایم وجود ندارد، و توان جلب دوستیت

هواک، ولا أبلغُ رضاک، ولا أنالُ ما عندک

را ندارم، و به خشنودیت نمی‌رسم، و به آنچه نزد توست جز به طاعتت و

الإبطاعتک، وبفضلِ رحمتک.

فضل رحمتت، دست نمی‌یابم.

﴿٦﴾ إلهی أصبحتُ و أمسیتُ عبداً داخراً

(۶) خدایا! صبح و شب کردم، درحالی که بنده خوار و بی‌مقدار

لک، لا أملکُ لنفسی نفعاً ولا ضرراً إلا بک؛

توأم. برای خود جز با کمک حضرتت بر جلب سودی و دفع زیانی قدرت ندارم.

أشهدُ بذلكُ على نفسي، وأعترفُ بضعفِ

به آنچه درباره خود گفتم، شهادت می‌دهم. به ناتوانی نیرویم،

قوتی و قلة حیلتي، فأنجز لی ما وعدتني، وتمم

و کمی تدبیرم اعتراف می‌کنم؛ پس آنچه را به من وعده دادی



لِي مَا آتَيْتَنِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ،
 وفا کن، و آنچه را که به این بندهات عطا فرموده‌ای، کامل ساز؛
 الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ، الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمَهِينُ،
 زیرا که من بنده بی‌نوا، ذلیل، ناتوان، دردمند، کوچک، بی‌مقدار، تهی دست،
 الْفَقِيرُ الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ.

ترسان و پناهنده به توام.

(۷) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَجْعَلَنِي

(۷) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا نسبت به یاد خود در

نَاسِيًا لِذِكْرِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي، وَلَا غَافِلًا لِإِحْسَانِكَ

آنچه به من عطا کردی، فراموشکار مکن، و به احسانت در آنچه به من

فِيمَا أَبْلَيْتَنِي، وَلَا آيِسًا مِنْ إِجَابَتِكَ لِي، وَإِنْ

بخشیده‌ای غافل و بی‌خبر مساز، و از اجابت دعایم، ناامید مکن اگر چه

أَبْطَأَتْ عَنِّي، فِي سَرَّاءٍ كُنْتُ أَوْ ضَرَّاءٍ، أَوْ شِدَّةٍ

تأخیر افتد. هر چند در خوشی باشم، یا ناخوشی، در سختی باشم یا رفاه، در

أَوْ رَخَاءٍ، أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ بَلَاءٍ، أَوْ بُؤْسٍ أَوْ نِعْمَاءٍ،

سلامت همه جانبه باشم یا بلا، در تنگدستی و بیچارگی باشم یا نعمت، در

أَوْ جِدَّةٍ أَوْ لَأْوَاءٍ، أَوْ فَقْرٍ أَوْ غِنَى.

داریی باشم یا محنت، در تهیدستی باشم یا توانگری.

(۸) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ

(۸) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ثنایم را برای خودت، و ستودنم



ثَنَائِي عَلَيْكَ، وَمَدْحِي إِيَّاكَ، وَحَمْدِي لَكَ فِي

را محض حضرتت، و سپاسم را در تمام حالاتم به خاطر وجود مبارکت قرار

كُلِّ حَالَاتِي، حَتَّىٰ لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ

ده، تا به آنچه از دنیایم عطایم می‌کنی، خوشحال نشوم، و بر آنچه در دنیا

الدُّنْيَا، وَلَا أَحْزَنَ عَلَيَّ مَا مَنَعْتَنِي فِيهَا؛ وَأَشْعِرُ

محرومم می‌کنی اندوهگین نگردم، و تقوایت را به قلبم بچسبان، و بدلم

قَلْبِي تَقْوَاكَ، وَاسْتَعْمِلْ بَدَنِي فِيمَا تَقْبَلُهُ مِنِّي،

را در اعمالی که از من قبول می‌کنی به کارگیر و وجودم را، برای دور ماندن

وَأَشْغَلْ بِطَاعَتِكَ نَفْسِي عَنِ كُلِّ مَا يَرُدُّ عَلَيَّ،

از هر خلاقی که به جانب من می‌آید، به طاعت و بندگیت مشغول دار، تا

حَتَّىٰ لَا أَحِبَّ شَيْئًا مِّنْ سَخِطِكَ، وَلَا أَسْخَطَ

ذره‌ای از خشمت را دوست نداشته باشم، و نسبت به ذره‌ای از خشنودیت

شَيْئًا مِّنْ رِّضَاكَ.

خشم نورزم.

﴿٩﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفَرِّغْ قَلْبِي

(۹) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و دلم را برای دوستیت خالی

لِمَحَبَّتِكَ، وَأَشْغَلْهُ بِذِكْرِكَ، وَانْعَشْهُ بِخَوْفِكَ

کن، و به یاد خود مشغول ساز، و به بیم و هراس از خود نشاطش

وَبِالْوَجَلِ مِنْكَ، وَقَوِّهِ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ، وَآمَلْهُ

ده، و به شوق و رغبت به سویت نیرومندش کن، و به جانب طاعتت



إِلَى طَاعَتِكَ، وَاجْرِبِهِ فِي أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَيْكَ،

میلش ده، و در محبوب‌ترین راههای به سویت روانش ساز، و در تمام

وَذَلَّلَهُ بِالرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَكَ أَيَّامَ حَيَاتِي كُلِّهَا،

دوره زندگیم او را به رغبت داشتن نسبت به آنچه نزد توست رام گردان.

﴿۱۰﴾ وَاجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي، وَإِلَى

(۱۰) از دنیا، تقوایت را توشه‌ام

رَحْمَتِكَ رَحَلْتِي، وَفِي مَرْضَاتِكَ مَدْخَلِي،

و سفرم را به جانب رحمتت، و ورودم را در خشنودیت، و

وَاجْعَلْ فِي جَنَّتِكَ مَثْوَايَ، وَهَبْ لِي قُوَّةً

جایم را در بهشتت قرار ده، و مرا قدرتی بخش که

أَحْتَمِلُ بِهَا جَمِيعَ مَرْضَاتِكَ، وَاجْعَلْ فِرَارِي

تمام بار خشنودیت را به دوش جان حمل کنم. گریزم را

إِلَيْكَ، وَرَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ، وَالْبِسْ قَلْبِي

به سویت، و میلم را در آنچه نزد توست قرار ده، و لباس وحشت

الْوَحْشَةَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ، وَهَبْ لِي الْاُنْسَ

از شرار بندگانت را بر دلم بپوشان، و انس گرفتم

بِكَ، وَبِأَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ؛ ﴿۱۱﴾

به خودت و عاشقانت و اهل طاعتت را به من ارزانی دار. (۱۱)

وَلَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَيَّ مَنَّةً، وَلَا لَهُ

و به سود هیچ بدکار و کافری بر من منت و نعمت قرار مده. و



عِنْدِي يَدًا ، وَ لَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةٌ ، بَلِ

روی نیازم را به جانب آنان مکن؛ بلکه آرامش دل، و انس جان،

اجْعَلْ سَكُونَ قَلْبِي، وَأُنْسَ نَفْسِي، وَاسْتِغْنَائِي

و بی‌نیازی و انجام گرفتن کارم را برعهده خود، و

وَ كِفَايَتِي، بِكَ وَبِخِيَارِ خَلْقِكَ.

برگزیدگان از بندگانت قرار ده.

﴿۱۲﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي

(۱۲) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا همنشین و یار

لَهُمْ قَرِينًا، وَاجْعَلْنِي لَهُمْ نَصِيرًا، وَامْنًا عَلَيَّ

ایشان قرار ده، و به شوق ورزیدن به سویت، و به عمل برایت چنانکه

بِشَوْقٍ إِلَيْكَ، وَبِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى؛

دوست داری و می‌پسندی بر من منت گذار؛ همانا تو بر هر کاری توانایی،

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ.

و تحقق آن همه که گفتم بر تو آسان است.





وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الشَّدَّةِ وَالْجَهْدِ،

دعای امام سجاد علیه السلام به وقتی که سختی روی می‌داد

وَتَعَسَّرَ الْأُمُورُ

و دشواری در امور رخ می‌نمود

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ إِنَّكَ كَلَّفْتَنِي مِنْ نَفْسِي مَا أَنْتَ أَمْلَكُ

(۱) خدایا! کار دشواری چون اصلاح نفسم را بر عهده من نهاده‌ای که

بِهِ مِنِّي، وَقَدَّرْتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيَّ أَغْلَبُ مِنْ

خودت از من به آن کار تواناتری، و تواناییت بر آن کار و بر من، بیش از

قُدْرَتِي، فَأَعْطِنِي مِنْ نَفْسِي مَا يُرْضِيكَ عَنِّي،

توانایی من است؛ پس چیزی که تو را از من خشنود می‌کند به من عطا فرما،

وَ خُذْ لِنَفْسِكَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِي فِي عَافِيَةٍ.

و خشنودیت را در حال تندرستی‌ام، از من دریافت کن.

﴿۲﴾ اللَّهُمَّ لَا طَاقَةَ لِي بِالْجَهْدِ، وَلَا صَبْرًا لِي عَلَى

(۲) خدایا! مرا طاقت بر مشقت، و شکیبایی بر مصیبت، و

الْبَلَاءِ، وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْفَقْرِ، فَلَا تَحْظُرْ عَلَيَّ رِزْقِي،

قدرت بر تنگ دستی نیست؛ پس روزیم را منع مکن و مرا به

وَلَا تَكِلْنِي إِلَى خَلْقِكَ، بَلْ تَفَرِّدْ بِحَاجَتِي،

بندگانم و امگزار؛ بلکه خود به تنهایی حاجتم را برآور و کار ساز



وَتَوَلَّ كِفَايَتِي، وَانظُرْ إِلَيَّ، وَانظُرْ لِي فِي

من باش، و به من با نظر رحمت بنگر، و در تمام امورم مصلحتم را در نظر

جَمِيعِ أُمُورِي؛ ﴿٣﴾ فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي

گیر؛ (۳) زیرا اگر مرا به خود واگذاری، از تحقق دادن کارهایم عاجز شوم،

عَجَزْتُ عَنْهَا، وَلَمْ أَقِمْ مَا فِيهِ مَصْلَحَتُهَا، وَإِنْ

و به کاری که مصلحت من در آن است برنخیزم، و اگر مرا به بندگانت

وَكََلْتَنِي إِلَى خَلْقِكَ تَجَهَّمُونِي، وَإِنْ أَلَجَّاتَنِي

واگذاری، با ترش رویی به من بنگرند، و اگر به پناه خویشانم فرستی،

إِلَى قَرَابَتِي حَرَمُونِي، وَإِنْ أَعْطُوا أَعْطُوا

محروموم سازند، و اگر عطا کنند، عطایی اندک و پر دردمر دهند،

قَلِيلًا نَكِدًا، وَمَتَّوْا عَلَيَّ طَوِيلًا، وَذَمُّوا

و بر من منت بسیار گذارند، و بیش از اندازه نکوهش کنند.

كَثِيرًا؛ ﴿٤﴾ فَبِفَضْلِكَ - اللَّهُمَّ - فَأَغْنِنِي،

(۴) خدایا! پس به احسانت بی‌نیازم کن، و به بزرگیت مرتبه

وَبِعِظَمَتِكَ فَاغْنِنِي، وَبِسَعَتِكَ فَاغْنِنِي،

بلندم ده و به توانگریت، دستم را گشاده ساز، و به آنچه که

وَبِمَا عِنْدَكَ فَاجْعَلْنِي.

نزد توست بی‌نیازم فرما.

﴿٥﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَلِّصْنِي

(۵) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا



مِنَ الْحَسَدِ، وَ أَحْصِرْنِي عَنِ الذُّنُوبِ، وَ وَرِّعْنِي
 از حسد رهایی ده، و از گناهانم بازدار، و از حرامها،
 عَنِ الْمَحَارِمِ، وَ لَا تُجَرِّتْنِي عَلَى الْمَعَاصِي،
 پرهیز ده، و بر معاصی دلیرم مگردان،
 وَ اجْعَلْ هَوَايَ عِنْدَكَ، وَ رِضَايَ فِيمَا يَرِدُ عَلَيَّ
 و میل و رغبتم را متوجه خود فرما، و خشنودیم را در آنچه از جانب تو
 مِنْكَ، وَ بَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَ فِيمَا خَوَّلْتَنِي،
 به من می‌رسد قرار ده، و مرا در آنچه روزیم کرده‌ای، و از روی بزرگواری به من
 وَ فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَ اجْعَلْنِي فِي كُلِّ
 بخشیده‌ای، و احسان فرموده‌ای برکت ده، و مرا در تمام
 حَالَاتِي مَحْفُوظًا مَكْلُوءًا، مَسْتَوْرًا مَمْنُوعًا،
 حالاتم، محفوظ، حراست شده، پوشیده، دست نیافتنی، پناه داده
 مُعَاذًا مُجَازًا.

و امان یافته قرار ده.

﴿٦﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اقْضِ عَنِّي
 (٦) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا به انجام
 كُلِّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ، وَ فَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ فِي وَجْهِ مِنْ
 تمام آنچه برای خود یا بنده‌ای از بندگانت، در جهتی از جهات طاعتت بر
 وَجْهِ طَاعَتِكَ، أَوْ لِحَلْقٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَ إِنْ
 من لازم و واجب فرموده‌ای توفیق ده، و اگر بدنم از انجامش ناتوان باشد،



ضَعْفٌ عَنِ ذَٰلِكَ بَدَنِي، وَوَهْنَتْ عَنْهُ قُوَّتِي،

و نیرویم از آن سست شود، و توان و قدرتم به آن نرسد،

وَلَمْ تَكُنْ لِي مَقْدَرَتِي، وَلَمْ يَسَعْهُ مَالِي وَلَا ذَاتُ

و مال و منام گنجایشش را نداشته باشد، خواه

يَدِي، ذَكَرْتُهُ أَوْ نَسِيتُهُ، ﴿٧﴾ هُوَ- يَارَبِّ-

باشم یا فراموشش کرده باشم، (۷) و آن تکلیف، ای پروردگارم! از

مِمَّا قَدْ أَحْصَيْتَهُ عَلَيَّ، وَأَغْفَلْتَهُ أُنَا مِنْ نَفْسِي،

اموری باشد که به حساب من گذاشته‌ای، و من از انجامش غفلت کرده‌ام،

فَادِّهِ عَنِّي مِنْ جَزِيلِ عَطِيَّتِكَ، وَكَثِيرِ مَا

آن را از عطا عظیمت، و رحمت و اسعادت از جانب من ادا کن که تو

عِنْدَكَ، فَإِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ، حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَيَّ

توانگر کریمی، ای پروردگارم! آن تکالیف را به گونه‌ای از جانب من ادا کن

شَيْءٌ مِنْهُ، تُرِيدُ أَنْ تُقَاصِنِي بِهِ مِنْ حَسَنَاتِي، أَوْ

که چیزی از آن برعهده من نماند، تا روزی که تو را ملاقات می‌کنم، لازم

تَضَاعِفَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي يَوْمَ الْقَاكَ؛ يَارَبِّ.

نیاید از خوبی‌هایم کم کنی، و بر بدی‌هایم بیفزایی.

﴿٨﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي

(۸) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و برای آخرتم میل و رغبت در عمل،

الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِأَخْرَجْتَنِي، حَتَّى أَعْرِفَ

آنها عمل برای خودت روزیم فرما، تا جایی که درستی این عمل را از قلبم



صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي، وَحَتَّى يَكُونَ الْغَالِبُ عَلَيَّ

بیایم، و به گونه‌ای که بر رغبتی نسبت به دنیایم بر من چیره شود، و به صورتی
الزُّهْدِ فِي دُنْيَايَ، وَحَتَّى أَعْمَلَ الْحَسَنَاتِ شَوْقًا،

که از سر شوق خوبی‌ها را به جا آورم، و از بیم و ترس از عذاب، از بدی‌ها در

وَأَمِنْ مِنَ السَّيِّئَاتِ فَرَقًا وَخَوْفًا؛ وَهَبْ لِي نُورًا

امان مانم، و نوری به من بخش که به وسیله آن در میان مردم در زندگی کنم،

أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ، وَأَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ،

و در تاریکی با فروغش راه یابم، و به سبب آن از اشک و شبهه‌ها، رهایی

وَأَسْتَضِيءُ بِهِ مِنَ الشُّكِّ وَالشُّبُهَاتِ.

یافته، روشنی ایمان و اعتقاد محکم و استوار به دست آورم.

﴿٩﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي

(۹) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ترس و اندوه و عذاب، و

خَوْفَ غَمِّ الْوَعِيدِ، وَشَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ،

اشتیاق پاداش وعده داده شده را روزیم فرما، تا لذت آنچه تو را

حَتَّى أَجِدَ لَذَّةَ مَا أَدْعُوكَ لَهُ، وَكَأَبَةَ مَا أَسْتَجِيرُ

به خاطر آن می‌خوانم، و دشواری چیزی که از آن به تو پناه می‌آورم،

بِكَ مِنْهُ.

بیایم.

﴿١٠﴾ اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمْتُ مَا يُصْلِحُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ

(۱۰) خدایا! آنچه از کار دنیا و آخرتم، مرا اصلاح می‌کند می‌دانم؛ پس به



وَ آخِرَتِي؛ فَكُنْ بِجَوَائِبِي حَفِيًّا.

برآوردن خواسته‌های من مهربان باش.

﴿۱۱﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

(۱۱) خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و هنگام کوتاهی در شکر

و ارزقنی الحقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ

گزاریت، آنهم شکرگزاری به خاطر نعمت‌هایی که در زمان آسایش و سختی،

لَكَ، بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فِي الْيُسْرِ وَ الْعُسْرِ،

و سلامت و بیماری به من عنایت فرمودی، حق را که تسلیم بودن در برابرت، و

وَ الصِّحَّةِ وَ السَّقَمِ، حَتَّى أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِي

اقرار به احکام حکیمانه‌ات و اعتراف به کوتاهی ورزیدنم در شکر است روزیم

رُوحَ الرِّضَا، وَ طُمَأْنِينَةَ النَّفْسِ مِنِّي بِمَا يَجِبُ

کن، تا از وجودم نسیم خشنودی و آرامش باطن دریابم؛ آنهم در برابر ادای

لَكَ، فِيمَا يَحْدُثُ فِي حَالِ الْخَوْفِ وَ الْأَمَنِ،

وظیفه‌ای که نسبت به حضرتت بر من واجب است، ادای وظیفه در اموری که در

وَ الرِّضَا وَ السُّخْطِ، وَ الضَّرِّ وَ النَّفْعِ.

حال ترس و امنیت، و خشنودی و خشم، و زیان و سود پیش می‌آید.

﴿۱۲﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارْزُقْنِي

(۱۲) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و سلامت سینه از حسد

سَلَامَةَ الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ، حَتَّى لَا أَحْسُدَ أَحَدًا

روزیم کن تا به هیچ یک از بندگان برای ذره‌ای از احسانت که به آنها



مِنْ خَلْقِكَ، عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِكَ، وَحَتَّى لَا أَرَى
 عنایت کردی، حسد نورزم، و تا جایی که هیچ نعمتی از نعمت‌هایت را،
 نِعْمَةً مِنْ نِعَمِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، فِي دِينِ
 بر احدی از بندگانت در دین یا دنیا،
 أَوْ دُنْيَا، أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ تَقْوَى، أَوْ سَعَةٍ أَوْ رَخَاءٍ،
 یا سلامت یا تقوا، یا فراخی یا راحت نبینم؛ جز آن که برتر از
 إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ وَ مِنْكَ
 آن را به لطف تو، و از سوی تو برای خود آرزو کنم، یگانه‌ای
 وَ حَدَاكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ.

و شریکی برایت نیست.

(۱۳) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي

(۱۳) خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و خودداری از خطاها،

التَّحَفُّظُ مِنَ الْخَطَايَا، وَالْإِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ

و پرهیز از لغزش‌ها را در دنیا و آخرت، در حال خشنودی و خشم

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فِي حَالِ الرِّضَا وَالْغَضَبِ،

روزیم فرما؛ به طوری که حالت درونم نسبت به آنچه که از خشنودی و

حَتَّى أَكُونَ بِمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْهُمَا بِمَنْزِلَةٍ

خشم بر من وارد می‌شود، یکسان و مساوی باشد،

سِوَاءٍ، عَامِلًا بِطَاعَتِكَ، مُؤَثِّرًا لِرِضَاكَ، عَلَى

در حالی که عمل کننده به طاعتت باشم و خشنودی تو را در حق



مَاسِوَاهُمْ فِي الْأَوْلِيَاءِ وَالْأَعْدَاءِ، حَتَّى يَأْمَنَ

دوستان و دشمنان بر آنچه غیر طاعت و خشنودی توست ترجیح

عَدُوِّي مِنْ ظُلْمِي وَجَوْرِي، وَيَأْسَ

دهم، تا دشمنم از ستم و جورم ایمن باشد، و دوستم از

وَلِيِّي مِنْ مَيْلِي وَانْحِطَاطِ هَوَايَ، ﴿١٤﴾

رغبتم و پایین آمدن هوای نفسم به سویش ناامید گردد،

وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصًا فِي الرَّخَاءِ،

و مرا از آنان قرار ده که تو را مخلصانه در حال

دُعَاءِ الْمُخْلِصِينَ الْمُضْطَرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ؛

آسایش می خوانند، مانند خواندن مخلصین درمانده؛

إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ.

همانا تو ستوده بزرگواری.



﴿ ۲۳ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا سَأَلَ اللَّهَ الْعَافِيَةَ

دعای امام سجاد علیه السلام به وقتی که عافیت و شکر آن را از

وَشُكْرَهَا

خداوند می‌خواست



﴿۱﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَابْسِنِي

(۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و عافیت

عافیتک، و جلّلی عافیتک، وَ حَصِّنِي

را بر من بپوشان، و سراپایم را به عافیت فراگیر، و به عافیت

بِعَافِيَتِكَ، وَ أَكْرِمْنِي بِعَافِيَتِكَ، وَ أَغْنِنِي

محفوظم دار، و به عافیت گرامیم دار، و به عافیت بی‌نیازم

بِعَافِيَتِكَ، وَ تَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ، وَ هَبْ لِي

کن، و به عافیت بر من صدقه ده، و عافیت را به من ببخش،

عَافِيَتِكَ، وَ أَفْرِشْنِي عَافِيَتِكَ، وَ أَصْلِحْ لِي

و عافیت را بر من بگستران، و عافیت را برایم

عَافِيَتِكَ، وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَافِيَتِكَ فِي

و در دنیا و آخرت بین من و عافیت جدایی

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

مینداز.

﴿۲﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَافِنِي

(۲) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا عافیت

عَافِيَةً كَافِيَةً، شَافِيَةً عَالِيَةً نَامِيَةً، عَافِيَةً

۵؛ عافیتی بی نیاز کننده، شفابخش، برتر، افزون شونده؛

تُوَلِّدُنِي بَدَنِي الْعَافِيَةَ، عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛

عافیتی که در بدنم عافیت تولید کند، عافیت دنیا و آخرت.

﴿۳﴾ وَ أَمِنُ عَلَى الصِّحَّةِ وَالْأَمْنِ وَالسَّلَامَةِ،

(۳) و بر من منت گذار، به تندرستی و امنیت و سلامت

فِي دِينِي وَبَدَنِي، وَالبصيرةِ فِي قَلْبِي، وَالتَّفَازِ

در دین و بدنم و بینایی در دلم، و قاطعیت

فِي أُمُورِي، وَالخَشْيَةِ لَكَ، وَالخَوْفِ مِنْكَ،

در امورم، و هراس برایت، و بیم از حضرتت،

وَ الْقُوَّةِ عَلَى مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ،

و توان و نیرو بر آنچه از طاعتت به من فرمان دادی،

وَ الْإِجْتِنَابِ لِمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ.

و دوری از نافرمانیت نسبت به آنچه مرا از آن برحذر داشتی.

﴿۴﴾ اللَّهُمَّ وَ أَمِنُ عَلَى الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ،

(۴) خدایا! بر من منت گذار به حج و عمره،

وَ زِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ - صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَرَحْمَتِكَ

و زیارت قبر رسولت که درود و رحمت و برکاتت بر او و



وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، وَآلِ رَسُولِكَ

بر آل او باد، و بر زیارت قبور اهل بیت رسولت

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ- أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، فِي عَامِي هَذَا

علیهم السلام، همیشه تا وقتی که مرا زنده بداری،

وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مَقْبُولًا مَشْكُورًا،

در امسال و همه سال و آن زیارت را مقبول و پسندیده و منظور

مَذْكُورًا لَدَيْكَ، مَذْخُورًا عِنْدَكَ؛ ﴿۵﴾

نظر پیشگاهت، و اندوخته‌ای برایم نزد خود قرار ده.

وَأَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ، وَحُسْنِ

(۵) و زبانم را به سپاس و شکر و ذکر و ستایش نیک، نسبت به

الثَّنَاءِ عَلَيْكَ لِسَانِي، وَاشْرَحْ لِمَرَاثِدِ دِينِكَ

حضرت گویا کن، و دلم را برای راههای مستقیم دینت گشاده فرما،

قَلْبِي، ﴿۶﴾ وَأَعِزَّنِي وَذَرِّبْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ

(۶) و مرا و فرزندانم را پناه ده از شیطان رانده شده،

الرَّجِيمِ، وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ، وَالْعَامَّةِ

و از شر جانوران زهردار، و حیوانات بدون زهر،

وَاللَّامَةِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ

و سایر جانداران، و مردم چشم شور، و از شر هر شیطان سرکش،

كُلِّ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مُتَرَفٍ حَفِيدٍ،

و شر هر پادشاه ستمگر، و شر هر خوش گذران نازپرورده،



وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ضَعِيفٍ وَشَدِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ

و شر هر ناتوان و قوی، و شر هر عالی مقام و فرومایه، و

شَرِيفٍ وَوَضِيعٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ،

شر هر کوچک و بزرگ،

وَمِنْ شَرِّ كُلِّ قَرِيبٍ وَبَعِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ

و شر هر دور و نزدیک، و از شر هر جن و انس که در

نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ حَرْبًا، مِنْ الْجِنِّ

برابر پیامبرت و اهل بیتش، جنگی را برپا کرد،

وَ الْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا؛

و از شر هر جنبنده‌ای که تو زمام اختیارش را به دست داری.

إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

همانا تو بر راه راستی.

﴿٧﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَمَنْ أَرَادَنِي

(۷) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و هر که نسبت به من آهنگ

بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي، وَادْحَرْ عَنِّي مَكْرَهُهُ، وَادْرَأْ

بدی کند، او را از من بگردان، و نیرنگش را از من دور ساز، و شرش را از من

عَنِّي شَرَّهُ، وَرُدِّ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ، ﴿٨﴾ وَاجْعَلْ

دفع کن، و مکرش را به گلوگاهش برگردان، (۸) و مانعی پیش

بَيْنَ يَدَيْهِ سَدًّا، حَتَّى تُعْمِيَ عَنِّي بَصَرَهُ، وَتُصَمِّمَ

رویش قرار ده تا چشمش را از دیدن من کور، و گوشش را از شنیدن گفتار



عَنْ ذِكْرِي سَمِعَهُ، وَتُقْفِلَ دُونَ إِخْطَارِي

من کر سازی، و دلش را از یاد من قفل کنی، و زبانش را از گفتگو

قَلْبِهِ، وَتُخْرَسَ عَنِّي لِسَانُهُ، وَتَقْمَعَ رَأْسُهُ،

درباره من لال گردانی، و سرش را بکوبی، و عزتش را خوار کنی،

وَتُدَلَّ عِزُّهُ، وَتَكْسِرَ جَبْرُوتَهُ، وَتُدَلَّ

و بزرگیش را بشکنی، و بر گردنش، گردن بند خواری

رَقَبَتَهُ، وَتَفْسَخَ كِبْرَهُ، وَتُؤْمِنِي مِنْ جَمِيعِ

اندازی، و کبریایش را از هم بپاشی، و مرا از تمام زیان و شرّ و طعنه و

ضَرِّهِ وَشَرِّهِ، وَغَمِّهِ وَهَمِّهِ وَلَمَزِهِ،

غیبت و جویی، و عیب

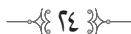
وَحَسَدِهِ وَعَدَاوَتِهِ، وَحَبَائِلِهِ وَمَصَائِدِهِ،

حسد، دشمنی، بندها، دامها، پیاده

وَرَجْلِهِ وَخَيْلِهِ؛ إِنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ.

و سواره‌اش این داری؛ همانا تو شکست‌ناپذیر توانایی.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبَوَيْهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

دعای امام سجاد علیه السلام برای پدر و مادرش که بر هر دو درود باد

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ،

(۱) خدایا! بر محمد بنده و فرستاده‌ات، و بر

وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَاخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ

اهل بیت پاکش درود فرست، و آنان را به برترین درودها و

صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَسَلَامِكَ،

رحمت و برکات و سلام خود، مخصوص گردان.

وَاخْصُصْ - اللَّهُمَّ - وَالِدِي بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ،

خدایا! پدر و مادرم را به گرامی داشتن نزد خود، و درود از جانب حضرتت

وَالصَّلَاةِ مِنْكَ؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اختصاص ده. ای مهربان‌ترین مهربانان!

﴿۲﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْهِمْنِي

(۲) خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و دانش آنچه از حقوق ایشان

عِلْمَ مَا يَجِبُ لَهُمْ عَلَى الْهَامَا، وَاجْمَعْ لِي عِلْمَ

بر من واجب است، به من الهام فرما، و دانش همه آن حقوق واجبه را برایم

ذَلِكَ كُلَّهُ تَمَامًا، ثُمَّ اسْتَعْمَلْنِي بِمَا تُلْهِمُنِي مِنْهُ،

فراهم آور؛ سپس مرا به آنچه در این زمینه الهام کرده‌ای به کار گیر، و برای



وَوَقَّعَنِي لِلتُّفُؤُذِ فِيمَا تَبَصَّرْتَنِي مِنْ عِلْمِهِ، حَتَّى
انجام آنچه به دانستنش بینایم می‌کنی توفیق ده، تا به کار بستن چیزی که
لَا يَفُوتَنِي اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عَلَّمْتَنِيهِ، وَلَا تَثْقُلُ
به من آموخته‌های از دستم نرود، و اندامم از خدمت کردن بر اساس حقوقی
أَرْكَانِي عَنِ الْحَفُوفِ فِيمَا أَلْهَمْتَنِيهِ.

که به من الهام فرموده‌ای، سنگین نشود.

(۳) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا شَرَّفْتَنَا

(۳) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست؛ چنانکه ما را به وجود مبارکش

بِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا أَوْجَبْتَ لَنَا

شرافت دادی، و بر محمد و آلش درود فرست؛ همان سان که به سبب

الْحَقِّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ.

حضرتش حقی به سود ما برعهده مردم واجب فرمودی.

(۴) اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ

(۴) خدایا! چنانم قرار ده که از پدر و مادرم مانند ترسیدن از پادشاه ستمکار

العسوف، وَأَبْرُهُمَا بَرَّ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ، وَاجْعَلْ

بترسم، و به هر دو همچون مادری مهربان نیکی کنم، و اطاعت و نیکوکاریم

طَاعَتِي لَوَالِدَيْ وَبِرِّي بِهِمَا، أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ

را به آنان، در نظرم از خواب خواب آلوده شیرین‌تر، و پیرای سوز

الْوَسْنَانِ، وَآتَلَجَ لِصَدْرِي مِنْ شَرِبَةِ الظَّمَانِ،

سینه‌ام، از شربت گوارا، در ذایقه تشنه، خنک‌تر گردان تا خواسته هر دو را



حَتَّىٰ أَوْثَرَ عَلَىٰ هَوَايَ هَوَاهُمَا، وَأَقَدَّمَ عَلَىٰ

بر خواسته خود ترجیح دهم. و خشنودی آنها را بر خشنودی خود مقدم

رِضَايَ رِضَاهُمَا، وَأَسْتَكْرِ بِرَّهُمَا بِي

دارم، و نیکوکاری ایشان را در حق خود، هر چند اندک باشد، زیاد شمارم، و

وَأِنْ قَلَّ، وَأَسْتَقِلَّ بِرِّي بِهِمَا وَإِنْ كَثُرَ.

نیکوکاری خود را درباره ایشان هر چند بسیار باشد، اندک به حساب آورم.

﴿٥﴾ اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي، وَأَطِبْ لَهُمَا

(۵) خدایا! صدایم را در محضر آنان آهسته، و گفتارم را پاکیزه

كَلَامِي، وَأَلِنْ لَهُمَا عَرِيكَتِي، وَاعْطِفْ

و دلنشین، و خویم را نسبت به آنان نرم فرما، و دلم را به

عَلَيْهِمَا قَلْبِي، وَصَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا،

هر دو مهربان ساز، و مرا نسبت به هر دو اهل مدارا و نرمش و مهربان

وَعَلَيْهِمَا شَفِيقًا.

و دلسوز گردان.

﴿٦﴾ اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرَبِّيَّتِي، وَأَثْبِهْهُمَا عَلَىٰ

(۶) خدایا! آنان را به پاس پرورش من پاداش ده، و در برابر گرامی داشت

تَكَرَّمَتِي، وَاحْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي

من جزا عنایت فرما، و هر چه را در کودکی من نسبت به من منظور داشتند،

صِغَرِي.

در حق آنان منظور دار.



(۷) اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّي مِنْ أَدْنَى ، أَوْ

خداایا! آنچه از جانب من آزار به ایشان رسیده یا

خَلَصَ إِلَيْهِمَا عَنِّي مِنْ مَكْرُوهِ ، أَوْ ضَاعَ قَبْلِي

کار ناپسندی از من نسبت به آنها رخ داده، یا حقی که از آنان

لَهُمَا مِنْ حَقٍّ ، فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِدُنُوبِهِمَا ،

بر عهده من ضایع شده، همه را موجب ریختن گناهانشان،

وَعُلُوًّا فِي دَرَجَاتِهِمَا ، وَ زِيَادَةً فِي حَسَنَاتِهِمَا ؛ يَا

و بلندی مقامشان و افزونی خوبی‌هاشان قرار ده، ای

مُبَدِّلِ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ .

تبدیل کننده بدی‌ها، به چندین برابرش به خوبی‌ها.

(۸) اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ ، أَوْ

(۸) خداایا! آنچه را پدر و مادرم، در سخن گفتن با من از اندازه بیرون رفتند،

أَسْرَفَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ ، أَوْ ضَيَّعَا لِي مِنْ حَقٍّ ،

یا در کاری نسبت به من زیاده‌روی کردند، یا حقی را از من به تباهی

أَوْ قَصَّرَا بِي عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ ، فَقَدْ وَهَبْتُهُ

کشیدند، یا واجبی را نسبت به من کوتاهی کردند، همه را به آنان بخشیدم،

لَهُمَا ، وَ جُدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا ، وَ رَغِبْتُ إِلَيْكَ

و تمام آنها را بر هر دو نثار کردم، و از تو می‌خواهم که وزر و وبال آن را از

فِي وَضْعٍ تَبِعْتَهُ عَنْهُمَا ، فَإِنِّي لَا أَتَمُّهُمَا عَلَيَّ

دوش آنان برداری؛ زیرا من آنان را نسبت به خود، در کوتاه آمدنشان از حقم



نَفْسِي، وَلَا اسْتَبَطْتُهُمَا فِي بَرِّي، وَلَا أَكَرَهُ

متهم نمی‌کنم و آنان را در نیکوکاریشان درباره خود سهل انگار نمی‌دانم،

مَا تَوَكَّلِيَاهُ مِنْ أَمْرِي يَا رَبِّ؛ ﴿٩﴾ فَهُمَا أَوْجَبُ

و از آنچه درباره‌ام انجام داده‌اند ناراضی نیستم. (۹) ای پروردگار من! حق

حَقًّا عَلَيَّ، وَأَقْدَمُ إِحْسَانًا إِلَيَّ، وَأَعْظَمُ مِنَّةً

آنان بر من، از حق من بر آنان واجب‌تر، و احسانشان به من پیش‌تر و

لَدَيَّ مِنْ أَنْ أَقَاصَّهُمَا بِعَدَلٍ، أَوْ أُجَازِيَهُمَا عَلَيَّ

دیرین‌تر، و نعمتشان نسبت به من عظیم‌تر است از این که آنان را بر اساس

مِثْلِ؛ ﴿١٠﴾ أَيْنَ إِذَا - يَا إِلَهِي - طَوَّلُ شُغْلِهِمَا

عدالت، به دایره تلافی کردن وارد کنم، یا با آنان مانند آنچه را با من رفتار کردند، رفتار کنم.

بِتَرْبِيَّتِي؟ وَ أَيْنَ شِدَّةُ تَعَبِهِمَا فِي حِرَاسَتِي؟

(۱۰) ای خدای من! اگر چنین کنم، روزگار مدیدی که به تربیتم مشغول بودند و زحمت

وَ أَيْنَ إِقْتَارُهُمَا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوَسُّعَةِ عَلَيَّ؟

سختی که در نگاهداری من تحمل کردند، و آن همه بر خود تنگ گرفتند، تادر زندگی

﴿١١﴾ هَيْهَاتَ، مَا يَسْتَوْفِيَانِ مِنِّي حَقَّهُمَا،

من گشایش باشد چه می‌شود؟! (۱۱) بعید است که بتوانند حق خود را به طور کامل از

وَلَا أَدْرِكُ مَا يَجِبُ عَلَيَّ لهُمَا، وَلَا أَنَا بِقَاضٍ

من دریافت‌کننده، و من قدرت ندارم حقوقی که از آنان برعهده من واجب شده، تدارک

وَ وَظِيفَةَ خِدْمَتِهِمَا؛ ﴿١٢﴾ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

کنم، و وظیفه خدمت را نسبت به آن دو به جا آورم؛ (۱۲) پس بر محمد و آتش درود



وَأَلِهِ، وَأَعِنِّي يَا خَيْرَ مَنْ اسْتُعِينَ بِهِ، وَوَفَّقْنِي يَا
 فرست، و ای بهترین کسی که از او یاری خواهند! مرا بر ادای حق آنان یاری ده و ای راه
 آهدی مَن رُغِبَ إِلَيْهِ؛ وَلَا تُجْعَلْنِي فِي أَهْلِ
 نماینده‌تر کسی که به او رو کنند! مرا برای خدمت به پدر و مادر توفیق عنایت کن، و
 الْعُقُوقِ لِلآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ، «يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ
 روزی که هر انسانی به خاطر آنچه مرتکب شده جزا داده می‌شود، و در برنامه جزا به
 بِمَا كَسَبَتْ، وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ».

آنان ستم نمی‌شود»، مرا در زمره آنان که عاقی پدر و مادرند قرار مده.

(۱۳) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ،
 (۱۳) خدایا! بر محمد و آلش و بر نسل او درود فرست، و پدر
 وَ اخْصُصْ أَبَوَيَّ بِأَفْضَلِ مَا خَصَّصْتَ بِهِ آبَاءَ
 و مادرم را به برترین چیزی که پدران و مادران بندگان مؤمنت
 عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَأُمَّهَاتِهِمْ؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.
 را به آن اختصاص دادی، اختصاص ده، ای مهربان‌ترین مهربانان!
 (۱۴) اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَدْبَارِ صَلَوَاتِي،
 (۱۴) خدایا! یاد ایشان را در پی نمازهایم، و در وقتی
 وَ فِي إِنِّي مِنْ آنَاءِ لَيْلِي، وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ
 از اوقات شبم، و در هر ساعتی از ساعات روزم، از
 سَاعَاتِ نَهَارِي.

یادم مبر.



﴿۱۵﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْفِرْ لِي

(۱۵) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا به برکت دعایم برای بدعائی هُما، و اعْفِرْ لَهُمَا بِرِهِمَا بِي مَغْفِرَةً
آنان بیامرز، و آنان را به خاطر احسانشان به من، در گردونه آمرزش حَتْمًا، و اَرْضْ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رَضًى
قرار ده؛ آمرزشی لازم و قطعی، و به خاطر شفاعتم در حق آنان، از آنها

عَزْمًا، وَبَلِّغْهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ.

خشنود شو؛ خشنودی استوار و پابرجا، و آنان را با گرمی داشتن به جاهای

﴿۱۶﴾ اللَّهُمَّ وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا

سلامت برسان. (۱۶) خدایا! اگر آمرزش نسبت به آنها بر من پیشی فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ، وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي
گرفته، پس آنها را شفیع من قرار ده، و اگر مرا پیش از آنها مورد مغفرت

فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا، حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ

قرار داده‌ای، پس مرا شفیع آنان فرما تا در پرتو مهربانیت، در سرای
كَرَامَتِكَ، وَمَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ؛ إِنَّكَ

کرامت و جایگاه آمرزش و رحمتت گرد آیم؛
ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَالْمَنَّ الْقَدِيمِ، وَأَنْتَ
همانا تو دارای احسان عظیم و نعمت قدیمی، و تو مهربان‌ترین

أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

مهربانانی.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دعای امام سجاد علیه السلام درباره فرزندان که بر آنان درود باد

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ وَمَنْ عَلَى بَقَاءِ وُلْدِي، وَبِاصْلَاحِهِمْ

(۱) خدایا! به باقی ماندن فرزندانم، بر من منت گذار و به شایسته نمودنشان، برای

لی و بِإِمْتَاعِي بِهِمْ.

پیروی از من، و به بهره‌مند شدنم در دنیا و آخرت از ایشان بر من منت گذار.

﴿۲﴾ إِلَهِي أُمَّدْ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ لِي فِي

(۲) خدایا! عمرشان را به سود من طولانی کن، و مدت زندگی آنها به خاطر

أَجَالِهِمْ، وَرَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ، وَقَوْلِي ضَعِيفَهُمْ،

من بیفزا، و خردسالشان را به نفع من تربیت کن، و ناتوانشان را برای

وَاصِحِّ لِي أَبْدَانَهُمْ وَآدْيَانَهُمْ وَآخْلَاقَهُمْ،

من نیرومند ساز، و بدن‌ها و آیین‌ها و اخلاقشان را برایم به سلامت دار.

وَ عَافِيَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَفِي جَوَارِحِهِمْ،

و به آنها در جان و اعضا و هر کارشان که به آن اهتمام دارم، سلامت

وَ فِي كُلِّ مَا عُنَيْتَ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ، وَادْرِرْ لِي وَعَلَى

همه جانبه عنایت کن، و برای من و به دست من، روزی آنان را فراوان

يَدِي أَرْزَاقَهُمْ، ﴿۳﴾ وَاجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا أَتَقِيَاءَ،

فرما. (۳) و آنان را نیکوکار، پرهیزکار، بصیر و بینا، شنا،



بُصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ، وَلَا وِلْيَاءَكَ

و فرمانبردار خود، و نسبت به دوستانت عاشق و خیرخواه،

مُحِبِّينَ مَنَاصِحِينَ، وَإِجْمَاعَ أَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ

و در ارتباط به دشمنانت، معاند

و مُبْغِضِينَ. آمِينَ.

و کینه ورز قرار ده.

﴿٤﴾ اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضْدِي، وَأَقِمَّ بِهِمْ أَوْدِي،

(٤) خدایا! وجودم را به آنان نیرومند، و کجیام را به وسیله آنان راست

و كَثِّرْ بِهِمْ عَدْدِي، وَزَيِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِي،

فرما، و تبارم را به آنان افزون کن، و مجلسم را به آنان زینت ده،

وَ أَحْيِ بِهِمْ ذِكْرِي، وَ اكْفِنِي بِهِمْ فِي غَيْبَتِي،

و یادم را به آنان زنده دار، و در نبود من کارهایم را به وسیله

وَ اعْنِي بِهِمْ عَلَى حَاجَتِي، وَ اجْعَلْهُمْ لِي مُحِبِّينَ،

ایشان کفایت کن، و مرا به سبب آنان بر روا شدن نیازم یاری ده،

وَ عَلَيَّ حَدِيثِينَ مُقْبِلِينَ، مُسْتَقِيمِينَ لِي، مُطِيعِينَ

و آنان را نسبت به من عاشق و مهربان، و روی آورنده، و برایم

غَيْرَ عَاصِينَ وَ لَا عَاقِينَ، وَ لَا مُخَالِفِينَ

مستقیم و مطیع قرار ده؛ نه عصیان کننده و عاق و مخالف

وَ لَا خَاطِئِينَ، ﴿٥﴾ وَ اعْنِي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ

و خطاکار، (٥) و مرا در تربیت و ادب کردن و نیکی



وَتَأْدِيبِهِمْ وَبِرِّهِمْ ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ
 در حَقِّشان یاری فرما، و مرا از جانب خود علاوه بر آنان اولاد پسر
 اولادًا ذُكُورًا ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِي ،
 بخش، و آن را برایم خیر قرار ده، و آنان را در آنچه از تو می‌خواهم
 وَاجْعَلْهُمْ لِي عَوْنًا عَلَيَّ مَا سَأَلْتُكَ؛ (۶) وَاعِزَّنِي
 یاورم ساز. (۶) و مرا و نسلم را از شیطان رانده شده پناه ده؛

وَذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا
 چرا که تو ما را آفریدی، و به ما امر و نهی فرمودی، و ما را در ثواب آنچه به
 وَأَمَرْتَنَا وَنَهَيْتَنَا ، وَرَغَّبْتَنَا فِي ثَوَابِ مَا أَمَرْتَنَا ،
 آن امر کردی ترغیب، و به عذاب آنچه از آن نهی فرمودی تهدید کردی، و برای
 وَرَهَبْتَنَا عِقَابَهُ ، وَجَعَلْتَ لَنَا عَدُوًّا يَكِيدُنَا ،
 ما دشمنی قرار دادی که با ما نیرنگ می‌کند، و او را بر ما تسلطی دادی که ما
 سَلَّطْتَهُ مِنَّا عَلَيَّ مَا لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ ،
 را به آن اندازه بر او تسلط نیست، در دل‌هايمان جایش دادی، و در رهگذرهای
 أَسْكَنتَهُ وَصُدُورَنَا ، وَأَجْرِيَّتَهُ مَجَارِي دِمَائِنَا ،
 خوغمان روانش ساختی، اگر ما از او غفلت ورزیم، او از ما غافل نمی‌شود، و اگر
 لَا يَغْفُلُ إِنْ غَفَلْنَا ، وَلَا يَنْسِي إِنْ نَسِينَا ، يُؤْمِنُنَا
 او را فراموش کنیم، او ما را فراموش نمی‌کند. ما را از عذاب تو ایمنی می‌دهد،
 عِقَابِكَ ، وَيُخَوِّفُنَا بِغَيْرِكَ .

و از غیر تو می‌ترساند.



﴿۷﴾ **إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَةٍ شَجَعْنَا عَلَيْهَا، وَإِنْ**

(۷) چون آهنگ کار زشتی کنیم، ما را بر آن دلیر کند، و چون قصد کار

هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ ثَبَّتْنَا عَنْهُ، يَتَعَرَّضُ لَنَا

شایسته‌ای کنیم، ما را از آن باز دارد. ما را به شهوات می‌طلبد، و بنای

بِالشَّهَوَاتِ، وَيَنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ؛ إِنْ وَعَدْنَا

شبهه‌ها را برای ما برپا می‌کند. اگر به ما وعده دهد، دروغ می‌گوید، و اگر به

كذَبْنَا، وَإِنْ مَتَّانَا أَخْلَفْنَا، وَإِلَّا تَصْرِفَ عَنَّا

آرزویمان نشانند، تخلف می‌کند، و اگر تو نیرنگش را از ما نگردانی، ما را گمراه

كَيْدِهِ يُضِلَّنَا، وَإِلَّا تَقِنَا خَبَالَهُ يَسْتَزِلَّنَا.

می‌کند و اگر از فسادش، حفظمان نکنی، ما را به لغزش می‌اندازد.

﴿۸﴾ **اللَّهُمَّ فَاقْهَرِ سُلْطَانَهُ، عَنَّا بِسُلْطَانِكَ،**

(۸) خدایا! سلطه‌اش را نسبت به ما با سلطنتت مغلوب کن تا به سبب کثرت

حَتَّى تَحْبِسَهُ، عَنَّا بِكَثْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ، فَنُصَبِّحَ مِنْ

دعایمان به پیشگاهت، او را از ما باز داری تا به وسیله تو، از نیرنگش در زمره

كَيْدِهِ فِي الْمَعْصُومِينَ بِكَ.

حفظ شدگان از شر او قرار گیریم.

﴿۹﴾ **اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كُلَّ سُؤْلِي، وَأَقْضِ لِي**

(۹) خدایا! تمام خواسته‌هایم را عطا کن، و همه حاجاتم را برآور، و

حَوَائِجِي، وَلَا تَمْنَعْنِي الْإِجَابَةَ، وَقَدْ ضَمِنْتَهَا لِي،

از اجابت دعا که اجابتش را برابم ضمانت کرده‌ای محروم مکن،



وَلَا تَحْجُبْ دُعَائِي عَنْكَ، وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِهِ؛ ﴿۱۰﴾

و دعایم را از درگاهت که مرا به آن دستور داده‌ای منع مفرما،

وَأَمِنَ عَلَيَّ بِكُلِّ مَا يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي،

(۱۰) و هر آنچه در دنیا و آخرتم باعث اصلاحم شود به من عنایت کن؛

مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَمَا نَسِيتُ، أَوْ أَظْهَرْتُ

آنچه را که از آن یاد کردم و آنچه فراموشم شد، اظهار کردم

أَوْ أَخْفَيْتُ، أَوْ أَعْلَنْتُ أَوْ أَسْرَرْتُ؛ ﴿۱۱﴾

یا پوشیده داشتم، آشکار نمودم یا پنهان کردم، (۱۱)

وَأَجَعَلَنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ

و در تمام این امور به سبب درخواستی که از تو دارم، مرا از

بِسْؤَالِي إِيَّاكَ، الْمُنْجِحِينَ بِالطَّلَبِ إِلَيْكَ،

اصلاح کنندگان قرار ده؛ آنان که به درخواستشان از تو، در شمار کامیابان شدند،

غَيْرِ الْمَمْنُوعِينَ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، الْمُعَوِّدِينَ

و با توکل بر تو محروم از لطفت نشدند. و مرا از آثانی قرار ده که به پناه آوردن

بِالتَّعَوُّذِ بِكَ، الرَّابِحِينَ فِي التِّجَارَةِ عَلَيْكَ،

به تو خو گرفته‌اند، و از سودای با تو سود سرشار برده‌اند،

الْمُجَارِينَ بِعِزِّكَ، الْمَوْسِعَ عَلَيْهِمُ الرِّزْقُ

و پناهنده به عزت شدند، و رزق حلال از احسان فراگیرت به

الْحَلَالُ، مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

جود و کرمت بر آنان وسعت دادی، و به وسیله تو از مدار



الْمُعْزِينَ مِنَ الذُّلِّ بِكَ، وَ الْمُجَارِينَ مِنَ الظُّلْمِ

خواری درآمده به تخت عزت نشستند، و از ستم و جور، به عدالتت

بِعَدْلِكَ، ﴿۱۲﴾ وَالْمُعَافِينَ مِنَ الْبَلَاءِ بِرَحْمَتِكَ،

پناهنده شدند، (۱۲) و به رحمتت، از بلا و مصیبت، سلامت همه جانبه

وَالْمُغْنَيْنِ مِنَ الْفَقْرِ بِغْنَاكَ، وَالْمَعْصُومِينَ مِنَ

یافتند، و به غنای تو، از تهیدستی به توانگری رسیدند، و به تقوای تو

الذُّنُوبِ وَالزَّلَلِ وَالْخَطَا بِتَقْوَاكَ، وَالْمُؤَفَّقِينَ

از گناهان و لغزشها و خطاها، محفوظ ماندند، و به طاعتت،

لِلْخَيْرِ وَالرُّشْدِ وَالصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ، وَالْمُحَالَ

به خیر و هدایت و درستی، توفیق یافتند، و به قدرتت

بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِكَ، التَّارِكِينَ لِكُلِّ

بین آنان و گناهان حایل و مانع ایجاد شد، رها کننده

مَعْصِيَتِكَ، السَّاكِنِينَ فِي جَوَارِكَ.

معصیت‌های تواند، در جوار رحمتت ساکنند.

﴿۱۳﴾ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ

(۱۳) خدایا! همه این امور را به توفیق رحمتت

وَرَحْمَتِكَ، وَاَعِزَّنَا مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ، وَاَعْطِ

به ما عطا کن، و ما را از عذاب دوزخ پناه ده،

جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، وَالْمُؤْمِنِينَ

و به تمام مردان و زنان مسلمان و مردان



وَالْمُؤْمِنَاتِ، مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتِكَ لِنَفْسِي

و زنان با ایمان، مانند آنچه را برای خود و فرزندانم

وَلِوَالِدِي، فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْآخِرَةِ؛

از تو خواستم، در این جهان و آن جهان عطا فرما!

إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ، سَمِيعٌ عَلِيمٌ، عَفُوٌّ غَفُورٌ،

همانا تو به بندگان نزدیک، اجابت کننده دعا، شنوا و دانا، بخشنده و آمرزنده،

رَوْوْفٌ رَحِيمٌ؛ ﴿١٤﴾ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً،

مهربان و رحیمی، (۱۴) و ما را در این دنیا و آن دنیا حسنه

وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

عنايت کن، و از عذاب دوزخ حفظ فرما.



— ﴿ ۲۶ ﴾ —

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِجِيرَانِهِ وَأَوْلِيَائِهِ،

دعای امام سجاد علیه السلام درباره همسایگان و دوستانش

إِذَا ذَكَرَهُمْ

به وقتی که از ایشان یاد می‌فرمود

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوَلَّنِي فِي

(۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و سرپرستی مرا، درباره همسایگان

جیرانی و موالی العارفين بحقنا، وَ الْمُنَابِذِينَ

و دوستانم که به حق ما آگاه و با دشمنان ما مخالفند، به برترین سرپرستیت

لِأَعْدَائِنَا، بِأَفْضَلِ وَلايَتِكَ، ﴿۲﴾ وَوَفِّقْهُمْ

به عهده گیر و آنان را به این امور موفق فرما: (۲) برپا داشتن روش و طریقه‌ات،

لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْآخِذِ بِمَحَاسِنِ أَدْبِكَ

فرا گرفتن محاسن اخلاقت برای سود رساندن به ناتوانشان، جبران

فِي إِرْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ، وَ سَدِّ خَلَّتِهِمْ، وَ عِيَادَةِ

کردن تنگدستی شان، عیادت بیمارشان، هدایت کردن مسافرشان،

مَرِيضِهِمْ، وَ هِدَايَةِ مُسْتَرَشِدِهِمْ، وَ مُنَاصَحَةِ

خیرخواهی نسبت به مشورت کنندگان، دیدار نمودن از مسافران برگشته

مُسْتَشِيرِهِمْ، وَ تَعَهُّدِ قَادِمِهِمْ، وَ كِتْمَانِ

به وطن، پنهان داشتن اسرارشان، پوشاندن عیوبشان، یاری دادن به



أَسْرَارِهِمْ، وَسَتَرِ عَوْرَاتِهِمْ، وَنَصْرَةَ مَظْلُومِهِمْ،
مظلومشان، خوب کمک کردن به آنان در مایحتاج زندگیشان،

وَحُسْنَ مُوَأَسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ، وَالْعَوْدِ عَلَيْهِمْ
احسان به ایشان با مال و ثروت و بخشش فراوان،

بِالْجِدَّةِ وَالْإِفْضَالِ، وَإِعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ
عطا کردن آنچه برای آنان لازم است پیش از

قَبْلِ السُّؤَالِ؛ ﴿۳﴾ وَاجْعَلْنِي - اللَّهُمَّ - أَجْزَى
درخواستشان. (۳) خدایا! مرا چنان قرار ده که بدکارشان را به

بِالْإِحْسَانِ مُسِيئُهُمْ، وَأَعْرَضُ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ
نیکی و خوبی پاداش دهم و از ستمکارشان با گذشت و بخشش صرف نظر کنم،

ظَالِمِهِمْ، وَاسْتَعْمِلُ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَّةِهِمْ،
درباره همه آنان خوش گمانی را به کار گیرم، تمامشان را با نیکوکاری سرپرستی کنم،

وَآتَوَّلِي بِالْبِرِّ عَامَّتَهُمْ، وَأَغْضُ بِصَرِي عَنَّهُمْ
عقیفانه چشم از خطایشان بپوشم، فروتنانه

عَفَّةً، وَأَلِيْنُ جَانِبِي لَهُمْ تَوَاضِعًا، وَارِقُ عَلَى
با آنان نرم باشم، مهربانانه بر بلا دیده آنان رقت آورم، در پنهان،

أَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَةً، وَأَسِرُّ لَهُمْ بِالْغَيْبِ
دوستی خود را بر آنان ظاهر سازم، خیرخواهانه

مَوَدَّةً، وَأَحِبُّ بَقَاءَ النِّعْمَةِ عِنْدَهُمْ نَصْحًا،
دوام نعمتشان را بخواهم، آنچه برای اقوام خود لازم می‌دانم،



وَأَوْجِبُ لَهُمْ مَا أَوْجِبُ لِحَامَّتِي، وَأَرعى لَهُمْ

برای آنان لازم بدانم، آنچه برای مخصوصان خود رعایت می‌کنم، برای آنان

مَا أَرعى لِإِخَاصَّتِي.

رعایت کنم.

﴿٤﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي

(٤) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و مرا هم از جانب ایشان، رفتاری

مِثْلَ ذَلِكَ مِنْهُمْ، وَاجْعَلْ لِي أَوْفَى الْحُظُوظِ

به همین صورت نصیب فرما، و کامل‌ترین بهره‌هایی که نزد ایشان است برای

فِي مَا عِنْدَهُمْ، وَزِدْهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي، وَمَعْرِفَةً

من قرار ده، و بصیرتشان را در حق من و معرفتشان را به فضل من افزون

بِفَضْلِي، حَتَّى يَسْعَدُوا بِي وَأَسْعَدَ بِهِمْ.

فرما، تا به خاطر من نیک‌بخت شوند، و من نیز به خاطر آنان نیک‌بخت شوم.

آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

پروردگار جهانیان! دعایم را مستجاب کن.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَهْلِ الثُّغُورِ

دعای امام سجاد علیه السلام برای مرزداران

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَصِّنْ

(۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و به عزت مرزهای مسلمانان

ثُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ، وَأَيْدِ حُمَاتِهِا بِقُوَّتِكَ،

را محکم و استوار ساز، و به نیرویت نگهبانان مرزها را توانایی بخش،

وَأَسْبِغْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جِدَّتِكَ.

و عطایای آنان را به توانگریت کامل و سرشار کن.

﴿۲﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكَثِّرْ

(۲) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و تعدادشان را بیفزای و سلاحشان را

عِدَّتَهُمْ، وَاشْحِذْ أَسْلِحَتَهُمْ، وَاحْرُسْ حَوَازِيَهُمْ،

تیز و برآ کن، و اطراف و جوانبشان را محکم و نفوذناپذیر ساز، و جمعشان

وَأَمْنِعْ حَوْمَتَهُمْ، وَالْفَّ جَمْعَهُمْ، وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ،

را به هم پیوند ده، و کارشان را رو به راه کن، و آذوقه آنان را پی در پی

وَوَاتِرِبَيْنَ مِيْرِهِمْ، وَتَوَحَّدْ بِكِفَايَةِ مُؤْنِهِمْ،

برسان، و سختی‌هاشان را به تنهایی کارساز باش، و به یاری خود نیرومندشان

وَأَعِضْهُمْ بِالنَّصْرِ، وَأَعِنِهِمْ بِالصَّبْرِ، وَالطَّفْ

ساز، و به شکیبایی مددشان ده، و آنان را در چاره‌جویی، دقت نظر عنایت



لَهُمْ فِي الْمَكْرِ

فرما.

﴿۳﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَرِّفْهُمْ

(۳) خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و آنچه را به آن جاهلند به

ما یجهلون، وَعَلِّمَهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَبَصِّرْهُمْ

آنان بشناسان و آنچه را نمی‌دانند، به آنان بیاموز و آنچه را بینش ندارند،

مَا لَا يُبْصِرُونَ.

نسبت به آن بینشان کن.

﴿۴﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْسِهِمْ

(۴) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و هنگام برخورد

عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذَكِّرْ دُنْيَاهُمْ، الْخِدَاعَةَ

با دشمن، یاد دنیای خدعه‌گر فریب‌کار را از خاطشان ببر،

الْغُرُورِ، وَأَمْحُ عَن قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ

و اندیشه مال فتنه‌انگیز را از صفحه دلشان محو کن و بهشت

الْفِتُونِ، وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ نُصَبَ أَعْيُنِهِمْ،

را برابر چشمشان قرار ده، و آنچه را در بهشت فراهم کرده‌ای؛

وَلَوْحٍ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعَدَدْتَ فِيهَا، مِنْ

از مساکن ابدی و سراهای ارجمند و حوریان زیباروی و نهرهای

مَسَاكِنِ الْخُلْدِ، وَمَنَازِلِ الْكِرَامَةِ، وَالْحُورِ

روان شده، با آشامیدنی‌های رنگارنگ،



الْحِسَانِ، وَالْأَنْهَارِ الْمُطَّرَّدَةِ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرِبَةِ،
 و درختانی با شاخ و برگ آویخته، همراه با میوه‌های گوناگون،
 وَالْأَشْجَارِ الْمُتَدَلِّيَةِ بِصُنُوفِ الشَّمْرِ، حَتَّى
 در برابر دیدگان‌شان بنمایان، تا هیچ کدام از آنان آهنگ
 لَا يَهُمُّ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِدْبَارِ، وَلَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ
 پشت کردن به دشمن نکند، و فکر گریز از هم‌اورد را به

عَنْ قَرْنِهِ بِفِرَارِ

خاطرش نگذراند.

﴿۵﴾ اللَّهُمَّ افْلُلْ بِذَلِكَ عَدُوَّهُمْ، وَاقْلِمْ عَنْهُمْ

(۵) خدایا! به سبب آن امور، دشمنان‌شان را در هم شکن، و دست قدرت آن

أَظْفَارِهِمْ، وَفَرِّقْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَسْلِحَتِهِمْ، وَاخْلَعْ

نابکاران را از ایشان جدا ساز، و بین دشمن و جنگ افزارشان فاصله انداز،

وَتَأْتِقْ أَفْئِدَتِهِمْ، وَبَاعِدْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَزْوِدَتِهِمْ،

و بندهای دلشان را از جا بر کن، و میان آنان و آذوقه‌هاشان دوری انداز،

وَ حَيِّرْهُمْ فِي سُؤْلِهِمْ، وَ ضَلِّلْهُمْ عَنْ وَجْهِهِمْ،

و در فنون جنگی‌شان سرگردان‌شان ساز، و از مقصدشان گمراه‌شان کن، و

وَ اقْطَعْ عَنْهُمْ الْمَدَدَ، وَ انْقُصْ مِنْهُمْ الْعَدَدَ،

کمک را از آنان قطع فرما، و از تعدادشان بکاه، و دلشان را از بیم و ترس پر

وَ امْلَأْ أَفْئِدَتَهُمُ الرُّعْبَ، وَ اقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنِ

کن. و قدرتشان را از فعالیت علیه مرزداران باز دار، و زبان‌شان را از سخن



الْبَسِطِ، وَاخْزِمِ أَسِنَّتَهُمْ عَنِ النَّطْقِ، وَشَرِّدْ

علیه آنان ببرد، و با شکست خوردنشان، گروه پشت سرشان را پراکنده ساز،

بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ، وَنَكِّلْ بِهِمْ مَنْ وَرَاءَهُمْ، وَاقْطَعْ

و شکست آنان را مایه عبرت دیگران ساز، و با خواری و زبونی آنان، آرزوهای

بِخَزِيهِمْ أَطْمَاعَ مَنْ بَعْدَهُمْ.

کسانی را که پس از آنهایند قطع کن.

﴿٦﴾ اللَّهُمَّ عَقِّمِ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ، وَيَبِّسِ أَصْلَابَ

(٦) خدایا! زنانشان را عقیم ساز، و صلب مردانشان را خشک

رِجَالِهِمْ، وَاقْطَعْ نَسْلَ دَوَابِّهِمْ وَأَنْعَامِهِمْ،

کن، و نسل چهارپایان و گاو و گوسفندشان را قطع فرما، به

لَا تَأْذَنْ لِسَمَاوَتِهِمْ فِي قَطْرِ، وَلَا لِأَرْضِهِمْ فِي نَبَاتٍ.

آسمانشان اجازه باریدن، و به زمینشان رخصت رویدن مده.

﴿٧﴾ اللَّهُمَّ وَقُوبِذْ لِكَ مِحَالِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ،

(٧) خدایا! به این امور تدبیر مسلمانان را نیرو بخش، و شهرهایشان را

وَخَصِّنْ بِهِ دِيَارَهُمْ، وَثَمِّرْ بِهِ أَمْوَالَهُمْ، وَفَرِّغْهُمْ

استوار ساز، و اموالشان را فزونی ده، و خاطرشان را از جنگ با

عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِكَ، وَعَنْ مُنَابَذَتِهِمْ لِلْخَلْوَةِ

دشمن برای بندگیت، و از کارزار با آنان برای خلوت کردن جهت

بِكَ، حَتَّى لَا يُعْبَدَ فِي بَقَاعِ الْأَرْضِ غَيْرُكَ،

راز و نیاز خودت آسوده کن؛ تا در سراسر زمین جز تو پرستش نشود،



وَلَا تَعْفَرُ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ جَبْهَةً دُونَكَ.

و صورتی از آنان جز برای تو به خاک نساید.

(۸) اللَّهُمَّ اغْزِبِ كُلَّ نَاحِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ،

(۸) خدايا! هر ناحیه از مسلمانان را، به جنگ با مشرکانی که در

عَلَى مَنْ بَازَائِهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، وَآمِدْهُمْ

برابرشان هستند بدار، و آنان را از جانب خود به فرشتگانی که پیایی

بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ، حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ

درآیند مدد فرما، تا دشمنان را به دورترین نقطه آباد زمین فراری دهند، و

إِلَى مُنْقَطِعِ التُّرَابِ، قَتَلًا فِي أَرْضِكَ وَأَسْرًا،

با کشتن و اسارتشان، زمینت را از لوٹ وجود آنان خالی کرده و پاک نمایند،

أَوْ يُقَرِّوْا بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ، الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

یا این که اقرار کنند به این که تو خدایی و غیر تو خدایی نیست، تنهایی

وَحَدَّكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ.

و همتا نداری.

(۹) اللَّهُمَّ وَاعْمَمِ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ

(۹) خدايا! این سرنوشت را بر همه دشمنانت عمومیت

الْبِلَادِ، مِنَ الْهِنْدِ وَالرُّومِ وَالتُّرْكِ، وَالْخَزَرِ

بده؛ در اطراف همه کشورها، از هند و روم، و ترک، و خزر،

وَ الْحَبَشِ، وَ النَّوْبَةِ وَ الرَّجَجِ، وَ السَّقَالِبَةِ

و حبشه، و نوبه، و زنگبار، و سقالبه، و دیالمه



وَالَّذِيالْمَةِ، وَسَائِرِ أُمَّمِ الشِّرْكِ، الَّذِينَ تَخْفَى
و دیگر طوایف مشرکین، آنان که نام و نشان و اوصافشان
أَسْمَاؤُهُمْ وَصِفَاتُهُمْ، وَقَدْ أَحْصَيْتَهُمْ
بر ما پنهان است، و تو به دانش خود آنان را شماره کرده‌ای،
بِمَعْرِفَتِكَ، وَأَشْرَفْتَ عَلَيْهِمْ بِقُدْرَتِكَ.
و به قدرتت به آنان آگاهی.

﴿۱۰﴾ اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ،
(۱۰) خدایا! مشرکان را از دستیابی به
عَنْ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ الْمُسْلِمِينَ، وَخُذْهُمْ
سرزمین مسلمانان به دیگر مشرکان گرفتار ساز، و آنان را با کاستن عددشان،
بِالنَّقْصِ عَنِ تَنْقِصِهِمْ، وَتَبَطِّطْهُمْ بِالْفُرْقَةِ عَنِ
از کاستن مسلمانان جلوگیری باش، و با پراکنده کردن آنان، از گرد آمدنشان
الِإِحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ.
علیه مسلمانان بازدار.

﴿۱۱﴾ اللَّهُمَّ أَخْلِ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمْنَةِ، وَأَبْدَانَهُمْ
(۱۱) خدایا! دل‌هاشان را از آرامش تهی ساز، و بدن‌هاشان را
مِنَ الْقُوَّةِ، وَأَذْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الْإِحْتِيَالِ،
از توانایی بی‌بهره کن، و قلوبشان را از چاره جویی غافل ساز،
وَ أَوْهِنِ أَرْكَانَهُمْ عَنِ مُنَازَلَةِ الرِّجَالِ،
و اندامشان را از ایستادن در برابر رجال اسلام سست کن.



وَ جَبَبْتُهُمْ عَنِ مُقَارَعَةِ الْأَبْطَالِ ، وَ ابْعَثْ

آنان را از کوبیدن دلبران بترسان، و سپاهی از فرشتگان با عذابی از

عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ بِيَأْسٍ مِنْ

عذاب‌هایت را علیه آنان برانگیز؛ مانند کاری که روز جنگ بدر انجام دادی،

بَأْسِكَ ، كَفَعْلِكَ يَوْمَ بَدْرٍ ، تَقَطَّعُ بِهِ دَابِرَهُمْ ،

(اشاره به آیه ۱۲۳ سوره آل عمران است) تا به این سبب بنیانشان را قطع

وَ تَحْصُدُ بِهِ شُوكَتَهُمْ ، وَ تَفَرِّقُ بِهِ عَدَدَهُمْ .

کنی، و شوکتشان را ریشه کن سازی، و جمعیتشان را پراکنده کنی.

(۱۲) اللَّهُمَّ وَ امْزُجْ مِيَاهَهُم بِالْوَبَاءِ ،

(۱۲) خدایا! آب‌های آنان را به وبا، (از معجزات ایشان است، که قرن‌ها قبل

وَ اطْعِمْتَهُمْ بِالْأَدْوَاءِ ، وَ ارْمِ بِلَادَهُم بِالْخُسُوفِ ،

از پاستور به وجود میکرب اشاره فرموده است) و خوراکشان را به بیماری‌ها

وَ اَلْحِجَّ عَلَيْهَا بِالْقَذْوِ ، وَ اَفْرَعِهَا بِالْمُحُولِ ،

مخلوط کن، و شهرهاشان را به زمین فروبر، و پیوسته بر آن شهرها سنگ و

وَ اجْعَلْ مِيَرَهُمْ فِي أَحْصِ أَرْضِكَ وَ أَبْعِدْهَا

ریگ بباران، و به قحطی و خشک سالی بکوبان، و آذوقه آنان را در خالی‌ترین

عَنْهُمْ ، وَ اَمْنَعْ حُصُونَهُمْ مِنْهُمْ ، أَصِيبُهُم بِالْجُوعِ

و دورترین زمین قرار ده، و دژهای آن زمین را از حفاظت آنان منع کن، و

الْمُقِيمِ ، وَ السَّقْمِ الْأَلِيمِ .

آنها را به گرسنگی دائم، و بیماری دردناک دچار ساز.



(۱۳) اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا غَازَ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ،

(۱۳) خدایا! هر رزمنده‌ای از اهل آیینت،

أَوْ مُجَاهِدٍ جَاهَدَهُمْ مِنْ أَتْبَاعِ سُنَّتِكَ، لِيَكُونَ

یا مجاهدی از پیروان سنتت با آنان جنگ کند،

دِينِكَ الْأَعْلَى، وَ حِزْبِكَ الْأَقْوَى، وَ حَظُّكَ

تا دینت برتر، و حزب و گروهت نیرومندتر، و نصیب دوستان کامل‌تر باشد،

الْأَوْفَى، فَلَقِيهِ الْيُسْرَ، وَ هَيَّئْ لَهُ الْأَمْرَ، وَ تَوَلَّهُ

او را آسانی پیش آور، و کار را برایش مهیا ساز، و پیرویش را

بِالتُّجِّحِ، وَ تَخَيَّرْ لَهُ الْأَصْحَابَ، وَ اسْتَقْوَلَهُ

عهده‌دار باش، و برای او یاران و همنشینان برگزین، و پشتش را

الظُّهْرَ، وَ أَسْبِغْ عَلَيْهِ فِي النَّفَقَةِ، وَ مَتِّعَهُ

قوی کن، و درآمدش را کامل فرما، و او را به نشاط و خرمنی

بِالنَّشَاطِ، وَ أَطْفِ عَنهُ حَرَارَةَ الشُّوقِ، وَ أَجِرْهُ

بهرمند ساز، و آتش شوق به دنیا و مال و منال را از او فرو نشان،

مِنْ غَمِّ الْوَحْشَةِ، وَ أَنْسِهْ ذِكْرَ الْأَهْلِ وَ الْوَالِدِ،

و از اندوه تنهایی پناه ده، و یاد زن و فرزند را از خاطرش بزدا،

(۱۴) وَ أَثْرَلَهُ حُسْنَ التِّيَّةِ، وَ تَوَلَّهُ بِالْعَافِيَةِ،

(۱۴) و حسن نیت را برایش انتخاب کن، (مسئله نیت، به طور مفصل در دعای بیستم

وَ أَصْحَبَهُ السَّلَامَةَ، وَ أَعْفِهِ مِنَ الْجَبَنِ، وَ أَلْهِمَّهُ

گذشت) و عافیتش را عهده‌دار شو، (توضیح و تفسیر عافیت، در دعای بیست و سوم



الْجُرَّاءَ، وَارْزُقَهُ الشَّدَّةَ، وَآيِدُهُ بِالنُّصْرَةِ،

گذشت) و سلامت را همراهش فرما، و از ترسیدن، نگاهش دار، و جرأت را به او الهام

وَ عِلْمَهُ السَّيْرِ وَالسَّنَنِ، وَ سَدِّدَهُ فِي الْحُكْمِ،

کن، و نیرومندی را روزیش فرما، و او را به پیروزی یاری ده، و راهها و روشهای اسلامی

وَ اعْزِلْ عَنْهُ الرِّيَاءَ، وَ خَلِّصْهُ مِنَ السُّمْعَةِ،

را به او بیاموز، و راه شایسته را در داوری کردن به او بنما، و ریا را از او برطرف کن،

وَ اجْعَلْ فِكْرَهُ وَ ذِكْرَهُ وَ طَعْنَهُ وَ اِقَامَتَهُ

و از شهرت و خودنمایی رهاییش فرما، و اندیشه و ذکر و مسافرت و اقامتش را در راه

فِيكَ وَ لَكَ؛ ﴿١٥﴾ فَإِذَا صَافَّ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُ

خشنودی خود و برای خود قرار ده. (۱۵) پس هر گاه با دشمنان تو و دشمنان خودش

فَقَلِّ لَّهُمْ فِي عَيْنِهِ، وَ صَغِّرْ شَأْنَهُمْ فِي قَلْبِهِ،

روبه رو شود، عددشان را در نظرش اندک نما، و مقامشان را در دل او کوچک ساز، و

وَ ادِلْ لَهُ مِنْهُمْ، وَ لَا تَدِلَّهُمْ مِنْهُ، فَإِنْ خَمَّتَ لَهُ

او را بر آنان پیروزی ده، و دشمنان را بر او پیروز مکن، و اگر زندگی او را به نیک بختی

بِالسَّعَادَةِ، وَ قَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ، فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَا حَ

پایان دادی، و شهادت را برایش مقدر فرمودی، بعد از آن باشد که دشمنت را با کشتن

عَدُوَّكَ بِالْقَتْلِ، وَ بَعْدَ أَنْ يَجْهَدَ بِهِمُ الْآسْرُ،

ریشه کن سازد، و پس از آن باشد، که اسارت به دست مسلمانان، آن نابکاران را به زنج و

وَ بَعْدَ أَنْ تَأْمَنَ أَطْرَافُ الْمُسْلِمِينَ، وَ بَعْدَ أَنْ

زحمت افکند، و به دنبال آن باشد که اطراف و جوانب سرزمینهای مسلمین ایمنی یابد،



يُوكَلِ عَدُوَّكَ مُدْبِرِينَ.

و پس از آن باشد که دشمنانت به میدان جنگ پشت کرده، و شکست خورده بازگردند.

﴿۱۶﴾ اللَّهُمَّ وَإِيَّا مُسْلِمٍ خَلْفَ غَازِيَا أَوْ مُرَابِطًا

(۱۶) خدایا! هر مسلمانی که عهده‌دار امور خانه رزمنده یا مرزداری شود، یا در

فی دَارِهِ، أَوْ تَعَهَّدَ خَالِفِيهِ فِي غَيْبَتِهِ، أَوْ أَعَانَهُ

نبود او به کفالت و سرپرستی خانواده‌اش اقدام کند، یا به قسمتی از مالش او را

بِطَائِفَةٍ مِنْ مَالِهِ، أَوْ أَمَدَّهُ بِعِتَادٍ، أَوْ شَحَذَهُ عَلَى

یاری دهد، یا او را به ساز و برگ جنگ مدد رساند، یا همت او را برای رفتن به

جِهَادٍ، أَوْ اتَّبَعَهُ فِي وَجْهِهِ دَعْوَةً، أَوْ رَعَى لَهُ

جهاد تند و تیز گرداند، یا وی را در برابرش به دعای خیر همراهی کند، یا پشت

مِنْ وَرَائِهِ حُرْمَةً، فَأَجْرَ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَزَنًا

سرش آبروی او را حفظ نماید، به او نیز اجر همان رزمنده و مرزدار را، وزن

بِوزْنٍ، وَمِثْلًا بِمِثْلِ، وَعَوَّضَهُ مِنْ فِعْلِهِ عَوَضًا

به وزن و مثل به مثل عنایت فرما، و عمل او را پاداشی نقد عطا کن، که

حَاضِرًا، يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ، وَسُرُورًا مَاتِي

بدون درنگ، سود کاری که پیشاپیش فرستاد، و شادی عملی که به جا آورد،

بِهِ، إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أَجْرِيَتْ لَهُ مِنْ

در همین دنیا به دست آورد، تا عمرش به پایان رسد، و به آن پاداشی برسد

فَضْلِكَ، وَأَعَدَدَتْ لَهُ مِنْ كِرَامَتِكَ.

که از احسانت بر او روا داشته‌ای، و از کرامتت برای او مهیا ساخته‌ای.



(۱۷) اللَّهُمَّ وَآيْمَانُ مُسْلِمٍ أَاهَمَّهُ وَأَمْرُ الْإِسْلَامِ،

(۱۷) خدایا! هر مسلمانی که کار اسلام او را نگران کند،

وَاحْزَنَهُ وَتَحَزَّبُ أَهْلَ الشِّرْكِ عَلَيْهِمْ، فَنَوَى

و گرد آمدن مشرکین علیه مسلمین او را به اندوه نشیند، پس قصد جنگ، یا

غَزْوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ، فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ، أَوْ أَبْطَأَتْ

آهنگ جهاد کند، ولی ناتوانی و سستی او را بنشانند، و تنگدستی و حاجت

بِهِ، فَاقَّةٌ، أَوْ آخَرُهُ عَنْهُ حَادِثٌ، أَوْ عَرَضَ لَهُ

او را وادار به کندی و درنگ کند، یا پیش آمدی او را از رفتن به تأخیر

دُونَ إِرَادَتِهِ مَانِعٌ، فَاصْبِرْ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ،

اندازد، یا مانعی در برابر اراده‌اش قد علم کند، نامش را در زمره عبادت

وَ أَوْجِبْ لَهُ ثَوَابَ الْمُجَاهِدِينَ، وَ اجْعَلْهُ فِي

کنندگان ثبت فرما، و ثواب مجاهدان را بر او واجب کن، و وی را در سلك

نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ.

شهیدان و شایستگان قرار ده.

(۱۸) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ

(۱۸) خدایا! بر محمد بنده و رسولت، و آل محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً عَالِيَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ،

درود فرست؛ درودی برتر از درودها،

مُشْرِفَةً فَوْقَ التَّحِيَّاتِ، صَلَاةً لَا يَنْتَهَى

و از نظر رفعت و مرتبه، بالای همه درودها، که مدتش به پایان نرسد،



أَمْدُهَا، وَلَا يَنْقَطِعُ عَدْدُهَا، كَأَنَّ مَا مَضَى مِنْ

و شماره‌اش قطع نشود؛ درودی کامل‌تر از درودهایی که گذشت،

صَلَوَاتِكَ، عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ؛ إِنَّكَ الْمَنَّانُ

از درودهایی که بر یکی از دوستانت فرستادی. تو عطا بخش

الْحَمِيدُ، الْمُبْدِيُّ الْمُعِيدُ، الْفَعَّالُ الْمَاتِرِيدُ.

ستوده‌ای، آغاز کننده و بازگرداننده‌ای، هر چه را بخواهی انجام می‌دهی.



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُتَفَرِّعًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

دعای امام سجاد علیه السلام به وقت پناه بردن به خدای عزوجل

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِانْقِطَاعِي إِلَيْكَ،

(۱) خدایا! بر بریدنم از غیر و پیوستنم به تو، خود را خالص و پاک کردم،

وَأَقْبَلْتُ بِكُلِّي عَلَيْكَ، وَصَرَفْتُ وَجْهِي

و با تمام وجودم به حضرتت روی آوردم، و از کسی که نیازمند

عَمَّنْ يَحْتَاجُ إِلَى رِفْدِكَ، وَقَلْبْتُ مَسْأَلَتِي عَمَّنْ

عطای توسست قطع امید کردم، و درخواستم را از آن که از احسان

لَمْ يَسْتَغْنِ عَن فَضْلِكَ، وَرَأَيْتُ أَنْ تَلَبَّ

تو بی نیاز نیست برگرداندم، و دیدم که حاجت

الْمُحْتَاجِ إِلَى الْمُحْتَاجِ سَفَهُ مِنْ رَأْيِهِ، وَضَلَّةٌ

خواستن نیازمند از نیازمند، محصول سبکی رأی و گمراهی

مِنْ عَقْلِهِ؛ ﴿۲﴾ فَكَمَّ قَدْ رَأَيْتُ - يَا إِلَهِي -

عقل اوست. (۲) ای خدای من! من چه بسیار انسانها دیدم که با تکیه

مِنْ أَنَا سِ طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَيْرِكَ فَذَلُّوا، وَرَأَمُوا

به غیر تو، عزت خواستند، ولی خوار شدند، و از غیر تو درخواست ثروت

الشَّرْوَةَ مِنْ سِوَاكَ فَافْتَقَرُوا، وَ حَاوَلُوا

کردند، اما به تهی دستی نشستند، و آهنگ بلندی کردند، ولی پست شدند؛



الِارْتِفَاعِ فَاتَّضَعُوا، فَصَحَّ بِمُعَايِنَةِ أَمْثَالِهِمْ حَازِمٌ

پس دور اندیشی دوراندیش با دیدن امثال این سبک مغزان، که بنا گذاشت

وَفَقَّهُ اعْتِبَارُهُ، وَ أَرْشَدَهُ إِلَى طَرِيقِ صَوَابِهِ

به غیر تو تکیه نکند صحیح است، و عبرت آموزی از اینان، او را موفق

اخْتِيَارُهُ؛ (۳) فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ - دُونَ كُلِّ

کرد و انتخاب درستش، او را به راه راست رهنمون شد. (۳) پس ای مولای

مَسْئُولٍ مَوْضِعُ مَسْأَلَتِي، وَ دُونَ كُلِّ مَطْلُوبٍ

من! تو جایگاه درخواست منی نه غیر تو، و تو روا کننده حاجت منی

إِلَيْهِ وَلِيٌّ حَاجَتِي؛ (۴) أَنْتَ الْمَخْضُوعُ

نه غیر تو، (۴) و تو پیش از هر موجودی که بخواندش،

قَبْلَ كُلِّ مَدْعُوبٍ دَعَوْتِي، لَا يَشْرِكُكَ أَحَدٌ فِي

مخصوص به خواندن منی، هیچ کس در امید من با تو شریک

رَجَائِي، وَ لَا يَتَّفِقُ أَحَدٌ مَعَكَ فِي دُعَائِي،

نمی‌شود، و احدی در دعای من با تو، هم پیمان نمی‌گردد،

وَ لَا يَنْظِمُهُ وَ إِيَّاكَ نِدَائِي.

و ندای من کسی را با تو به یک سلك در نمی‌آورد.

(۵) لَكَ - يَا إِلَهِي - وَ حِدَانِيَّةُ الْعَدَدِ، وَ مَلَكَتُهُ

(۵) ای خدای من! وحدانیت و یگانگی و قائم بودن به

الْقُدْرَةَ الصَّمَدِ، وَ فَضِيلَةَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ،

قدرت و بی‌نیازی، و برتری حول و قوت،



وَدَرَجَةِ الْعُلُوِّ وَالرَّفْعَةِ، وَمَنْ سِوَاكَ مَرْحُومٌ

و پایه والایی و رفعت مخصوص توست، و هر چه غیر توست، در تمام عمرش

فِي عُمُرِهِ، مَغْلُوبٌ عَلَى أَمْرِهِ، مَقْهُورٌ عَلَى

به او رحم شده، و در زندگیش مغلوب قدرتی گشته، و در کارش

شَأْنِهِ، مُخْتَلِفُ الْحَالَاتِ، مُتَنَقِّلٌ فِي الصِّفَاتِ؛

شکست خورده، و در صفات و خصوصیات جا به جا شد؛

فَتَعَالَيْتَ عَنِ الْأَشْبَاهِ وَالْأَضْدَادِ، وَتَكَبَّرْتَ

تو بالاتر از آنی که شبیه‌ها و همانندها برای تو باشد، و بزرگتر از آنی که

عَنِ الْأَمْثَالِ وَالْأَنْدَادِ، فَسُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا

همسان‌ها و همتاها برایت قرار دهند؛ پس پاک و منزهی و معبودی

أَنْتَ.

جز تو نیست.



﴿ ۲۹ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ إِذَا قُتِرَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ

دعای امام سجاد علیه السلام به وقتی که روزی بر او تنگ می‌شد

﴿ ۱ ﴾ اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِي أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ

(۱) خدایا! ما را در رزق و روزیمان، به یقین نداشتن، و در مدّت زندگی‌مان

الظَّنِّ، وَفِي آجَالِنَا بِطُولِ الْأَمَلِ، حَتَّى التَّمَسْنَا

به درازی آرزو آزمودی تا جایی که روزی‌های تو را، از روزی خوران

أَرْزَاقَكَ مِنْ عِنْدِ الْمَرْزُوقِينَ، وَطَمِعْنَا بِأَمَالِنَا

خواستیم، و به آرزومان نسبت به عمر طولانی، در عمر سال خوردگان طمع

فِي أَعْمَارِ الْمُعَمَّرِينَ؛ ﴿ ۲ ﴾ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ

بستیم؛ (۲) پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و ما را یقینی

وَالِه، وَهَبْ لَنَا يَقِينًا صَادِقًا، تَكْفِينَا بِهِ مِنْ

صادقانه بخش که به سبب آن از مشقت طلب روزی بی‌نیازمان

مَوْوِنَةَ الطَّلَبِ، وَالْهِمْنَانِثَقَةَ خَالِصَةً، تُعْفِينَا بِهَا

کنی، و اطمینانی خالص به ما الهام کن، تا به خاطر آن از شدت رنج

مِنْ شِدَّةِ النَّصَبِ، ﴿ ۳ ﴾ وَاجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ

و تعب نگاهمان داری. (۳) و چنان کن که آنچه در قرآنت به صراحت

مِنْ عِدَّتِكَ فِي وَحْيِكَ، وَآتَبَعْتَهُ مِنْ قَسَمِكَ

و عده داده‌ای، و از پی آن وعده در کتابت سوگند



فِي كِتَابِكَ، قَاطِعًا لِأَهْتِمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِي

یاد کرده‌ای، ما را از دویدن دنبال آن رزقی که رساندنش را به ما

تَكَفَّلْتَ بِهِ، وَحَسَمًا لِلاِسْتِغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ

متکفل شده‌ای باز دارد، و مانع پریشانی خاطر ما نسبت به آنچه ضامن

الْكِفَايَةِ لَهُ، ﴿٤﴾ فَقُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ الْأَصْدَقُ،

کفایتش شده‌ای، شود. (۴) پس چنین گفته‌ای و گفته‌تو حق و راست‌ترین گفته‌هاست،

وَ أَقْسَمْتَ وَ قَسَمْتَ الْأَبْرُّ الْأَوْفَى : « وَ فِي

و سوگند خورده‌ای، و سوگندت راست‌ترین و رساترین سوگند است: «و روزی

السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تَوَعَّدُونَ» ، ثُمَّ قُلْتَ :

شما و آنچه به شما وعده داده شده، در آسمان است.» سپس گفتی: «پس

«فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ ، إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا

به پروردگار آسمان و زمین سوگند، موجود بودن روزی، و آنچه به آن وعده

أَنْكُمْ تَنْطِقُونَ» .

داده شده‌اید حق است، مانند آن که شما سخن می‌گویید.»



﴿ ۳۰ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَعُونَةِ عَلَى قَضَاءِ الدِّينِ

دعای امام سجاد علیه السلام در یاری خواستن از خدا برای پرداخت وام

﴿ ۱ ﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي

(۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا از وامی که به

العَافِيَةَ مِنْ دِينٍ تُخَلِّقُ بِهِ وَجْهِي، وَيَحَارُ فِيهِ

خاطر آن آبرویم را بریزی نجات بخش؛ وامی که ذهنم را پریشان

ذِهْنِي، وَيَتَشَعَّبُ لَهُ فِكْرِي، وَيَطْوُلُ بِمُمَارَسَتِهِ

می‌کند، و فکرم را پراکنده می‌سازد، و کارم را در چاره کردن آن طولانی

شُغْلِي؛ ﴿ ۲ ﴾ وَأَعُوذُ بِكَ - يَا رَبِّ - مِنْ هَمِّ الدِّينِ

می‌کند. (۲) ای پروردگرم! از اندوه وام و فکرش، و از دل مشغولی

وَفِكْرِهِ، وَشُغْلِ الدِّينِ وَسَهْرِهِ؛ فَصَلِّ عَلَيَّ

به آن، و بی‌خواهیش به تو پناه می‌برم؛ پس بر محمد و آلش درود

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِزَّنِي مِنْهُ؛ وَأَسْتَجِيرُ بِكَ - يَا

فرست، و مرا از آن پناه ده. ای پروردگرم! از خواری وام در این زندگی

رَبِّ - مِنْ ذَلَّتْ فِي الْحَيَاةِ، وَمِنْ تَبِعَتْهُ بَعْدَ الْوَفَاةِ؛

دنیا، و از گرفتاریش، پس از مرگ به تو پناه می‌جویم؛ پس بر محمد

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجِرْنِي مِنْهُ بُوْسَعٍ

و آلش درود فرست، و مرا از سختی وام به ثروت سرشار، و رزق کافی که



فاضل، أو كفافٍ واصلٍ.

از من قطع نشود، پناه ده.

﴿۳﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْجُبْنِي

(۳) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست،

عَنِ السَّرْفِ وَالْإِزْدِيَادِ، وَقَوْمِنِي بِالْبَدَلِ

و مرا از اسراف و زیاده خواهی بازدار،

وَ الْإِقْتِصَادِ، وَ عَلِّمْنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ،

و به بخشیدن و میانه روی مستقیم ساز، و نیکو اندازه نگاه داشتن را

وَ اقْبِضْنِي بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبْذِيرِ، وَ اجْرِمْنِي

به من بیاموز، و مرا به لطف خود از ولخرجی حفظ کن، و روزیم

أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِي، وَ وَجِّهْ فِي أَبْوَابِ الرِّزْقِ

را از وسایل حلال جاری فرما، و خرج کردنم را در راههای خیر

إِنْفَاقِي، وَ ازْوِعْنِي مِنَ الْمَالِ مَا يُحْدِثُ لِي مَحِيلَةً،

و نیکی جهت ده، و ثروتی که برای من خودبینی ایجاد کند، یا به

أَوْ تَادِيًّا إِلَى الْبَغْيِ، أَوْ مَا اتَّعَقَّبُ مِنْهُ طُغْيَانًا.

ستمگری کشاند، یا به دنبال آن دچار طغیان و سرکشی شوم از من بگری.

﴿۴﴾ اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ، وَ اعِنِّي

(۴) خدایا! همنشینی با تهی دستان را محبوب من قرار ده، و مرا در

عَلَى صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ الصَّبْرِ، وَ مَا زَوَيْتَ عَنِّي

همنشینی با آنان به صبر نیکو یاری ده، و آنچه از من متاع



مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَةِ، فَادْخَرُهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ

دنیاي نابود شدنی که از من گرفتی، آن را در خزانه‌های پایدارت برایم

الْبَاقِيَةِ، وَاجْعَلْ مَا حَوَّلْتَنِي مِنْ حُطَامِهَا،

ذخیره کن، و آنچه از توشه ناچیز دنیا به من دادی، و از کالای بی‌ارزشش

وَعَجَّلتَ لِي مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَةً إِلَى جِوَارِكَ،

برای من پیش انداختی، وسیله رسیدن به جوارت،

و وُصَلَةً إِلَى قُرْبِكَ، وَذَرِيعَةً إِلَى جَنَّتِكَ؛ إِنَّكَ

و پیوستن به مقام قرب حضرتت، و سببی به سوی بهشت قرار ده؛ همانا تو

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ.

دارنده احسان عظیمی، و تو بخشنده کریمی.



— ﴿ ۳۱ ﴾ —

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ التَّوْبَةِ وَطَلَبِهَا

دعای امام سجاد علیه السلام در ذکر توبه و درخواست توفیق آن از پروردگار

﴿ ۱ ﴾ اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ نَعْتُ الْوَاصِفِينَ، وَيَا

(۱) خدایا! ای آن که توصیف وصف کنندگان او را نمی‌ستاید،

مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ رَجَاءُ الرَّاجِينَ، وَيَا مَنْ لَا يَضِيعُ

و ای آن که امید امیدواران از او نمی‌گذرد،

لَدَيْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى خَوْفِ

که پاداش نیکوکاران نزد او ضایع نمی‌شود، و ای آن که حضرت او

الْعَابِدِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ؛

نهایت ترس عابدان، و هدف بیم پرهیزکاران است.

﴿ ۲ ﴾ هَذَا مَقَامٌ مَن تَدَاوَلَتْهُ أَيْدِي الذُّنُوبِ، وَقَادَتْهُ

(۲) این جایگاه کسی است که دست‌های گناهان، او را دست گردان کرده‌اند،

أَزْمَةُ الْخَطَايَا، وَاسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ،

و مَهارهای خطاها، او را به دنبال خود کشیده‌اند، و شیطان بر او چیره شده و

فَقَصَّرَ عَمَّا أَمَرَتْ بِهِ تَفْرِيطًا، وَتَعَاطَى مَا

از باب ضایع کردن امر نسبت به آنچه امر فرمودی کوتاهی کرده، و به خاطر

نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْرِيرًا، كَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ،

غفلت از عاقبت کار، آنچه را نهی کردی مرتکب شده، مانند کسی که قدرتت



أَوْ كَالْمُنْكَرِ فَضْلَ إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ، حَتَّى إِذَا

را بر وجودش جاهل و فراوانی احسانت را نسبت به خودش منکر است، تا

انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى، وَتَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَابٌ

هنگامی که دیده هدایت برایش باز شده، و ابرهای کوردلی، از صفحه باطنش

الْعَمَى، أَحْصَى مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ، وَفَكَّرَ

برطرف گشته، ستم‌هایی که بر خود کرده، به شمار آورده، و در اموری که

فِيهَا خَالَفَ بِهِ رَبَّهُ، فَرَأَى كَبِيرَ عِصْيَانِهِ

پروردگارش را مخالفت کرده به اندیشه نشسته؛ در نتیجه گناه بزرگش را

كَبِيرًا، وَجَلِيلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا؛ ﴿٣﴾ فَأَقْبَلَ

بزرگ، و عظمت مخالفتش را عظیم دیده. (۳) پس با امید به حضرتت و

نَحْوِكَ مُؤَمَّلًا لَكَ، مُسْتَحْيِيًا مِنْكَ، وَوَجَّهَ

شرمساری از وجود مقدست، به جانب تو روی کرده و از باب اطمینان به تو،

رَغْبَتَهُ إِلَىٰ إِلَيْكَ ثِقَةً بِكَ، فَأَمَّاكَ بِطَمَعِهِ يَقِينًا،

رغبت و شوقش را متوجه پیشگاه تو ساخته، و از روی یقین یا طمعش آهنگ تو

وَ قَصَدَكَ بِخَوْفِهِ إِخْلَاصًا، قَدْ خَلَا طَمَعُهُ مِنْ

کرده، و از باب اخلاص، با توشه ترسش به سوی تو روی آورده، طمعش از هر که به

كُلِّ مَطْمُوعٍ فِيهِ غَيْرُكَ، وَأَفْرَخَ رَوْعَهُ مِنْ كُلِّ

او طمع ورزیده می‌شود تهی شده غیر تو، و ترسش از هر چه از آن ترسیده می‌شود،

مَحْذُورٍ مِنْهُ سِوَاكَ، ﴿٤﴾ فَمَثَلَ بَيْنَ يَدَيْكَ

برطرف شده جز تو، (۴) پس با حال زاری و ذلت پیش رویت ایستاده، و از روی



مُتَضَرِّعًا، وَغَمَّضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِّعًا،

تواضع و فروتنی دیده‌اش را به سوی زمین انداخته، و سرش را در برابر عزتت، ذلیلانه

وَطَاطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَذَلِّلًا، وَأَبْتَكَ مِنْ سِرِّهِ

به زیرافکنده و خاضعانه رازش را که تو از او به آن داناتری، برایت آشکار ساخته،

مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا، وَعَدَدَ مِنْ ذُنُوبِهِ

و خاشعانه گناهانش را که حضرتت به تعدادش آگاه‌تر است برشمرده، و برای

مَا أَنْتَ أَحْصَى لَهَا خُشُوعًا، وَاسْتَعَاثَ بِكَ

نجات از گناهان بزرگی که برای مرتکب شونده‌اش در علم تو، عین هلاکت

مِنْ عَظِيمٍ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ، وَقَبِيحٍ

است، و زشتی اعمالی که در عرصه قضا و قدرت او را رسوا کرده، به فریاد رسی

مَا فَضَحَهُ فِي حُكْمِكَ: مِنْ ذُنُوبٍ أَدْبَرَتْ لَدَائِمَهَا

و طلب یاری برخاسته؛ همان گناهیانی که روزگار لذت‌هایش پشت کرده و از بین رفته،

فَذَهَبَتْ، وَأَقَامَتْ تَبِعَاتِهَا فَلَزِمَتْ، ﴿٥﴾ لَا يُنْكِرُ

و پیامدهای زیان بخشش به جا مانده و گریبان گیر شده. (۵) ای

يَا إِلَهِي - عَدْلَكَ إِنْ عَاقَبْتَهُ، وَلَا يَسْتَعْظِمُ

خدای من! اگر این گنهکار را کیفر دهی، عدالتت را منکر

عَفْوِكَ إِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَرَحْمَتِهِ، لِأَنَّكَ الرَّبُّ

نمی‌شود، و اگر از او گذشت کنی و به او رحمت آوری، گذشتت

الْكَرِيمُ، الَّذِي لَا يَتَعَاطَمُهُ عُفْرَانُ الذَّنْبِ

را در برابر بی‌نهایت بودن بزرگ نمی‌شمارد؛ برای این که تو پروردگار کریمی، پروردگاری



العظیم.

که آمرزش گناه بزرگ، او را بزرگ ننماید.

﴿٦﴾ اللَّهُمَّ فَهَذَا إِذَا قَدْ جِئْتُكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ

(٦) خدایا! اینک منم که در پیشگاهت نسبت به امرت، مطیع و سر به فرمان

فیما أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ، مُتَنَجِّزًا وَعَدَكَ فِيمَا

آمدم، و آن امر این است: ما را دستور دادی دعا کنیم، و من وفای به وعده‌ای

وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَةِ، إِذْ تَقُولُ: «أُدْعُونِي

را که در مورد اجابت دعا داده‌ای خواستارم؛ زیرا فرمودی: «مرا بخوانید تا

أَسْتَجِبَ لَكُمْ».

شما را اجابت کنم.»

﴿٧﴾ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْقَنِي

(٧) خدایا! پس بر محمد و آلش درود فرست و با من با آمرزشت برخورد

بِمَغْفِرَتِكَ، كَمَا لَقَيْتُكَ بِاِقْرَارِي، وَارْفَعْنِي عَنِ

کن؛ چنانکه من با اعتراف به گناه با تو برخورد کردم، و مرا از

مَصَارِعِ الذُّنُوبِ، كَمَا وَضَعْتَ لَكَ نَفْسِي، وَاسْتُرْنِي

لغزش‌گاه‌های گناهان برگزیر؛ چنانکه خود را برای تو پست کردم، و به پرده

بِسِتْرِكَ، كَمَا تَأْتَيْتَنِي عَنِ الْإِنْتِقَامِ مِنِّي.

پوشیت بر من پرده پوشان، چنانکه از به کیفر رساندن من درنگ کردی.

﴿٨﴾ اللَّهُمَّ وَثَبْتَ فِي طَاعَتِكَ نِيَّتِي، وَاحْكِم

(٨) خدایا! نیتم را در طاعتت استوار کن، و بینشم را در بندگیت



فِي عِبَادَتِكَ بَصِيرَتِي ، وَ وَقَفَنِي مِنَ الْأَعْمَالِ
 محکم فرما، و به اعمالی موقفم دار که به سبب آن اعمال،
 لَمَّا تَغَسَّلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَايَا عَنِّي ، وَ تَوَقَّفَنِي عَلَى
 چرکی خطاها را از من بشویی، و هنگامی که می‌خواهی جانم
 مِلَّتِكَ وَ مِلَّةَ نَبِيِّكَ ، مُحَمَّدٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -
 را بگیری، مرا بر آیین خود و آیین پیامبرت محمد - علیه السلام -
 إِذَا تَوَفَّيْتَنِي .

میران.

(۹) اللَّهُمَّ إِنِّي آتَوْتُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا، مِنْ
 (۹) خدایا! در این موقعیتی که هستم، از

كَبَائِرِ ذُنُوبِي وَ صَغَائِرِهَا، وَ بَوَاطِنِ سَيِّئَاتِي
 گناهان بزرگ و کوچکم، و پوشیده

وَ ظَوَاهِرِهَا، وَ سَوَافِرِ زَلَّاتِي وَ حَوَادِثِهَا،
 و آشکارم، و از لغزش‌های گذشته و جدیدم به سبب توبه می‌کنم؛

تَوْبَةٍ مَنْ لَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِيَةٍ، وَلَا يُضْمِرُ
 توبه کسی که با خود از گناه سخن نمی‌گوید، و اندیشه

أَنْ يَعُودَ فِي خَطِيئَةٍ، وَ قَدْ قُلْتَ - يَا إِلَهِي - فِي
 بازگشتن در عرصه خطا را به خاطرش راه نمی‌دهد. ای خدای من! در

مُحْكَمِ كِتَابِكَ: إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ
 کتاب محکم و استوارت فرمودی: «بازگشت و توبه بندگان را می‌پذیری،



وَتَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ، وَتَحِبُّ التَّوَّابِينَ؛ ﴿۱۰﴾

و از گناهان گذشت می‌کنی، و توبه کنندگان را دوست داری.» (۱۰)

فَاقْبَلْ تَوْبَتِي كَمَا وَعَدْتِ، وَاعْفُ عَن سَيِّئَاتِي

پس چنانکه وعده دادی، توبه‌ام را بپذیر و همان گونه که ضمانت کردی از گناهانم

کَمَا ضَمِنْتِ، وَأَوْجِبِ لِي مَحَبَّتَكَ كَمَا شَرَطْتِ؛

گذشت کن، و چنانکه شرط فرمودی محبتت را بر من واجب گردان.

﴿۱۱﴾ وَلَكَ - يَا رَبِّ - شَرْطِي أَنْ لَا أَعُودَ فِي

(۱۱) من هم ای پروردگارم! در برابر این همه عنایات تو تعهد و شرطم این

مَكْرُوهِكَ، وَضَمَانِي أَنْ لَا أَرْجِعَ فِي مَذْمُومِكَ،

است که به آنچه پسند تو نیست برنگردم و ضمانتم این است که به آنچه مورد

وَعَهْدِي أَنْ أَهْجُرَ جَمِيعَ مَعَاصِيكَ.

نکوهش توست بازنگردم، و پیمانم این است که از تمام گناهانت دوری کنم.

﴿۱۲﴾ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ، فَاعْفِرْ لِي مَا

(۱۲) خدایا! به آنچه انجام داده‌ام آگاه‌تری؛ پس آنچه را از من آگاهی

عَلِمْتَ، وَاصْرِفْ نِي بِقُدْرَتِكَ إِلَيَّ مَا أَحْبَبْتَ.

بیاמרز، و مرا به قدرتت به آنچه دوست داری، برگردان.

﴿۱۳﴾ اللَّهُمَّ وَعَلَى تَبِعَاتٍ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ،

(۱۳) خدایا! حق و حقوق قابل مطالبه‌ای از مردم به عهده من است که آنها را

وَتَبِعَاتٍ قَدْ نَسِيتُهُنَّ، وَكُلُّهُنَّ بِعَيْنِكَ الَّتِي

به یاد دارم، و حق و حقوقی است که از یاد برده‌ام و همه آنها در برابر چشم



لَا تَتَّامُ، وَعِلْمِكَ الَّذِي لَا يَنْسَى، فَعَوَّضَ مِنْهَا
توست که به خواب نمی‌رود، و در مقابل دانش توست که فراموش نمی‌کند؛ پس
أَهْلَهَا، وَاحْطَطَ عَنِّي وَزْرَهَا، وَخَفَّفَ عَنِّي
در برابر آن حقوق به صاحبانش عوض ده، و گرانی آنها را از دوش من فرود آر،
ثَقَلَهَا، وَاعْصِمْنِي مِنْ أَنْ أَقَارِفَ مِثْلَهَا.

و سنگینی‌اش را از من بردار، و مرا از این که مرتکب مانند آنها شوم، حفظ کن.

﴿١٤﴾ اللَّهُمَّ وَإِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِي بِالتَّوْبَةِ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ،

(۱۴) خدایا! برای من قدرت وفای به توبه نیست جز به نگهداری تو، و

وَلَا اسْتِمْسَاكَ بِي عَنِ الْخَطَايَا إِلَّا عَن قُوَّتِكَ؛

توان خودداری از خطاها نیست مگر از ناحیه نیرو و توان تو؛ پس مرا به

فَقْوَتِي بِقُوَّةِ كَافِيَةٍ، وَتَوَلَّنِي بِعِصْمَةِ مَانِعَةٍ.

نیروی کفایت کننده نیرومند ساز، و به نگهدارنده‌ای بازدارنده، یاریم ده.

﴿١٥﴾ اللَّهُمَّ أَيُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَيْكَ، وَهُوَ فِي عِلْمِ

(۱۵) خدایا! هر بنده‌ای که به پیشگاهت توبه کند، و در علم

الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَعَائِدٌ فِي ذَنْبِهِ

غیبت معلوم است که شکننده توبه است، و بازگشت کننده به گناه

وَخَطِيئَتِهِ؛ فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ؛

و خطایش. من به تو پناه می‌آورم از این که چنین باشم؛ پس این توبه

فَاجْعَلْ تَوْبَتِي هَذِهِ تَوْبَةً لَا أَحْتَاجُ بَعْدَهَا إِلَى تَوْبَةٍ،

مرا توبه‌ای قرار ده که پس از آن نیازمند به توبه‌ای نباشم؛ توبه‌ای



تَوْبَةً مُّوجِبَةً لِمَحْوِ مَا سَلَفَ، وَالسَّلَامَةَ فِيمَا بَقِيَ.
سبب محو شدن گناهان گذشته، و سلامت از گناه در باقی مانده عمر.

﴿۱۶﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ جَهْلِي،
(۱۶) خدایا! از نادانیم به درگاهت عذر می‌خواهم، و نسبت به

وَاسْتَوْهَبُكَ سَوْءَ فِعْلِي، فَاضْمُنِي إِلَى كَنْفِ
زشتی عملم طلب بخشش می‌کنم؛ پس مرا از باب احسان در پناه
رَحْمَتِكَ تَطَوُّلاً، وَاسْتُرْنِي بِسِتْرِ عَافِيَتِكَ تَفَضُّلاً.
رحمت خود آر، و از راه تفضل به پوشش عافیت مرا بپوشان.

﴿۱۷﴾ اللَّهُمَّ وَإِنِّي آتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ
(۱۷) خدایا! از عملی که با خواسته‌ات مخالفت می‌کند یا مرا از عرصه

إِرَادَتِكَ، أَوْ زَالَ عَن مَحَبَّتِكَ، مِنْ خَطَرَاتِ
محبتت بیرون می‌برد، مانند اندیشه‌های غیر منطقی دلم، و نگاه‌های چشم،

قَلْبِي، وَلَحْظَاتِ عَيْنِي، وَحِكَايَاتِ لِسَانِي، تَوْبَةً
و گفته‌های بی‌جای زبانم، به درگاهت توبه می‌کنم؛ توبه‌ای که هر يك از

تَسَلَّمُ بِهَا كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَى حِيَالِهَا مِنْ تَبِعَاتِكَ،
اندامم به سهم خودش از کیفیت سالم بماند، و از سختگیری‌های دردناکت

وَتَأْمَنُ مِمَّا يَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنَ الْيَمِّ سَطَوَاتِكَ.
که متجاوزان از آن می‌ترسند، در امان قرار گیرد.

﴿۱۸﴾ اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَحَدِّثْ بَيْنَ يَدَيْكَ،
(۱۸) خدایا! تنهاییم را در برابرت، و تبیین دلم را از ترست، و لرزه



وَوَجِيبَ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَاضْطِرَابَ أَرْكَانِي
اندامم را از هیبتت رحم کن. ای پروردگارم! محققاً گناهانم مرا
مِنْ هَيْبَتِكَ، فَقَدْ أَقَامْتَنِي - يَا رَبِّ - ذُنُوبِي مَقَامَ
در آستانت در مقام خواری و رسوایی برپا داشته؛ پس اگر سکوت
الْخِزْيِ بِفِنَائِكَ، فَإِنْ سَكَتُ لَمْ يَنْطِقْ عَنِّي أَحَدٌ،
کنم، کسی از جانب من سخن نمی‌گوید، و اگر از خود شفاعت کنم،
وَإِنْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِأَهْلِ الشَّفَاعَةِ.

شایسته شفاعت نیستم.

﴿۱۹﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَشَفِّعْ فِي
(۱۹) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و کرم و بزرگواریت را نسبت به
خَطَايَايَ كَرِّمَكَ، وَعُدْ عَلَيَّ سَيِّئَاتِي بِعَفْوِكَ،
خطاهایم، شفیع من قرار ده، و با عفو تو بر زشتی‌های من تفضل فرما، و به
وَلَا تَجْزِنِي جَزَائِي مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَابْسُطْ
پاداشی که از کیفیت سزاوار آتم پاداشم مده، و دامان احسانت را بر من بگستران،
عَلَيَّ طَوْلَكَ، وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ، وَافْعَلْ بِي
و مرا به پرده پوشیت بیوشان، و با من رفتار کن؛ رفتار نیرومندی که بنده خواری،
فِعْلَ عَزِيزٍ تَضَرَّعَ إِلَيْهِ عَبْدٌ ذَلِيلٌ فَرَّجَمَهُ،
پیش او به زاری برخاسته، و او بر آن بنده خوار رحمت آورده، یا رفتار توانگری که
أَوْ غَنِيٍّ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقِيرٌ فَنَعَّشَهُ.

تهی دستی نزد او رفته، و او تهی دست را از مال و ثروتش بی‌نیاز کرده.



﴿٢٠﴾ اللَّهُمَّ لَا خَفِيرَ لِي مِنْكَ، فَلْيَخْفِرْ فِي عِزِّكَ،

(۲۰) خدایا! از کیفرت برایم حمایت کننده‌ای نیست؛ پس باید عزت و

وَلَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ، فَلْيَشْفَعْ لِي فَضْلَكَ، وَ قَدْ

تواناییت حمایت کند، و برایم در پیشگاه تو شفیع نیست؛ پس باید احسانت

أَوْجَلْتَنِي خَطَايَايَ فَلَئِيَوْمَ مَنِّي عَفْوُكَ؛ ﴿٢١﴾

شفیع من شود، و گناهانم مرا ترسانده؛ پس باید عفو تو مرا امان دهد. (۲۱)

فَمَا كُلُّ مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلِ مَنِّي بِسُوءِ أَثْرِي،

پس آنچه به زبان آوردم، از باب نادانیم نسبت به کردار زشتم، و از روی

وَلَا نِسْيَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمٍ فَعَلِي، لَكِن لَتَسْمَعَ

فراموشی در مورد عمل بر گذشته‌ام نیست؛ بلکه برای آن است که آسمانت و

سَمَاوُكَ وَمَنْ فِيهَا، وَ أَرْضُكَ وَمَنْ عَلَيْهَا، مَا

هر که در آن است، و زمینت و هر که روی آن است، صدای ندامتی که برای

أَظْهَرْتُ لَكَ مِنَ النَّدَمِ، وَ لَجَأْتُ إِلَيْكَ فِيهِ مِنْ

تو آشکار کردم، و فریاد توبه‌ای که در سایه آن به تو پناه بردم، بشنود

التَّوْبَةِ، ﴿٢٢﴾ فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي

(۲۲) تا مگر برخی از آنان به خاطر رحمتت بر بدی وضعم رحم کند، یا رقت

لِسُوءِ مَوْقِفِي، أَوْ تُدْرِكُهُ الرَّقَّةُ عَلَى لِسُوءِ حَالِي،

بر من به سبب بدی حالم او را دریابد، تا از جانب خود دعایی به من کند،

فَيُنَالَنِي مِنْهُ بِدَعْوَةٍ هِيَ أَسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ دُعَائِي،

که از دعای خود من، نزد تو به اجابت نزدیک‌تر باشد، یا از طرف او شفاعتی



أَوْ شَفَاعَةٍ أَوْ كَدِّ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي، تَكُونُ

به من برسد، که از شفاعت من استوارتر جلوه کند؛ شفاعتی که نجاتم از

بها نجاتی من غَضَبِكَ، وَفَوْزَتِي بِرِضَاكَ.

خشمت، و دستیابیم به خشنودیت به آن باشد.

(۲۳) اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً إِلَيْكَ، فَاِنَّا

(۲۳) خدایا! اگر پشیمانی از گناه، در پیشگاهت توبه است، من از

أَنْدَمُ النَّادِمِينَ، وَإِنْ يَكُنِ التَّرْكُ لِمَعْصِيَتِكَ

همه پشیمانان، پشیمان‌ترم، و اگر ترک گناهانت

إِنَابَةً، فَاِنَّا أَوْلُ الْمُنِيبِينَ، وَإِنْ يَكُنِ الْإِسْتِغْفَارُ

بازگشت است، من اولین بازگشت کننده‌ام، و اگر استغفار،

حِطَّةً لِلذُّنُوبِ، فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ.

ریزنده گناهان است، من از مستغفرینم.

(۲۴) اللَّهُمَّ فَكَمَا أَمَرْتَ بِالتَّوْبَةِ وَضَمِنْتَ

(۲۴) خدایا! چنانکه به توبه کردن فرمان دادی، و پذیرفتنش را

الْقَبُولَ، وَحَثَّتَ عَلَى الدُّعَاءِ وَوَعَدْتَ

ضمانت فرمودی، و به دعا ترغیب کردی و اجابتش را وعده دادی؛

الإِجَابَةَ؛ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْبَلْ

پس بر محمد و آلش درود فرست، و توبه‌ام را بپذیر، و مرا از

تَوْبَتِي، وَلَا تَرْجِعْنِي مَرَجِعَ الْخَبِيَّةِ مِنْ رَحْمَتِكَ؛

درگاهت باز مگردان؛ بازگشت کسی که از رحمتت ناامید است.



إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ، وَالرَّحِيمُ

همانا تو پذیرنده توبه گناهکارانی، و رحم کننده

لِلخَاطِئِينَ الْمُنِيبِينَ.

بر خطاکاران بازگشت کننده‌ای.

(۲۵) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا هَدَيْتَنَا

(۲۵) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست چنانکه ما را به وسیله او راهنمایی کردی،

بِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا اسْتَنْقَذْتَنَا بِهِ،

و بر محمد و آلش درود فرست چنانکه ما را به سبب او، از جهالت و گمراهی

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ

رهانیدی، و بر محمد و آلش درود فرست؛ درودی که در روز

الْقِيَامَةِ، وَيَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ؛ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قیامت و روز نیاز به تو، از ما شفاعت کند. تو بر هر کاری

قَدِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ يُسِيرٌ.

توانایی و خواسته من بر تو آسان است.



﴿ ۳۲ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ

دعای امام سجاد علیه السلام برای خود پس از فراغ از نماز شب

لِنَفْسِهِ، فِي الْإِعْتِرَافِ بِالذَّنْبِ

در اعتراف به گناه



﴿ ۱ ﴾ اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَابِدِ بِالْخُلُودِ،

(۱) خدایا! ای دارای فرمانروایی ابدی و جاوید!

وَ السُّلْطَانِ الْمُمْتَنِعِ بِغَيْرِ جُنُودٍ وَلَا أَعْوَانٍ،

و ای صاحب سلطنتی که بدون سپاهیان و دست یاران، پر قدرت و نیرومند است!

وَ الْعِزِّ الْبَاقِي عَلَى مَرِّ الدُّهُورِ، وَ حَوَالِي الْأَعْوَامِ،

و ای مالک عزت ماندنی و ثابت که با رفتن روزگاران، و سپری شدن سال‌ها، و گذشت

وَ مَوَاضِي الْأَزْمَانِ وَ الْأَيَّامِ؛ ﴿ ۲ ﴾ عَزَّ سُلْطَانُكَ

زمان‌ها و ایام، خلی در آن وارد نمی‌شود؛ بلکه از لاً و ابداً ماندنی و ثابت است، (۲) عظمتت

عَزَّ لِأَحَدٍ لَهُ بِأَوْلِيَّةٍ، وَلَا مُنْتَهَى لَهُ بِأَخْرِيَّةٍ،

عزیز و شکست‌ناپذیر است؛ اول این سلطنت را حد و مرزی، و آخرش را پایان

وَ اسْتَعَلَى مُلْكُكَ عُلُوًّا، سَقَطَتِ الْأَشْيَاءُ

و نهایتی نیست، و فرمانروایت برتر است؛ چنانکه همه اشیا، از دسترسی

دُونَ بُلُوغِ أَمْدِهِ، وَلَا يَبْلُغُ أَدْنَى مَا اسْتَأْثَرَتْ بِهِ

به قلّه بی‌نهایتش فرو مانده‌اند. نهایت وصف و اصفان، به پایین‌ترین مرتبه از

مِنْ ذَلِكَ، أَقْصَى نَعْتِ النَّاعِتِينَ؛ ﴿٣﴾ ضَلَّتْ
 بلندی و رفعتی که به خود اختصاص داده‌ای نمی‌رسد. (۳) اوصاف در مقام وصفت
 فِيكَ الصِّفَاتُ، وَتَفَسَّخَتْ دُونَكَ النُّعُوتُ،
 گمراه و سرگشته، و تعریف‌ها در پیشگاه حضرتت، عاجز و از هم گسسته‌اند، و
 وَحَارَتْ فِي كِبْرِيَاكَ لَطَائِفُ الْأَوْهَامِ.

دقیق‌ترین تصورات در بارگاه کبریاییت سرگردانند.

﴿٤﴾ كَذَلِكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فِي أَوْلِيَّتِكَ، وَعَلَى

(۴) با بیانی که اول دعا تو را ستودم، اکنون باید نتیجه‌گیری کنم که تو در اولییت اولی؛ اولییتی

ذَلِكَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ، وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ

که ازلی است و آن را حد و مرزی نیست، و هم چنین دائم و جاویدی. از نظر عمل بنده‌ای

عَمَلًا، الْجَسِيمُ أَمَلًا، خَرَجْتَ مِنْ يَدِي أَسَابُ

ناتوانم؛ عملم در کمیت اندک، و در کیفیت دارای عیب و نقص و از جهت آرزو، دارای آرزوی

الْوُصُولَاتِ، إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُكَ، وَتَقَطَّعَتْ

بزرگ و فراوانم، وسایل پیوند که عبارت از طاعات و عبادات و کار خیر است، از کفم بیرون

عَنِّي عِصْمُ الْأَمَالِ، إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ

رفته، مگر آنچه را رحمت وصل نموده. رشته‌های امیدم از من گسسته، مگر آنچه از عفو و

عَفْوِكَ؛ ﴿٥﴾ قَلَّ عِنْدِي مَا أَعْتَدُ بِهِ مِنْ

گذشت تو به آن چنگ زده‌ام. (۵) از اطاعت و بندگیت، آنچه را که باید به حساب آورم، در

طَاعَتِكَ، وَكَثُرَ عَلَيَّ مَا أَبُوءُ بِهِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ،

پرونده‌ام اندک است، و از معصیت و نافرمانیت، آنچه را که باید از آن به سوی تو بازگردم،



وَلَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِكَ وَإِنْ أَسَاءَ،
بسیار و فراوان است. گذشت از بنده‌ات، گرچه مرتکب گناه شده باشی، هرگز برای تو دشوار
فَاعْفُ عَنِّي.

و سخت نیست؛ بنابراین از من بگذر.

(۶) اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اَشْرَفَ عَلَيَّ خَفَايَا الْاَعْمَالِ

(۶) خدایا! دانشت بر اعمال پنهان واقف است،

عِلْمُكَ، وَ اِنْ كَشَفْتُ كُلَّ مَسْتُوْرٍ دُونَ خُبْرِكَ،

و هر پوشیده‌ای نزد آگاهیت آشکار است،

وَ لَا تَنْطَوِي عَنْكَ دَقَائِقُ الْاُمُوْر، وَ لَا تَعْزُبُ

و امور دقیقی و لطیف، از نظرت پنهان نیست، و رازهای نهان از تو

عَنْكَ غِيْبَاتُ السَّرَائِرِ، (۷) وَ قَدْ اسْتَحُوْذَ عَلَيَّ

غایب می‌شود. (۷) به یقین دشمنت ابلیس بر من چیره شده، دشمنی که

عَدُوْكَ، الَّذِي اسْتَنْظَرَكَ لِغَوَايَتِي فَاَنْظَرْتَهُ،

برای گمراه کردن من از تو فرصت خواست، و تو بنا بر مصالحی به او فرصت دادی؛

وَ اسْتَمَهَلَكَ اِلَى يَوْمِ الدِّيْنِ لِاَضْلَالِي فَاْمَهَلْتَهُ،

و برای منحرف کردن من، تا روز قیامت از تو مهلت خواست، و تو مهلتش دادی.

فَاَوْقَعَنِي، وَ قَدْ هَرَبْتُ اِلَيْكَ مِنْ صَغَائِرِ ذُنُوْبٍ

این دشمن غدار مرا در عرصه هلاکت انداخت و حال آن که از گناهان کوچک

مُوْبِقَةٍ، وَ كَبَائِرِ اَعْمَالٍ مُّرْدِيَةٍ، حَتَّى اِذَا

نابود کننده، و معصیت‌های بزرگ تباه کننده به سوی تو می‌گریختم. در عین



قَارَفْتُ مَعْصِيَتَكَ ، وَاسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَعْيِي

حال با وسوسه و تشویق او، مرتکب معصیت تو شدم و به بدی کردارم سزاوار

سَخَطْتِكَ؛ ﴿۸﴾ فَتَلَّ عَنِّي عِذَارَ غَدْرِهِ، وَتَلَقَّانِي

خشم تو گشتم. (۸) در چنین وضعیتی ابلیس ملعون، عنان حيله و تزویرش را از من گرداند؛

بِكَلِمَةٍ كُفِّرَهُ، وَتَوَلَّى الْبِرَاءَةَ مِنِّي، وَادْبَرَ مُوَلِّيًّا

چرا که در دام حيله‌اش گرفتار شده بودم، و نیازی به عنان‌گیری من نداشت و با بی‌زاری از من با

عَنِّي، فَاصْحَرَنِي لِغَضَبِكَ فَرِيدًا، وَآخَرَ جَنِي

من رویه رو شد؛ چرا که کارش در حق من انجام گرفته بود، و با برائت جستن از من، به من پشت

إِلَى فِنَاءِ نِقْمَتِكَ طَرِيدًا؛ ﴿۹﴾ لَا شَفِيعٌ يَشْفَعُ

کرد و از من روی گردان شد، و مرا یکه و تنها در صحرای خشمت وارد کرد. (۹) شفيعی نیست

لِي إِلَيْكَ، وَلَا خَفِيرٌ يُؤْمِنُ عَلَيْكَ، وَلَا حِصْنٌ

که از من برای خلاصی‌ام از گناه به درگاهت شفاعت کند، و پناه دهنده‌ای نیست که

يَحْجُبُنِي عَنْكَ، وَلَا مَلَاذَ الْجَا إِلَيْهِ مِنْكَ؛ ﴿۱۰﴾

مرا از تو امان دهد، و دژ استواری نیست که مرا از کيفرت مانع گردد، و پناهگاهی

فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ، وَمَحَلُّ الْمُعْتَرِفِ لَكَ،

نیست که از حضرتت به آن پناه برم. (۱۰) این جایگاه، جایگاه پناه آورنده به تو، و

فَلَا يَضِيقَنَّ عَنِّي فَضْلُكَ، وَلَا يَقْصُرَنَّ دُونِي

این محل، محلّ اعتراف‌کننده به گناه در پیشگاه توست؛ پس باید احسانت از من تنگی

عَفْوِكَ، وَلَا أَكُنْ أَخِيْبَ عِبَادِكَ التَّائِبِينَ،

نکند که شامل‌حالم نشود، و گذشتت از من کوتاه نیاید که مرا فرانگری، و زیان‌کارترین



وَلَا أَقْنَطُ وَفُودِكَ الْأَمِلِينَ، وَاغْفِرْ لِي؛
 بندگان تو و نامیدترین آرزومندانی که به درگاهت آمده‌اند نباشم، مرا بیامرز؛ همانا تو
 إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ.

بهترین آمرزندگان.

﴿۱۱﴾ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنِي فَتَرَكْتُ، وَنَهَيْتَنِي

(۱۱) خدایا! فرمانم دادی و من با فرمانت مخالفت ورزیدم، و از گناه بازماند داشتم، و من مرتکب گناه

فَرَكَبْتُ، وَسَوَّلَ لِي الْخَطَا خَاطِرُ السَّوِّ فَفَرَّطْتُ،

شدم اندیشه بد و نابه‌جا، خطا را در نظرم آراست و من به آلوده شدن خطا کردن نهادم.

وَلَا أَسْتَشْهَدُ عَلَى صِيَامِي نَهَارًا، وَلَا أَسْتَجِيرُ

نمی‌گویم روزی را روزه گرفتم تا آن روز را به نفع خود گواه گیرم، و شبی را به شب زنده‌داری

بَتَهَجُّدِي لَيْلًا، وَلَا تُثْنِي عَلَيَّ بِأَحْيَائِهَا سَنَةً،

بر خاستم تا به آن شب زنده‌داری پناه جویم، و نه عمل مستحبی را انجام داده‌ام، که به خاطر آن سزاوار

﴿۱۲﴾ حَاشَا فُرُوضِكَ الَّتِي مَن ضَيَعَهَا هَلَكَ،

مدح و ثنا شوم. (۱۲) کاری انجام نداده‌ام، جز واجبات که هر کس آنها را ضایع کند،

وَلَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَضْلِ نَافِلَةٍ، مَعَ كَثِيرٍ مَا

هلاک می‌شود، و با شرافت و برتری کار مستحبی، به حضرتت متوسل نمی‌شوم؛ در

أَغْفَلْتُ مِنْ وَظَائِفِ فُرُوضِكَ، وَتَعَدَّيْتُ عَنْ

صورتی که از به جا آوردن بسیاری از تکالیف واجب غفلت کرده‌ام، و از جایگاه‌های

مَقَامَاتِ حُدُودِكَ إِلَى حُرْمَاتِ أَنْتَهَكْتُهَا،

انجام حدودت تجاوز کرده، گرفتار محرمات شدم، و پرده حرمت‌ها را دریدم،



وَكَبَائِرِ ذُنُوبٍ اجْتَرَحْتُهَا، كَانَتْ عَافِيَتُكَ لِي مِنْ

و گناهان بزرگی را مرتکب شده‌ام، که عافیت تو در برابر رسوایی‌های آنها برای من

فَضَائِحِهَا سِتْرًا؛ ﴿۱۳﴾ وَ هَذَا مَقَامٌ مِّنْ اسْتِحْيَا

پرده و پوشش است، (۱۳) و این جایگاه کسی است، که به خاطر ارتکاب گناه،

لِنَفْسِهِ مِنْكَ، وَ سَخِطَ عَلَيْهَا، وَ رَضِيَ عَنْكَ،

از تو شرمسار و بر خود خشمگین، و از تو خشنود است؛

فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ، وَ رَقَبَةٍ خَاضِعَةٍ،

پس با دلی شکسته و گردنی افتاده،

وَ ظَهْرٍ مُّثْقَلٍ مِنَ الْخَطَايَا، وَ اِقْفَابَيْنِ الرَّغْبَةِ

و پشتی گرانبار از خطاها به سوی تو آمده، و در میان امید و بیم نسبت

إِلَيْكَ، وَ الرَّهْبَةِ مِنْكَ، وَ أَنْتَ أَوْلَىٰ مِنْ رَجَاءِ،

به تو قرار گرفته، و تو شایسته‌تر کسی هستی که به او امید ورزند، و سزاوارتر

وَ أَحَقُّ مِنْ خَشْيِهِ، وَ اتَّقَاهُ، فَأَعْطِنِي- يَارَبِّ-

کسی که از او بترسند و پروا کنند؛ پس آنچه را امید دارم به من ببخش و از آنچه

مَا رَجَوْتُ، وَ آمِنِّي مَا حَذَرْتُ، وَ عُدَّ عَلَيَّ

بیم دارم امانم ده، و به رحمتت که به وسیله آن به بندگانت باز می‌گردی

بِعَائِدَةِ رَحْمَتِكَ؛ إِنَّكَ أَكْرَمُ الْمَسْئُولِينَ.

به من بازگرد. تو بزرگوarter کسی هستی که از او درخواست می‌شود.

﴿۱۴﴾ اَللّٰهُمَّ وَ اِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ، وَ تَعَمَّدَتَنِي

(۱۴) خدایا! اکنون که مرا به پرده گذشت و عفوت پوشاندی، و در



بِفَضْلِكَ، فِي دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرَةِ الْأَكْفَاءِ،

این جهان فانی، احسانت را در برابر مردم شامل حال من فرمودی،

فَأَجِرْنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ، عِنْدَ مَوَاقِفِ

پس مرا از رسوایی‌های جهان ابدی، در برابر

الْأَشْهَادِ، مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَالرُّسُلِ

اهل محشر که عبارتند از فرشتگان مقرب و پیامبران بزرگوار،

الْمُكْرَمِينَ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، مِنْ جَارِ

و شهدا و شایستگان پناه ده؛ آن شهدا و شایستگانی که در دنیا همسایه‌ام بودند،

كُنْتُ أَكَاتِمُهُ سَيِّئَاتِي، وَمِنْ ذِي رَحِمٍ كُنْتُ

و من زشتی‌هایم را از آنان می‌پوشاندم، و خویشاوندانی بودم، که در کارهای بد

أَحْتَشِمُ مِنْهُ فِي سَرِيرَاتِي، ﴿١٥﴾ لَمْ أَثِقْ بِهِمْ

و اعمال خلافم، از آنها شرم داشتم. (۱۵) آنان که به پرده پوشی آنها اعتماد نداشتم.

- رَبِّ - فِي السِّتْرِ عَلَيَّ، وَوَقَّعْتُ بِكَ - رَبِّ - فِي

و به تو ای پروردگرم، در آمرزش نسبت به خود اطمینان کردم، و تو

الْمَغْفِرَةَ لِي، وَأَنْتَ أَوْلَىٰ مَنْ وُثِقَ بِهِ، وَأَعْطَىٰ مَنْ

سزاوارتر کسی هستی که به او مطمئن شوند، و بخشنده‌تر کسی هستی، که به

رُغِبَ إِلَيْهِ، وَأَرَأْفَ مَنْ اسْتَرْحِمَ؛ فَارْحَمْنِي.

او رغبت کنند، و مهربان‌تر کسی هستی، که مهربانیش را بخواهند؛ پس به من رحم کن.

﴿١٦﴾ اللَّهُمَّ وَأَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاءَ مَهِينًا، مِنْ

(۱۶) خدایا! تو مرا به صورت آبی کم ارزش، از



صَلْبٍ مُتَضَائِقِ الْعِظَامِ ، حَرَجِ الْمَسَالِكِ ، إِلَى

پشتی که استخوان‌هایش در هم فشرده، و راه‌هایش تنگ است، به تنگنای

رَحِمِ ضَيْقَةٍ ، سَتَرْتَهَا بِالْحُجُبِ ، تُصَرِّفُنِي حَالًا

رحم مادر که آن را به پرده‌ها پوشانده‌ای فرود آوردی، و مرا از مرحله‌ای

عَنْ حَالٍ ، حَتَّىٰ انْتَهَيْتَ بِي إِلَىٰ تَمَامِ الصُّورَةِ ،

به مرحله دیگر تغییر دادی، تا وقتی که صورت انسانیم را کامل کردی،

وَأَثَبْتَنِي فِي الْجَوَارِحِ ، كَمَا نَعَتَ فِي كِتَابِكَ : نُطْفَةٌ

و اندام را در من پابرجا فرمودی؛ همان گونه که در کتابت وصف کردی: نطفه،

ثُمَّ عُلْقَةٌ ، ثُمَّ مُضْغَةٌ ثُمَّ عِظْمًا (عِظَامًا) ، ثُمَّ كَسُوتَ

سپس علقه، آنگاه پاره گوشت، و بعد از آن استخوان. سپس استخوان را گوشت

الْعِظَامَ لِحْمًا ، ثُمَّ أَنْشَأْتَنِي خَلْقًا آخَرَ كَمَا شِئْتَ ؛

پوشاندی، آنگاه آن گونه که خواستی، مرا به مرحله‌ای دیگر از آفرینش درآوردی،

﴿١٧﴾ حَتَّىٰ إِذَا احْتَجْتُ إِلَىٰ رِزْقِكَ ، وَلَمْ أَسْتَعِنْ

(١٧) تا زمانی که به رزق و روزی تو نیازمند شدم، و از فریاد رسی

عَنْ غِيَاثِ فَضْلِكَ ، جَعَلْتَ لِي قُوَّةً مِنْ فَضْلِ

احسانت بی‌نیاز نگشتم، از اضافه خوردنی و آشامیدنی کنیزت که مرا در

طَعَامٍ وَشَرَابٍ ، أَجْرِيتهٔ لِأَمْتِكَ الَّتِي أَسْكَنْتَنِي

اندرونش جای دادی، و در قرارگاه رحمش به ودیعت سپردی،

جَوْفَهَا ، وَأَوْدَعْتَنِي قَرَارَ رَحِمِهَا .

برایم خوراک و آشامیدنی قرار دادی.



(۱۸) **وَلَوْ تَكَلَّمَنِي - يَا رَبِّ - فِي تِلْكَ الْحَالَاتِ إِلَى**

(۱۸) ای پروردگارم! اگر در آن حالات مرا به نیروی خودم وامی گذاشتی، یا ناچارم

حَوْلِي، أَوْ تَضَطَّرَّنِي إِلَى قُوَّتِي، لَكَانَ الْحَوْلُ عَنِّي

می‌کردی که از قوت خود برای رشد و کمال بهره‌گیرم، هر آینه نیرو از من کناره

مُعْتَزِلًا، وَكَانَتِ الْقُوَّةُ مِنِّي بَعِيدَةً، فَغَذَوْتَنِي

می‌گرفت، و قوت از من دور می‌شد؛ پس به فضل و احسانت مرا تغذیه کردی؛ تغذیه کردن

بِفَضْلِكَ غِذَاءَ الْبِرِّ اللَّطِيفِ، تَفَعَّلَ ذَلِكَ بِي

نیکوکار مهربان. این تغذیه کردن را از باب عطا و فضل تا به این پایه که رسیده‌ام،

تَطَوَّلًا عَلَيَّ إِلَى غَايَتِي هَذِهِ، لَا أَعْدَمُ بَرَكَ،

هم‌چنان در باره‌ام انجام می‌دهی، در هیچ حالی از نیکوکاریت محروم نمی‌شوم، و نیکی

وَلَا يُبْطِئُ بِي حُسْنُ صَنِيعِكَ، وَلَا تَتَاكَّدُ مَعِ

احسانت در باره‌ام کندی نمی‌ورزد؛ با این همه لطفی که در باره‌ام کردی و می‌کنی، اعتماد به

ذَلِكَ ثِقَتِي، فَاتَفَرَّغَ لِمَا هُوَ أَحْظَى لِي عِنْدَكَ؛

تو محکم نمی‌شود، تا کوشش‌م را در عبادات و طاعات که نزد تو برایم بهره‌دهنده‌تر است

(۱۹) **قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ عِنَانِي فِي سَوْءِ الظَّنِّ،**

به کار گیرم. (۱۹) شیطان، مهارم را در بدگمانی ضعف‌یقین به دست گرفته، به این خاطر

وَ ضَعْفِ الْيَقِينِ، فَأَنَا أَشْكَو سَوْءَ مُجَاوِرَتِهِ لِي،

از بد همسایگی‌اش نسبت به خویش، و پیرویم از او به درگهت شکایت می‌کنم، و از

وَ طَاعَةَ نَفْسِي لَهُ، وَ اسْتَعْصِمُكَ مِنْ مَلَكَتِهِ،

تسلطش بر وجودم، از تو درخواست حفاظت دارم، و برای برگرداندن مکر و



وَأَتَضَّرَعُ إِلَيْكَ فِي صَرْفِ كَيْدِهِ عَنِّي؛ وَأَسْأَلُكَ فِي

حيله اش از خود، به درگاه تو زاری می‌کنم. و از تو می‌خواهم که راه به دست

أَنْ تُسَهِّلَ إِلَيَّ رِزْقِي سَبِيلًا؛ ﴿٢٠﴾ فَلَكَ الْحَمْدُ

آوردن روزی را برایم آسان کنی. (۲۰) سپاس مخصوص توست، بر نعمت‌های

عَلَى ابْتِدَائِكَ بِالنِّعَمِ الْجِسَامِ، وَالْهَامِكِ الشُّكْرِ

بزرگی که نسبت به من آغاز کردی، و کسی در رساندنش به من در کار نبوده، و سپاس

عَلَى الْإِحْسَانِ وَالْإِنْعَامِ؛ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

مخصوص توست که شکر به احسان و انعامت را به من الهام فرمودی. پس بر محمد

وَالِإِلَهِي، وَسَهِّلْ عَلَيَّ رِزْقِي، وَأَنْ تُقِنِّعَنِي بِتَقْدِيرِكَ

و آتش درود فرست، و رسیدن به روزیم را بر من آسان کن، و به مقداری که

لِي، وَأَنْ تُرَضِّينِي بِحِصَّتِي فِيمَا قَسَمْتَ لِي، وَأَنْ

برایم مقرر کرده‌ای قانع ساز، و به سهم در آنچه نصیب فرموده‌ای راضی کن،

تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ جِسْمِي وَعُمُرِي فِي سَبِيلِ

و آنچه از جسم و عمرم خرج می‌شود، در راه طاعت

طَاعَتِكَ؛ إِنَّكَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ.

و بندگیت قرار ده، همانا تو بهترین روزی دهنده‌ای.

﴿٢١﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغْلُظُ بِهَا عَلَيَّ

(۲۱) خدایا! به تو پناه می‌برم از آتش که به سبب آن بر هر که از تو

مَنْ عَصَاكَ، وَتَوَعَّدَتْ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنِ

سرپیچی کرده، سخت گرفته‌ای، و هر که را از خشنودیت روی گردانده



رِضَاكَ، وَمِنْ نَارِ نُورِهَا ظَلَمَةٌ، وَهَيِّنْهَا إِلَيْمُ،
 تهدید به عذاب کرده‌ای، و از آتشی که نورش تاریکی، و ملامتش دردناک،
 وَبَعِيدُهَا قَرِيبٌ، وَمِنْ نَارِ يَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضٌ،
 و دورش نزدیک است، و از آتشی که برخی از آن برخی دیگر را می‌خورد،
 وَ يَصُولُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ، ﴿۲۲﴾ وَمِنْ نَارٍ تَذُرُّ
 و بخشی از آن به بخشی دیگر حمله می‌کند، (۲۲) و از آتشی که
 الْعِظَامَ رَمِيًا، وَتَسْقِي أَهْلَهَا حَمِيمًا، وَمِنْ نَارِ
 استخوان‌ها را می‌پوساند، و اهل خود را از آب جوشان سیراب می‌کند، و از آتشی که
 لَا تَبْقَى عَلَى مَنْ تَضَرَّعَ إِلَيْهَا، وَ لَا تَرْحَمُ مَنْ
 به هر کس در نزدش زاری کند، تخفیف نمی‌دهد، و به هر کس از او مهر جوید،
 اسْتَغْفَهَا، وَ لَا تَقْدِرُ عَلَى التَّخْفِيفِ عَمَّنْ
 مهر نمی‌ورزد، و قدرت بر تخفیف نسبت به کسی که
 خَشَعَ لَهَا، وَ اسْتَسَلَّمَ إِلَيْهَا؛ تَلْقَى سُكَّانَهَا
 برایش فروتنی کند و مقابلش تسلیم شود ندارد؛ آتشی که
 بِأَحْرَمٍ مَا لَدَيْهَا، مِنْ أَلِيمِ التَّكَالِ وَ شَدِيدِ
 با ساکنانش با عذاب دردناک و فرجامی سخت برخورد

الْوَبَالِ.

می‌کند،

﴿۲۳﴾ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَقَابِهَا الْفَاغِرَةِ أَفْوَاهُهَا،
 (۲۳) و به تو پناه می‌برم از عقرب‌های دهان گشوده‌اش، و مارهای نیش زننده



وَ حَيَاتِهَا الصَّالِقَةَ بِأَنْبِيَائِهَا، وَ شَرَاهِبَهَا الَّذِي
 به وسیله دندان هایش، و از آشامیدنیش که احشاء و دل‌های ساکنانش را پاره پاره
 يُقَطِّعُ أَمْعَاءَ وَ أَفِيدَةَ سُكَّانِهَا، وَ يَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ،
 می‌کند، و قلوبشان را از جا می‌کند، و برای آن اموری که انسان را از آتش دور
 وَ أَسْتَهْدِيكَ لِمَا بَاعَدَ مِنْهَا، وَ آخَرَ عَنْهَا.

می‌کند، و آدمی را از آن به عقب می‌اندازد، از تو راهنمایی و توفیق می‌خواهم.

﴿۲۴﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْرِنِي

(۲۴) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا به فضل رحمت از آن آتش پناه ده

مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ، وَ أَقْلِنِي عَثْرَاتِي بِحُسْنِ
 و به خوبی چشم پوشیت، از لغزش‌هایم چشم ببوش، و مرا ای بهترین
 إِقْلَتِكَ، وَ لَا تَخْذَلْنِي يَا خَيْرَ الْمُجِيرِينَ.

پناه دهندگان خوار مساز.

﴿۲۵﴾ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَقِي الْكُرْهِيَةَ، وَ تُعْطِي الْحَسَنَةَ،

(۲۵) خدایا! تو بندگان را از امور ناخوشایند حفظ می‌کنی، و خوبی

وَ تَفْعَلُ مَا تُرِيدُ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

عطا می‌فرمایی، و هر چه بخواهی انجام می‌دهی، و بر هر کاری توانایی.

﴿۲۶﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، إِذَا ذُكِرَ

(۲۶) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست؛ هر گاه یاد

الْأَبْرَارِ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، مَا اخْتَلَفَ

نیکان شود، و بر محمد و آلش درود فرست، تا زمانی که



اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، صَلَاةً لَا يَنْقَطِعُ مَدَدُهَا،

شب و روز در رفت و آمد است؛ درودی که دنباله‌اش قطع نشود،

وَ لَا يُحْصَى عَدَدُهَا، صَلَاةً تَشْحَنُ الْهَوَاءَ،

و عددش شماره نگردد؛ درودی که فضا را فرا گیرد

و تَمَلُّاُ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ؛ ﴿٢٧﴾ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

و زمین و آسمان را پر کند. (۲۷) بر او درود فرست

حَتَّى يَرْضَى، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ

تا جایی که خشنود شود، پس بر او و آلش درود فرست؛

الرِّضَا، صَلَاةً لَا حَدَّ لَهَا وَ لَا مُنْتَهَى؛

درودی که برایش حدّ و نهایی نباشد،

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای مهربان‌ترین مهربانان!





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْاِسْتِخَارَةِ

دعای امام سجاد علیه السلام در استخاره و درخواست صبر و نیکی

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ؛ فَصَلِّ

(۱) خدایا! به سبب دانشت که محیط به همه چیز است، از تو درخواست خیر دارم؛ پس

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْضِ لِي بِالْخَيْرَةِ، وَالْهِمْنَا

بر محمد و آلش درود فرست، و به خیر و نیکی در حق من حکم فرما، و شناخت

مَعْرِفَةَ الْاِخْتِيَارِ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ ذَرْعَةً إِلَى

انتخاب کردن و برگزیدن را به ما الهام کن، و آن الهام را برای ما وسیله خشنودی به آنچه

الرِّضَا بِمَا قَضَيْتَ لَنَا، وَالتَّسْلِيمِ لِمَا حَكَمْتَ،

که برای ما مقدور کردی، و تسلیم به آنچه در حق ما حکم فرمودی،

فَازِحَ عَنَّا رَيْبَ الْاِرْتِيَابِ، وَآيِدِنَا بَيِّقِينَ

قرار ده پس آلودگی شک و دو دلی در تقدیرت را از دل ما پاک کن، و ما را

الْمُخْلِصِينَ، ﴿۲﴾ وَلَا تَسْمُنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَةِ عَمَّا

به یقین مخلصان تقویت فرما، (۲) و داغ ناتوانی معرفت را نسبت به

تَخَيَّرْتَ، فَتَنْعِمِطَ قَدْرَكَ، وَنَكَرَةَ مَوْضِعَ

آنچه بر ایمن اختیار کردی، بر پیشانی ما نزن تا بزرگی و عظمتت را سبک

رِضَاكَ، وَنَجْنَحَ إِلَى الَّتِي هِيَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ

انگاریم، و جایگاه خشنودیت را ناپسند شماریم، و به چیزی که از حسن



العاقبة، وَأَقْرَبُ إِلَىٰ ضِدِّ الْعَاقِبَةِ.

عاقبت دورتر، و به ضد عاقبت و سلامت همه جانبه نزدیک‌تر است مایل شویم.

﴿۳﴾ حَبِّبِ إِلَيْنَا مَا نَكْرَهُ مِنْ قَضَائِكَ، وَسَهِّلْ

(۳) آنچه را از مقدراتت نمی‌پسندیم، محبوب ما قرار ده،

عَلَيْنَا مَا نَسْتَصْعِبُ مِنْ حُكْمِكَ.

و آنچه را از حکم تو سخت می‌پنداریم، بر ما آسان ساز،

وَ الْهِمْنَا الْإِنْفِيَادَ لِمَا أوردت عَلَيْنَا مِنْ

و گردن نهادن آنچه از مشیت و اراده‌ات بر ما وارد کردی، به ما الهام

مَشِيَّتِكَ، حَتَّىٰ لَا نُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ،

کن، تا عقب انداختن آنچه را پیش انداختی، و پیش انداختن آنچه را عقب

وَلَا تَعْجِلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا نَكْرَهُ مَا أَحْبَبْتَ،

انداختی دوست نداشته باشیم، و هر آنچه را دوست داری ناپسند نشماریم،

وَلَا تَتَّخِرْ مَا كَرِهْتَ؛ ﴿۴﴾ وَ اخْتِم لَنَا بِالَّتِي هِيَ

و آنچه را ناپسند داشتی انتخاب نکنیم. (۴) و کار ما را به آنچه عاقبتش

أَحْمَدُ عَاقِبَةٌ، وَ أَكْرَمُ مَصِيرًا؛ إِنَّكَ تُفِيدُ

پسندیده‌تر، و فرجامش برای انسان گرامی‌تر است پایان بخش، همانا تو

الْكَرِيمَةَ، وَ تُعْطِي الْجَسِيمَةَ، وَ تَفْعَلُ مَا تُرِيدُ،

عطای نفیس عنایت می‌کنی، و نعمت بزرگ می‌بخشی و هر چه می‌خواهی

وَ أَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

انجام می‌دهی، و تو بر هر کار توانایی.



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ إِذَا ابْتُلِيَ،

دعای امام سجاد علیه السلام به وقتی که گرفتار می‌شد

أَوْ رَأَى مُبْتَلًى بِفَضِيحَةٍ يَذْنِبُ

یا کسی را به رسوایی معصیت گرفتار می‌دید

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى سِتْرِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ،

(۱) خدایا! تو را سپاس بر پرده پوشیت بعد از آگاهیت و بر عافیت بخشیدنت پس از دانستنت.

وَمُعَافَاتِكَ بَعْدَ خُبْرِكَ، فَكُلُّنَا قَدْ اقْتَرَفَ الْعَابَةَ

همه ما مرتکب گناهان و معاصی شدیم، و تو احدی از ما را این مردم به گناه مشهور نکردی،

فَلَمْ تَشْهَرَهُ، وَارْتَكَبَ الْفَاحِشَةَ فَلَمْ تَفْضَحْهُ،

و به کارهای زشت آلوده شدیم، و تو یک نفر از ما را در برابر بندگان رسوا نساختی، هر یک

و تَسْتَرِبِ الْمَسَاوِيَّ فَلَمْ تَدُلَّ عَلَيْهِ.

از ما خود را به پرده زشتی و گناه پوشانده، و تو احدی را بر زشتی‌ها و گناهانش راهنمایی

﴿۲﴾ كَمْ نَهَى لَكَ قَدْ آتَيْنَاهُ، وَ أَمْرٌ قَدْ وَقَفْتَنَا

نکردی. (۲) چه بسیار نهی تو را به جا آوردیم، و چه بسیار دستور تو را، که گفتم آن

عَلَيْهِ فَتَعَدَّيْنَاهُ، وَسَيِّئَةٌ اِكْتَسَبْنَاهَا، وَ خَطِيئَةٌ

را انجام دهیم، و ما از آن تجاوز کردیم. و چه بسیار زشتی‌هایی که به دست آوردیم،

ارْتَكَبْنَاهَا، كُنْتَ الْمُطَّلِعَ عَلَيْهَا دُونَ

و خطاهایی که مرتکب شدیم، در حالی که تو بر آنها آگاه بودی نه بینندگان



النَّاطِرِينَ، وَالْقَادِرَ عَلَيَّ اِعْلَانِهَا فَوْقَ الْقَادِرِينَ،

دیگر، و تو بر افشایش قدرت داشتی؛ قدرتی فوق همه قدرتمندان؛ ولی عفو و

كَانَتْ عَافِيَتُكَ لَنَا حِجَابًا دُونَ أَبْصَارِهِمْ، وَرَدَمًا

چشم پوشی و عافیت برای مادر برابر دیده بینندگان پرده‌ای، و در مقابل گوششان

دُونَ أَسْمَاعِهِمْ؛ ﴿٣﴾ فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنِّ

سدی بود. (۳) پس آنچه از زشتی‌ها بر ما پوشاندی و آنچه از علل فساد و تباهی

الْعَوْرَةِ، وَ أَخْفَيْتَ مِنَ الدَّخِيلَةِ، وَ اعْظَا لَنَا،

از ما پنهان کردی، برای ما پند دهنده و بازدارنده از بدخویی

وَ زَا جِرًّا عَنِ سَوْءِ الْخُلُقِ، وَ اِقْتِرَافِ الْخَطِيئَةِ،

و نگاه دارنده ارتکاب معصیت، و سبب کوشش به سوی توبه

وَ سَعِيًّا إِلَى التَّوْبَةِ الْمَاحِيَةِ، وَ الطَّرِيقِ الْمَحْمُودَةِ،

نابود کننده گناه و راه پسندیده قرار ده، و زمان قرار

وَ قَرِّبِ الْوَقْتَ فِيهِ، وَ لَا تَسْمُنَا الْغَفْلَةَ عَنكَ؛

گرفتن در تمام این امور مثبت را نزدیک گردان، و داغ غفلت از خود را

إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ، وَ مِنَ الذُّنُوبِ تَائِبُونَ؛ ﴿٤﴾

به پیشانی ما نزن، که ما به سوی تو مایل، و از گناهان تائبیم. (۴)

وَ صَلِّ عَلَيَّ خَيْرَتِكَ - اللَّهُمَّ - مِنْ خَلْقِكَ:

و خدایا! بر انتخاب شده از آفریده‌هایت محمد و عترتش درود فرست؛ عترتی که از میان

مُحَمَّدٍ وَ عِترَتِهِ، الصِّفْوَةِ مِنْ بَرِيَّتِكَ

تمام مخلوقات برگزیدی و عترتی که پاک و پاکیزه‌اند، و ما را گوش دهنده کلام آنان، و فرمان‌بردار



باب ۳۴- دُعَاؤُهُ عَلَيْهِ إِذَا ابْتُلِيَ أَوْ رَأَى مُبْتَلًى بِفَضِيحَةٍ يَدْنِبُ دَعَا بِهِ هُنَّكَامَ كَرَفْتَارِي

الطَّاهِرِينَ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِينَ وَمُطِيعِينَ

دستوراتشان قرار ده؛ همان گونه که ما را به شنیدن کلامشان و اطاعت از دستوراتشان

كَمَا أَمَرْتَ.

فرمان دادی.



— ﴿ ۳۵ ﴾ —

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرِّضَا،

دعای امام سجاد علیه السلام در مقام رضا،

إِذَا نَظَرَ إِلَى أَصْحَابِ الدُّنْيَا

زمانی که به دنیا داران نظر می‌کرد



﴿ ۱ ﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَضِيَ بِحُكْمِ اللَّهِ؛ شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ

(۱) سپاس خدای را بیه خاطر خشنودی به حکم تقدیر خدا نسبت به تمام موجودات شهادت

قَسَمَ مَعَايِشَ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ، وَأَخَذَ عَلَيَّ جَمِيعَ

می‌دهم که خدا آنچه را وسیله زندگی و معاش است، بین بندگان به عدالت تقسیم

خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ. ﴿ ۲ ﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

کرد، و نسبت به تمام بندگان راه احسان پیش گرفت. (۲) خدایا! بر محمد و آل محمد

وآلِهِ، وَلَا تَفْتِنِّي بِمَا أَعْطَيْتَهُمْ، وَلَا تَفْتِنَهُمْ بِمَا

درود فرست، و مرا به آنچه به بندگان عطا کردی امتحان مکن، و ایشان را به آنچه از من

مَنْعَتَنِي، فَأَحْسُدْ خَلْقَكَ، وَأَغْمِطْ حُكْمَكَ.

منع کرده‌ای میازمای، تا به بندگان حسد ورزم، و حکم و فرمانت را سبک انگارم.

﴿ ۳ ﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَطَيِّبْ

(۳) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا به قضای دل خوش کن، و سینه‌ام

بِقَضَائِكَ نَفْسِي، وَوَسِّعْ بِمَوَاقِعِ حُكْمِكَ

را به موارد فرمانت گشاده فرما، و به من حالت اعتماد و اطمینان بخش تا

صَدْرِي، وَهَبْ لِي الثِّقَّةَ، لِأُقِرَّ مَعَهَا بِأَنَّ قَضَاءَكَ

به وسیله آن اقرار کنم که قضای تو، جز به آنچه خیر است روان نشده

لَمْ يَجْرِ إِلَّا بِالْخَيْرَةِ، وَاجْعَلْ شُكْرِي لَكَ عَلَيَّ

و شکرم را برای حضرتت نسبت به آنچه از من دور داشتی، و عطایش را

مَا زَوَيْتَ عَنِّي، أَوْ فَرَّ مِنْ شُكْرِي إِيَّاكَ عَلَيَّ مَا

دریغ کردی، از شکرم بر آنچه به من عنایت فرمودی، افزون تر قرار ده.

خَوَّلْتَنِي، ﴿٤﴾ وَاعْصِمْنِي مِنْ أَنْ أَظُنَّ بِذِي عَدَمٍ

(٤) و مرا از این که به تهیدست فقیری گمان پستی برم، و به ثروتمندی

خَسَاسَةً، أَوْ أَظُنَّ بِصَاحِبِ ثَرْوَةٍ فَضْلًا، فَإِنَّ

گمان برتری و رزم حفظ فرما. چه آن که شریف کسی است که طاعت تو

السَّرِيفَ مَنْ شَرَّفَتْهُ طَاعَتُكَ، وَالْعَزِيزَ مَنْ أَعَزَّتْهُ

او را شرافت داده، و عزیز کسی است که عبادت تو او را به عزت نشانده،

عِبَادَتِكَ؛ ﴿٥﴾ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَمَتِّعْنَا

(٥) پس بر محمد و آلش درود فرست و ما را از ثروتی که تمام نمی شود

بِثَرْوَةٍ لَا تَنْفَدُ، وَآيِدُنَا بِعِزٍّ لَا يُفْقَدُ، وَاسْرَحْنَا

بهرمند کن، و به عزتی که از بین نمی رود یاری ده، و ما را به جانب

فِي مُلْكِكَ الْأَبَدِيِّ؛ إِنَّكَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ،

بِهشت جاودانه روانه ساز؛ همانا تو یکتا و بیگانه و بی نیازی،

الَّذِي لَمْ تَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ.

نزیابیدی و زاییده نشدی، و احدی برایت همتا نبود.



— ﴿ ۳۶ ﴾ —

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى السَّحَابِ

دعای امام سجاد علیه السلام هنگامی که بر ابر

وَالْبَرْقِ، وَسَمِعَ صَوْتَ الرَّعْدِ

و برق نظر می کرد و صدای رعد می شنید

﴿ ۱ ﴾ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ آيَاتِنِ مِنْ آيَاتِكَ، وَهَذَيْنِ

(۱) خدایا! همانا این «رعد و برق» دو نشانه از نشانه های تو، و دو

عَوْنَانِ مِنْ أَعْوَانِكَ، يَبْتَدِرَانِ طَاعَتَكَ بِرَحْمَةٍ

خدمتگزار از خدمتگزاران تو، که در مقام فرمان بردن از تو، به رحمتی

نَافِعَةٍ، أَوْ نِقْمَةٍ ضَارَّةٍ؛ فَلَا تُمَطِّرُنَا بِيَهَامَا مَطَرِ

سودمند یا عقوبتی زیان بخش می شتابند، پس به وسیله آن دو، باران زیان بار

السَّوِّءِ، وَلَا تُبَلِّسُنَا بِيَهَامَا لِبَاسِ الْبَلَاءِ.

بر ما مباران، و به سبب آن دو لباس بلا بر ما می پوشان.

﴿ ۲ ﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَانزِلْ

(۲) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و فایده و

عَلَيْنَا نَفْعَ هَذِهِ السَّحَابِ وَبَرَكَتَهَا، وَاصْرِفْ

برکت این ابرها را بر ما نازل کن و آزار و زینش را

عَنَّا إِذَاهَا وَمَضَرَّتْهَا، وَلَا تُصِيبْنَا فِيهَا بَآفَةٌ،

از ما بگردان، و از درون ابرها آفتی به ما نرسان،



وَلَا تُرْسِلْ عَلَيَّ مَعَايِشِنَا عَاهَةً.

و بر آنچه که معیشت ما بر آن استوار است آسیبی نفرست.

﴿۳﴾ اللَّهُمَّ وَإِنْ كُنْتَ بَعَثْتَ نِقْمَةً، وَارْسَلْتَهَا

(۳) خدایا! اگر این ابرها را به خاطر عقوبت برانگیخته‌ای، و محض خشم

سَخَطَةً، فَإِنَّا نَسْتَجِيرُكَ مِنْ غَضَبِكَ، وَنَبْتَهِلُ

فرستاده‌ای، ما از خشمت به تو پناه می‌آوریم، و برای درخواست گذشت

إِلَيْكَ فِي سُؤَالِ عَفْوِكَ؛ فَمِلْ بِالْغَضَبِ إِلَى

و عفو تو درگاه تو زاری می‌کنیم. پس غضب و خشم را متوجه

المُشْرِكِينَ، وَادِرِّحِي نِقْمَتِكَ عَلَى الْمُلْحِدِينَ.

مشرکان کن، و آسیای عقوبتت را نسبت به منحرفان به گردش آر.

﴿۴﴾ اللَّهُمَّ أَذْهَبْ مَحَلَّ بِلَادِنَا بِسُقْيَاكَ، وَأَخْرِجْ

(۴) خدایا! خشکی سرزمین‌های ما را به بارانت برطرف کن، و شدت خشم سینه ما

وَاحْرَ صُدُورِنَا بِرِزْقِكَ، وَلَا تَشْغَلْنَا عَنْكَ

را به رزق و روزی خود بیرون فرما، و ما را از خود به غیر خود مشغول و سرگرم مکن،

بِغَيْرِكَ، وَلَا تَقْطَعْ عَنَّا كَافِتِنَا مَادَّةَ بَرِّكَ،

و مایه و منبع نیکی خود را از ما جدا ساز؛ چه این که، بی‌نیاز کسی است که تواش

فَإِنَّ الْغَنِيَّ مَنَ أَغْنَيْتَ، وَإِنَّ السَّالِمَ مَنَ وَقَيْتَ؛

بی‌نیاز کنی، و سالم کسی است که تواش از هر شرّی نگاه داری، (۵) نزد کسی جز

﴿۵﴾ مَا عِنْدَ أَحَدٍ دُونَكَ دِفَاعٌ، وَلَا بِأَحَدٍ عَن

دفاع تو نیروی دفاع نیست و برای احدی از عذاب تو، وسیله حفظ و نگاه داری



سَطَوَاتِكَ امْتِنَاعٌ، تَحْكُمُ بِمَا شِئْتَ عَلَيَّ مِنْ شَيْءٍ،

وجود ندارد؛ بر هر کسی که بخواهی، به هر چه که بخواهی حکم می‌کنی، و

وَتَقْضِي بِمَا أَرَدْتَ فِيمَنْ أَرَدْتَ؛ ﴿٦﴾ فَلَكَ

به آنچه اراده فرمایی درباره هر کس اراده کنی فرمان می‌دهی. (۶) تو را سپاس

الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَقَيْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ، وَلَكَ الشُّكْرُ

بر آن که ما را از بلا نگاه داشتی، و تو را شکر

عَلَيَّ مَا خَوَّلْتَنَا مِنَ النِّعَمَاءِ؛ حَمْدًا يُخْلِفُ حَمْدَ

بر نعمت‌هایی که به ما دادی؛ سپاسی که سپاس

الْحَامِدِينَ وَرَاءَهُ؛ حَمْدًا يَمْلَأُ أَرْضَهُ وَسَمَاءَهُ؛

سپاسگزاران را پشت سر گذارد؛ سپاسی که زمین و آسمان خدا را پر کند.

﴿٧﴾ إِنَّكَ الْمَنَّانُ بِجَسِيمِ الْمِنَّةِ، الْوَهَّابُ

(۷) همانا تویی بسیار نعمت دهنده به نعمت‌های بزرگ، بخشنده

لِعَظِيمِ النِّعَمِ، الْقَابِلُ لَيْسِيرِ الْحَمْدِ، الشَّاكِرُ

نعمت‌های عظیم، پذیرنده سپاس اندک، قبول کننده شکر

قَلِيلِ الشُّكْرِ، الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ، ذُو الطَّوْلِ؛

ناچیز، نیکوکار و خوش‌رفتار، دارای احسان،

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِلَيْكَ الْمَصِيرُ.

معبودی جز تو نیست، پایان کار به سوی توست.



— ﴿ ۳۷ ﴾ —

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اعْتَرَفَ

دعای امام سجاد علیه السلام در اعتراف

بِالتَّقْصِيرِ عَنِ تَأْدِيَةِ الشُّكْرِ

به تقصیر از ادای شکر

﴿ ۱ ﴾ اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةً،

(۱) خدایا! کسی از شکر گزاریت در حالی از احوال، به نهایت شکر نمی‌رسد جز این که از

إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يَلِزُ مَهْ وَشُكْرًا،

احسانت نعمتی به دست می‌آورد، که او را به شکر دیگر وا می‌دارد و از آن‌جا که

وَلَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَإِنْ اجْتَهَدَ، إِلَّا

نعمتت پیوسته و پی‌درپی به بندگان می‌رسد، پس کسی را قدرت بر شکر نیست، و از

كَانَ مُقْصِرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ؛ ﴿ ۲ ﴾

اطاعتت گرچه تلاش و کوشش کند به اندازه‌ای نمی‌رسد، جز این که در برابر شایستگی‌ات،

فَأَشْكُرُ عِبَادِكَ عَاجِزٌ عَنِ شُكْرِكَ، وَاعْبُدُهُمْ

به سبب فضل و احسانت، ناتوان از طاعت است؛ (۲) بنابراین سپاس‌گزارترین بندگان از

مُقْصِرٌ عَنِ طَاعَتِكَ؛ ﴿ ۳ ﴾ لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ أَنْ تَغْفِرَ

سپاس‌گزاریت عاجز، و عابدترین ایشان، از اطاعت ناتوان است. (۳) کسی شایسته آن نیست

لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ، وَلَا أَنْ تَرْضَى عَنْهُ بِاسْتِجَابِهِ،

که به خاطر مستحق بودنش او را بیمارزی، و به سبب سزاوار بودنش از او خشنود



فَمَنْ غَفَرْتَ لَهُ فَبِطَوْلِكَ ، وَمَنْ رَضِيَتْ عَنْهُ

شوی، هر که را ببامری به احسانت آمرزیده‌ای و از هر که خشنود شوی، به فضل

فَبِفَضْلِكَ، تَشْكُرُ يَسِيرًا شَكَرْتَهُ، وَتُثِيبُ عَلَيَّ

خشنود شده‌ای، عمل اندکی را که پذیرفته‌ای جزا می‌دهی، و بر اندک چیزی که اطاعت

قَلِيلٍ مَا تُطَاعُ فِيهِ، حَتَّىٰ كَأَنَّ شُكْرَ عِبَادِكَ الَّذِي

شده‌ای پاداش عنایت می‌کنی، تا آن جا که گویی سپاسگزاری بندگانت که پاداششان را بر آن

أَوْجِبَتْ عَلَيْهِ ثَوَابَهُمْ، وَأَعْظَمَتْ عَنْهُ جَزَاءَهُمْ،

واجب کرده‌ای و جزای ایشان را از آن بزرگ ساخته‌ای، کاری است، که بدون قدرت دادن تو بر باز

أَمْرٌ مَلَكَوْا اسْتِطَاعَةَ الْإِمْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَكَ

ایستادن از آن توانمند بودند و از این جهت پاداششان دادی اما اینان قدرت باز ایستادن از شکر

فَكَافَيْتَهُمْ، أَوْ لَمْ يَكُنْ سَبَبُهُ بِيَدِكَ فَجَازَيْتَهُمْ؛

را بدون تو ندادند، ولی با آنها هم چون کسی که قدرت باز ایستادن دارد معامله کردی، یا انگار

﴿٤﴾ بَلْ مَلَكَتْ- يَا إِلَهِي- أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَمْلِكُوا

می‌کنی سبب آن شکر به دست تو نبوده، و به این خاطر اجرشان دادی بولی این طور نیست، (۴)

عِبَادَتِكَ، وَأَعَدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا فِي

بلکه‌ای خدای من! مالک کار ایشان بودی، پیش از این که آنان مالک عبادت تو شوند، و مژده‌شان

طَاعَتِكَ، وَذَلِكَ أَنَّ سُنَّتَكَ الْإِفْضَالُ، وَعَادَتَكَ

را آماده کردی، پیش از آن که وارد طاعت و بندگی تو شوند، و آن برای این است که روش

الْإِحْسَانُ، وَسَبِيلَكَ الْعَفْوُ؛ ﴿٥﴾ فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ

تو عطا کردن، و عادتت احسان، و راهت گذشت است. (۵) همه آفریده‌هایت اعتراف



مُعْتَرِفَةٌ بِأَنَّكَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ، وَشَاهِدَةٌ

دارند که تو درباره هر که عقوبتش کنی ستمکار نیستی، و شاهدند که هر

بِأَنَّكَ مُتَّفَضِّلٌ عَلَيَّ مِنْ عَافِيَةٍ، وَكُلُّ مُقِرٍّ

که را از بلا عافیت دهی، در حقش احسان کرده‌ای، و همه درباره

عَلَيَّ نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيرِ عَمَّا اسْتَوْجَبْتَ؛ ﴿٦﴾

خویشتن به کوتاهی کردن نسبت به آنچه سزاوار آنی معتزفند؛ (٦)

فَلَوْلَا أَنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ عَنِ طَاعَتِكَ،

بنابراین چنانچه شیطان ایشان را برای منصرف کردن از طاعتت نفریبد،

مَا عَصَاكَ عَاصٍ، وَلَوْلَا أَنَّهُ صَوَّرَهُمُ الْبَاطِلَ

هیچ عصیان گری تو را معصیت نکند، و اگر باطل را در نظرشان ،

فِي مِثَالِ الْحَقِّ، مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالٌّ؛

مانند حق جلوه ندهد، هیچ گمراهی از راه تو گمراه نشود.

﴿٧﴾ فَسُبْحَانَكَ، مَا أَيْبَنَ كَرَمَكَ فِي مُعَامَلَةٍ

(٧) منزّه و پایی، چه آشکار و روشن است بزرگواریت در معامله با کسی که تو را

مَنْ أَطَاعَكَ أَوْ عَصَاكَ! تَشْكُرُ لِلْمُطِيعِ مَا أَنْتَ

اطاعت کرده، یا از تو سرپیچی نموده. مطیع را در برابر آنچه، خود بگرایش فراهم

تَوَلَّيْتَهُ لَهُ، وَتَمَلَّى لِلْعَاصِي فِيمَا تَمَلِكُ مُعَاجِلَتَهُ

آورده‌ای پاداش می‌دهی، و معصیت کار را که تعجیل کیفیتش در اختیار توست،

فِيهِ، أَعْطَيْتَ كُلًّا مِنْهُمَا مَا لَمْ يَجِبْ لَهُ،

به امید تو و بازگشت مهلت می‌دهی، به هر یک از مطیع و عاصی عطایی کرده‌ای



وَتَفَضَّلْتَ عَلَيَّ كُلِّ مِنْهُمَا، بِمَا يَقْصُرُ عَمَلُهُ عَنْهُ؛
که سزاوار آن نیستند، و به هر یک احسانی فرموده‌ای که عملش از آن کوتاه است.

﴿۸﴾ وَلَوْ كَفَّاتَ الْمُطِيعَ عَلَيَّ مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ،
(۸) اگر مطیع را نسبت به نعمتی که به او دادی مقابله به مثل می‌کردی؛

لَأَوْشَكَ أَنْ يَفْقِدَ ثَوَابَكَ، وَأَنْ تَزُولَ عَنْهُ
یعنی برابر هر نعمتی عملی از او می‌خواستی، نزدیک بود که پاداشت را نیابد،

نِعْمَتِكَ، وَلَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازَيْتَهُ عَلَى الْمُدَّةِ
و نعمتت از او زایل شود؛ ولی حضرتت به بزرگواریت در برابر مدت کوتاه

الْقَصِيرَةِ الْفَائِيَةِ، بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْخَالِدَةِ،
از دست رفتنی، که در آن به بندگیت برخاسته، به مدتی طولانی و همیشگی،

وَعَلَى الْغَايَةِ الْقَرِيبَةِ الزَّائِلَةِ، بِالْغَايَةِ الْمَدِيدَةِ
و در مقابل مدت نزدیک گذرا، به مدت دامنهدار جاوید پاداشش دادی.

الْبَاقِيَةِ؛ ﴿۹﴾ ثُمَّ لَمْ تَسْمَهُ الْقِصَاصَ فِيمَا أَكَلَ مِنْ
(۹) سپس در برابر رزقی که از سفره نعمتت خورده، تا به سبب آن بر بندگیت

رِزْقِكَ، الَّذِي يَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ، وَلَمْ تَحْمِلْهُ
نیرو گیرد، قیمت و عوض نخواستی، و از او نسبت به ابزاری که به کار بردن

عَلَى الْمُنَاقَشَاتِ فِي الْأَلَاتِ، الَّتِي تَسَبَّبَ
آنها را سبب رسیدن به مغفرتت قرار داده، بازرسی و حسابرسی دقیق نکردی،

بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَى مَغْفِرَتِكَ؛ ﴿۱۰﴾ وَلَوْ فَعَلْتَ
(۱۰) و اگر با بنده مطیعت چنین رفتار می‌کردی، رنجی را که در راه عبادت



ذَلِكَ بِهِ، لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ، وَجُمْلَةً مَا

کشیده بود، و تمام کوششی که در مسیر طاعت به دوش جان برداشته بود، در سعی فيه، جزاء للصغرى من أيديك و منك، برابر کوچکترین نعمت‌ها، و عطاهايت از دست می‌رفت، و در پیشگاهت به

وَلَبِقِي رَهِينًا يَبْنَ يَدَيْكَ بِسَائِرِ نِعَمِكَ؛ فَمَتَى خَاطِرِ دِيْغَرِ نَعْمَتِ هَايَتِ تَا اَبَدِ بَدِهَكَارِ تُو مِي‌مَانَد، وَ دَرِ گَرُو طَلَبِ كَارِي تُو

كَانَ يَسْتَحِقُّ شَيْئًا مِنْ ثَوَابِكَ؟ لَا! مَتَى؟ ﴿۱۱﴾

قَرَارِ مِي‌گِرَفَت. رُوِي اَيْنِ حَسَابِ چِه زَمَانِي شَايَسْتِگِي چِيْزِي اَز ثَوَابِ تُو رَا پِيْدَا

هَذَا- يَا إِلَهِي - حَالٌ مِنْ أَطَاعِكَ، وَسَبِيلٌ مِنْ

مِي‌كِرْد؟! نِه هِيْچ گَاه. (۱۱) اِي خُدَايِ مَن! اَيْنِ حَالِ وَ رُوْزِ كَسِي اسْتِ كِه

تَعَبَدَ لَكَ، فَأَمَّا الْعَاصِي أَمْرَكَ، وَالْمُؤَاقِعُ نَهْيِكَ،

اَز تُو فَرْمَانِ بَرْدِه، وَ رَاهِ كَسِي اسْتِ كِه تُو رَا عِبَادَتِ كَرْدِه، اَمَا كَسِي كِه اَز

فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنِقْمَتِكَ، لَكِنِّي يَسْتَبَدِلُ بِحَالِهِ

فَرْمَانَتِ رُوِي گِرْدَانْدِه، وَ مَرْتَكَبِ گِنَاهِ شُدِه، دَرِ رَسَانْدَنِ عَذَابِ وَ كِيْفَرَتِ

فِي مَعْصِيَتِكَ، حَالِ الْإِنَابَةِ إِلَى طَاعَتِكَ،

بِه اَوْ شَتَابِ نَكِرْدِي، بِه خَاطِرِ اَيْنِ كِه وَضْعَشِ رَا دَرِ نَا فَرْمَانِيْتِ، بِه حَالِ

وَلَقَدْ كَانَ يَسْتَحِقُّ فِي أَوَّلِ مَا هُمْ بِعِصْيَانِكَ، كُلَّ مَا

بَرگِشْتَنَشِ بِه بِنْدِگِيْتِ تَغْيِيْرِ دِهْد، وَ مَحْقَقًا دَرِ اَوَّلِ كَارِي كِه اَهْنِگِ نَا فَرْمَانِي

أَعَدَدْتَ لِجَمِيعِ خَلْقِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، فَجَمِيعُ

تُو كَرْد، هَمِه عَذَابِ هَايَتِ رَا كِه بَرَايِ تَمَامِ بِنْدِگَانَتِ آمَادِه سَاخْتِه‌اِي مَسْتَحِقِّ



مَا أَخْرَتَ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ، وَأَبْطَأَتْ بِهِ عَلَيْهِ

می‌شد؛ پس هر عذابی را که از او به تأخیر انداختی، و هر مجازاتی سخت

مِنْ سَطَوَاتِ النَّقِمَةِ وَالْعِقَابِ، تَرَكْتُ مِنْ حَقِّكَ،

و کيفری که از او بازداشتی، حق مسلم و قطعی خود، و خشنودی به

وَرَضِي بِدُونِ وَاجِبِكَ؛ ﴿١٢﴾ فَمَنْ أَكْرَمُ-يَا إِلَهِي-

کمتر چیزی است که برای تو واجب و ثابت است. (۱۲) پس ای خدای من!

مِنْكَ؟! وَمَنْ أَشَقِيٌّ مِمَّنْ هَلَكَ عَلَيْكَ؟! لَا! مَنْ؟

کريم‌تر از تو کیست؟ و بدبخت‌تر از کسی که به سبب مخالفت با تو

فَتَبَارَكَتَ أَنْ تَوْصَفَ إِلَّا بِالْإِحْسَانِ، وَكَرَّمْتَ

هلاک شد چه کسی است؟ نه هیچ کس؟ پس تو والاتر از آنی که جز به

أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ؛ لَا يُخْشِي جَوْزَكَ

احسان و صف شوی، و پاک‌تر از آنی که جز عدالت را بترسند. بیم ستمکاریت

عَلَى مَنْ عَصَاكَ، وَلَا يُخَافُ إِغْفَالَكَ ثَوَابَ

بر گناهکار نمی‌رود، و ترس و گذاشتن پاداش کسی که تو را خشنود کرده،

مَنْ أَرْضَاكَ؛ ﴿١٣﴾ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

در میان نیست؛ (۱۳) پس بر محمد و آلش درود فرست، و آنچه را آرزو

وَهَبْ لِي أَمَلِي، وَزِدْنِي مِنْ هُدَاكَ، مَا أَصِلُ بِهِ

دارم، به من ببخش و هدایت را بر من افزون کن؛ به گونه‌ای که به سبب آن

إِلَى التَّوْفِيقِ فِي عَمَلِي؛ إِنَّكَ مَنَّانٌ كَرِيمٌ.

به توفیق در عملم برسم. همانا تو بسیار نعمت دهنده بزرگواری.



— ﴿ ۳۸ ﴾ —

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِعْتِدَارِ مِنْ تَبَعَاتِ

دعای امام سجاد علیه السلام در پوزش از مظلومی

الْعِبَادِ، وَمِنْ التَّقْصِيرِ فِي حُقُوقِهِمْ، وَفِي

مردمان و کوتاهی از حقوق آنان

فَكَأَنَّكَ رَقَبْتَهُ مِنَ النَّارِ

و درخواست آزادی از آتش

﴿ ۱ ﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ

(۱) خدایا! از تو پوزش می‌خواهم درباره ستم دیده‌ای که در حضور من

بِحَضْرَتِي، فَلَمْ أَنْصُرْهُ، وَمِنْ مَعْرُوفِ أُسْدِي إِلَى

به او ستم شد، و من یاریش ندادم، و از احسانی که نسبت به من شده، و

فَلَمْ أَشْكُرْهُ، وَمِنْ مُسِيءٍ أَعْتَذَرَ إِلَيَّ فَلَمْ أَعِذِرْهُ،

سپاسش را به جا نیاوردم، و از بد کننده‌ای که از من پوزش خواسته و من

وَمِنْ ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ أَوْثِرْهُ، وَمِنْ حَقِّ ذِي

پوزش او را نپذیرفتم، و از نیازمندی که از من درخواست کرده و من او را به

حَقِّ لَزَمَنِي لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ أَوْفِرْهُ، وَمِنْ عَيْبِ

خود تریج ندادم، و از حق مؤمن صاحب حقی که بر عهدام بوده و آن را

مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أَسْتُرْهُ، وَمِنْ كُلِّ إِثْمٍ

نپرداخته‌ام، و از عیب مؤمنی که برای من آشکار شده و آن را نپوشانده‌ام،



عَرَضَ لِي فَلَمْ أَهْجُرْهُ.

و از هر گناهی که برایم پیش آمده و از آن دوری نکردم.

﴿۲﴾ اَعْتَذِرُ إِلَيْكَ - يَا إِلَهِي - مِنْهُنَّ وَمِنْ

(۲) ای خدای من! از همه اینها و از آنچه مانند اینهاست، با دلی آکنده

نظائرهنَّ، اِعْتِدَارَ نَدَامَةٍ يَكُونُ وَاِعْظًا لِمَا

از پشیمانی پوشش می‌خواهم؛ پوششی که مرا در برابر پیش

بَيْنَ يَدَيَّ مِنْ أَشْبَاهِهِنَّ؛ ﴿۳﴾ فَصَلِّ عَلَيَّ

آمدهایی نظیر آنها باز دارد. (۳) پس بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ نَدَامَتِي عَلَيَّ مَا وَقَعْتُ

محمد و آلش درود فرست، و پشیمانیم را از لغزش‌هایی که

فِيهِ مِنَ الزَّلَّاتِ، وَعَزَمِي عَلَيَّ تَرِكِ مَا يَعْزِضُ لِي

گرفتارشان شدم، و عزمم را بر ترک گناهایی که برایم پیش می‌آید،

مِنَ السَّيِّئَاتِ، تَوْبَةً تَوْجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ؛ يَا مُحِبَّ

توبه قرار ده؛ توبه‌ای که برایم موجب عشق تو گردد، ای دوستدار

التَّوَّابِينَ.

توبه‌کنندگان!



— ﴿ ۳۹ ﴾ —

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ

دعای امام سجاد علیه السلام در طلب عفو و رحمت

﴿ ۱ ﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَ اكْسِرْ

(۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و بنای شهوتم را

شهوتمی عن کُلِّ مَحْرَمٍ ، وَازو حِرْصی عَن کُلِّ

از هر حرامی در هم شکن، و میل شدیدم را از هر

مَأْثَمٍ ، وَامْنَعْنی عَن اَذی کُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ،

معصیتی دور دار، و مرا از آزردهن هر مرد مؤمن و زن مؤمنه،

و مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ .

و هر مرد مسلمان و زن مسلمه باز دار.

﴿ ۲ ﴾ اللَّهُمَّ وَايْمَا عَبْدِنَالِ مِنِّي مَا حَظَرْتَ عَلَيْهِ ،

(۲) خدایا! هر بنده‌ای نسبت به من مرتکب کاری شده که آن کار را

وَ اَنْتَهَكَ مِنِّي مَا حَجَزْتَ (حَجَرْتَ) عَلَيْهِ ، فَمَضَى

بر او حرام کردی، یا پرده حرمت مرا که دریدنش را بر او ممنوع کردی دریده،

بِظُلَامَتِي مَيِّتًا ، اَوْ حَصَلَتْ لِي قَبْلَهُ حَيًّا ، فَاعْفِرْ لَهُ

پس زیر بار ستمی که بر من داشته مرده، یا در حالی که هنوز زنده است، حقی از

مَا اَلَمَّ بِهِ مِنِّي ، وَ اعْفُ لَهُ عَمَّا اَدْبَرَ بِهِ عَنِّي ،

من برعهده او ثابت است؛ پس او را نسبت به ستمی که بر من روا داشته بیامرز،



وَلَا تَقْفُهُ عَلَىٰ مَا ارْتَكَبَ فِيَّ، وَلَا تَكْشِفْهُ عَمَّا

و در رابطه با حقی که از من پامال کرده عفو فرما، و درباره آنچه با من کرده

اَكْتَسَبَ بِي؛ ﴿۳﴾ وَاجْعَلْ مَا سَمَحْتُ بِهِ مِنْ

مؤاخذه مکن، و به خاطر گناهایی که با ستم بر من مرتکب شده رسوایش نسا،

الْعَفْوَ عَنْهُمْ، وَتَبَرَّعْتُ بِهِ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَيْهِمْ،

(۳) و این عفو و گذشتم را از آنان و چشم پوشی و کار نیکی که بدون چشم داشت

أَزْكَى صَدَقَاتِ الْمُتَصَدِّقِينَ، وَ أَعْلَىٰ صِلَاتِ

نسبت به آنان انجام دادم، از پرفایده‌ترین صدقات صدقه دهندگان و بالاترین

الْمُقَرَّبِينَ، ﴿۴﴾ وَعَوَّضَنِي مِنَ عَفْوِي عَنْهُمْ

عطاهای مقربین پیشگاهت قرار ده، (۴) و در برابر عفو من از آنان عفو، و در

عَفْوِكَ، وَ مِنْ دُعَائِي لَهُمْ رَحْمَتَكَ، حَتَّىٰ يَسْعَدَ

مقابل دعایم برای آنان رحمتت را عوض قرار ده، تا هر يك از ما به سبب فزون

كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِفَضْلِكَ، وَيَنْجُو كُلُّ مِنَّا بِمِنَّكَ.

بخشیت سعادتمند شویم، و هر کداممان محض احسانت رستگار گردیم.

﴿۵﴾ اَللّٰهُمَّ وَ اَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِكَ اَدْرَكَهُ

(۵) خدایا! هر يك از بندگانت که از جانب من صدمه‌ای به او متوجه شده، یا از سوی من آزاری

مِنِّي دَرَكٌ، اَوْ مَسَّهُ مِنْ نَاحِيَّتِي اَذَىٰ، اَوْ

به او رسیده، یا از من یا به سبب من ستمی بر او شده، و از پی آن ستم به گونه‌ای حقیش را پامال

لِحَقِّهِ بِي اَوْ بِسَبَبِي ظَلَمْتُ، فَفُتُّهُ بِحَقِّهِ، اَوْ

کرده‌ام، که باز گرداندن آن حق برایش ممکن نیست، یا با حقی که بر عهد من دارد چنان از او پیش



سَبَقْتَهُ بِمَظْلَمَتِهِ؛ ﴿٦﴾ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

گرفته‌ام و از دستش فرار کرده‌ام، که بیافتن من برای گرفتن حَقِّش به هیچ عنوان از پایش میسر نیست،

وَالِإِلهِ، وَأَرْضِهِ عَنِّي مِنْ وُجْدِكَ، وَأَوْفِيهِ حَقَّهُ

(۶) در عین همه این امور بر محمد و آتش درود فرست، و آن صاحب حق را به توانگری خود

مِنْ عِنْدِكَ، ثُمَّ قِنِي مَا يَوْجِبُ لَهُ حُكْمَكَ،

از من راضی کن، و حَقِّش را به طور کامل از نزد خود بپرداز، و مرا از عقوبتی که بر اساس

وَخَلِّصْنِي مِمَّا يَحْكُمُ بِهِ عَدْلُكَ، فَإِنَّ قُوَّتِي

فرمانت مستحق آن شده‌ام نگاه دار، و از کیفری که عدالت به آن حکم می‌کند

لَا تَسْتَقِلُّ بِنِقْمَتِكَ، وَإِنَّ طَاقَتِي لَا تَنْهَضُ

نجاتم ده؛ زیرا نیروی من تاب عذاب تو را ندارد، و برای طاقت من امکان تحمل

بِسُخْطِكَ، فَإِنَّكَ إِنْ تَكْفِنِي بِالْحَقِّ تُهْلِكُنِي،

خشم تو نیست. به اگر مرا بر پایه حق مکافات کنی هلاکم می‌کنی، و

وَالْإِغْتِمَادُنِي بِرَحْمَتِكَ تُوْبِقُنِي.

اگر به رحمتت نپوشانی، به مهلکه‌ام می‌اندازی.

﴿٧﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْهِبُكَ - يَا إِلَهِي - مَا

(۷) ای خدای من! از تو بخشیدن چیزی را می‌خواهم که بخشیدن آن، چیزی از

لَا يَنْقُصُكَ بَدْلُهُ، وَأَسْتَحْمِلُكَ مَا لَا يَبْهَظُكَ

تو نمی‌کاهد، و باری را از دوشم می‌خواهم برداری، که برداشتن آن بر تو دشوار

حَمَلُهُ؛ ﴿٨﴾ أَسْتَوْهِبُكَ - يَا إِلَهِي - نَفْسِي الَّتِي

و گران نیست. (۸) ای خدای من! از تو می‌خواهم که وجودم را به من ببخشی؛



لَمْ تَخْلُقْهَا لَتَمْتَنَعَ بِهَا مِنْ سَوْءٍ، أَوْ لَتَطَّرَقَ بِهَا إِلَى
 وجودی که آن را خلق نکردی، تا به وسیله آن خودت را از شرّی باز داری، یا به سبب آن
 نفع، وَلَكِنْ أَنْشَأْتَهَا إِثْبَاتًا لِقُدْرَتِكَ عَلَى مِثْلِهَا،
 به سودی راه یابی؛ بلکه آن را آفریدی تا قدرتت را بر آفرینش نظیر آن به اثبات رسانی،
 وَاحْتِجَابًا بِهَا عَلَى شَكْلِهَا.

و برهان و حجتی بر ایجاد شکل آن در آخرت قرار دهی، و از تو درخواست می‌کنم

وَاسْتَحْمِلْكَ مِنْ ذُنُوبِي مَا قَدْ بَهْظَنِي حَمَلُهُ،
 بار گناهایی که حمل آن مرا گران بار ساخته از دوشم برداری و از تو

وَاسْتَعِينُ بِكَ عَلَى مَا قَدْ فَدَحَنِي ثِقَلُهُ؛ ﴿٩﴾

نسبت به آنچه سنگینی‌اش مرا به زانو درآورده، یاری می‌طلبم. (۹)

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِنَفْسِي عَلَى
 پس بر محمد و آلش درود فرست و وجودم را به خاطر

ظَلَمَهَا نَفْسِي، وَوَكِّلْ رَحْمَتَكَ بِاحْتِمَالِ
 ستم بر خود بر من ببخش، و رحمتت را به برداشتن بار سنگین

إِصْرِي، فَكَمْ قَدْ لِحِقَتْ رَحْمَتُكَ
 گناه از دوشم بر من بگمار. چه بسیار رحمتت به

بِالْمُسِيئِينَ، وَكَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوُكَ
 بدکاران رسیده، و چه فراوان گذشت و عفو تو شامل

الظَّالِمِينَ؛ ﴿١٠﴾ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
 ستمکاران شده. (۱۰) پس بر محمد و آلش درود فرست،

و برهان و حجتی بر ایجاد شکل آن در آخرت قرار دهی، و از تو درخواست می‌کنم

وَاسْتَحْمِلْكَ مِنْ ذُنُوبِي مَا قَدْ بَهْظَنِي حَمَلُهُ،
 بار گناهایی که حمل آن مرا گران بار ساخته از دوشم برداری و از تو

وَاسْتَعِينُ بِكَ عَلَى مَا قَدْ فَدَحَنِي ثِقَلُهُ؛ ﴿٩﴾

نسبت به آنچه سنگینی‌اش مرا به زانو درآورده، یاری می‌طلبم. (۹)

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِنَفْسِي عَلَى ظَلَمَهَا نَفْسِي، وَوَكِّلْ رَحْمَتَكَ بِاحْتِمَالِ إِصْرِي، فَكَمْ قَدْ لِحِقَتْ رَحْمَتُكَ بِالْمُسِيئِينَ، وَكَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوُكَ بِالظَّالِمِينَ؛ ﴿١٠﴾ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،



وَاجْعَلْنِي أَسْوَأَ مَنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ وَتَجَاوَزَكَ عَنْ

و مرا سرمشق کسانی قرار ده، که آنان را به گذشتت از افتادن در افتادن گاه‌های

مَصَارِعِ الْخَاطِئِينَ، وَخَلَّصْتَهُ بِتَوْفِيقِكَ مِنْ

خطاکاران سرپا نگاه داشتی، و به توفیقت از

وَرَطَاتِ الْمُجْرِمِينَ، فَأَصْبَحَ طَلِيقَ عَفْوِكَ مِنْ

ورطه‌های مجرمان رها کردی، پس در سایه عفوت از

إِسَارَتِ سُخْطِكَ، وَعَتِيقَ صُنْعِكَ مِنْ وَثَاقِ عَدْلِكَ؛

اسارت خشمت رها شد، و به دست احسانت از بند عدالتت به آزادی رسید.

﴿۱۱﴾ إِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ ذَلِكَ - يَا إِلَهِي - تَفَعَّلَهُ

(۱۱) ای خدای من! اگر این گونه رفتار کنی،

بِمَنْ لَا يَجْحَدُ اسْتِحْقَاقَ عُقُوبَتِكَ، وَلَا يُبْرِئُ

درباره کسی رفتار کرده‌ای که استحقاق عقوبتت را انکار نمی‌کند و خود را از

نَفْسِهِ مِنْ اسْتِجَابِ نِقْمَتِكَ؛ ﴿۱۲﴾ تَفَعَّلَ ذَلِكَ

سزاوار بودن نسبت به خشمت تبرئه نمی‌فاید. (۱۲) ای خدای من! این رفتار را

يَا إِلَهِي، بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرَ مِنْ طَمَعِهِ

با کسی می‌کنی که ترسش از تو، از امیدش به تو بیشتر است،

فِيكَ، وَبِمَنْ يَأْسُهُ مِنَ النِّجَاةِ أَوْ كَدُّ مِنْ رَجَائِهِ

و نومیدیش از نجات، از امیدش به رهایی پابرجاتر است،

لِلْخَلَاصِ، لَا أَنْ يَكُونَ يَأْسُهُ فُنُوطًا، أَوْ

نه این که نومیدیش از باب یأس از رحمت تو یا امیدش بر اساس مغرور بودن



أَنْ يَكُونَ طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقَلَّةِ حَسَنَاتِهِ بَيْنَ

به کرم تو باشد؛ بلکه از این جهت است که خوبی‌هایش نسبت به گناهانش

سَيِّئَاتِهِ، وَضَعِفِ حُجَجُهُ فِي جَمِيعِ تَبَعَاتِهِ؛

اندک، و دلایلش در مورد وظایفی که برعهده‌اش بوده، سست و بی‌پایه است.

(۱۳) فَأَمَّا أَنْتَ - يَا إِلَهِي - فَأَهْلٌ أَنْ لَا يَغْتَرَّ

(۱۳) ای خدای من! شایسته‌ای که صدیقان به تو مغرور

بِكَ الصِّدِّيقُونَ، وَلَا يِيَّاسَ مِنْكَ الْمُجْرِمُونَ،

نشوند، و گنهکاران از تو مأیوس نگردند؛

لَأَنَّكَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ، الَّذِي لَا يَمْنَعُ أَحَدًا

زیرا تو پروردگار بزرگی هستی که احسانت را از احدی منع نمی‌کنی،

فَضْلَهُ، وَلَا يَسْتَقْصِي مِنْ أَحَدٍ حَقَّهُ؛ (۱۴)

و در گرفتن حق خود به کسی سخت‌گیری روا نمی‌داری، (۱۴)

تَعَالَى ذِكْرُكَ عَنِ الْمَذْكُورِينَ، وَتَقَدَّسَتْ

یادت از یاد شدگان برتر است، و نام‌هایت از نسبت نقص منزّه و پاک است،

أَسْمَاؤُكَ عَنِ الْمَنْسُوبِينَ، وَفَشَتْ نِعْمَتُكَ فِي

و نعمتت در میان تمام آفریده‌ها پراکنده و پخش است. تو را

جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ؛ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ؛ يَا رَبِّ

بر تمام آنچه از اوصافت بیان شد سپاس، ای پروردگار

العالمين.

جهانیان!



— ﴿ ۴۰ ﴾ —

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَعِيَ إِلَيْهِ مَيِّتٌ،

دعای امام سجاد علیه السلام به وقتی که خبر مرگ کسی به او می‌رسید

أَوْ ذَكَرَ الْمَوْتَ

یا از مرگ یاد می‌کرد

﴿ ۱ ﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنَا طَوْلَ

(۱) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و ما را از آرزوی دور و دراز بی‌نیاز

الْأَمَلِ، وَقَصِّرْهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ، حَتَّى

کن، و دست آرزوهای دراز با عمل راستین از دامن حیات ما کوتاه فرما

لَا نُؤَمِّلَ اسْتِمَامَ سَاعَةٍ بَعْدَ سَاعَةٍ، وَلَا اسْتِيفَاءَ

تا به پایان بردن ساعتی را از پی ساعتی، و دریافتن روزی را که به دنبال

يَوْمٍ بَعْدَ يَوْمٍ، وَلَا اتِّصَالَ نَفْسٍ بِنَفْسٍ، وَلَا لِحُوقِ

روزی، و پیوستن نفسی را به نفسی، و رسیدن گامی را به گامی آرزو نکنیم،

قَدَمٍ بِقَدَمٍ؛ ﴿ ۲ ﴾ وَسَلِّمْنَا مِنْ غُرُورِهِ، وَأَمَّا

(۲) و از فریب آرزوها ما را سالم دار، و از بدی‌هایش امان ده، و مرگ را

مِنْ شُرُورِهِ، وَانصِبِ الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا

در برابر دیدگان ما قرار داده؛ قرار دانی دائم و همیشگی، و یادش را به

نَصَبًا، وَلَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِيبًا، ﴿ ۳ ﴾ وَاجْعَلْ

گونه‌ای قرار مده که روزی یادش کنیم، و روزی از آن غفلت ورزیم. (۳)



لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ، عَمَلًا نَسْتَبِطُّهُ مَعَهُ

و از اعمال شایسته عملی برایمان قرار ده، که آمدن به سوی تو را همراه

الْمَصِيرِ إِلَيْكَ، وَ نَحْرِصُ لَهُ عَلَى وَشِكِ اللَّحَاقِ

با آن آرام و آهسته شماریم، و برای زود رسیدن به لقای تو حرص ورزیم؛

بِكَ، حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ مَا نَسْنَا الَّذِي نَأْتِسُ

به طوری که مرگ برای ما محلّ انسی باشد که به آن انس گیریم، و مرکز

بِهِ، وَ مَا لَفْنَا الَّذِي نَشْتَقُ إِلَيْهِ، وَ حَامَّتْنَا

الفتی باشد که به آن شوق ورزیم، و خویشاوند نزدیکی باشد که نزدیکی

الَّتِي نُحِبُّ الدُّنُومَ مِنْهَا؛ ﴿٤﴾ فَأَذَا أوردته عَلَيْنَا،

به او را دوست داشته باشیم. (۴) پس هنگامی که مرگ را بر ما وارد کنی و

وَ أَنْزَلْتَهُ بِنَا، فَاسْعِدْنَا بِهِ زَائِرًا، وَ أَنْسَنَا بِهِ

نازل فرمایی، ما را از دیدار چنین دیدار کننده‌ای خوشبخت فرما، و زمانی که بر

قَادِمًا، وَ لَا تُشْقِنَا بِضِيَافَتِهِ، وَ لَا تُخْرِزْنَا بِزِيَارَتِهِ،

ما وارد شد، ما را با او مأنوس ساز و ما را به مهمانیش به رنج و زحمت مینداز،

وَ اجْعَلْهُ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ، وَ مِفْتَاحًا مِنْ

و به زیارتش خوار و سرافکننده مکن، و آن را دری از درهای آمرزشت، و کلیدی

مِفْتَاحِ رَحْمَتِكَ.

از کلیدهایی رحمتت قرار ده.

﴿٥﴾ أَمِتْنَا مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ، طَائِعِينَ

(۵) ما را در زمره هدایت یافتگان بمیران؛ نه گمراهان، و در سلك مطیعانی



غَيْرَ مُسْتَكْرِهِينَ، تَائِبِينَ غَيْرَ عَاصِينَ
که از مرگ اکراه ندارند، و در جمع توبه کنندگان از دنیا ببر نه گناهکاران
وَلَا مُصْرِينَ؛ يَا ضَامِنَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ،
و اصرار ورزان به گناه، ای ضامن پاداش نیکوکاران،
وَمُسْتَصْلِحَ عَمَلِ الْمُفْسِدِينَ.
و اصلاح کننده کردار بدکاران!



﴿ ۴۱ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ السِّرِّ وَالْوَقَايَةِ

دعای امام سجاد علیه السلام در طلب پرده‌پوشی بر گناه و محفوظ ماندن از حوادث

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَفْرِشْنِي

(۱) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و بستر

مه‌آوردن مرا بر بستر، و آوردن من مشارع رحمتت،

کرامتت را برایم بگستران، و به آب‌سخورهای رحمت درآور، و

و اَحْلِلْنِي مُجْبُوْحَةً جَنَّتِكَ؛ ﴿۲﴾ وَلَا تَسْمِنِي

در وسط بهشت جایم ده، (۲) و داغ مردود شدن از درگاهت

بِالرَّدِّ عَنكَ، وَلَا تَحْرِمْنِي بِالْخَيْبَةِ مِنْكَ،

را بر پیشانیم مگذار، و به نومیدی از درگاهت محروم مکن،

وَلَا تُقَاصِّنِي بِمَا اجْتَرَحْتُ، وَلَا تُنَاقِشْنِي بِمَا

و به گناهی که مرتکب شدم، مرا به عرصه تقاض و عقوبت مینداز، و به

اِكْتَسَبْتُ، وَلَا تُبْرِزْ مَكْتُومِي، وَلَا تَكْشِفْ

خاطر اعمال زشتی که انجام داده‌ام، حسابم را مورد دقت قرار مده، و رازم

مَسْتُورِي، وَلَا تَحْمِلْ عَلَيَّ مِيزَانَ الْاِنْصَافِ

را آشکار مکن، و سبم را فاش مساز، و معلم را در ترازوی عدالت مگذار،

عَمَلِي، وَلَا تُعَلِّنْ عَلَيَّ عِيُونَ الْمَلَائِكَةِ؛ ﴿۳﴾

و امور پنهانم را در برابر چشم بزرگان و پیشوایان برملا مکن. (۳)



أَخْفِ عَنْهُمْ مَا يَكُونُ نَشْرُهُ عَلَيَّ عَارًا، وَاطْوِ

و آنچه که آشکار شدنش مایه ننگ من است، از آنان پنهان دار، و آنچه

عَنْهُمْ مَا يُلْحِقُنِي عِنْدَكَ شَنَارًا، شَرِّفْ دَرَجَتِي

مرا در حضورت بدنام و رسوا کند، از دیدگان آنها بیوشان، مرتبه‌ام

بِرِضْوَانِكَ، ﴿٤﴾ وَأَكْمِلْ كَرَامَتِي بِغُفْرَانِكَ،

را به خشنودیت بالا بر، (۴) و کرامتم را به آمرزشت کامل کن،

وَانظِمْنِي فِي أَصْحَابِ الْيَمِينِ، وَوَجِّهْنِي فِي

و مرا در زمره اصحاب یمن درآور، و به جانب راه‌های ایمن

مَسَالِكِ الْأَمْنِينَ، وَاجْعَلْنِي فِي فَوْجِ الْفَائِزِينَ،

یافتگان هدایتم کن، و در گروه رستگاران قرار ده،

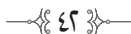
وَاعْمُرْ بِي مَجَالِسَ الصَّالِحِينَ.

و انجمن شایستگان را به وجود من آباد کن،

آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

ای پروردگار جهانیان! دعایم را مستجاب فرما.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ

دعای امام سجاد علیه السلام به وقت ختم قرآن

﴿۱﴾ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعَنْتَنِي عَلَى خَتْمِ كِتَابِكَ الَّذِي

(۱) خدایا! تو مرا به پایان رساندن قرائت قرآنت یاری دادی؛ قرآنی که آن

أَنْزَلْتَهُ نُورًا، وَجَعَلْتَهُ مُهَيْمِنًا عَلَى كُلِّ كِتَابٍ

را به صورت نور فرستادی، و بر هر کتابی که نازل کردی، شاهد و نگهبان

أَنْزَلْتَهُ، وَفَضَّلْتَهُ عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ،

قرار دادی، و بر هر سخن و کلامی که بر خواننده‌ای برتری دادی. (۲)

﴿۲﴾ وَفُرْقَانًا فَفَرَّقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَحَرَامِكَ،

و جدا کننده‌اش ساختی، که به وسیله آن بین حلال و حرمت جدایی انداختی، و آیات

وَقُرْآنًا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ، وَكِتَابًا

به هم پیوسته‌ای است، که از برکت آن، راه‌های احکامت را آشکار کرده‌ای، و کتابی

فَضَّلْتَهُ لِعِبَادِكَ تَفْصِيلًا، وَوَحِيًّا أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ

است که هر چیزی را برای بندگانت در آن بیان کرده‌ای؛ بیانی جامع و رسا، و وحی

نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - تَنْزِيلًا،

است که بر پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله فرود آوردی؛ فرود آوردنی به حق.

﴿۳﴾ وَجَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ

(۳) و آن را نوری قرار دادی، که در پرتو پیروی از آن از تاریکی‌های



وَالْجَهَالَةَ بِاتِّبَاعِهِ، وَشِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهْمٍ

گمراهی و نادانی، به عرصه‌گاه هدایت راه یابیم، و شفا برای کسی که با رعایت

التَّصَدِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ، وَمِيزَانَ قِسْطٍ لَا يَحِيفُ

سکوت به آیاتش گوش فرا دهد، برای آن که مفاهیم و معانی‌اش را درک کند، و

عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ، وَنورَ هُدًى لَا يَطْفَأُ عَنِ

واقعیت‌هایش را با دل و جان تصدیق نماید، و ترازوی عدلی که زبانه‌اش از حق

الشَّاهِدِينَ بُرْهَانُهُ، وَعِلْمَ نَجَاةٍ لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ

منحرف نمی‌شود و نور هدایتی که روشنایی برهانش، از برابر بینندگان خاموش

قَصْدَ سُنَّتِهِ، وَلَا تَنَالُ أَيْدِي الْهَلَكَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ

نگردد، و پرچم نجاتی که هر کس به جانب آیین استوارش قصد کند، گمراه نشود،

بِعُرْوَةِ عِصْمَتِهِ. ﴿٤﴾ اللَّهُمَّ فَادِنَا الْمَعُونَةَ

و هر کس به دستگیره عصمتش در آویزد، دست‌های هلاک کننده به او نرسد. (۴)

عَلَى تِلَاوَتِهِ، وَسَهَّلْتَ جَوَابِي السِّنِّتِ بِحُسْنِ

خدایا! هم اکنون که ما را به تلاوت قرآن یاری دادی، و عقده‌های زبانه‌مان را به

عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرَعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ،

زیبایی عبارت‌ش گشودی، پس ما را از کسانی قرار ده، که حق این کتاب را چنانکه

وَيَدِينُ لَكَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِمُحْكَمِ آيَاتِهِ،

سزاوار آن است رعایت کنند، و تو را با اعتقاد تسلیم در برابر آیات محکمات

وَيَفِزُ عَالِي الْأَقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَمَوْضِحَاتِ بَيِّنَاتِهِ.

اطاعت نمایند، و به پناهگاه اقرار به متشابهاتش، و دلایل روشنش پناه برند.



﴿۵﴾ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَي نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ - صَلَّى

(۵) خدایا! تو قرآن را بر پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله مجمل و

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - جُمَلًا، وَاهْمَتَهُ عِلْمَ مَجَائِبِهِ

سربسته نازل کردی، و دانش شگفتی‌هایش را به طور کامل به او الهام

مُكَمَّلًا، وَوَرِّثْنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا، وَفَضَّلْتَنَا

فرمودی، و علم آن را به عنوان تفسیر به ما ارث دادی، و ما را بر کسانی که از

عَلَى مَنْ جَهَلَ عِلْمَهُ، وَقَوَّيْنَا عَلَيْهِ لِتَرْفَعَنَا

دانش قرآن بی‌خبرند برتری دادی، و قدرت آگاهی از حقایقش را به ما عنایت

فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمَلَهُ. ﴿۶﴾ اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَ

کردی، تا ما را بر کسانی که طاقت درک مفاهیم آن، و قیام به آیاتش را ندارند،

قُلُوبِنَا لَهُ حَمَلَةً، وَعَرَفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرْفَهُ

رفعت و سروری بخشی. (۶) خدایا! چنانکه دل‌های ما را حامل واقعیت‌های

وَفَضَلَهُ؛ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ،

آن ساختی، و شرافت و فضیلتش را به ما فهماندی، پس بر محمد خطیب

وَعَلَى آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ

به قرآن و بر آتش خزانه‌داران قرآن درود فرست، و ما را از کسانی قرار

بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ، حَتَّى لَا يُعَارِضَنَا الشُّكُّ فِي

ده که اعتراف دارند: قرآن از جانب توست، تا شک و شبهه‌ای در مسیر

تَصَدِيقِهِ، وَلَا يَخْتَلِجَنَا الزَّبِيعُ عَن قَصْدِ طَرِيقِهِ.

تصدیق آن، عارض دل‌های ما نشود و انحرافی، ما را از راه راستش باز ندارد.



(۷) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا

(۷) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان

مِمَّنْ يَعْتَصِمُ بِحَبْلِهِ، يَا أَوْى مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَى

محکم قرآن چنگ می‌زنند، و از متشابهات که محل لغزش عقول است، در پناه

حِرْزِ مَعْقِلِهِ، وَيَسْكُنُ فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ، وَيَهْتَدِي

آیات محکمش مأوی می‌گیرند، و در سایه بال رحمتش آرامش می‌یابند، و به نور

بِضَوْءِ صَبَاحِهِ، وَيَقْتَدِي بِتَبَلُّجِ إِسْفَارِهِ، وَيَسْتَصْبِحُ

صبحگاهش راه می‌یابند، و به درخشندگی سپیده‌اش که موجب آشکار شدن حق

بِمِصْبَاحِهِ، وَلَا يَلْتَمِسُ الْهُدَىٰ فِي غَيْرِهِ.

است اقتدا می‌کنند، و از چراغش، چراغ می‌افروزند، و از غیر آن هدایت نمی‌جویند.

(۸) اللَّهُمَّ وَكَأَمَّا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا

(۸) خدایا! همان گونه که محمد را به وسیله قرآن نشانه‌ای، برای هدایت

لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ، وَأَنْهَجْتَ بِاللَّهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْكَ؛

به سوی خود نصب کردی و به سبب آل او، راه‌های خشنودی خود را

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً

آشکار ساختی، پس بر محمد و آلش درود فرست، و قرآن را برای ما وسیله

لَنَا إِلَىٰ أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ، وَسَلَّمًا نَعْرُجُ

رسیدن به بالاترین منازل کرامت، و نردبانی که به جانب محل سلامت بالا

فِيهِ إِلَىٰ مَحَلِّ السَّلَامَةِ، وَسَبَبًا نُجْزَىٰ بِهِ النِّجَاةَ فِي

رویم، و سببی که به وسیله آن، رهایی در عرصه قیامت را پاداش داده



عَرَصَةَ الْقِيَامَةِ، وَذَرِيعَةً نَقَدُمُ بِهَا عَلَى نَعِيمِ

شویم و وسیله‌ای که از برکت آن در نعمت‌های سرای اقامت وارد گردیم،

دَارِ الْمُقَامَةِ.

قرار ده.

(۹) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْطُطْ

(۹) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و به واسطه قرآن، سنگینی گناهان

بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقَلَ الْأَوْزَارِ، وَهَبْ لَنَا حُسْنَ

را از دوش ما فرود آر، و زیبایی اخلاق نیکان را به ما عنایت فرما، و ما

شَمَائِلَ الْأَبْرَارِ، وَاقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ

را پیرو آثار کسانی قرار ده که همه ساعات شب و تمام روز را، به وسیله

بِهِ، أَنَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ، حَتَّى تُطَهِّرَنَا

قرآن به بندگی برخاستند، تا جایی که ما را به پاک کنندگی آن، از هر آلودگی

مِنْ كُلِّ دَنَسٍ بَطْهِيرِهِ، وَتَقْفُو بِنَا آثَارَ

پاک کنی. و تابع آثار کسانی قرار دهی که به نور قرآن روشنی جستند، و آرزوی

الَّذِينَ اسْتَضَاءُوا وَابْنُورِهِ، وَلَمْ يُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنْ

بی جا آنها را از عمل برای آخرت غافل نکرد، تا با فریب و نیرنگ‌هایش آنان را

الْعَمَلِ، فَيَقْطَعَهُمْ بِمُخَدَّعِ غُرُورِهِ.

به هلاکت اندازد، و از به دست آوردن آخرت باز دارد.

(۱۰) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ

(۱۰) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و قرآن را برای ما زمینه این



لَنَا فِي ظَلَمِ اللَّيَالِي مَوْنَسًا، وَمِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ

منافع قرار ده؛ در تاریکی‌های شبها مونس، و از تحریکات شیطان

وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا، وَلَا قَدَامِنَا عَن

برای ارتکاب گناه، و خطرات وسوسه‌ها نگهبان، و برای گام‌های ما

نَقَلْهَا إِلَى الْمَعَاصِي حَابِسًا، وَلَا لَسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ

از حرکت به سوی گناهان بازدارنده، و برای زبان‌هایمان از فرو رفتن در

فِي الْبَاطِلِ، مِنْ غَيْرِ مَا آفَةٌ مُخْرَسًا، وَ لِجَوَارِحِنَا

گفتار باطل، - نه به خاطر بیماری-لال کننده، و برای اندامانمان

عَنْ اِقْتِرَافِ الْآثَامِ زَاجِرًا، وَ لِمَا طَوَّتِ الْغَفْلَةُ

از ارتکاب گناه مانع شونده، و برای طومار و اوراق عبرت که

عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ الْاِعْتِبَارِ نَاشِرًا، حَتَّى تُوَصَّلَ اِلَى

دست غفلت آن را در هم پیچیده، گستراننده، تا فهم شگفتی‌هایش

قُلُوبِنَا فَهَمَّ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَّاجِرًا مِثَالِهِ، الَّتِي ضَعُفَتْ

و پندهای باز دارنده‌اش را که کوه‌های استوار،

الْجِبَالُ الرَّوَاسِي عَلَى صَلَابَتِهَا عَنِ احْتِمَالِهِ.

با وجود صلابتشان از تحمل آن ناتوانند، به دل‌های ما برسانی.

﴿۱۱﴾ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ اَدِمَّ

(۱۱) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و به وسیله قرآن آراستگی

بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا، وَ اَحْبُبْ بِهِ خَطَرَاتِ

ظاهر ما را تداوم بخش و خطرات وسوسه‌ها را از پنجه انداختن به سلامت



الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحَّةِ ضَمَائِرِنَا، وَاغْسِلْ بِهِ دَرْنَ

دروغمان باز دار، و به سبب قرآن چرك دل همامان، و وابستگی گناهامان را به

قُلُوبِنَا وَعَلَائِقَ أَوْزَارِنَا، وَاجْمَعْ بِهِ مُنْتَشَرَ

وجودمان بشوی، و امور از هم پاشیده ما را به قرآن سامان بخش، و در جایگاه

أُمُورِنَا، وَأَرُو بِهِ فِي مَوْقِفِ الْعَرَضِ عَلَيْكَ ظَمًا

عرض اعمال به پیشگاهت، تشنگی ما را که زاییده گرمای آن جاست، به سبب

هُوَ اجْرِنَا، وَاكْسُنَا بِهِ حُلَّ الْأَمَانِ، يَوْمَ الْفَزَعِ

قرآن فرو نشان، و در هنگام برانگیختنمان در روز وحشت بزرگ، به وسیله قرآن

الْأَكْبَرِ فِي نُشُورِنَا.

بر ما جامه امن و امان پوشان.

(۱۲) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْبُرْ

(۱۲) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و خلأ و شکاف تنگدستی و نداری

بِالْقُرْآنِ خَلَّتْنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ، وَسُقِّ الْيَنَابِ بِهِ

ما را به وسیله قرآن جبران فرما، و به سبب قرآن زندگی فراخ و گسترده و

رَغَدَ الْعَيْشِ، وَخِصَبَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ، وَجَنَّبْنَا

فراوانی ارزاق را به سوی ما سوق ده، و ما را در سایه قرآن، از خصلت‌های

بِهِ الضَّرَائِبِ الْمَذْمُومَةِ، وَمَدَانِي الْأَخْلَاقِ،

ناپسند و پستی‌های اخلاقی دور کن، و به وسیله قرآن از سقوط در منجلاب

وَاعِصْمْنَا بِهِ مِنْ هُوَةِ الْكُفْرِ، وَدَوِّعِي النَّفَاقِ،

کفر، و انگیزه‌های نفاق حفظ فرما، تا قرآن در روز قیامت راهبر و راهنمای



حَتَّىٰ يَكُونَ لَنَا فِي الْقِيَامَةِ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ وَجِنَانِكَ
 ما به سوی خشنودیت و بهیشت‌هایت باشد، و در این جهان
 قَائِدًا، وَلَنَا فِي الدُّنْيَا عَن سَخِطِكَ وَتَعَدِّي
 از خشمت، و تجاوز از حدودت بازمان دارد، و برای ما
 حُدُودِكَ ذَائِدًا، وَلَمَّا عِنْدَكَ بِتَحْلِيلِ حَلَالِهِ
 در پیشگاهت، در حلال دانستن حلالش، و حرام دانستن
 وَتَحْرِيمِ حَرَامِهِ شَاهِدًا.

حرامش شاهد و گواه باشد.

(۱۳) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَوِّنْ بِالْقُرْآنِ
 (۱۳) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و هنگام مرگ به سبب قرآن،

عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَىٰ أَنْفُسِنَا كَرَبِ السِّيَاقِ، وَجَهْدَ
 سختی جان دادن، دشواری ناله کردن، و به شماره افتادن نفس را،

الْأَيْنِ، وَتَرَادُفِ الْحَشَارِجِ، إِذَا بَلَغَتِ النَّفْسُ
 آن هم وقتی که جان‌ها به گلو رسند، و گفته شود: چه کسی

الْتَّرَاقِ، وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ؟ وَتَجَلَّىٰ مَلَكُ الْمَوْتِ
 معالجه‌گر است؟! بر ما آسان فرما. آری، آسان فرما به خصوص

لِقَبْضِهَا، مِنْ حُجْبِ الْغُيُوبِ، وَرَمَاهَا عَن قَوْسِ
 هنگامی که فرشته مرگ، برای گرفتن جان از پرده‌های غیب آشکار شود، و

الْمَنَايَا، بِأَسْمِهِمْ وَحَشَّةِ الْفِرَاقِ، وَدَافَ لَهَا مِنْ
 تیرهای وحشتناک فراق را از کمان اجل به سوی روح پرتاب کند، و از زهر



ذُعَافِ الْمَوْتِ ، كَأَسَا مَسْمُومَةَ الْمَذَاقِ ،

کشنده مرگ، شربتی مسموم برای جان آماده نماید،

وَدَنَا مِنَّا إِلَى الْأَخِرَةِ رَحِيلٌ وَانْطِلَاقٌ، وَصَارَتْ

و کوچ کردن و حرکت ما از دنیا به آخرت نزدیک شود،

الْأَعْمَالُ قَلَائِدَ فِي الْأَعْنَاقِ، وَكَانَتْ الْقُبُورُ

و عملها و کردارها، گردن بندهایی بر گردن گردد، و قبرها،

هِيَ الْمَأْوَى إِلَى مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ.

تا روز دیدار و ملاقات آرامگاه باشد.

﴿١٤﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَارِكْ لَنَا

(۱۴) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ورود ما را در خانه

فِي حُلُولِ دَارِ الْبَلِي، وَطُولِ الْمُقَامَةِ بَيْنَ أَطْبَاقِ

کهنگی و پوسیدگی، و طول اقامتمان را بین طبقات خاک بر ما مبارک

السَّرَى، وَاجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا خَيْرَ

گردان، و قبرها را پس از جدایی از دنیا بهترین منازل قرار ده، و

مَنَازِلِنَا، وَافْسَحْ لَنَا بِرَحْمَتِكَ فِي ضَيْقِ مَلَا حِدِنَا،

تنگی لحد را به رحمتت، برای ما وسعت ده، و در برابر حاضران

وَلَا تَفْضُحْنَا فِي حَاضِرِي الْقِيَامَةِ، بِمَوْبِقَاتِ

عرصه قیامت، به گناهان هلاک کننده‌ای که بر گردن ماست رسوایان

أَثَامِنَا، ﴿١٥﴾ وَارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِي مَوْقِفِ الْعَرِضِ

مکن، (۱۵) و به سبب قرآن در جایگاه عرض اعمال، بر ذلت و



عَلَيْكَ، ذُلِّ مَقَامِنَا، وَثَبَّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ

پستی وضع ما ترحم فرما، و هنگام لرزش پل جهنم، لغزش گام‌های ما

جِسْرِ جَهَنَّمَ، يَوْمَ الْمَجَازِ عَلَيْهَا زَلَّ أَقْدَامِنَا،

را به وقت عبور از آن به وسیله قرآن استوار ساز، و پیش از برپا شدن

وَنُورٍ بِهِ قَبْلَ الْبَعْثِ سُدِّفَ قُبُورِنَا، وَنَجَّنا بِهِ

قیامت، تاریکی گورهای ما را به قرآن روشن کن، و ما را در سایه قرآن

مِن كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَشَدَائِدِ أَهْوَالِ

از هر گونه اندوه روز قیامت، و سختی ترس‌های روز بلاي بزرگ

يَوْمِ الطَّامَةِ، ﴿١٦﴾ وَبَيِّضَ وُجُوهَنَا يَوْمَ تَسْوَدُّ

و بی‌مانند نجات ده، (۱۶) و روزی که چهره ستم پیشگان

وُجُوهُ الظُّلْمَةِ، فِي يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَالتَّدَامَةِ،

سیاه می‌شود - روز حسرت و پشیمانی - چهره‌های ما را سپید کن، و برای ما

وَاجْعَلْ لَنَا فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ وُدًّا، وَلَا تَجْعَلِ

در دل‌های مردم مؤمن، محبت و دوستی قرار ده، و زندگی را بر ما سخت

الْحَيَاةَ عَلَيْنَا نَكْدًا.

و دشوار مکن.

﴿١٧﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، كَمَا

(۱۷) خدایا! بر محمد بنده و رسولت درود فرست، در برابر این که، پیام دینت را

بَلَّغَ رِسَالَتِكَ، وَصَدَّعَ بِأَمْرِكَ، وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ.

به مردم رساند، و فرمانت را آشکار کرد، و نسبت به بندگانت خیرخواهی فرمود.



(۱۸) اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا - صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى

(۱۸) خدایا! پیامبر ما را که درودت بر او و بر آتش باد،

إِلَهٍ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا،

روز قیامت از مقربترین پیامبران،

وَأَمْكَنَهُمْ مِنْكَ شَفَاعَةً، وَأَجَلَّهُمْ عِنْدَكَ

و از نظر شفاعت در پیشگاهت، از نیرومندترین آنان، و از جهت منزلت و مقام

قَدْرًا، وَأَوْجَهَهُمْ عِنْدَكَ جَاهًا.

از والاترین آنان، و از نظر جاه و آبرو، آبرومندترین آنان قرار ده.

(۱۹) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَشَرِّفْ

(۱۹) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست، و بنیانش را

بُنْيَانَهُ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَثَقِّلْ مِيزَانَهُ، وَتَقَبَّلْ

برتری ده، و دلیل و برهانش را بزرگ و با عظمت فرما، و میزانش را سنگین کن،

شَفَاعَتَهُ، وَقَرِّبْ وَسِيلَتَهُ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ،

و شفاعتش را بپذیر، و وسیله اش را نزدیک فرما، و رویش را سپید کن،

وَأَتِمِّ نُوْرَهُ، وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ، وَأَحْيِنَا عَلَى سُنَّتِهِ،

و نورش را کامل، و درجه اش را بلند ساز، و ما را بر روش او زنده بدار،

وَتَوْفِنَا عَلَى مِلَّتِهِ، وَخُذْنَا مِنْهَا جِهًا، وَاسْلُكْ بِنَا

و بر آیینش همی‌ران، و ما را در راهش قرار ده، و در راه او

سَبِيلَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ، وَاحْشُرْنَا

راه بر، و از اهل طاعتش قرار ده، و در گروه او



فِي زَمْرَتِهِ، وَأُورِدْنَا حَوْضَهُ، وَاسْقِنَا بِكَاسِهِ؛

محمشور کن، و به حوضش وارد فرما، و از جامش سیرابمان کن.

﴿٢٠﴾ وَصَلِّ - اللَّهُمَّ - عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً

(۲۰) و بر محمد و آلش درود فرست؛ درودی که

تَبْلُغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ، وَفَضْلِكَ

به وسیله آن او را به آنچه که از خیر و احسان و کرامت

وَكَرَامَتِكَ؛ إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَفَضْلٍ كَرِيمٍ.

امید دارد پرسانی، همانا تو صاحب رحمت گسترده و احسان گران قدری.

﴿٢١﴾ اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَاتِكَ،

(۲۱) خدایا! به خاطر این که پیام‌هایت را رساند، و آیات

وَآدَى مِنْ آيَاتِكَ، وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ، وَجَاهَدَ

را به سوی مردم برد، و برای بندگانت خیرخواهی کرد،

فِي سَبِيلِكَ، أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ

و در راهت جهاد کرد، پاداشی به او عنایت فرما، برتر از

مَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبِينَ، وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ

پاداشی که به هر یک از فرشتگان مقرب، و انبیای مرسل

الْمُصْطَفَيْنَ؛ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ

و برگزیده‌ها عنایت فرمودی، سلام و رحمت و برکات خدا،

الطَّاهِرِينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

بر او و بر اهل بیت پاکیزه و پاکش باد.



﴿ ۴۳ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيَّ إِذَا نَظَرْتُ إِلَى الْهِلَالِ

دعای امام سجاد علیه السلام هنگامی که به ماه نو نگاه می‌کرد

﴿۱﴾ أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ، الدَّائِبُ السَّرِيعُ، الْمُتَرَدِّدُ

(۱) ای آفریده فرمانبردار و پوینده دائم و شتابان، رفت و

فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ، الْمُتَصَرِّفِ فِي فَلَكَ التَّدْبِيرِ،

آمد کننده در منازل معین شده و تصرف کننده در فلك تدبیر،

﴿۲﴾ أَمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلْمَ، وَأَوْضَحَ بِكَ

(۲) ایمان آوردم به کسی که به سبب تو تاریکی‌ها را روشن کرد، آنچه را با

الْبُهْمِ، وَجَعَلْتَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِكَ، وَعَلَامَةً

حواس به سختی می‌توان یافت، به وسیله تو آشکار ساخت، و تو را دلیلی

مِنْ عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ، وَامْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ

از دلایل فرمانروایی بر هستی، و نشانه‌ای از نشانه‌های سلطنت و قدرتش

وَالتُّقْصَانِ، وَالطُّلُوعِ وَالْأُفُولِ، وَالْإِنَارَةِ

قرار داد، و تو را به زیادی و نقصان، و طلوع و غروب، و تابندگی و گرفتگی،

وَالْكُسُوفِ.

به خدمت گرفت.

﴿۳﴾ فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ، وَإِلَى إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ.

(۳) در تمام این حالات فرمانبردار اویی، و به سوی خواسته‌اش شتابانی.



﴿٤﴾ سُبْحَانَهُ، مَا عَجَبَ مَا دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ! وَالْطَّفَّ

(۴) چه شگفت است تدبیری که در برنامه تو به کار برده، و چه

مَا صَنَعَ فِي شَأْنِكَ! جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرِ حَادِثٍ،

دقیق است آنچه در شأن تو انجام داده، تو را کلید ماهی جدید، برای

لِأَمْرِ حَادِثٍ؛ ﴿٥﴾ فَاسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكَ،

کاری جدید قرار داده. (۵) از خداوند، پروردگام و پروردگارت،

وَ خَالِقِي وَ خَالِقِكَ، وَ مُقَدِّرِي وَ مُقَدِّرِكَ،

و آفریننده‌ام و آفریننده‌ات، و تقدیر کننده‌ام و تقدیر کننده‌ات،

وَ مُصَوِّرِي وَ مُصَوِّرِكَ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و صورتگرم و صورتگرت، درخواست می‌کنم که بر محمد

وَ آلِهِ، وَ أَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالًا بَرَكَةً لَا تَمَحُّهَا

و آتش درود فرستد، و تو را هلال بابرکتی قرار دهد، که گذشت روزگاران آن برکت را

الْأَيَّامُ، وَ طَهَارَةً لَا تُدْنِسُهَا الْآثَامُ، ﴿٦﴾ هِلَالًا

از بین نبرد، و هلال پاکی که گناهان آلوده‌اش نکند، (۶) هلال

أَمِنٍ مِنَ الْآفَاتِ، وَ سَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ، هِلَالًا

ایمنی از بلاها، و سلامتی از بدی‌ها، هلال خوشی طالعی که

سَعِدٍ لَا نَحْسَ فِيهِ، وَ يُمِنُ لَا نَكْدَ مَعَهُ، وَ يُسِرُّ

نحسی در آن نباشد، و با میمنتی که مشقت گرد آن نگردد، و آسایشی که

لَا يَمَازِجُهُ عُسْرٌ، وَ خَيْرٌ لَا يَشُوْبُهُ شَرٌّ، هِلَالًا أَمِنٍ

دشواری با آن مخلوط نشود، و خیریه که ممزوج به شر نگردد، هلال امن



وَإِيْمَانٍ، وَنِعْمَةٍ وَإِحْسَانٍ، وَسَلَامَةٍ وَإِسْلَامٍ.

و امان، و نعمت و احسان، و سلامت و اسلام.

(۷) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا

(۷) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از خشنودترین کسانی

مِنَ أَرْضِي مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ، وَازْكِى مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ،

قرار ده که ماه نو بر آن طلوع کرده، و از پاکیزه‌ترین کسانی که به آن

وَ أَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ، وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِلتَّوْبَةِ،

نگاه کرده، و خوشبخت‌ترین کسانی که در آن به انجام هر گونه عبادت، از

وَاعِصِمْنَا فِيهِ مِنَ الْحَوْبَةِ، وَاحْفَظْنَا فِيهِ

واجب و مستحب برخاسته‌اند، و ما را در این ماه به توبه موفق کن، و از

مِنَ مُبَاشَرَةِ مَعْصِيَتِكَ، (۸) وَ أَوْزِعْنَا فِيهِ

گناه حفظ فرما، و از دست زدن به معصیت نگاه دار، (۸) و ما را در این

شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَالْبِسْنَا فِيهِ جُنَانَ الْعَافِيَةِ، وَآتِمِّمْ

ماه به سپاسگزاری نعمت برانگیز، و پوشش‌های عافیت را به ما بپوشان،

عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْمِنَّةَ؛ إِنَّكَ

و به سبب کامل به جا آوردن بندگی در این ماه، نعمت را بر ما کامل

الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ؛ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

کن. تو بسیار نعمت دهنده و ستوده‌ای، و درود خدا بر محمد و آل پاک و

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

پاکیزه‌اش باد.





وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دَخَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ

دعای امام سجاد علیه السلام به وقت فرا رسیدن ماه مبارک رمضان

﴿۱﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ، وَجَعَلَنَا مِنْ

(۱) خدا را سپاس، که ما را به سپاس گزاریش هدایت فرمود، و ما را اهل

أَهْلِهِ، لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِيَجْزِيَنَا

سپاس قرار داد، برای این که از شکرگزاران احسانش شویم، تا در برابر این

عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ؛ ﴿۲﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

سپاس و شکر، پاداش نیکوکاران را به ما عنایت فرماید. (۲) خدا را سپاس که

الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ، وَاخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ، وَسَبَّلَنَا فِي

دینش را به ما عطا کرد، و ما را به آیینش اختصاص داد، و در راههای

سُبُلِ إِحْسَانِهِ، لِنَسُدَّكَهَا بِمَنِّهِ إِلَى رِضْوَانِهِ،

احسانش وارد کرد، تا در آنها به لطف و فضلش به جانب رضوانش حرکت کنیم؛

حَمْدًا يَتَقَبَّلُهُ مِنَّا، وَيَرْضَى بِهِ عَنَّا، ﴿۳﴾ وَالْحَمْدُ

حمدی که از ما بپذیرد، و به سبب آن از ما خشنود شود. (۳) و خدا را

لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ، شَهْرَ

سپاس که از جمله آن راهها، ماه خود، ماه

رَمَضَانَ، شَهْرَ الصِّيَامِ، وَشَهْرَ الْإِسْلَامِ، وَشَهْرَ

رمضان را قرار داد؛ ماه روزه، و ماه اسلام، ماه



الطَّهْرُ، وَ شَهْرَ التَّمْحِيصِ، وَ شَهْرَ الْقِيَامِ،
 پاک کننده، ماه آزمایش، ماه قیام به عبادت، و ماهی که قرآن را در آن نازل کرد،
 «الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ، هُدًى لِلنَّاسِ، وَ بَيِّنَاتٍ
 که سراسر برای مردم هدایت است و نشانه‌هایی روشن از هدایت، و جداکننده
 مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ»؛ ﴿٤﴾ فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى
 بین حق و باطل؛ (۴) پس برتریش را بر ماه‌های دیگر بر پایه احترامات زیادی که
 سَائِرِ الشُّهُورِ، بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرْمَاتِ
 برایش قرار داد، و فضیلت‌هایی که بین مردم مشهور است، آشکار ساخت. پس
 الْمَوْفُورَةِ، وَ الْفَضَائِلِ الْمَشْهُورَةِ، فَحَرَّمَ فِيهِ
 آنچه را در ماه‌های دیگر حلال بود، به خاطر بزرگداشت این ماه حرام کرد، و
 مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ إِعْظَامًا، وَ حَجَرَ فِيهِ الْمَطَاعِمَ
 خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها را محض گرمی داشت آن ممنوع فرمود، و بر آن وقتی
 وَ الْمَشَارِبَ إِكْرَامًا، وَ جَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيِّنًا،
 واضح و روشن قرار داد، و آن نهمین ماه از ماه‌های قمری است که حضرتش
 لَا يُجِزُّ جَلًّا وَ عَزًّا - أَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ، وَ لَا يَقْبَلُ
 جَلًّا وَ عَزًّا - می‌دهد از آن وقت معین پیش افتد، و نمی‌پذیرد که از آن
 أَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ؛ ﴿٥﴾ ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةَ وَاحِدَةٍ مِنْ
 پس افتد. (۵) سپس یکی از شب‌هایش را بر شب‌های هزار ماه برتری داد، و
 لَيْلِيهِ، عَلَى لَيَالِي أَلْفِ شَهْرٍ، وَ سَمَّاها لَيْلَةَ الْقَدْرِ،
 آن را شب قدر نامید، فرشتگان و روح در آن شب، به دستور پروردگارش،



«تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا، بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ

برای تعیین سرنوشت‌ها، و آوردن هر خیر و برکتی، و تقدیر هر کاری نازل می‌شوند.

كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ»، دَائِمُ الْبَرَكَاتِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ،

شبی است آکنده از سلامت و رحمت، برکتش تا سپیده دم بر هر کس از بندگانش

عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، بِمَا أَحْكَمَ مِنْ قَضَائِهِ.

که بخواهد، از طریق قضایش که محکم و استوار کرده، پیوسته و دایمی است.

﴿٦﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاهْمِنَا

(٦) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و شناخت

مَعْرِفَةً فَضْلِهِ، وَاجْلَالَ حُرْمَتِهِ، وَالتَّحْفَظَ

برتری این ماه، و بزرگ داشت احترامش را، و خودداری از آنچه که در این ماه

مِمَّا حَظَرْتَ فِيهِ، وَأَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ، بِكَفِّ

ممنوع کردی، به ما الهام فرما، و ما را به روزه داشتن این ماه، و حفظ

الْجَوَارِحِ عَنِ مَعَاصِيكَ، وَاسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا

اندامان از گناهانت و به کار گرفتن آنها در آنچه که

يُرْضِيكَ، حَتَّى لَا نُصْغِيَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لُغْوِ،

تو را خشنود می‌کند یاری ده، تا با گوشمان به گفتار لغو گوش نکنیم،

وَلَا نُسْرِعَ بِأَبْصَارِنَا إِلَى لُهُو، ﴿٧﴾ وَحَتَّى لَا نَبْسُطَ

و با چشممان به تماشای لهُو نشتابیم، (٧) و تا جایی که

أَيْدِينَا إِلَى مُحْظُورٍ، وَلَا نَخْطُو بِأَقْدَامِنَا إِلَى

دست‌هایمان را به جانب حرامی نگشاییم، و با گام‌هایمان به سوی



مَجْجُورٌ، وَحَتَّى لَا تَعِيَ بَطُونُنَا إِلَّا مَا أَحَلَّتْ،

ممنوعی نیرویم، و شکم‌هامان جز آنچه را حلال کردی، در خود جای ندهد،

وَلَا تَنْطِقَ السِّنْتُنَا إِلَّا بِمَا مَثَلَتْ، وَلَا تَتَكَلَّفَ

و زبانه‌مان جز به آنچه تو گفته‌ای گویا نشود، و عمل و وظیفه‌ای

إِلَّا مَا يُدْنِي مِنْ ثَوَابِكَ، وَلَا تَتَعَاطَى إِلَّا الَّذِي يَقِي

جز آنچه ما را به ثواب تو نزدیک می‌کند، متحمل نشویم، و جز آنچه ما را از کیفر تو

مِنْ عِقَابِكَ؛ ﴿٨﴾ ثُمَّ خَلِّصْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ رِثَاءِ

نگاه می‌دارد، انجام ندهیم. (۸) آنگاه همه اینها را از ریای

الْمُرَائِينَ، وَ سُمْعَةِ الْمُسْمِعِينَ، لَا نَشْرِكُ

ریاکاران، و شهرت‌طلبی شهرت‌طلبان، خالص و پاک فرما؛ به گونه‌ای که کسی را

فِيهِ أَحَدًا دُونَكَ، وَلَا نَبْتَغِي فِيهِ مُرَادًا سِوَاكَ.

جز تو در اعمالمان شریک نکنیم، و مقصد و منظوری در آن اعمال غیر تو نطلبیم.

﴿٩﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَقِفْنَا فِيهِ

(۹) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ما را در این ماه، بر اوقات

عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ، بِمُجْدُودِهَا الَّتِي

منازهای پنج‌گانه، با آدابی که برای آنها معین کردی، و واجباتی

حَدَّدْتَ، وَفُرُوضِهَا الَّتِي فَرَضْتَ، وَوُضَائِفِهَا

که جهت آنها واجب فرمودی، و شروطی که محض آنها

الَّتِي وَظَّفْتَ، وَأَوْقَاتِهَا الَّتِي وَقَفْتَ؛ ﴿١٠﴾ وَأَنْزِلْنَا

مقرر نمودی، و اوقاتی که تعیین کردی آگاه ساز، (۱۰) و ما را در ادای



فِيهَا مَنزِلَةٌ الْمُصِيبِينَ لِمَنَازِلِهَا، الْحَافِظِينَ

این نمازهای پنج‌گانه، در رتبه کسانی قرار ده، که به مراتب و منزلت‌های آن رسیده‌اند،

لِأَرْكَانِهَا، الْمُؤَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا، عَلَى مَا سَنَّهُ

کسانی که حفظ‌کننده ارکان آنها‌اند، و هر یک از پنج نماز را در اوقات مخصوص به

عَبْدُكَ وَرَسُولِكَ. صَلَّوْا تُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فِي

خودش ادا می‌کنند، و بر پایه آن کمیت و کیفیتی که بنده و رسولت که درود تو بر

رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا، وَجَمِيعِ فَوَاضِلِهَا عَلَى أَيْمَنِ

او و خاندانش باد؛ تشریح فرموده و بیان کرده، در رکوع و سجودش و همه فضایل

الطَّهْوَرِ وَأَسْبَغِهِ، وَأَبْيَنِ الْخُشُوعِ وَأَبْلَغِهِ؛

و درجاتش، با کامل‌ترین طهارت و روشن‌ترین مرتبه خشوع و رساترینش.

﴿۱۱﴾ وَوَقَّفْنَا فِيهِ لِأَنَّ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ

(۱۱) و ما را در این ماه توفیق ده، که با خویشاوندان خود با نیکی و صلح رحم ارتباط

وَالصَّلَةِ، وَأَنْ تَتَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ

پیدا کنیم، و با احسان و بخشش به همسایگان خود رسیدگی نماییم، و اموال خود را

وَالْعَطِيَّةِ، وَأَنْ نُخْلِصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ،

از مظالم و حقوق مردم پاک کنیم، و با بیرون کردن زکات، ثروت و مال خود را در مدار

وَأَنْ نُظَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَّوَاتِ، وَأَنْ

پاکی قرار دهیم، و با کسی که با ما قهر کرده آشتی نموده و با آن که به ما ستم روا داشته،

نُرَاجِعَ مَنْ هَاجَرْنَا، وَأَنْ نُصِيفَ مَنْ ظَلَمْنَا،

به عدالت و انصاف معامله کنیم، و با شخصی که با ما دشمنی کرده، از در مساملت



وَأَنْ نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا، حَاشِيَ مَنْ عَوَدِيَ فِيكَ

در آییم، مگر کسی که در راه تو، و به خاطر تو با او دشمنی شده باشد؛ همانا او

وَلَكَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا نُوَالِيهِ، وَالْحِزْبُ

دشمنی است که با او دوستی نکنیم، و حزبی است که به او دست صداقت ندهیم.

الَّذِي لَا نُصَافِيهِ، ﴿١٢﴾ وَأَنْ تَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنْ

(۱۲) و ما را در این ماه توفیق ده، که به وسیله اعمال شایسته، که ما را به سبب

الْأَعْمَالِ الزَّكَايَةِ، بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ،

آنها از گناهان پاک کنی به تو تقرب جوئیم، و ما را در این ماه از این که بخواهیم

وَتَعْصِمُنَا فِيهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ مِنَ الْعُيُوبِ، حَتَّى

اعمال زشت را از سر بگیریم حفظ فرما، و کار بندگی ما در این ماه به جایی رسد،

لَا يُورِدُ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، إِلَّا دُونَ مَا

که هیچ یک از فرشتگان نتواند، بالاتر از آنچه ما به جا آوردیم، از ابواب بندگی و

نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَةِ لَكَ، وَأَنْوَاعِ الْقُرْبَةِ

طاعت برای تو، و انواع اعمالی که سبب قرب ما به حضرت توست، به پیشگاهت

إِلَيْكَ.

عرضه کند.

﴿١٣﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ،

(۱۳) خدایا! به حق این ماه و به حق کسی که از

وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ، مِنْ ابْتِدَائِهِ إِلَى وَقْتِ

آغاز تا پایانش تو را بندگی کرده،



فَنَائِهِ، مِنْ مَلِكٍ قَرَّبْتَهُ، أَوْ نَبِيٍّ أَرْسَلْتَهُ،
از فرشته‌ای که او را مقرب خود کردی، یا پیامبری که برای هدایت مردم فرستادی،

أَوْ عَبْدٍ صَالِحٍ اخْتَصَصْتَهُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
یا بنده شایسته‌ای که به کرامت خود اختصاص دادی، از تو می‌خواهم که بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاهْلِنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ
محمد و آلش درود فرستی، و ما را در این ماه شایسته

مِنْ كَرَامَتِكَ، وَ أَوْجِبْ لَنَا فِيهِ مَا أَوْجَبْتَ
کرامتی که به اولیای تو وعده دادی گردان، و آنچه برای اهل کوشش

لِأَهْلِ الْمُبَالَغَةِ فِي طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْنَا فِي نَظْمِ
در بندگی تو قرار دادی برای ما قرار ده، و ما را در زمره کسانی که به رحمتت،

مَنْ اسْتَحَقَّ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى بِرَحْمَتِكَ.

شایستگی رسیدن به برترین مرتبه را یافتند، درآر.

﴿١٤﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَجَنِّبْنَا

(١٤) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ما را

الْإِلْحَادِ فِي تَوْحِيدِكَ، وَالتَّقْصِيرِ فِي تَمَجِيدِكَ،

از انحراف در توحیدت، و کوتاهی در ستایشت،

وَالشُّكِّ فِي دِينِكَ، وَالْعَمَى عَنِ سَبِيلِكَ،

و تردید در دینت، و کوری از راهت،

وَالْإِغْفَالَ لِحُرْمَتِكَ، وَالْإِنْخِدَاعَ لِعَدُوِّكَ

و بی‌احترامی به حرمتت، و گول خوردن از دشمنت،



الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

شیطان رانده شده، بر کنار کن.

﴿۱۵﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَإِذَا كَانَ

(۱۵) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و چنانچه در

لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيَالِي شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ يُعْتَقُهَا

هر شب از شب‌های این ماه روضاتمان، بندگانمان هستند که

عَفْوُكَ، أَوْ يَهَبُهَا صَفْحُكَ؛ فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ

عفو تو آنها را آزاد می‌کند، و گذشت و چشم پوشیت آنان را می‌بخشد، پس

تِلْكَ الرِّقَابِ، وَاجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلِ

ما را از آن بندگان محسوب کن، و ما را برای ماه روضاتمان از بهترین اهل

وَأَصْحَابِ.

و اصحاب قرار ده.

﴿۱۶﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْحَقْ ذُنُوبَنَا

(۱۶) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و با به محاق نشستن

مَعَ إِمْحَاقِ هَلَالِهِ، وَاسْلَخِ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ

هلالش، گناهاتمان را محو کن، و با سپری شدن روزهایش، گناهان را

انْسِلَاحِ أَيَّامِهِ، حَتَّى يَنْقُضَى عَنَّا وَقَدْ صَفَّيْتَنَا فِيهِ

از وجود ما برگن، تا ماه رمضان در حالی از ما بگذرد که وجودمان

مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَأَخْلَصْتَنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ.

را از خطاها پاکیزه، و از بدیها خالص و آراسته فرموده باشی.



(۱۷) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَإِنْ مَلْنَا

(۱۷) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست؛ چنانچه مادر این ماه از حق و عدالت و بندگی و

فِيهِ فَعَدَلْنَا، وَإِنْ زُغْنَا فِيهِ فَقَوَّمْنَا، وَإِنْ اشْتَمَلْ

طاعت منحرف شویم، به دایره عدل و درستی برگردان، و اگر از راه هدایت به گمراهی افتیم،

عَلَيْنَا عَدُوُّكَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ.

استوارمان ساز، و اگر دشمنت شیطان بر ما چیره شود، از کید و مکرش ما را رهایی بخش.

(۱۸) اللَّهُمَّ اشْحِنهُ بِعِبَادَتِنَا يَا كَ، وَزَيْنِ أَوْقَاتِهِ

(۱۸) خدایا! این ماه را با بندگیمان برای حضرتت پُر کن، و اوقاتش

بِطَاعَتِنَا لَكَ، وَأَعْتَا فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ، وَفِي

را به طاعتمان برای وجود مبارکت زینت ده، و در روزش ما را به روزه

لِيَلِيهِ عَلَى الصَّلَاةِ، وَالتَّضَرُّعِ إِلَيْكَ، وَالْخُشُوعِ

داشتن، و در شیش ما را به نماز و زاری به درگاہت، و فروتنی به

لَكَ، وَالذِّلَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ، حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ

پیشگاهت، و خواری در برابرت باری فرما تا روزش به غفلت ما از

عَلَيْنَا بِغَفْلَةٍ، وَلَا لِيَلِيهِ بِتَفْرِيطٍ.

روزه، و شبش به گوتاهی ما از عبادت گواهی ندهد.

(۱۹) اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ

(۱۹) خدایا! ما را در دیگر ماهها، و دیگر ایام، مادامی که زنده‌مان

كَذَلِكَ مَا عَمَّرْتَنَا، وَاجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ

می‌داری چنین قرار ده، و هم چنین ما را از بندگان شایسته‌ات قرار ده؛



الصَّالِحِينَ، «الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ، هُمْ فِيهَا
آنان که بهشت را به ارث می‌برند و در آن جاودانند، و از اموال خود
خالدون»؛ «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا، وَقُلُوبُهُمْ
در راه خدا می‌بخشند، و عمل شایسته انجام می‌دهند، در حالی که
وَجِلَّةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ».

دل‌هاشان از اندیشه بازگشت به سوی پروردگارشان ترسان است،
وَمِنَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ، وَهُمْ لَهَا
و از کسانی قرار ده که به سوی خیرات می‌شتابند، و نسبت به آن از دیگران
سابقون».

پیشی می‌گیرند.

﴿٢٠﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي كُلِّ وَقْتٍ
(۲۰) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، در همه
وَكُلِّ أَوَانٍ، وَعَلَىٰ كُلِّ حَالٍ، عَدَدًا صَلَّيْتَ
وقت و در همه دم و در هر حال، به شماره درودی
عَلَىٰ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ، وَأَضْعَفَ ذَلِكَ كُفْلَهُ،
که فرستاده‌ای، بر هر که درود فرستاده‌ای و چندین برابر همه آنها،
بِالْأَضْعَافِ الَّتِي لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ؛ إِنَّكَ فَعَّالٌ
به چندین برابری که جز تو نتواند آنها را بشمارد؛ همانا تو آنچه را بخواهی،
لِمَا تُرِيدُ.

انجام می‌دهی.



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وِدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ

دعای امام سجاد علیه السلام در وداع با ماه مبارک رمضان

﴿ ۱ ﴾ اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَرِغَبُ فِي الْجَزَاءِ، وَيَا مَنْ

(۱) خدایا! ای که میل و رغبتی به پاداش ندارد؛ چون بی نیاز از آفریده هاست، و ای

لَا يَنْدِمُ عَلَى الْعَطَاءِ، وَيَا مَنْ لَا يُكَافِي عَبْدَهُ

که بر عطا بخشی اش، پشیمان نمی شود، و ای که پاداش بنده اش را مساوی و برابر

عَلَى السَّوَاءِ، مِنْتِكَ ابْتِدَاءً، وَعَفْوُكَ تَفْضُلٌ،

نمی دهد؛ بلکه پاداشش بیش از عمل بنده است؛ نعمتت ابتداءست؛ دست کسی در ساخت

وَعُقُوبَتُكَ عَدْلٌ، وَقَضَاؤُكَ خَيْرَةٌ.

و پرداختش دخالت ندارد، و گذشتت احسان و مجازاتت عدالت، و فرمانت اختیاری است.

﴿ ۲ ﴾ إِنْ أَعْطَيْتَ لَمْ تَشِبْ عَطَاءَكَ بِمَنْ، وَإِنْ

(۲) اگر عطا کنی، عطایت را به منت آوده نمی کنی و اگر منع کنی،

مَنْعَتَ لَمْ يَكُنْ مَنَعَكَ تَعَدِيًّا؛ تَشْكُرُ مَنْ شَكَرَكَ،

منعت بر پایه تجاوز نیست. کسی که تو را شکر کند، جزایش می دهی، در حالی

وَأَنْتَ أَلْهَمْتَهُ شُكْرَكَ، وَتُكَافِي مَنْ حَمَدَكَ،

که خودت شکر را به او الهام کردی، و کسی که تو را سپاس گوید، پاداشش

وَأَنْتَ عَلَّمْتَهُ حَمْدَكَ؛ ﴿ ۳ ﴾ تَسْتُرُ عَلِيَّ مَنْ

می بخشی، در صورتی که سپاس را خودت به او تعلیم دادی. (۳) پرده می پوشی بر کسی



لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ، وَتَجَوَّدَ عَلَيَّ مِنْ لَوْ شِئْتَ

که اگر می‌خواستی رسوایش می‌کردی. جود و کرم می‌کنی بر کسی که اگر

مَنْعْتَهُ، وَكِلَاهُمَا أَهْلٌ مِنْكَ لِلْفَضِيحَةِ

می‌خواستی منعش می‌فرمودی، در حالی که هر دوی اینها از جانب تو سزاوار

وَالْمَنْعِ، غَيْرَ أَنَّكَ بَنَيْتَ أَفْعَالَكَ عَلَى التَّفْضِيلِ،

رسوایی و منعند؛ اما چنین نمی‌کنی، چون تمام کارهایت را بر پایه احسان و تفضل

وَ أَجْرِيَتْ قُدْرَتِكَ عَلَى التَّجَاوُزِ، ﴿٤﴾ وَ تَلَقَّيْتَ

بنا نهادی، و قدرتت را بر آیین گذشت به جریان انداختی. (۴) و با کسی که با تو

مَنْ عَصَاكَ بِالْحِلْمِ، وَآمَهَلْتَ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ

به مخالفت برخاسته، با بردباری روبه‌رو شدی، و کسی را که بر ستم به خود همت گماشت

بِالظُّلْمِ، تَسْتَنْظِرُهُمْ بِأَنَاتِكَ إِلَى الْإِنَابَةِ، وَتَتْرُكُ

مهلت دادی با حلم و بردباریت مهلتشان می‌دهی، تا به سویت باز گردند. شتاب در عقوبت را

مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ، لِكَيْ لَا يَهْلِكَ عَلَيْكَ

وامی گذاری، تا به عرصه گاه توبه و بازگشت بنشینند، تا آن که از جانب تو سزاوار هلاکت

هَالِكُهُمْ، وَلَا يَشْقَى بِنِعْمَتِكَ شَقِيئُهُمْ، إِلَّا عَنِ

شده، هلاک نشود، و تیره بختشان به نعمت تو بدبخت نگردد. هلاکت و بدبختی آنان

طُولِ الْإِعْذَارِ إِلَيْهِ، وَبَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّةِ

پس از طول مدتی است، که حرام و حلالیت را برای آنان روشن کردی، و پیوسته به عذاب

عَلَيْهِ، كَرَمًا مِنْ عَفْوِكَ؛ يَا كَرِيمُ، وَعَائِدَةً مِنْ

تهییدستان فرمودی، و عذر بسیاری از این قبیل در برابرشان قرار دادی، و پی در پی بر آنان اتمام حجت کردی.



عَطْفِكَ يَا حَلِيمٌ.

این همه، بر پایه کرم و بخششی از عفو توست ای بزرگوار! و سود و بهره‌ای است از مهربانی

﴿۵﴾ أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَى عَفْوِكَ،

تو ای بردبار! (۵) تویی که دری برای بندگانت به سوی عفو تو

و سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ، وَجَعَلْتَ عَلَى ذَلِكَ الْبَابِ دَلِيلًا

گشوده‌ی، و آن را توبه نامیدی، و بر آن در گشوده دلیلی

مِنْ وَحْيِكَ، لِئَلَّا يَضِلُّوا عَنْهُ، ﴿۶﴾ فَقُلْتَ

از وحیت قرار دادی، تا آن را گم نکنند، (۶) - ای که

- تَبَارَكَ اسْمُكَ -: «توبوا إلى الله توبَةً نَصُوحًا؛

نامت والا و مبارک است! - فرمودی: «به سوی خدا بازگردید؛

عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ،

بازگشتی خالص باشد که پروردگار گناهانتان را محو کند و شما را وارد

وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ،

بهشت‌هایی کند که از زیر آنها نهرها روان است. روزی که خداوند،

يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ، نُورُهُمْ

پیامبر و کسانی که به او ایمان آوردند، خوار نمی‌کند، نورشان پیش

يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ، يَقُولُونَ: رَبَّنَا آتِنَا

رویشان، و از جانب راستشان در حرکت است. می‌گویند: خدایا!

لَنَا نُورَنَا، وَاعْفِرْ لَنَا؛ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

نور ما را کامل کن و ما را بیمارز، که تو بر هر کاری توانایی.»



(۷) ﴿فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ،

(۷) پس بهانه و عذر کسی که پس از گشوده شدن در و اقامه دلیل،

بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَإِقَامَةِ الدَّلِيلِ؟ وَ أَنْتَ الَّذِي

از ورود به عرصه گاه عفت غفلت کند چیست؟ و تویی که در

زَدْتَ فِي السَّوْمِ عَلَى نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ، تُرِيدُ

معامله با خود، به بهره و سود بندگانت افزودی، و در این داد و

رَبِحَهُمْ فِي مُتَاجَرَتِهِمْ لَكَ، وَ فَوْزَهُمْ بِالْوَفَادَةِ

ستدشان با تو، سودشان، و کامیابی و فوزشان به وقت ورود بر تو،

عَلَيْكَ، وَ الزِّيَادَةَ مِنْكَ، ﴿۸﴾ فَقُلْتَ - تَبَارَكَ

و بهره افزون را از جانب خود برای آنها خواسته‌ای. (۸) پس گفתי

اسْمُكَ وَ تَعَالَيْتَ -: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ

- ای که نامت مبارک و والاست! - «هر کس یک خوبی بیاورد، ده

أَمْثَالِهَا، وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا»،

برابری برای اوست، و هر کس یک بدی بیاورد، جز به مانند آن عقوبت

وَقُلْتَ: «مِثْلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ

نشد.» و فرمودی: «داستان آنان که اموالشان

اللَّهِ، كَمَثَلِ حَبَّةِ أَنْبَتِ سَبْعِ سَنَابِلٍ، فِي كُلِّ

را در راه خدا انفاق می‌کنند، مانند دانه‌ای است که هفت

سُنْبُلَةٍ مِائَةِ حَبَّةٍ، وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ»،

خوشه رویانده، در هر خوشه صد دانه است، و خدای برای هر که



وَقُلْتَ: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا،

بخواهد، چند برابر می‌کند.» و گفتی: «کیست که به خدا قرض نیکو دهد،

فِيضَاعِفَهُ لَهُ، أضعافًا كَثِيرَةً؟» وَمَا أَنْزَلَتْ مِنْ

تا خدا آن را برایش به چندین برابر بیفزاید.» و آنچه از نظایر این آیات

نظائِرِهِنَّ فِي الْقُرْآنِ، مِنْ تَضَاعِيفِ الْحَسَنَاتِ.

درباره چندین برابر کردن خوبی‌ها در قرآن نازل فرمودی.

﴿٩﴾ وَأَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ،

(٩) و تویی که با گفتارت از ^م غیبت خود، و تشویقت

وَتَرْغِيكَ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ عَلَى مَا لَوْ سَرَّتَهُ،

که بهره آنها در آن است، به اموری راهنمایی کردی که اگر آن امور را

عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكْهُ أَبْصَارُهُمْ، وَلَمْ تَعِهِ أَسْمَاعُهُمْ،

از ایشان می‌پوشاندی، دیدگانشان آنها را درک نمی‌کرد، و گوش‌هایشان

وَلَمْ تَلْحَقْهُ أَوْهَامُهُمْ، فَقُلْتَ: «أَذْكُرُونِي

فرا نمی‌گرفت و اندیشه و فکرشان به آنها نمی‌رسید. پس گفتی: «مرا یاد کنید

أَذْكُرْكُمْ، وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ»، وَقُلْتَ:

تا شما را یاد کنم، و مرا سپاس گزارید، و کفران نکنید.» و فرمودی:

«لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ، وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ

«اگر شکر کنید، بر شما افزون می‌کنم و اگر ناسپاسی کنید، محققاً

عَذَابِي لَشَدِيدٌ»، وَقُلْتَ: «أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ

عذاب من سخت است.» و گفتی: «مرا بخوانید تا شما را



لَكُمْ، إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي
 اجابت کنم. آنان که از عبادت من - دعا - تکبر می‌کنند،
 سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ».

به زودی خوار و ذلیل وارد جهنم می‌شوند.»

﴿۱۰﴾ فَسَمَّيْتَ دُعَاءَكَ عِبَادَةً، وَتَرَكْتَهُ اسْتِكْبَارًا،

(۱۰) دعا و خواندن خود را عبادت، و ترکش را استکبار نامیدی، و

وَتَوَعَّدْتَ عَلَىٰ تَرْكِهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ،

بر ترک دعا به ورود در جهنم با ذلت و خواری تهدید کردی. بندگان

فَذَكَرْتُكَ بِمَنِّكَ، وَشَكَرْتُكَ بِفَضْلِكَ،

واقعیات، به خاطر نعمت تو را یاد کردند، و به سبب احسانت

﴿۱۱﴾ وَدَعَوْتُكَ بِأَمْرِكَ، وَتَصَدَّقُوا لَكَ طَلَبًا

به شکرگزاری برخاستند، (۱۱) و به فرمانت تو را خواندند، و برای

لِمَزِيدِكَ، وَفِيهَا كَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ غَضَبِكَ،

گرفتن عطا افزونت صدقه دادند، نجاتشان از خشم، و کامیابشان

وَفَوْزُهُمْ بِرِضَاكَ؛ وَ لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ

به خشنودیت در این امور بود. و اگر مخلوقی از جانب خودش

نَفْسِهِ، عَلَىٰ مِثْلِ الَّذِي دَلَّلْتَ عَلَيْهِ عِبَادَتِكَ مِنْكَ،

مخلوقی دیگر را، به همین گونه که تو بندگان را راهنمایی کردی،

كَانَ مَوْصُوفًا بِالْإِحْسَانِ، وَمَنْعُوتًا بِالْإِمْتِنَانِ،

راهنمایی می‌کرد، موصوف به احسان، و نعمت بخشی بود، به هر



وَمُحَمَّدًا بِكُلِّ لِسَانٍ؛ ﴿١٢﴾ فَلَكَ الْحَمْدُ مَا

زبانی مورد ستایش قرار گرفته بود. (۱۲) پس تو را سپاس تا آنجا که

وُجِدَ فِي حَمْدِكَ مَذْهَبٌ، وَمَا بَقِيَ لِلْحَمْدِ لَفْظٌ

در سیاست راهی یافت شود، و تا آنجا که برای سپاس، کلمه‌ای که به آن

تُحْمَدُ بِهِ، وَمَعْنَى يَنْصَرِفُ إِلَيْهِ؛ يَا مَنْ تَحَمَّدَ

ستوده شدی، و معنایی که به سپاس منحرف شود، باقی باشد. ای که با

إِلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَالْفَضْلِ، وَغَمَّرَهُمُ بِالْمَنْ

احسان و فضل، بندگانش را به سپاس فرا خوانده و آنان را در دریای نعمت و عطا

وَالطَّوْلِ.

غرق کرده،

﴿١٣﴾ مَا أَفْشَى فِينَا نِعْمَتَكَ! وَاسْبَغَ عَلَيْنَا

(۱۳) چه آشکار و پخش است نعمتت در عرصه حیات ما، و چه

مِنْتَكَ! وَأَخْصَنَّا بِبِرِّكَ! هَدَيْتَنَا لِدِينِكَ الَّذِي

شرار و فراوان است عطایت بر ما، و چه قدر ما را به نیکی و احسانت اختصاص

اصْطَفَيْتَ، وَمِلَّتِكَ الَّتِي ارْتَضَيْتَ، وَسَبِيلَكَ

داده‌ای! ما را به دینت؛ دینی که برگزیده‌ای، و به آیینت؛ آیینی که پسندیده‌ای

الَّذِي سَهَّلْتَ، وَبَصَّرْتَنَا الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ،

و راحت؛ راهی که هموار کرده‌ای هدایت فرمودی، و به چیزی که مایه قرب

وَالْوُصُولَ إِلَى كَرَامَتِكَ.

به توست، و زمینه رسیدن به کرامتت، بینا کردی.



﴿١٤﴾ اللَّهُمَّ وَأَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَايَا تِلْكَ

(۱۴) خدایا! تو از خالصترین آن وظایف،

الْوِظَائِفِ، وَخَصَّائِصِ تِلْكَ الْفُرُوضِ شَهْرَ

و برگزیدهترین آن فرائض، ماه رمضان

رَمَضَانَ، الَّذِي اخْتَصَصْتَهُ مِنْ سَائِرِ الشُّهُورِ،

را قرار دادی که آن را از میان سایر ماهها برگزیدی،

وَ تَخَيَّرْتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَزْمِنَةِ وَالذُّهُورِ، وَآثَرْتَهُ

و از میان همه زمانها و روزگارها انتخاب فرمودی، و بر تمام اوقات

عَلَى كُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَةِ، بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنْ

سال ترجیح دادی؛ به خاطر آن که قرآن

الْقُرْآنِ وَالنُّورِ، وَضَاعَفْتَ فِيهِ مِنَ الْإِيمَانِ،

و نور را در آن نازل کردی، و ایمان را در آن چند برابر ساختی،

وَفَرَضْتَ فِيهِ مِنَ الصِّيَامِ، وَرَغَّبْتَ فِيهِ مِنَ الْقِيَامِ،

و روزه گرفتن در آن را واجب کردی، و به شب زندهداری در آن

وَ أَجَلَلْتَ فِيهِ مِنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ

تشویق فرمودی، و شب قدر را در آن که از هزار شب بهتر است،

أَلْفِ شَهْرٍ؛ ﴿١٥﴾ ثُمَّ آثَرْتَنَا بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ،

بزرگ داشتی. (۱۵) سپس ما را به سبب آن، بر دیگر امتها ترجیح

وَاصْطَفَيْتَنَا بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمِلَلِ، فَصُمْنَا

دادی، و در پرتو فضلش ما را از میان همه ملتها برگزیدی. پس به فرمانت روز را



بِأَمْرِكَ نَهَارِهِ، وَ قُمْنَا بِعَوْنِكَ لَيْلِهِ، مُتَعَرِّضِينَ

روزه گرفتیم، و شبش را به یاریت به عبادت برخاستیم؛ در حالی که خود را به سبب

بِصِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ، لِمَا عَرَّضْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ،

روزه و شب زنده‌داریش در معرض رحمت قرار دادیم؛ زیرا خودت ما را در این ماه

وَ تَسَبَّبْنَا إِلَيْهِ مِنْ مَثُوبَتِكَ، وَأَنْتَ الْمَلِكُ بِمَا

در معرض رحمت قرار دادی، و آن را وسیله رسیدن به پاداشت انتخاب کردیم، و

رُغِبَ فِيهِ إِلَيْكَ، الْجَوَادُ بِمَا سُئِلَتْ مِنْ فَضْلِكَ،

تو به انجام آنچه از درگاهت طلب شود توانایی، و به آنچه از احسانت درخواست

الْقَرِيبُ إِلَى مَنْ حَاوَلَ قُرْبَكَ.

شود، جواد و بخشنده‌ای، به کسی که برای تقرّب به تو بکوشد قریب و نزدیکی.

﴿١٦﴾ وَقَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرَ مُقَامَ حَمْدٍ،

(۱۶) به تحقیق این ماه در بین ما، در مرتبه و محل ستوده‌ای است، و

وَ صَحَبْنَا صُحْبَةً مَبْرُورٍ، وَ أَرْبَحْنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ

با ما مصاحبت کرد؛ مصاحبتی پسندیده و نیکو، و ما را به برترین بهره‌های

الْعَالَمِينَ، ثُمَّ قَدْ فَارَقْنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ، وَ انْقِطَاعِ

جهانیان، سودمند کرد. سپس هنگام پایان یافتن وقتش، و به سر رسیدن

مُدَّتِهِ، وَ وِفَاءِ عَدْدِهِ، ﴿١٧﴾ فَ نَحْنُ مُؤَدِّعُوهُ

مدّتش، و کامل شدن روزهایش از ما جدا شد. (۱۷) پس ما او را وداع

وُدَاعٍ مِنْ عَزْفِ رَأْفِهِ عَلَيْنَا، وَ غَمْنَا وَ أَوْحَشْنَا

می‌کنیم؛ وداع کسی که هجرانش بر ما سخت و غم‌انگیز است، و



انصِرَافُهُ عِنَّا، وَ لَزِمْنَا لَهُ الذِّمَامُ الْمَحْفُوظُ،

روگرداندنش ما را غم زده و دچار وحشت کرد. برای او برعهده ما

وَالْحُرْمَةُ الْمَرَعِيَّةُ، وَالْحَقُّ الْمَقْضِيُّ، فَنَحْنُ

پیمانی محفوظ، و حرمتی در خور رعایت، و حقی واجب الاداء

قَائِلُونَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ،

لازم شد. بر این اساس می‌گوییم: سلام بر تو ای بزرگترین ماه خدا!

وَيَا عِيدَ أَوْلِيَائِهِ؛ ﴿١٨﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ

و ای عید دوستانش! (۱۸) سلام بر تو ای از میان

مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ، وَيَا خَيْرَ شَهْرِ فِي الْأَيَّامِ

اوقات، گرمای‌ترین همنشین! و ای بهترین ماه در ایام

وَالسَّاعَاتِ؛ ﴿١٩﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرِ قَرَّبَتْ

و ساعات! (۱۹) سلام بر تو؛ ماهی که در آن آرزوها و حاجات، به برآورده شدن

فِيهِ الْأَمَالُ، وَنُشِرَتْ فِيهِ الْأَعْمَالُ؛ ﴿٢٠﴾ السَّلَامُ

نزدیک است، و اعمالی که موجب خشنودی خداست در آن پخش شده. (۲۰) سلام

عَلَيْكَ مِنْ قَرِينٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا، وَ أَفْجَعَ

بر تو؛ همنشینی که هنگام موجود بودن منزلتش بزرگ، و وقت مفقود شدن

فَقْدَهُ مَفْقُودًا، وَمَرَجُؤَ الْمَفْرَاقَةِ؛ ﴿٢١﴾ السَّلَامُ

فقدانش دردناک، و مایه امیدی که دوریش رنج آور است. (۲۱) سلام بر

عَلَيْكَ مِنْ أَلْيَفِ آنَسٍ مُقْبِلًا فَسَرَّ، وَ أَوْحَشَ

تو همدمی که چون رو کند، مونس گردد و مسرور و شاد کند، و زمانی که سپری



مُنْقَضِيًا فَمَضَّ؛ ﴿٢٢﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مُجَاوِرٍ

شود، به وحشت اندازد، و دلها را به درد آورد. (۲۲) سلام بر تو، همسایه‌ای

رَقَّتْ فِيهِ الْقُلُوبُ، وَقَلَّتْ فِيهِ الذُّنُوبُ؛ ﴿٢٣﴾

که دلها در آن نرم، و گناهان در او کم شد. (۲۳)

السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَى الشَّيْطَانِ،

سلام بر تو یآوری که ما را در مبارزه با شیطان یاری داد،

وَصَاحِبِ سَهْلٍ سُبُلِ الْإِحْسَانِ؛ ﴿٢٤﴾ السَّلَامُ

و رفیقی که راه‌های احسان را هموار و آسان ساخت. (۲۴) سلام

عَلَيْكَ مَا أَكْثَرَ عِتْقَاءَ اللَّهِ فِيكَ! وَمَا أَسْعَدَ

بر تو، چه بسیارند آزادشدگان خدا در تو، و چه خوشبخت است

مَنْ رَعَى حُرْمَتَكَ بِكَ! ﴿٢٥﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا

کسی که حرمتت را محض وجود خودت رعایت کرد. (۲۵) سلام بر تو، چه بسیار

كَانَ أَحْمَاكَ لِلذُّنُوبِ، وَأَسْتَرَكَ لِأَنْوَاعِ الْعُيُوبِ!

گناهان را محو کردی و چه بسیار عیب‌ها را پوشاندی.

﴿٢٦﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَطْوَلَكَ عَلَى

(۲۶) سلام بر تو، چه طولانی بودی

الْمُجْرِمِينَ، وَأَهْيَبَكَ فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ!

بر گناهکاران و چه با هیبت بودی در قلوب اهل ایمان.

﴿٢٧﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ لَا تُتَافَسُهُ الْآيَامُ؛

(۲۷) سلام بر تو؛ ماهی که تمام زمان‌ها قدرت رقابت با او را ندارند.



السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ هُوَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ؛

سلام بر تو؛ ماهی که نسبت به هر کاری مایه سلامتی است.

﴿۲۸﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ كَرِيهِ الْمُصَاحِبَةِ،

سلام بر تو؛ که مصاحبت و همنشینی‌اش ناپسند، و

وَلَا ذَمِيمِ الْمُلَابَسَةِ؛ ﴿۲۹﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا

معاشرتش نکوهیده نیست. (۲۹) سلام بر تو، چنانکه

وَفَدَّتْ عَلَيْنَا بِالْبَرَكَاتِ، وَغَسَلَتْ عَنَّا دَنَسَ

با برکات بر ما وارد شدی، و چرک خطاها را

الْخَطِيئَاتِ؛ ﴿۳۰﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ مُوَدَّعٍ

از ما شستی. (۳۰) سلام بر تو که وداع با تو؛ نه از باب

بَرَمًا، وَلَا مَتْرُوكٍ صِيَامُهُ سَامًا؛ ﴿۳۱﴾ السَّلَامُ

خستگی، و فراغت از روزها، نه به خاطر ملالت است. (۳۱) سلام

عَلَيْكَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ، وَمَحْزُونٍ عَلَيْهِ

بر تو که قبل از آمدنش خواستارش بودیم، و پیش از رفتنش بر او

قَبْلَ فَوْتِهِ؛ ﴿۳۲﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَنْ سَوِّءٍ

اندوه‌گینیم. (۳۲) سلام بر تو، چه بدی‌ها که به سبب

صُرِفَ بِكَ عَنَّا، وَكَمْ مِنْ خَيْرٍ أَفِيضَ بِكَ عَلَيْنَا؛

تو از ما برطرف شد و چه خوبی‌ها که به وسیله تو بر ما فرو ریخت.

﴿۳۳﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ، الَّتِي هِيَ

(۳۳) سلام بر تو، و بر شب قدری که از



خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؛ ﴿٣٤﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ

هزار ماه بهتر است. (۳۴) سلام بر تو، دیروز

أَحْرَصْنَا بِالْأَمْسِ عَلَيْكَ، وَأَشَدَّ شَوْقَنَا غَدًا

نسبت به تو چه حریص بودیم، و فردا به سوی تو چه بسیار

إِلَيْكَ! ﴿٣٥﴾ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى فَضْلِكَ الَّذِي

شوق داریم. (۳۵) سلام بر تو و بر فضیلت که از

حُرِمْنَا، وَعَلَى مَاضٍ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُلِبْنَا.

آن محروم شدیم و بر برکات گذشته‌ات که از ما گرفته شد.

﴿٣٦﴾ اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَفْتَنَا

(۳۶) خدایا! ما اهل این ماهیم، که ما را به سبب آن شرافت و بزرگی بخشیدی، و

بِهِ، وَوَقَّعْنَا بِمَنِّكَ لَهُ، حِينَ جَهَلِ الْأَشْقِيَاءُ

با لطف و احسانت بر انجام اعمالش ما را موفق فرمودی. هنگامی که تیره بختان

وَقْتَهُ، وَحَرِمُوا الشَّقَاءَ مِنْ فَضْلِهِ؛ ﴿٣٧﴾ أَنْتَ وَوَلِيُّ

وقتش را نشناختند، و از بخت بدشان، از فضیلتش محروم شدند. (۳۷) تویی صاحب

مَا أَثَرْنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ، وَهَدَيْتَنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ،

اختیار و سرپرست، که ما را به شناسایی آن برگزیدی، و به راه و روش آن

وَ قَدْ تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ، وَ قِيَامَهُ، عَلَى

هدایت‌مان کردی، و ما به توفیق تو، با همه کوتاهی و تقصیر، عهده دار روز و

تَقْصِيرٍ، وَأَدِينَا فِيهِ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ.

شب زنده‌داری او شدیم، و در آن اندکی از بسیار را به جا آوردیم.



(۳۸) اللَّهُمَّ فَلْتَ الْحَمْدُ إِقْرَارًا بِالْإِسَاءَةِ،

(۳۸) خدایا! تو را سپاس؛ در حالی که به بدی‌ها مانا اقرار،

وَاعْتِرَافًا بِالْإِضَاعَةِ، وَلَكَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدٌ

و به ضایع کردن ماه مبارک و هم چنین به تباہ کردن اعمالمان اعتراف داریم،

النَّدَمِ، وَ مِنْ أَسْنِنَتِنَا صِدْقُ الْإِعْتِدَارِ،

و برای تو در دل‌ها مانا پشیمانی پا برجا و ثابت، و در زبانمان عذر صادقانه قرار دارد.

فَأَجْرُنَا عَلَى مَا أَصَابَنَا فِيهِ مِنَ التَّفْرِيطِ، أَجْرًا

بر این اساس در برابر تقصیر و تفریطی که در این ماه گریبان‌گیر ما شد، پاداشی

نَسْتَدْرِكُ بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ فِيهِ، وَ نَعْتَاضُ

عنايت کن که از پرتو آن پاداش فضیلت دلخواه‌مان را در این ماه به دست آوریم،

بِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الذُّخْرِ الْمَحْرُوصِ عَلَيْهِ، وَ أَوْجِبُ

و اندوخته‌های گوناگون را که مورد علاقه است عوض بستانیم،

لَنَا عُذْرَكَ عَلَى مَا قَصَّرْنَا فِيهِ مِنْ حَقِّكَ، وَ ابْلُغْ

و عذر ما را در کوتاهی از ادای حقت بپذیر، و

بِأَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ أَيْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ؛

عمرهای ما را، که پیش روی ماست، به ماه رمضان آینده برسان،

(۳۹) فَإِذَا بَلَغْتَنَاهُ، فَأَعِنَّا عَلَى تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

(۳۹) و چون ما را به آن رساندی، بر انجام عبادتی که شایسته

مِنَ الْعِبَادَةِ، وَ أَدِّنَا إِلَى الْقِيَامِ بِمَا يَسْتَحِقُّهُ، مِنْ

توست یاریمان فرما، و به انجام طاعتی که سزاوار آن ماه است



الطَّاعَةِ، وَاجْرِنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ، مَا يَكُونُ

برسان، و عمل شایسته‌ای که موجب تدارک حق توست،

دَرْكَاً لِحَقِّكَ، فِي الشَّهْرَيْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ.

در آن دو ماه از ماه‌های روزگار به دست ما جاری فرما.

﴿٤٠﴾ اللَّهُمَّ وَمَا الْمَنَابِهُ فِي شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ

(۴۰) خدایا! در هر گونه لغزشی که در این ماه رمضان وارد شدیم

أَوْ إِثْمٍ، أَوْ وَاقَعْنَا فِيهِ مِنْ ذَنْبٍ، وَاکْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ

از گناه کوچک یا بزرگ، یا معصیتی که در آن مرتکب شدیم، یا

خَطِيئَةٍ، عَلَيَّ تَعَمُّدٍ مِنَّا أَوْ عَلَيَّ نِسْيَانٍ، ظَلَمْنَا

خطایی که در آن کسب کردیم، از روی عمد، یا فراموشی، که در آن

فِيهِ أَنْفُسَنَا، أَوْ انْتَهَكْنَا بِهِ حُرْمَةً مِنْ غَيْرِنَا؛

به خود ستم روا داشتیم، یا به آن پرده حرمت دیگری را دریدیم،

﴿٤١﴾ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاسْتَرِنَا بِسِتْرِكَ،

(۴۱) پس بر محمد و آلش درود فرست، و ما را به پرده پوشیت بیوشان، و به

وَاعْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ، وَلَا تَنْصِبْنَا فِيهِ لِأَعْيُنِ

گذشتت از ما بگذر، و ما را به خاطر گناهی که کردیم، در برابر دیده شماتت

الشَّامِتِينَ، وَلَا تَبْسُطْ عَلَيْنَا فِيهِ السُّنَّ الطَّاعِينَ،

کنندگان قرار مده، و زبان طعنه زندگان را به روی ما باز مکن، و ما را از

وَاسْتَعْمِلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّةً وَكَفَّارَةً لِمَا أَنْكَرْتَ

باب رأفت و لطفت که پایان نمی‌پذیرد، و بر پایه احسانت که کاستی ندارد،



مِنَّا فِيهِ؛ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي لَا تَنْفَدُ، وَفَضْلِكَ الَّذِي
به اعمالی بدار که باعث ریزش گناهان، و کفاره اموری شود که در این ماه،
لَا يَنْقُصُ.

از ما ناپسند شمردی.

﴿٤٢﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْبُرْ

(۴۲) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست، و مصیبت

مُصِيبَتِنَا بِشَهْرِنَا، وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا

از دست رفتن رمضان را جبران کن و روز عید

وَ فِطْرِنَا، وَاجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّرَ عَلَيْنَا،

و فطرمان را بر ما مبارک فرما، و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته قرار ده،

أَجَلِيهِ لِعَفْوٍ، وَآمَحَاهُ لِذَنْبٍ، وَاعْفِرْ لَنَا مَا

جلب کننده ترین روز نسبت به عفو، و محو کننده ترین زمان برای گناه،

خَفِيَ مِن ذُنُوبِنَا وَمَاعَلَنَ.

و معاصی پنهان و آشکارمان را بیامرزد.

﴿٤٣﴾ اللَّهُمَّ اسْلَخْنَا بِانْسِلَاخِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ

(۴۳) خدایا! با گذشتن این ماه از خطاهای ما بگذر،

خَطَايَانَا، وَآخِرِ جُنَا بِخُرُوجِهِ مِنْ سَيِّئَاتِنَا،

و با خارج شدنش، ما را از گناهانمان خارج کن،

وَاجْعَلْنَا مِنْ أَسْعَدِ أَهْلِهِ بِهِ، وَاجْزَلِهِمْ قِسْمًا

و ما را از خوشبخت ترین اهل این ماه به آن و پرنسیب ترین



فِيهِ، وَأَوْفَرِهِمْ حَظًّا مِنْهُ.

آنان در آن، و بهره‌مندترین ایشان از آن قرار ده.

﴿٤٤﴾ اللَّهُمَّ وَمَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ،

(۴۴) خدایا! کسی که این ماه را آن طور که می‌بایست رعایت کرد، و

وَ حَفِظَ حُرْمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا، وَقَامَ بِحُدُودِهِ

احترامش را به نحوی که شایسته بود حفظ نمود، و حدودش را به صورتی

حَقَّ قِيَامِهَا، وَ اتَّقَى ذُنُوبَهُ حَقَّ تَقَاتِهَا، أَوْ تَقَرَّبَ

که سزاوار بود به پای داشت، و از گناهانش به طور کامل پرهیز کرد یا

إِلَيْكَ بِقُرْبَةٍ أَوْ جَبَّتْ رِضَاكَ لَهُ، وَ عَطَفَتْ

به وسیله عمل خالصی به تو تقریب جست، عملی که موجب خشنودیت،

رَحْمَتِكَ عَلَيْهِ، فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ،

و معطوف کردن رحمتت بر اوست، پس مانند آنچه به او بخشیدی، بر

وَ أَعْطِنَا أضعافَهُ مِنْ فَضْلِكَ؛ فَإِنَّ فَضْلَكَ

ما هم از توانگریت ببخش، و چندین برابر آن را از احسانت به ما عطا

لَا يَغِيضُ، وَإِنَّ خَزَائِنَكَ لَا تَنْقُصُ بَلْ تَفِيضُ،

کن. مسلماً احسانت کاستی نمی‌پذیرد، و خزاینت نقصان پیدا نمی‌کند؛

وَإِنَّ مَعَادِنَ إِحْسَانِكَ لَا تَفْنَى، وَإِنَّ عَطَاءَكَ

بلکه افزون می‌شود، و همانا معادن احسانت از بین نمی‌رود، و قطعاً

لِلْعَطَاءِ الْمُهِتَنَّا.

عطای تو عطایی است گوارا.



﴿۴۵﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْتُبْ

(۴۵) خدایا! بر محمد و آتش درود فرست و برای ما پاداشی، همانند پاداش

لَنَا مِثْلَ أَجُورِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ إِلَى يَوْمِ

کسی که این ماه را روزه گرفت، یا در آن تا روز قیامت به بندگیت برخاست،

الْقِيَامَةِ.

ثبت فرما.

﴿۴۶﴾ اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا، الَّذِي

(۴۶) خدایا! در روز فطرمان که آن را برای مؤمنین عید و سرور، و

جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيدًا وَسُرُورًا، وَلِأَهْلِ

برای اهل آیینت روز اجتماع و گردهمایی قرار دادی، به درگاهت از

مِلَّتِكَ مَجْمَعًا وَ مُحْتَشِدًا، مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْنَاهُ،

هر گناهی که مرتکب شدیم، یا کار زشتی که از پیش فرستادیم، یا

أَوْ سَوْءِ أَسْلَفِنَاهُ، أَوْ خَاطِرِ شَرٍّ أَضْمَرْنَاهُ، تَوْبَةً

اندیشه سوئی که در باطنمان پنهان داشتیم، توبه می‌کنیم؛ توبه کسی

مَنْ لَا يَنْطَوِي عَلَى رُجُوعِ إِلَى ذَنْبٍ، وَلَا يَعُودُ

که خیال بازگشت به گناه را ندارد، و پس از آن به دامن خطایی

بَعْدَهَا فِي خَطِيئَةٍ، تَوْبَةً نَصُوحًا خَلَصَتْ مِنْ

بر نمی‌گردد؛ توبه‌ای خالص که از شک و تردید پاک باشد؛ پس

السُّكِّ وَالْإِرْتِيَابِ، فَتَقَبَّلْهَا مِنَّا، وَارْضَ عَنَّا،

آن را از ما بپذیر و از ما خشنود باش، و ما را بر آن توبه



وَتُبَّتْنَا عَلَيْهَا.

ثابت قدم دار.

﴿٤٧﴾ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ،

(٤٧) خدایا! ترس از عذاب وعده شده،

وَشَوْقَ ثَوَابِ الْمَوْعُودِ، حَتَّى نَجِدَ لَذَّةَ مَا

و شوق ثواب موعود را روزی ما فرما، تا لذت آنچه که

نَدْعُوكَ بِهِ، وَكَأَبَةِ مَا نَسْتَجِيرُكَ مِنْهُ.

از تو می‌خواهیم و اندوه آنچه که از آن به تو پناه می‌بریم در یابیم،

﴿٤٨﴾ وَاجْعَلْنَا عِنْدَكَ مِنَ التَّوَّابِينَ، الَّذِينَ

(٤٨) و ما را نزد خود از توبه کنندگانی که محبت را

أَوْجَبَتْ لَهُمْ مَحَبَّتَكَ، وَقَبِلْتَ مِنْهُمْ مُرَاجَعَةً

بر آنان ختم کردی، و بازگشت به طاعتت را از ایشان پذیرفتی

طَاعَتِكَ، يَا عَدْلَ الْعَادِلِينَ.

قرار ده: ای عادل‌ترین عادلان!

﴿٤٩﴾ اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَن آبَائِنَا وَأُمَّهَاتِنَا، وَاهِلِ

(٤٩) خدایا! از تمام پدران و مادران و اهل دینمان بگذر:

دِينِنَا جَمِيعًا مَن سَلَفَ مِنْهُمْ، وَمَن غَبَرَ إِلَى يَوْمِ

چه هر که از ایشان در گذشته، و چه آنها که تا روز

الْقِيَامَةِ.

قیامت خواهند آمد.



﴿۵۰﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَآلِهِ، كَمَا

(۵۰) خدایا! بر محمد پیامبر ما و آتش درود فرست؛ همان گونه که بر

صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ

فرشتگان مقربت درود فرستادی، و بر او

وَآلِهِ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ،

و آتش درود فرست؛ همان گونه که بر پیامبران مرسلت درود فرستادی،

وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ

و بر او و آتش درود فرست؛ همان گونه که بر بندگان شایسته‌ات

الصَّالِحِينَ، وَأَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ،

درود فرستادی، و برتر و بهتر از آن را، ای پروردگار جهانیان،

صَلَاةً تَبْلُغُنَا بَرَكَاتَهَا، وَيُنَالُنَا نَفْعُهَا، وَيُسْتَجَابُ

درودی که برکتش به ما رسد، و سودش نصیب ما شود، و به خاطر آن دعاها

لَهَا دُعَاؤُنَا؛ ﴿۵۱﴾ إِنَّكَ أَكْرَمُ مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ،

مستجاب گردد. (۵۱) تو بزرگوarter کسی هستی که به او روی آورده شده،

وَأَكْفَى مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ، وَأَعْطَى مَنْ سَأَلَ

و بی‌نیاز کننده‌تر کسی هستی که به او اعتماد شده، و بخشنده‌تر کسی هستی که

مِنْ فَضْلِهِ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

احسانش درخواست شده، و تو بر هر کاری توانایی.



﴿ ۴۶ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ الْفِطْرِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در روز عید فطر

إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ قَامَ قَائِمًا، ثُمَّ اسْتَقْبَلَ

و جمعه به وقتی که از نماز باز می‌گشت

الْقِبْلَةَ؛ وَفِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ، قَالَ:

رو به قبله می‌ایستاد و می‌گفت:

﴿۱﴾ يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ، وَيَا مَنْ

(۱) ای آن که رحم می‌کند به کسی که بندگان به او رحم نمی‌کنند! ای آن که

يَقْبَلُ مَنْ لَا تَقْبَلُهُ الْبِلَادُ، وَيَا مَنْ لَا يَحْتَقِرُ أَهْلَ

می‌پذیرد کسی را که کشورها نمی‌پذیرند! ای آن که نیازمندان درگاهش را

الْحَاجَةَ إِلَيْهِ، وَيَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ الْمُذْحِنَ عَلَيْهِ،

حقیر و کوچک نمی‌شمرد! ای آن که اصرار کنندگان به پیشگاهش را ناامید

وَيَا مَنْ لَا يَجِبُهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّالَّةِ عَلَيْهِ، وَيَا

نمی‌کنند! ای آن که دست ردّ به سینه کسانی که عمل خود را در برابر حضرتش

مَنْ يَجْتَبِي صَغِيرًا يَتَحَفُّ بِهِ، وَيَشْكُرُ يُسِيرًا

بزرگ می‌شمارند نمی‌زند! ای آن که ارمغان و هدیه کوچک را می‌پذیرد، و اندک کاری

يَعْمَلُ لَهُ، وَيَا مَنْ يَشْكُرُ عَلَى الْقَلِيلِ، وَيُجَازِي

که برایش انجام می‌گیرد، سپاس می‌نهد! و ای آن که عمل کم را قدرشناسی می‌کند،



بِالْجَلِيلِ، وَيَا مَنْ يَدْنُو إِلَى مَنْ دَنَا مِنْهُ.

و پادشاه بزرگ می‌دهد! و ای آن که هر که به او نزدیک شود، به او نزدیک می‌شود!

﴿۲﴾ وَيَا مَنْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ مِنْ أَدْبَرَ عَنَاءِهِ، وَيَا مَنْ

(۲) و ای آن که هر که را از او روی گردانده، به سوی خود می‌خواند! و

لَا يُغَيِّرُ النَّعْمَةَ، وَلَا يُبَادِرُ بِالنَّقْمَةِ، وَيَا مَنْ يُثْمِرُ

ای آن که نعمت را تغییر نمی‌دهد، و به انتقام شتاب نمی‌ورزد! و ای آن

الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ يُنْمِيَهَا، وَيَتَجَاوَزُ عَنِ السَّيِّئَةِ

که نیکی را به بار می‌نشانند تا آن را بیفزاید، و از بدی می‌گذرد تا آن را

حَتَّىٰ يُعْفِيَهَا؛ ﴿۳﴾ انصَرَفَتْ الْأَمَالُ دُونَ مَدْيِ

محو و نابود کند! (۳) آرزوها پیش از رسیدن به نهایت کرمت،

كِرْمِكَ بِالْحَاجَاتِ، وَامْتَلَأَتْ بِفَيْضِ جُودِكَ

حاجت روا برگشتند، و ظرف‌های طلب به فیض بخشش

أَوْعِيَةِ الطَّلِبَاتِ، وَتَفَسَّحَتْ دُونَ بُلُوغِ نَعْتِكَ

لبریز شدند و اوصاف پیش از رسیدن به وصف، از هم گسیختند.

الصِّفَاتُ؛ فَلَكَ الْعُلُوُّ الْأَعْلَىٰ فَوْقَ كُلِّ عَالٍ،

برتری در بالاترین مرتبه‌اش، که فراز هر برتری است مخصوص توست،

وَالْجَلَالُ الْأَمَجْدُ فَوْقَ كُلِّ جَلَالٍ.

و جلال امجد که فوق هر جلال است، ویژه توست.

﴿۴﴾ كُلُّ جَلِيلٍ عِنْدَكَ صَغِيرٌ، وَكُلُّ شَرِيفٍ

(۴) هر بزرگی نزد تو کوچک و هر شریفی در کنار شرفت حقیر است. آنان



فِي جَنْبِ شَرْفِكَ حَقِيرٌ؛ خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَيَّ

که به سوی غیر تو کوچ کردند، ناامید شدند، و آنان که جز تو را خواستند،

غَيْرِكَ، وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ، وَضَاعَ

به خسارت نشستند، و آنان که به درگاه غیر تو فرود آمدند، تباہ شدند، و

الْمُلِمُّونَ إِلَّا بِكَ، وَأَجْدَبَ الْمُتَنَجِّعُونَ إِلَّا مِنِّي

نعمت خواهان جز آنان که از فضل و احسان تو نعمت خواستند، دچار

اتَّجَعَ فَضْلِكَ؛ ﴿٥﴾ بِأَبْكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاعِبِينَ،

تهی دستی و قحطی شدند. (۵) باب رحمتت به روی علاقه‌مندان باز،

وَجُودُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ، وَإِغَاثَتُكَ قَرِيبَةً مِّنْ

وجود و سخایت برای گدایان رایگان، و فریاد رسیت به فریاد خواهان نزدیک

الْمُسْتَغِيثِينَ؛ لَا يَخِيبُ مِنْكَ الْآمِلُونَ، وَلَا يِيَّاسُ

است. آرزومندان از تو نومید نمی‌شوند، و درخواست کنندگان

مِنْ عَطَائِكَ الْمُتَعَرِّضُونَ، وَلَا يَشْقَىٰ بِنَقْمَتِكَ

از عطایت مأیوس نمی‌گردند، و آمرزش خواهان به کینت،

الْمُسْتَغْفِرُونَ؛ ﴿٦﴾ رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِّمَنْ عَصَاكَ،

بدبخت نمی‌شوند. (۶) سفره روزیت برای گنهکاران پهن است، و

وَحِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِّمَنْ نَاوَأَكَ؛ عَادَتُكَ

بردباریت به جانب کسی که با تو دشمنی ورزید، روی آورنده است. عادتت

الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ، وَسُنَّتُكَ الْإِبْقَاءُ عَلَى

احسان به بدکاران، و راه و روش مهلت به متجاوزان است، تا جایی که مدارایت،



المُعْتَدِينَ، حَتَّى لَقَدْ غَرَّتْهُمْ أَنَاتُكَ عَنِ الرَّجُوعِ،

اینان را از بازگشت و توبه به درگاهت فریب داده و غافل ساخته، و مهلت دادنت،

وَصَدَّهْمُ إِمهَالُكَ عَنِ الزُّرُوعِ، ﴿٧﴾ وَإِنَّمَا تَأَنَّنَيْتَ

ایشان را از خودداری از گناه باز داشته. (۷) جز این نیست که آنان را فرصت دادی،

بِهِمْ لِيَفِيئُوا إِلَى أَمْرِكَ، وَآمَهَلْتَهُمْ ثِقَةً بِدَوَامِ

به خاطر این که به فرمانت باز گردند، و محض اطمینان به دوام فرمانروایت

مُلْكِكَ، فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَتَمَتْ لَهُ

مهلتشان دادی. پس آن که اهل سعادت بود، فرجام کارش را به سعادت ختم

بِهَا، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ خَذَلَتْهُ لَهَا؛ ﴿٨﴾

کردی، و آن که اهل بدبختی بود، به بدبختی اش وا گذاشتی. (۸) همه اینان چه

كُلُّهُمْ صَائِرُونَ إِلَى حُكْمِكَ، وَأُمُورُهُمْ آئِلَةٌ

سعادت‌مندان و چه شقاوت‌مندان به حکم و حکومت تو باز می‌گردند، و کارشان منتهی به

إِلَى أَمْرِكَ، لَمْ يَهِنِ عَلَى طَوْلِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ،

فرمان تومی شود. طولانی شدن زمان زندگی گنهکاران، قدرت پادشاهیت را سست نمی‌کند،

وَلَمْ يَدْحَضْ لِتَرْكِ مُعَاجَلَتِهِمْ بُرْهَانُكَ؛ ﴿٩﴾

و شتاب نورزیدن در عقوبت و بازپرسی آنان، برهان و دلیل را باطل نمی‌سازد. (۹)

حُجَّتُكَ قَائِمَةٌ لَا تُدْحَضُ، وَ سُلْطَانُكَ ثَابِتٌ

حجت استوار و پایرجاست و باطل نگردد، و پادشاهیت ثابت و همیشگی است و از

لَا يَزُولُ؛ فَالْوَيْلُ الدَّائِمُ لِمَنْ جَنَحَ عَنكَ،

بین نمی‌رود. پس عذاب دائم بر کسی که از تو روی تافت، و نومیدی ذلت بار برای کسی



وَ الْخَيْبَةَ الْخَاذِلَةَ لِمَنْ خَابَ مِنْكَ ، وَ الشَّقَاءُ

که از تو نومید شد، و بدترین تیره بختی برای کسی که به رحمت و کرم تو مغرور گشت.

الْأَشْقَى لِمَنْ اغْتَرَبِكَ؛ (۱۰) مَا أَكْثَرَ تَصَرُّفَهُ

(۱۰) چه بسیار دگرگونی‌هایی که در عذابت برای او هست، و چه بسیار زمان

فِي عَذَابِكَ! وَمَا طَوَّلَ تَرُدُّدَهُ فِي عِقَابِكَ!

طولانی و درازی که در عرصه کیفرت رفت و آمد خواهد داشت، و فرج و گشایش

وَمَا بَعْدَ غَايَتِهِ مِنَ الْفَرَجِ! وَمَا أَقْنَطَهُ مِنْ سُهُولَةِ

از چنین انسانی چه اندازه دور است، و از رهایی یافتن از جهنم به آسانی و سهولت، چه بسیار

الْمَخْرَجِ! عَدْلًا مِنْ قَضَائِكَ لَا تَجُورُ فِيهِ،

ناامید است. این مجازات‌ها، بر اساس عدالت در حکم توست که در آن ستم

وَ إِنْصَافًا مِنْ حُكْمِكَ لَا تَحِيفُ عَلَيْهِ، (۱۱)

نمی‌کنی، و از انصاف در فرمان توست که ظلمی در آن روا نمی‌داری. (۱۱)

فَقَدْ ظَاهَرَتِ الْحُجَجُ، وَ أَبْلَيْتِ الْأَعْدَارَ،

همانا حجت‌هایت را برای بیداری مردم، پی در پی آوردی و دلیل و عذرت

وَ قَدْ تَقَدَّمَتِ بِالْوَعِيدِ، وَ تَلَطَّفْتَ فِي التَّرْغِيبِ،

را به سوی آنان فرستادی، و تهدیدت را یادآور شدی، و در ترغیب بندگان به

وَ ضَرَبْتَ الْأَمْثَالَ، وَ أَطَلْتَ الْإِمْهَالَ، وَ أَخَّرْتَ

ایمان و عمل، لطف و مدارا را به کار گرفتی، و برای بیداری آنان مثل‌ها زدی، و

وَ أَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلْمُعَاجَلَةِ، وَ تَأَنَّنَيْتِ وَ أَنْتَ

مهلت به مردم را طولانی کردی. کیفر را به تأخیر انداختی، در حالی که بر شتاب



مَلَىٰ بِالْمُبَادَرَةِ، ﴿١٢﴾ لَمْ تَكُنْ أَنْتَكَ عَجْزًا،

به عذاب توانا بودی، و فرصت دادی در صورتی که بر عجله قدرت داشتی. (۱۲)

وَلَا إِمهَالَكَ وَهِنًا، وَلَا إِمسَاكَكَ غَفْلَةً،

مدارایت از روی ناتوانی، و مهلت دادنت از باب سستی، و خودداریت به

وَلَا أَنْتِظَارُكَ مُدَارَاةً، بَلْ لَتَكُونَ حُجَّتُكَ أَبْلَغَ،

خاطر غفلت، و به تأخیر انداختنت از روی مدارا و سازش نبود؛

وَكِرْمِكَ أَكْمَلَ، وَإِحْسَانِكَ أَوْفَىٰ، وَنِعْمَتِكَ

بلکه برای این بوده که حجتت راستتر، و بزرگواریت کاملتر، و احسانت فراگیرتر،

أَتَمَّ؛ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ وَلَمْ تَزَلْ، وَهُوَ كَأَنَّ

و نعمتت تمامتر باشد. تمام اینها بود و هست، و می‌باشد

وَلَا تَزَالُ؛ ﴿١٣﴾ حُجَّتُكَ أَجَلٌ مِنْ أَنْ تَوْصَفَ

و خواهد بود. (۱۳) حجتت برتر از آن است، که بتوان همه آن را به دایره

بِكُلِّهَا، وَمَجْدُكَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ يُحَدِّدَ بِكُنْهٍ،

وصف کشید، و بزرگیت بالاتر از آن است که بتوان به عمق و ژرفای آن

وَنِعْمَتِكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصِيَ بِأَسْرِهَاءَ، وَإِحْسَانِكَ

رسید، و نعمتت بیش از آن است که همه‌اش به شماره درآید، و احسانت

أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكِرَ عَلَىٰ أَقْلِهِ، ﴿١٤﴾ وَقَدْ قَصَّرَ

بیش از آن است که کمترینش سپاس شود. (۱۴) اکنون نبود زبان سخن، مرا

بِجِي السُّكُوتُ عَنْ تَحْمِيدِكَ، وَفَهَّهَنِي

از سپاسگزاریت ناتوان ساخته و خودداری از بزرگداشتت، مرا عاجز و ناتوان



الإِمْسَاكُ عَنْ تَمَجِيدِكَ، وَقَصَارَى الإِقْرَارِ

کرده، و نهایت قدرتم این است که به درماندگی از سپاست اقرار کنم. ای خدای

بِالْحُسُورِ، لَا رَغْبَةَ - يَا إِلَهِي - بَلْ عَجْزًا؛ ﴿۱۵﴾

من! این درماندگی از سپاس نه از بی‌رغبتی؛ بلکه از ناتوانی من است. (۱۵)

فَهَا أَنَا ذَا أَوْمُكَ بِالْوَفَادَةِ، وَ أَسْأَلُكَ حُسْنَ

اینک منم که آمدن به درگاه تو را قصد می‌کنم، و از حضرتت توقع

الرَّفَادَةِ؛ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاسْمِعْ نَجْوَايَ،

پذیرایی نیک دارم. پس بر محمد و آلش درود فرست، و رازم را بشنو،

وَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَلَا تَخْتِمْ يَوْمِي بِخَيْبَتِي،

و دعایم را مستجاب کن، و روزم را به نومیدی ختم مفرما،

وَلَا تَجْبِهْنِي بِالرَّدِّ فِي مَسْأَلَتِي، وَأَكْرِمْ مِنْ

و نسبت به گداییم، دست ردّ به سینه‌ام نزن، و رفتنم را از نزدت، و بازگشتم

عِنْدَكَ مُنْصَرَفِي، وَإِلَيْكَ مُنْقَلَبِي؛ ﴿۱۶﴾ إِنَّكَ

را به سویت گرامی دار؛ (۱۶) زیرا هر چه را

غَيْرُ ضَائِقٍ بِمَا تُرِيدُ، وَلَا عَاجِزٍ عَمَّا تُسْأَلُ،

اراده کنی، از انجامش دچار سختی نمی‌شوی، و در برآوردن آنچه از

وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

تو خواسته شود، عاجز نمی‌باشی، و تو بر هر کاری توانایی، و حول و قوه‌ای

إِلَّا بِاللَّهِ، الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

نیست جز به خدای بلند مرتبه بزرگ.



— ﴿ ٤٧ ﴾ —

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ

دعای امام سجاد علیه السلام در روز عرفه

﴿١﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. ﴿٢﴾ اللَّهُمَّ لَكَ

(۱) خدا را سپاس، که مالک و مدبّر جهانیان است. (۲) خدایا! سپاس ویژه

الْحَمْدُ بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ

توست؛ ای پدید آورنده آسمانها و زمین! ای صاحب جلال

وَ الْإِكْرَامِ، رَبِّ الْأَرْبَابِ، وَاللَّهُ كُلُّ مَأْلُوهِ،

و اکرام! ای مالک همه اربابان و ای معبود هر معبود

وَ خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ، وَوَارِثَ كُلِّ شَيْءٍ.

و خالق هر مخلوق و وارث هر چیز!

﴿٣﴾ «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»، وَلَا يَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ

(۳) چیزی شبیه او نیست و علم چیزی از

شَيْءٍ، وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

او پنهان نمی ماند، و او به هر چیز احاطه دارد، و او بر هر چیز

رَقِيبٌ.

نگهبان است،

﴿٤﴾ أَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الْمُتَوَحِّدُ،

(۴) تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، و یکتا و یگانه ای،



أَفَرَدُ الْمُتَفَرِّدُ؛ ﴿٥﴾ وَأَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

فرد تنهایی. (۵) و تویی خدایی که جز تو خدایی

الْكَرِيمُ الْمُتَكَرِّمُ، الْعَظِيمُ الْمُتَعَزِّمُ، الْكَبِيرُ

نیست، بزرگوار و ارجمندی، بزرگ و باعظمتی، کبیر و

الْمُتَكَبِّرُ؛ ﴿٦﴾ وَأَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

متکبری، (۶) و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست،

الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ، الشَّدِيدُ الْمِحَالِ؛ ﴿٧﴾ وَأَنْتَ اللَّهُ،

بلند مرتبه و بلند پایه‌ای، در انتقام‌گیری سخت و شدیدی، (۷) و تویی خدایی که

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ؛

جز تو خدایی نیست، بخشنده و مهربانی، دانا و درست کاری،

﴿٨﴾ وَأَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ،

(۸) و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، شنوا و بینایی،

الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ؛ ﴿٩﴾ وَأَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

ازلی و آگاهی، (۹) و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست،

الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ، الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ؛ ﴿١٠﴾ وَأَنْتَ

بزرگوار و بزرگوارتری، همیشگی و جاودانه‌تری. (۱۰) و تویی

اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ،

خدایی که جز تو خدایی نیست، اولی پیش از

وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ؛ ﴿١١﴾ وَأَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا

هر کس، و آخری پس از هر عدد، (۱۱) و تویی خدایی که جز تو



أَنْتَ، أَلَدَّانِي فِي عُلُوِّهِ، وَالْعَالَمِي فِي دُنُوِّهِ؛

خدایی نیست، نزدیک در عین بلندی مقامش، و بلند مقام در عین نزدیکی‌اش،

﴿۱۲﴾ وَأَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ

(۱۲) و تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، صاحب زیبایی و بزرگواری، و

وَالْمَجْدِ، وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ؛ ﴿۱۳﴾ وَأَنْتَ اللَّهُ،

کبریایی و حمدی. (۱۳) و تویی خدایی که

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي أَنْشَأْتَ الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ

جز تو خدایی نیست که همه چیز را بدون مایه و اصل پدید آوردی،

سِنْخٍ، وَصَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ،

و آنچه را صورت و شکل دادی، بدون نمونه برداری از چیزی شکل دادی،

وَأَبْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلَا احْتِدَاءٍ.

و آفریده‌ها را بدون اقتباس از نقشه‌ای آفریدی.

﴿۱۴﴾ أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، وَيَسَّرْتَ

(۱۴) تویی که هر چیز را در نیکوترین وضع، اندازه‌گیری کردی، و هر چیز را،

كُلَّ شَيْءٍ تَيْسِيرًا، وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا.

از نظر تمام خصوصیات رو به راه فرمودی، و امور ماسوای خود را سامان دادی،

﴿۱۵﴾ أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعْنِكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكٌ،

(۱۵) تویی که در ایجاد موجودات شریکی یاریت نداد، و در کارت

وَلَمْ يُوَازِرْكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ

وزیری به پشتیبانیت برنخاست. و برایت در امور آفرینش شاهد



وَلَا تَنْظِرُ ۞

و نظیری نبود،

﴿۱۶﴾ أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَتْمًا مَا أَرَدْتَ،

(۱۶) تویی که اراده کردی، پس هر چه را اراده کردی حتمی و قطعی شد،

وَقَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا قَضَيْتَ، وَحَاكَمْتَ فَكَانَ

و قضاوت فرمودی، و آنچه را قضاوت کردی بر اساس عدالت بود، و حکم

نَصِفًا مَا حَاكَمْتَ.

کردی، و آنچه را حکم کردی بر پایه انصاف بود.

﴿۱۷﴾ أَنْتَ الَّذِي لَا يَحْوِيكَ مَكَانٌ، وَلَمْ يَقُمْ

(۱۷) تویی که مکانی تو را فرا نمی‌گیرد، و سلطنتی در برابر

لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ، وَلَمْ يُعِيكَ بُرْهَانٌ وَلَا بَيَانٌ.

سلطنتت به پادشاهت، و بیانی و بیانی عاجزت نساخت.

﴿۱۸﴾ أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا،

(۱۸) تویی که هر چیز را به شمار آوردی، و برای هر

وَجَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمْدًا، وَقَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ

چیزی مدت قرار دادی، و هر چیز را به خوبی اندازه

تَقْدِيرًا.

گرفتی.

﴿۱۹﴾ أَنْتَ الَّذِي قَصَّرْتَ الْأَوْهَامُ عَنِ ذَاتِيَّتِكَ،

(۱۹) تویی که دست اندیشه‌ها از رسیدن به ژرفای ذاتت کوتاه است،



وَعَجَزْتَ الْإِفْهَامَ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ، وَلَمْ تَدْرِكْ

و فهم‌ها از درک چگونگی‌ات ناتوان است، و دیده‌ها

الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ آيِنِيَّتِكَ.

جای کجاییت را در نیابند.

(۲۰) أَنْتَ الَّذِي لَا تُحَدُّ فَتَكُونُ مَحْدُودًا، وَلَمْ تُمَثَّلْ

(۲۰) تویی که ابتدا و انتهای نداری تا محدود شوی، و مانند موجودات نیستی

فَتَكُونُ مَوْجُودًا، وَلَمْ تَلِدْ فَتَكُونُ مَوْلُودًا.

که پس از عدم موجود شده باشی، و فرزندی نیاوردی، تا زاییده شده باشی،

(۲۱) أَنْتَ الَّذِي لَا ضِدَّ مَعَكَ فَيُعَانِدُكَ، وَلَا عِدْلَ

(۲۱) تویی که برایت همتایی نیست تا با تو به ستیز برخیزد، و همانندی برایت نیست تا در قدرت

لَكَ فَيُكَاثِرُكَ، وَلَا نِدَّ لَكَ فَيُعَارِضُكَ.

و سطوت و توانایی، با تو پهلو به پهلو زند، و نظیری برایت نیست، تا با تو از در مخالفت برآید.

(۲۲) أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأَ وَاخْتَرَعَ، وَاسْتَحَدَثَ

(۲۲) تویی که آغاز کرد و اختراع نمود، و پدید آورد و بدون نمونه آفرید و

وَابْتَدَعَ، وَأَحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ.

محکم و نیکو قرار داد ساختن آنچه را ساخت.

(۲۳) سُبْحَانَكَ؛ مَا أَجَلَ شَأْنِكَ! وَ أَسْنَى فِي

(۲۳) منزّه و پاک؛ چه بزرگ است شأنت و چه بلند است در میان جایگاه‌ها، جایگاهت، و چه

الْأَمَاكِنِ مَكَانَكَ! وَ أَصْدَعَ بِالْحَقِّ فُرْقَانَكَ!

آشکار کننده به حق است قرآنت، و موازینی که برای جدا کردن حق از باطل قرار داده‌ای.



﴿۲۴﴾ سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفِ مَا لَطَفَكَ! وَرَوْوفِ

(۲۴) منزّه و پاک و مهربانی که چه بسیار است مهربانیت، و رتوفی که چه بسیار است رأفت،

مَا أَرَأَفَكَ! وَحَكِيمِ مَا أَعْرَفَكَ! ﴿۲۵﴾ سُبْحَانَكَ

و حکیمی که چه بسیار است شناسایی ات. (۲۵) منزّه و پاک؛ پادشاهی که دست معارضی به

مِنْ مَلِيكَ مَا أَمْنَعَكَ! وَجَوَادِ مَا أَوْسَعَكَ! وَرَفِيعِ

مرز پادشاهیت نرسد و بخشنده‌ای که سفره بخشندگیت چه پهناور است؛ و بلند مرتبه‌ای،

مَا أَرَفَعَكَ! ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ، وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ.

چه بلند مرتبه است رفعتت. تو صاحب زیبایی و بزرگواری و کبریایی و حمدی.

﴿۲۶﴾ سُبْحَانَكَ؛ بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ، وَعُرِفَتْ

(۲۶) منزّه و پاک، دست قدرتت را به عطا کردن خوبی‌ها گشودی، و

الْهُدَايَةُ مِنْ عِنْدِكَ؛ فَمَنْ التَّمَسَّكَ لِدِينٍ أَوْ

هدایت از نزد تو شناخته شد، پس هر که تو را برای دین، یا

دُنْيَا وَجَدَكَ. ﴿۲۷﴾ سُبْحَانَكَ؛ خَضَعَ لَكَ مَنْ

دنیا بخواهد می‌یابدت. (۲۷) منزّه و پاک، هر کس در عرصه علم تو قرار گرفته،

جَرَى فِي عِلْمِكَ، وَخَشَعَ لِعَظْمَتِكَ مَا دُونَ

برایت فروتنی کرد و جمع آفریده‌هایت، در برابر بزرگیت تواضع کردند،

عَرْشِكَ، وَانْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ.

و همه مخلوقات در پیشگاه تو گردن بند تسلیم به گردن انداختند.

﴿۲۸﴾ سُبْحَانَكَ؛ لَا تُحَسُّ وَلَا تُجَسُّ، وَلَا تُمَسُّ

(۲۸) منزّه و پاک، به حواس ظاهری درک نشوی و به حواس درون در نیایی، و به اعضا



وَلَا تُكَادُ، وَلَا تُمَاتُ وَلَا تُنَازِعُ، وَلَا تُجَارِي

و جوارح لمس نگردی. مورد نیرنگ و کید واقع نگردی، از بزرگی و عظمت کنار

وَلَا تُمَارِي، وَلَا تُخَادِعُ وَلَا تُمََاكِرُ.

زده نشوی، در معرض نزاع و مغلوبیت و جدال و فریب و مکر قرار نگیری.

(۲۹) سُبْحَانَكَ؛ سَبِيلُكَ جَدُّ، وَأَمْرُكَ رَشْدٌ،

(۲۹) منزه و پای، راهت روشن و هموار، دستورت هدایت است، و تو زنده و

وَأَنْتَ حَيٌّ صَمَدٌ.

آقا و بی نیازی.

(۳۰) سُبْحَانَكَ؛ قَوْلُكَ حُكْمٌ، وَقَضَاؤُكَ حَتْمٌ،

(۳۰) منزه و پای، گفتارت درست و استوار، و قضایت قطعی، و ارادهات جزمی

وَأِرَادَتُكَ عَزْمٌ.

و مسلّم است.

(۳۱) سُبْحَانَكَ؛ لَا رَادَّ لِمَشِيَّتِكَ، وَلَا مُبَدِّلَ

(۳۱) منزه و پای در برابر مشیتت رد کننده ای نیست و در مقابل کلمات،

لِكَلِمَاتِكَ.

تبدیل کننده ای وجود ندارد.

(۳۲) سُبْحَانَكَ؛ بَاهِرَ الْآيَاتِ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ،

(۳۲) منزه و پای ای صاحب آیات روشن! ای به وجود آورنده آسمانها! ای

بَارِئِ النَّسَمَاتِ.

آفریننده موجودات!



﴿۳۳﴾ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَدُومُ بِدَوَامِكَ، ﴿۳۴﴾

(۳۳) تو را سپاس، سپاسی که جاودانگیش به جاودانگیت ادامه پیدا کند (۳۴)

وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ، ﴿۳۵﴾ وَلَكَ

و تو را سپاس؛ سپاسی که همراه نعمتت پاینده باشد، (۳۵) و تو را سپاس؛

الْحَمْدُ حَمْدًا يُوَازِي صُنْعَكَ، ﴿۳۶﴾ وَلَكَ الْحَمْدُ

سپاسی که با شماره آفریده‌هایت برابری کند، (۳۶) و تو را سپاس؛

حَمْدًا يَزِيدُ عَلَي رِضَاكَ، ﴿۳۷﴾ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا

سپاسی که بر خشنودیت بیفزاید. (۳۷) و تو را سپاس؛ سپاسی که با

مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، وَشُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ

سپاس هر سپاسگزاری توأم باشد، و شکرى که شکر هر شاکری از آن

شَاكِرٍ، ﴿۳۸﴾ حَمْدًا لَا يَنْبَغِي إِلَّا لَكَ، وَلَا يُتَقَرَّبُ

کوتاه آید. (۳۸) سپاسی که سزاوار غیر تو نباشد، و به وسیله آن جز

بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ، ﴿۳۹﴾ حَمْدًا يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ،

به تو تقرب جسته نشود؛ (۳۹) سپاسی که باعث دوام سپاس اول،

وَيُسْتَدَعَى بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ، ﴿۴۰﴾ حَمْدًا يَتَضَاعَفُ

و علت درخواست دوام سپاس آخر شود؛ (۴۰) سپاسی که

عَلَى كُرُورِ الْأَزْمِنَةِ، وَيَتَزَايِدُ أضعافًا مُتَرادِفَةً،

بر اساس گردش زمان‌ها چند برابر گردد، و به افزایش‌های پی در پی افزونی یابد؛

﴿۴۱﴾ حَمْدًا يَعِجْزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفْظَةُ، وَيَزِيدُ

(۴۱) سپاسی که حافظان اعمال از شمردنش ناتوان شوند، و بر آنچه کتابان



عَلَى مَا أَحَصَّتْهُ فِي كِتَابِكَ الْكُتُبَةُ، ﴿٤٢﴾ حَمْدًا

اعمال در کتاب تو می نویسند، افزون گردد؛ (۴۲) سپاسی که

يُوزَنُ عَرْشُكَ الْمَجِيدَ، وَيُعَادِلُ كُرْسِيَّكَ الرَّفِيعَ،

با عرش مجیدت برابر، و با کرسی بلندت معادل شود؛

﴿٤٣﴾ حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ، وَيَسْتَعْرِقُ

(۴۳) سپاسی که پاداشش از جانب تو کامل گردد، و مزدش

كُلَّ جَزَاءٍ جَزَاؤُهُ، ﴿٤٤﴾ حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَقُّ

همه مزدها را فرا گیرد. (۴۴) سپاسی که ظاهرش موافق باطنش،

لِبَاطِنِهِ، وَبَاطِنُهُ وَفَقُّ لِصِدْقِ النِّيَّةِ فِيهِ، ﴿٤٥﴾

و باطنش موافق صدق نیت باشد؛ (۴۵)

حَمْدًا لَمْ يَحْمَدَكَ خَلْقٌ مِثْلَهُ، وَلَا يَعْرِفُ أَحَدٌ

سپاسی که هیچ آفریده‌ای مانند آن را به جا نیاورده، و کسی جز تو ارزشش

سِوَاكَ فَضْلَهُ، ﴿٤٦﴾ حَمْدًا يُعَانُ مَنْ اجْتَهَدَ فِي

را نشانسد، (۴۶) سپاسی که هر کس در فراوان آوردنش بکوشد

تَعْدِيدِهِ، وَيُؤَيِّدُ مَنْ أَغْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيقِهِ،

یاری شود، و هر کس در کامل آوردنش نهایت جدیت را به کار برد، تأیید گردد،

﴿٤٧﴾ حَمْدًا يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ،

(۴۷) سپاسی که هر چه سپاس آفریده‌ای دارا باشد، و هر

وَيَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدُ، ﴿٤٨﴾ حَمْدًا

چه را پس از آن به وجود آوری، در برگردد؛ (۴۸) سپاسی که



لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ، وَلَا أَحْمَدَ مِمَّنْ

هیچ سپاس به کلامت از آن نزدیک‌تر، و هیچ کس از آن کسی که این گونه

يَحْمَدُكَ بِهِ، ﴿٤٩﴾ حَمْدًا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ

سپاس می‌گوید، سپاسگزارتر نباشد، (۴۹) سپاسی که به سبب کرمت و محض

الْمَزِيدِ بِوُفُورِهِ، وَتَصِلُهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوَّلًا

کثرتش، باعث فزونی نعمت شود، و از باب احسان، پس از هر فزونی آن را

مِنْكَ، ﴿٥٠﴾ حَمْدًا يُجِبُ لِكَرَمِ وَجْهِكَ،

به فزونی دیگر (رسانی؛ (۵۰) سپاسی که شایسته ذات کریمت باشد،

و يُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ.

و با عزّ جلالت برابری کند.

﴿٥١﴾ رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْمُنْتَجَبِ

(۵۱) پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود فرست؛ آن انسان

الْمُصْطَفَى، الْمُكْرَمِ الْمُقْرَبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ،

پسندیده؛ برگزیده؛ گرامی و مقرب، برترین درودهایت را، و بر او

وَبَارِكْ عَلَيْهِ أَيْ بَرَكَاتِكَ، وَتَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَيْ مَتَّعْ

برکت نازل کن؛ کامل‌ترین برکاتت را، و بر او رحمت آر؛ پر بهره‌ترین

رَحْمَاتِكَ؛ ﴿٥٢﴾ رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً

رحمت‌هایت را. (۵۲) پروردگارا! بر محمد و آلش درود فرست،

زَاكِيَةً، لَا تَكُونُ صَلَاةً أَزْكَى مِنْهَا، وَصَلِّ عَلَيْهِ

درودی فزون‌پذیر، که درودی فزون پذیرتر از آن نباشد، و بر او



صَلَاةً نَامِيَةً، لَا تَكُونُ صَلَاةً أَنْحَى مِنْهَا، وَصَلِّ

درودی فزاینده فرست، که درودی فزاینده‌تر از آن نباشد، و بر او

عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً، لَا تَكُونُ صَلَاةً فَوْقَهَا؛ ﴿۵۳﴾

درود فرست، درودی پسندیده، که درودی بالاتر از آن نباشد. (۵۳)

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تُرْضِيهِ وَتَزِيدُ

پروردگارا! بر محمد و آلش درود فرست؛ درودی که او را خشنود کند و بر

عَلَيَّ رِضَاهُ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرْضِيكَ، وَتَزِيدُ

خشنودیش ببیفزاید، و بر او درود فرست؛ درودی که تو را خشنود کند، و

عَلَيَّ رِضَاكَ لَهُ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا تُرْضِي لَهُ،

بر خشنودیت به خاطر او بیفزاید، و بر او درود فرست؛ درودی که برای او

إِلَّا بِهَا، وَلَا تُرِي غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا؛ ﴿۵۴﴾ رَبِّ صَلِّ

جز به آن خشنود نشوی، و غیر او کسی را شایسته آن ندانی. (۵۴)

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تَجَاوِزُ رِضْوَانَكَ،

پروردگارا! بر محمد و آلش درود فرست؛ درودی که از خشنودی تو فرارود،

وَيَتَّصِلُ اتِّصَالًا بِبَقَائِكَ، وَلَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ

و پیوندش به بقای تو وصل شود، و پایان نپذیرد، چنانکه کلمات تو پایان

كَلِمَاتِكَ؛ ﴿۵۵﴾ رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً

می‌پذیرد. (۵۵) پروردگارا! بر محمد و آلش درود فرست، درودی

تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ، وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ

که درود فرشتگان و پیامبران و رسولان، و اهل طاعتت



وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، وَتَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ،

را به رشته نظم درآورد، و شامل درود بندگان،

مِنْ جِنِّكَ وَانْسِكَ وَأَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَتَجْتَمِعُ

از جن و انس و پذیرندگان دعوت گردد،

عَلَى صَلَاةِ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَبَرَّاتٍ، مِنْ أَصْنَافِ

و درود هر که را از انواع آفریده‌هایت به وجود آوردی و پدید کردی،

خَلْقِكَ؛ ﴿٥٦﴾ رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ، صَلَاةً تُحِيطُ

گرد آورد. (۵۶) پروردگارا! بر او و آتش درود فرست؛ درودی

بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَمُسْتَأْنَفَةٍ، وَصَلِّ عَلَيْهِ

که هر درود گذشته و جدید را در برگرد، و بر او و آتش درود فرست؛

وَعَلَى آلِهِ، صَلَاةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَلِمَنْ دُونَكَ،

درودی که نزد تو و غیر تو پسندیده باشد، و علاوه بر آن درودهایی

وَتَنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ، صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ

را ایجاد کنی که در کنارش درودهای گذشته را چند برابر کنی،

الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَتَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْإِيَّامِ،

و با گذشت روزگاران چندان بر آن بیفزایی،

زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفِ لَا يُعْدهَا غَيْرُكَ؛ ﴿٥٧﴾ رَبِّ

که کسی جز تو نتواند آن را به شماره آورد. (۵۷) پروردگارا!

صَلِّ عَلَى أَطْيَبِ أَهْلِ بَيْتِهِ، الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ

بر پاکیزه‌تران از اهل بیت او درود فرست؛ اهل بیتی که



لَا مَرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَحَفَظَةَ

برای اجرای فرمانت انتخاب کردی، و آنان را خزانه داران دانشت، و حافظان

دینک، وَخُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَحُجَجَكَ عَلَى

دینت، و جانشینانت در زمینت، و حجت‌هایت بر بندگانت قرار دادی، و آنان

عِبَادِكَ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالذَّنْسِ،

را به اراده‌ات، از پلیدی و آلودگی به طور کامل

تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ،

پاک کردی، و وجود مبارکشان را وسیله‌ای به سوی خود، و راه مستقیمت

و الْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ؛ ﴿٥٨﴾ رَبِّ صَلِّ عَلَى

به جانب بهشتت قرار دادی. (۵۸) پروردگارا! بر محمد

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نَحْلِكَ

و آتش درود فرست؛ درودی که به سبب آن، بخشش و

وَكَرَامَتِكَ، وَتُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ

بزرگواریت را در حق آنان بزرگ گردانی، و عطا و بخشش‌های

وَنَوَافِلِكَ، وَتُوَفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحِظَّ مِنْ عَوَائِدِكَ

افزونت را برای آنان کامل گردانی، و نصیب آنان را از نیکی‌ها و

و فَوَائِدِكَ؛ ﴿٥٩﴾ رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ،

بهره‌هایت سرشار فرمایی. (۵۹) پروردگارا! بر پیامبر و آتش

صَلَاةً لَا أَمَدَ فِي أَوَّلِهَا، وَلَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا

درود فرست؛ درودی که آغازش را مرزی، و مدتش را پایانی،



وَلَا نِهَائِيَةَ لِأَخْرِهَا؛ ﴿٦٠﴾ رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِنَةً

و آخرش را نهایتی نباشد. (۶۰) پروردگارا! بر آنان درود فرست؛

عَرْشِكَ وَمَا دُونَهُ، وَمِلءَ سَمَاوَاتِكَ وَمَا

هم پایه عرش؛ و آنچه غیر عرش است به گنجایش آسمانها

فَوْقَهُنَّ، وَعَدَدَ أَرْضِيكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا

و آنچه فوق آنهاست؛ و به اندازه زمین و آنچه زیر

بَيْنَهُنَّ، صَلَاةً تُقَرَّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى، وَتَكُونَ لَكَ

و میان آنهاست؛ درودی که آنان را به قرب تو رساند، و مایه خشنودی تو

وَلَهُمْ رِضَى، وَمُتَّصِلَةً بِنِظَائِرِهِنَّ أَبَدًا.

و آنان شود، و برای همیشه به نظایر و امثال آن متصل گردد.

﴿٦١﴾ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ، فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ

(۶۱) خدایا! تو در هر زمان، دینت را به وجود امامی یاری دادی، زمانی

أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ، بَعْدَ

که او را نشانه‌ای برای بندگانت جهت یافتن راه حق و مشعلی فروزان در

أَنْ وَصَلَتْ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ

سرزمین‌هایت برپا داشتی، پس از آن که رشته ارتباطش را به رشته ارتباط

إِلَى رِضْوَانِكَ، وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَحَدَّرْتَ

خود پیوند دادی، و او را سبب دست یابی به خشنودیت قرار دادی، و

مَعْصِيَتَهُ، وَأَمَرْتَ بِأَمْتَالِ أَوَامِرِهِ، وَالْإِنْتِهَاءِ

طاعتش را واجب و از نافرمانیش بیم دادی، و مردم را به فرمان بردن از



عِنْدَ نَهْيِهِ، وَالْأَلَا يَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ، وَلَا يَتَأَخَّرُ

دستوراتش و باز ایستادن از نهی، و پیشی نجستن بر حضرتش، و پس نماندن

عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ، فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِذِينَ، وَكَهْفُ

از وجود مقدسش دستور دادی. آری، امام انتخاب شده تو، پناه پناهندگان

الْمُؤْمِنِينَ، وَعُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَبِهَاءِ الْعَالَمِينَ.

و ملجأ مؤمنان، و دستگیره جنگ زندگان، و زیبایی جهانیان است.

﴿٦٢﴾ اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيَّكَ، شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ

(۶۲) خدایا! سپاس گزاردن نعمت‌هایی که به ولیّت عنایت کردی، به او الهام فرما و ما را

بِهِ عَلَيْهِ، وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَآتِهِ مِنْ لَدُنْكَ

نیز به سپاسگزاری نعمت وجود ولی الهام کن، و از جانب خویش به حضرت او، قدرت

سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَأَعِنَهُ

و سلطنت یاری دهنده عنایت فرما، و در فتح و پیروزی آسانی را به رویش بگشا.

بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ، وَاشْدُدْ أَرْزُوهَ، وَقَوِّ عَضْدَهُ،

و او را به نیرومندترین تکیه گاه خود یاری ده، پشتش را محکم و بازویش را قوی

وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَاحْمِهِ بِحِفْظِكَ، وَانصُرْهُ

فرما، و به نظر عنایت و لطف او را در سایه رعایتت قرار ده، و به حفظ او را

بِمَلَائِكَتِكَ، وَآمُدَّهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ، ﴿٦٣﴾

حمایت کن، و به فرشتگانت او را یاری ده، و به نیرومندترین سپاهت مددش فرما، (۶۳)

وَأَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ، وَسُنَنَ

و به وسیله او قرآنت و حدودت و شرایعت، و روش‌های



رَسُولِكَ - صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَآحِي

رسولت را - که درودت بر او و آلش - به پادار. آنچه از نشانه‌های

بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ، مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَاجِلُ

دینت را ستمکاران میرانده‌اند، به وجود امام زنده کن،

بِهِ صَدَاءَ الجَوْرِ عَن طَرِيقَتِكَ، وَابْنِ بِهِ

و به وسیله او زنگار ستم را از راهت پاک کن،

الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَأَزِلْ بِهِ التَّاكِبِينَ عَن

و ناهمواری را از جاده‌ات برطرف فرما، و منحرفین از راهت را

صِرَاطِكَ، وَامْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَسْدِكَ عِوَجًا،

از میان بردار، و آنان که قصد ایجاد کجی و اعوجاج در دینت را دارند هلاک کن،

﴿٦٤﴾ وَالنَّ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَابْسُطْ يَدَهُ

(٦٤) و دلش را نسبت به دوستانت نرم، و دست قدرتت را علیه

عَلَى أَعْدَائِكَ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ،

دشمنانت گشوده ساز، و مهربانی و رحمت و عطوفت

وَتَعَطَّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ، وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ،

و دل سوزیش را به ما ببخش، و ما را نسبت به او شنوا و فرمانبردار

وَ فِي رِضَاهُ سَاعِينَ، وَ إِلَى نَصْرَتِهِ وَ الْمُدَافَعَةِ

و در راه به دست آوردن خشنودیش کوشا، و در یاری و دفاع از

عَنْهُ مُكْنَفِينَ، وَ إِلَيْكَ وَ إِلَى رَسُولِكَ - صَلَوَاتِكَ

او مددکار قرار ده، تا به وسیله این امور، به تو و به رسولت



اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ.

که درودت بر او و آلش باد، تقرب جوییم.

﴿٦٥﴾ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ، الْمُعْتَرِفِينَ

(٦٥) خدایا! بر دوستان محمد و آل محمد درود فرست؛ دوستانی که به

بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ، الْمُقْتَفِينَ

مقامشان اقرار دارند؛ پیرو راهشان هستند؛ دنباله رو

آثارهم، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ

آثارشان می‌باشند، چنگ زننده به دستگیره محکم و استوارشان هستند؛

بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسْلِمِينَ

به ولایتشان تمسک دارند؛ به امامتشان اقتدا می‌کنند؛

لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُنتَظِرِينَ

به امرشان تسلیم‌اند، در فرمانبرداری از آنان کوشایند؛ منتظر

أَيَّامِهِمْ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنُهُمْ، الصَّلَوَاتِ

حکومت و قدرت پیروزی آنانند؛ چشم دوخته به ایشانند. درودهای

الْمُبَارَكَاتِ الزَّائِكِيَّاتِ، النَّامِيَّاتِ الْغَادِيَّاتِ

مبارک، پاکیزه، فزاینده صبحگاهان و شامگاهان

الرَّائِحَاتِ، ﴿٦٦﴾ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ،

بر آنان باد (٦٦) و بر ارواحشان درود فرست،

وَاجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَاصْلِحْ لَهُمْ

و کارشان را بر اساس تقوا فراهم آور، و شؤون زندگی



شُؤْنَهُمْ، وَتُبَ عَلَيْهِمْ؛ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ

و احوالشان را اصلاح کن و توبه آنان را بپذیر؛ همانا تو بسیار توبه‌پذیر

الرَّحِيمُ، وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي

و مهربانی، و بهترین آمرزندگان، و ما را به رحمتت همراه آنان در

دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

جایگاه امن و امان قرار ده، ای مهربان‌ترین مهربانان!

﴿٦٧﴾ اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمُ عَرَفَةَ، يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ

(٦٧) خدایا! این روز، روز عرفه است؛ روزی که آن را شرافت و کرامت و

وَ عَظَّمْتَهُ، نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَ مَنَنْتَ فِيهِ

عظمت دادی؛ سفره رحمتت را در آن گستردی و در آن به عفو بر بندگان

بِعَفْوِكَ، وَ أَجَزَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ، وَ تَفَضَّلْتَ

منت نهادی، و عطایت را در آن بزرگ کردی، و به وسیله آن بر بندگان

بِهِ عَلَى عِبَادِكَ.

تفضل و احسان فرمودی.

﴿٦٨﴾ اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ،

(٦٨) خدایا! من بنده تو هستم که پیش از آفریدنش، و پس از

قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ

به وجود آمدنش، بر او انعام کردی؛ پس او را از جمله کسانی قرار دادی،

مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ، وَ وَقَفْتَهُ لِحَقِّكَ،

که به آیینت هدایت کردی، و برای ادای حقت توفیقش دادی،



وَعَصَمْتَهُ بِحَبْلِكَ، وَأَدَخَلْتَهُ فِي حِزْبِكَ،

و با ریسمان رحمت و لطفت حفظش کردی، و در حزب خود واردش کردی

وَأَرْشَدْتَهُ لِمُؤَالَاةِ أَوْلِيَائِكَ، وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ؛

و به دوستی دوستانت و به دشمنی دشمنانت ارشادش کردی.

﴿٦٩﴾ ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ، وَزَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ،

(٦٩) سپس او را دستور دادی، ولی فرمان نبرد. از زشتی‌ها بازش داشتی، ولی باز

وَنَهَيْتَهُ عَنِ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَىٰ

نایستاد. از معصیتت نهیست فرمودی، ولی امرت را مخالفت کرد و به جانب نهیت

نَهَيْكَ، لَا مُعَانَدَةَ لَكَ، وَلَا اسْتِكْبَارًا

شتافت، نه از باب دشمنی با تو و گردنکشی در برابر تو؛ بلکه هوای نفسش او را به

عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَىٰ مَا زَيَّلْتَهُ، وَإِلَىٰ

چیزی دعوت کرد که تو او را دور کردی و بر حذر داشتی، و دشمنت و دشمنش

مَا حَذَرْتَهُ، وَأَعَانَهُ عَلَىٰ ذَلِكَ عَدُوُّكَ وَعَدُوُّهُ،

او را در این زمینه کمک داد، تا در عین معرفت به تهدیدت بر گناه اقدام کند، در

فَاقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ، رَاجِيًا لِعَفْوِكَ،

حالی که به عفت و امیدوار، و به گذشتت اطمینان داشت. در صورتی که او با این

وَإِثْقَابِ تَجَاوُزِكَ، وَكَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا

همه محبتی که در حقش مبذول داشتی، و این همه نعمتی که به او بخشیدی،

مَنْنْتَ عَلَيْهِ إِلَّا يَفْعَلْ؛ ﴿٧٠﴾ وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ

سزاوارترین بندگان بود که مرتکب معصیت نشود، و قدم در عرصه گناه نگذارد.



يَدَيْكَ، صَاغِرًا ذَلِيلًا، خَاضِعًا خَاشِعًا خَائِفًا،

(۷۰) اینک منم که در برابرت قرار دارم، خوار، ذلیل، فروتن، متواضع،

مُعْتَرِفًا بِعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتَهُ، وَجَدِيلٍ

ترسان، و معترف به گناهان بزرگی که بر دوش برداشته‌ام، و خطاهای

مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتَهُ، مُسْتَجِيرًا بِصَفْحِكَ،

سنگینی که مرتکب شده‌ام، در حالی که به چشم پوشیت پناهنده، و

لَا إِثْمًا بِرَحْمَتِكَ، مَوْقِنًا أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ

به رحمتت متمسکم. یقین دارم که امان دهنده‌ای مرا از عذابت امان

مُجِيرٌ، وَلَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَا نَعَى؛ ﴿٧١﴾ فَعُدَّ عَلَيَّ

نمی‌دهد، و باز دارنده‌ای مرا از کیفیت باز نمی‌دارد. (۷۱) بنابراین ای که به

بِمَا تَعَوَّدُ بِهِ، عَلَيَّ مَنِ اقْتَرَفَ مِنْ تَعَمُّدِكَ،

خاطر بدکرداریم از من روگردانده‌ای، به من بازگرد؛ همان گونه که با پوششت

وَجُدَّ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ، عَلَيَّ مَنِ اتَّقَى بِيَدِهِ إِلَيْكَ

نسبت به کسی که مرتکب گناه شده باز می‌گردد، و از عفو تو به من ببخش؛

مِنَ عَفْوِكَ، وَ أَمِنُ عَلَيَّ بِمَا لَا يَتَعَاطَمُكَ، أَنْ

همان گونه که از عفو تو به تسلیم شده به حضرتت می‌بخشی، و با آمرزشت بر من

تَمَنَّيْتُ بِهِ عَلَيَّ مَنِ أَمَلَكَ مِنْ غُفْرَانِكَ، ﴿٧٢﴾ وَاجْعَلْ

منت گذار؛ همان گونه که از آمرزشت بر کسی که نسبت به تو امیدوار است منت می‌گذاری.

لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا، أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ

این کار در نظرت بزرگ می‌آید. (۷۲) و در این روز نصیبی برایم قرار ده، که به سبب



رِضْوَانِكَ ، وَ لَا تَرُدَّنِي صِفْرًا مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ
 آن به بهره‌ای از خشنودیت دست یابم، و مرا از آنچه کوشش کنندگان در عبادت
 الْمُتَعَبِدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ ، وَإِنِّي وَإِنْ لَمْ أَقْدِمُ
 به آن باز می‌گردند، - که پاداش و ثواب عظیم توست - تهی دست باز مگردان.
 مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ ، فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ ،
 من گرچه اعمال شایسته‌ای که آنان پیش فرستادند، پیش نفرستادم، ولی توحیدت
 وَ نَفِي الْأَضْدَادِ وَالْأَنْدَادِ وَالْأَشْبَاهِ عَنْكَ ،
 و نفی همانند و همتاها و شبیه‌ها را از وجود مبارکت پیش فرستادم.
 ﴿٧٣﴾ وَ آتَيْتَكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَى
 (۷۳) و از همان درهایی که فرمان دادی از آنها وارد
 مِنْهَا ، وَ تَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ ،
 بر تو شون، وارد شدم و با وسیله‌ای به تو تقریب جستم که کسی جز با تقریب به آن،
 إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ ، ثُمَّ اتَّبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ ،
 به مقام قرب تو نرسد. سپس با توبه و زاری به پیشگاهت
 وَ التَّدَلُّلِ وَالْإِسْتِكَانَةَ لَكَ ، وَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ ،
 و اظهار ذلت و مسکنت برایت، و حسن ظن به حضرتت،
 وَ الثِّقَةَ بِمَا عِنْدَكَ ، وَ شَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ ،
 و اعتماد به آنچه که نزد توست، تقریب جویی را دنبال کردم، و امید به تو را
 الَّذِي قَلَّ مَا يَخْبِي عَنْكَ عَلَيْهِ رَاجِيكَ ؛ ﴿٧٤﴾
 که کمتر امیدواری با داشتن آن نومید می‌شود، ضمیمه آن کردم (۷۴)



وَسَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ ، أَلْبَاسِ

و از تو درخواست کردم؛ درخواست شخص کوچک، خوار، نیازمند، تهی

الْفَقِيرِ، الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، وَمَعَ ذَلِكَ خِيفَةٌ

دست، ترسان و پناه خواه. با این حال، درخواستم از روی بیم و زاری و پناه

وَتَضَرُّعًا، وَتَعَوُّذًا وَتَلَوُّذًا، لَا مُسْتَطِيلًا

خواهی و ملجأطلبی بود؛ نه از روی گردن کشی به مانند کبر متکبران، و نه

بِتَكَبُّرِ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَلَا مُتَعَالِيًا بِدَالَّةِ

از روی خاطر جمعی؛ به مانند خاطر جمعی مطیعان، و نه از روی بلند

المُطِيعِينَ، وَلَا مُسْتَطِيلًا بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِينَ؛

پروازی؛ مانند بلند پروازی کسی که به شفاعت شفیعان مطمئن است.

﴿٧٥﴾ وَ أَنَا بَعْدُ أَقْلُ الْأَقْلَى ، وَ أَذَلُّ الْأَذَلِّينَ ،

(۷۵) و من گذشته از این، کمترین کمتران و خوارترین خواران و همانند ذره

وَمِثْلُ الذَّرَّةِ أَوْ دُونَهَا؛ ﴿٧٦﴾ فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ

یا کوچکتر از آنم. (۷۶) ای که در کبیر بدکاران شتاب نکردی و نعمت ناز

الْمُسِيئِينَ ، وَ لَا يَنْدَهُ الْمُتَرْفِينَ ، وَ يَا مَنْ يَمُنُّ

پروردگان غرق در عیش و نوش را منع نمودی! ای که به گذشت از لغزش بر

بِقَالَةِ الْعَاثِرِينَ ، وَ يَتَفَضَّلُ بِأَنْظَارِ الْخَاطِئِينَ .

لغزش داران منت می‌نهی، و به مهلت دادن به خطاکاران، تفضل می‌ورزی!

﴿٧٧﴾ أَنَا الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ ، الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ؛

(۷۷) منم بدکار، منحرف به گناه، خطاکار، لغزش‌دار.



(۷۸) اَنَا الَّذِي أَقَدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِبًا؛ (۷۹) اَنَا

(۷۸) منم که از روی جرأت بر تو اقدام به گناه کردم. (۷۹) منم

الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا؛ (۸۰) اَنَا الَّذِي اسْتَخَفِي

که از روی عمد تو را معصیت کردم. (۸۰) منم که خود را به وقت گناه

مِنْ عِبَادِكَ وَبَارِزَكَ؛ (۸۱) اَنَا الَّذِي هَابَ

از بندگانت مخفی کردم؛ ولی آشکارا به مخالفت با تو برخاستم. (۸۱)

عِبَادِكَ وَ أَمِنَكَ؛ (۸۲) اَنَا الَّذِي لَمْ يَرْهَبْ

منم که از بندگانت ترسیدم؛ ولی خود را از تو ایمن و آسوده دیدم. (۸۲)

سَطَوْتَكَ، وَ لَمْ يَخَفْ بِأَسْكَ؛ (۸۳) اَنَا الْجَانِي

منم که از عذابت نهراسیدم و از عقاب و خشمت ترسیدم. (۸۳) منم که

عَلَى نَفْسِهِ؛ (۸۴) اَنَا الْمُرْتَهَنُ بِبَيْلِيَّتِهِ، اَنَا الْقَلِيلُ

بر خود جنایت کردم. (۸۴) منم که در گرو بلاهای خود هستم. منم

الْحَيَاءِ؛ (۸۵) اَنَا الطَّوِيلُ الْعَنَاءِ؛ بِحَقِّ مَنْ

که حیایم اندک است، (۸۵) و گرفتاری و رنجم طولانی است. به حق آن

انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبِمَنْ اصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ،

که او را از میان آفریده‌هایت اختیار کردی، و به کسی که برای خود

بِحَقِّ مَنْ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، وَ مَنْ اجْتَبَيْتَ

برگزیدی، به حق کسی که از میان مخلوقات انتخاب کردی، و برای

لِشَانِكَ، بِحَقِّ مَنْ وَصَلَتْ طَاعَتَهُ وَبِطَاعَتِكَ،

شان خود پسندیدی، به حق کسی که طاعتش را به طاعت خود وصل



وَمَنْ جَعَلَتْ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ، بِحَقِّ مَنْ

کردی و نافرمانیش را هم چون نافرمانی خود قرار دادی، به حق کسی

قَرَنْتَ مَوَالِيَهُ بِمَوَالِيَتِكَ، وَمَنْ نَطَتْ مُعَادَاتَهُ

که دوستیش را به دوستیت مقرون ساختی و دشمنیش را به دشمنیت

بِمُعَادَاتِكَ؛ ﴿٨٦﴾ تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا،

ارتباط دادی. (۸۶) مرا امروز به جامه عفو و رحمت بپوشان؛ چون پوشاندن بر

بِمَا تَتَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلاً، وَ عَاذَ

کسی که به پیشگاهت زاری و ناله کرد، و از گناهش بیزار می‌گست، و در حال توبه

بِاسْتِغْفَارِكَ تَائِبًا؛ وَ تَوَلَّيْتُ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَهْلَ

و درخواست آمرزشت به توبه پناه آوردم، و مرا همان گونه که اهل طاعتت و اهل قرب

طَاعَتِكَ، وَ الزُّلْفَى لَدَيْكَ، وَ الْمَكَانَةَ مِنْكَ؛

در درگاهت و منزلت و مقام در پیشگاهت را سرپرستی می‌کنی، سرپرستی کن.

﴿٨٧﴾ وَ تَوَحَّحْتَنِي بِمَا تَوَحَّحَّدُ بِهِ مَنْ وَ فِي بَعْدِكَ،

(۸۷) و مرا مخصوص گردان، به آنچه مخصوص می‌گردانی کسی را که به پیمانت وفا

وَ اتَّعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ، وَ أَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ؛

کرده و خود را برای تو به زحمت انداخته و در به دست آوردن خشنودیت خود را خسته

﴿٨٨﴾ وَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ،

کرده، (۸۸) و مرا به خاطر کوتاهی در حَقَّتْ، و تجاوز از اندازه و قدم

وَ تَعَدَّى طُورِي فِي حُدُودِكَ، وَ مُجَاوِزَةَ

نسبت به حدودت، و پا فرات گذاشتن از عرصه گاه احکامت مؤاخذه مکن،



أَحْكَامِكَ؛ وَلَا تَسْتَدْرِجَنِي بِإِمْلَائِكَ لِي،

و مرا به مهلت دادنت به بلای استدراج (یعنی وا گذاشتن عبد به خودش تا کم

استدراج من منعی خیر ما عنده، وَلَمْ يَشْرَكَكَ

کم به گناهش ادامه دهد، و در عذابش شتاب نشود تا خداوند ناگهان او را

فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي؛ ﴿٨٩﴾ وَ نَبِّهْنِي مِنْ

فراگیرد.) مبتلا مکن. مانند استدراج کسی که خیر و نیکی نزدش را از من باز داشته،

رَقْدَةِ الْغَافِلِينَ، وَ سِنَةِ الْمُسْرِفِينَ، وَ نَعْسَةِ

و برای تو در رسیدن نعمتت به من حسابی باز نکرده. (۸۹) مرا از خواب بی خبران،

الْمَخْذُولِينَ؛ وَ خُذْ بِقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ

و خواب آلودگی اسراف کنندگان، و چرت به خود وا گذاشتگان بیدار کن. و دلم را

بِهِ الْقَاتِنِينَ، وَ اسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ،

در مسیری بر، که اطاعت کنندگان را به آن گماشته‌ای، و عبادت کنندگان

وَ اسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِنِينَ؛ ﴿٩٠﴾ وَ أَعِزَّنِي

را بر آن داشته‌ای، و مسامحه کاران را به آن نجات داده‌ای. (۹۰) و مرا

مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، وَ يَحْوُلُ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَظِّي

از آنچه موجب دوری از تو می‌شود، و میان من و بهره‌ام

مِنْكَ، وَ يَصُدُّنِي عَمَّا أَحْوَلُ لَدَيْكَ؛ وَ سَهِّلْ لِي

حایل می‌گردد، و از آنچه نزد تو می‌جویم باز می‌دارد، پناه ده،

مَسَلَّكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَ الْمُسَابَقَةَ إِلَيْهَا مِنْ

و پوییدن راه خیرات به سویت و پیشی گرفتن به آنها را به صورتی که



حَيْثُ أَمَرْتَ، وَالْمُشَاحَّةَ فِيهَا عَلَيَّ مَا أَرَدْتَ؛

دستور دادی، و رقابت در آنها را به نحوی که خواستی برایم هموار کن.

﴿۹۱﴾ وَلَا تَمَحِّقْنِي فِيمَنْ تَمَحَّقُ مِنَ الْمُسْتَخْفَيْنَ

(۹۱) و مراد رزمره کسانی که تهدیدت را سبک می‌شمارند، و به این خاطر نابودشان

بِمَا أَوْعَدْتَ؛ وَلَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تَهْلِكُ مِنْ

می‌کنی نابود مکن. و همراه کسانی که متعرض خشمت می‌شوند، و به این علت

الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَقْتِكَ؛ وَلَا تُتَبِّرْنِي فِيمَنْ تُتَبِّرُ مِنْ

هلاکشان می‌کنی، هلاک مکن، و در جمع کسانی که از راه‌هایت منحرف می‌شوند، و به این جهت

الْمُنْحَرِفِينَ عَن سُبُلِكَ؛ ﴿۹۲﴾ وَنَجِّنِي مِنْ غَمَرَاتِ

درهمشان می‌کوبی، درهم مکوب، (۹۲) و مرا از گرداب‌های

الْفِتْنَةِ، وَخَلِّصْنِي مِنْ لَهَوَاتِ الْبَلْوَى، وَأَجِرْنِي

فتنه نجات ده، و از گلوگاه‌های بلا خلاص کن، و از غافلگیر شدن در

مِنَ أَخْذِ الْإِمْلَاءِ، وَحُلِّ بَيْنِي وَبَيْنَ عَدُوِّ

عرصه مهلت پناه ده، و بین من و دشمنی که گمراهم می‌کند،

يُضِلُّنِي، وَهَوَى يُوْبِقُنِي، وَمَنْقَصَةَ تَرْهَقُنِي؛

و هوای نفسی که نابودم می‌نماید، و نقصی که در تنگنایم قرار می‌دهد، فاصله انداز.

﴿۹۳﴾ وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَى

(۹۳) از من روی مگردان، هم چون روی گرداندن از کسی که

عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ؛ وَلَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْأَمَلِ فَيْكَ،

پس از خشمت از او خشنود نمی‌شوی، و از امید به حضرتت ناامیدم مکن،



فَيَغْلِبَ عَلَيَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ؛ وَلَا تَمْنَحْنِي

تا یأس از رحمتت بر من چیره شود، و بیرون از تحمل و طاقتم

(تَمْنَحْنِي) بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ، فَتَبْهَظْنِي مِمَّا

نعمت به من عطا مکن، که از فزونی محبتی که

تُحْمَلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ؛ ﴿٩٤﴾ وَلَا تُرْسِلْنِي

بر دوش جانم می‌گذاری، گرانبارم کنی، (۹۴) و مرا از دست لطف و رحمتت

مِنْ يَدِكَ إِرسَالٌ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ، وَلَا حَاجَةَ

رها مکن؛ هم چون رها کردن کسی که خیری در او نیست، و نیازی

بِكَ إِلَيْهِ، وَلَا إِنْابَةَ لَهُ؛ وَلَا تَرَمِ بِي رَمِي مَنْ

به او نداری، و راه بازگشتی برایش وجود ندارد، و مرا مانند کسی که از نظر

سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ، وَمَنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ

التفاتت افتاده، و هم چون کسی که رسوایی از سوی تو تمام وجودش را

الْخِزْيُ مِنْ عِنْدِكَ؛ ﴿٩٥﴾ بَلْ خُذْ يَدِي مِنْ

فرا گرفته دور مینداز، (۹۵) بلکه مرا از

سَقَطَةِ الْمُتَرَدِّينَ، وَوَهْلَةِ الْمُتَعَسِّفِينَ، وَزَلَّةِ

سقوط در افتادگان و هول و هراس گمراهان، و لغزش فریب

الْمَغْرُورِينَ، وَوَرطَةِ الْهَالِكِينَ؛ ﴿٩٦﴾ وَعَافِنِي

خوردگان، و پرتگاه تباه شدگان حفظ فرما. (۹۶) و از آنچه

مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ وَ إِمَائِكَ؛

اصناف مردان و زنان را به آن دچار کرده‌ای. عافیتم ده و به



وَبَلِّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنَيْتَ بِهِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ،

مقامات و درجات کسی برسان، که به او عنایت داشتی، و نعمتش بخشیدی،

وَرَضِيَتْ عَنْهُ، فَأَعَشْتَهُ حَمِيدًا، وَتَوَقَّيْتَهُ

و از وی خوشنود شدی، و برایش زندگی ستوده

سَعِيدًا؛ وَطَوَّقَنِي طَوْقَ الْإِقْلَاعِ عَمَّا يُحْبَطُ

و خوبی تدارک دیدی، و او را سعادتمند از دنیا بردی، و گردن بند قطع شدن از آنچه

الْحَسَنَاتِ، وَيَذْهَبُ بِالْبَرَكَاتِ؛ وَأَشْعِرْ قَلْبِي

خوبی هارا تباه می کند، و برکات را از بین می برد، به گردنم انداز، و پرده باز ایستادن از

الْأَزْدِ جَارِعِنَ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ، وَفَوَاضِحِ

زشتی ها، و رسوایی های گناهان را بر قلبم بیوشان، (۹۷) و مرا به کاری هم

الْحَوْبَاتِ؛ ﴿٩٧﴾ وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا لَا أَدْرِكُهُ

چون طلب رزق و روزی، و پی گیری امور دنیا و مانند آن، که جز با کمک تو به آن

الْأَبِكِ، عَمَّا لَا يُرْضِيكَ عَنِّي غَيْرُهُ؛ وَانزِعْ

همی رسم، چنان سرگرم و مشغول مکن تا از عبادت و طاعتی که غیر آن، تو را از من

مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَنِيَّةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ،

خشنود همی کند باز مانم. و از سویدای قلبم، عشق دنیای پست را که مرا از آنچه نزد

وَتَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَتَذْهَلُ عَنِ

توست باز می دارد، و از طلب وسیله برای رسیدن به پیشگاهت مانع می شود، و از

التَّقَرُّبِ مِنْكَ؛ ﴿٩٨﴾ وَزَيِّنْ لِي التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِكَ،

به دست آوردن مقام قرب به تو بی خبر می کند ریشه کن فرما، (۹۸) و تنها شدن برای



بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَهَبْ لِي عِصْمَةً تُدِينَنِي مِنْ رَازٍ وَنِيَازٍ بِأَخْوَدَتِ رَأْسِ شَبِّ وَرُوزٍ فِي نَظْمِ بِيَارِي، وَبِهِ مِنْ مَقَامِ عِصْمَتٍ وَخُودِ خَشْيَتِكَ، وَتَقَطَّعْنِي عَنِ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ، نَظَرِ دَارِي وَبِرْهِيْزِيْ كِهْ وَجُودَمِ رَا بِهْ خَشْيَتِ نَزْدِيْكَ مِيْ كَنْدِ، وَازِ ارْتِكَابِ مَحْرَمَاتِ وَتَفَكُّنِيْ مِنْ اَسْرِ الْعِظَائِمِ؛ ﴿٩٩﴾ وَهَبْ لِي التَّطْهِيْرَ جَدَائِمِ مِيْ سَاذِ، وَازِ اسَارَتِ گِناها ن گَبِرِهْ آزادَمِ مِيْ كَنْدِ، عِنَايَتِ فَرْمَا. (٩٩) وَ مِنْ دَنْسِ الْعِصْيَانِ، وَآذِهِبْ عَنِّيْ دَرْنَ الْخَطَايَا، پَاكِ شَدَنِ از آلودگی گناه را به من ببخش، وَ چَرَكِ خَطَاها را از وجودم بزدای، وَ سَرِّبْ لَنِيْ بِسَرِّبَالِ عَافِيَّتِكَ، وَرَدِّنِيْ رِداً وَ مَرَا بِهْ جَاْمِهْ عَافِيَّتِ بِيُوشَانِ. وَ رَدَايِ عَفْوَتِ رَا مُعَافَاتِكَ، وَجَلِّلْنِيْ سَوَابِغِ نَعْمَائِكَ، وَظَاهِرِ دَرِ بَرَمِ كَنْ، وَبِهْ نَعْمَتِهايِ كَامِلِ وَ فَرَاگِرَتِ فَرَاگِرِ، وَ اِحْسَانِ لَدَيِّ فَضْلِكَ وَ طَوْلِكَ، وَآيِدِنِيْ بِتَوْفِيْقِكَ وَ نَعْمَتِ رَا پِيْ دَرِ پِيْ بِهْ مِنْ بَرَسَانِ، وَ بِهْ تَوْفِيْقِ وَتَسْديْدِكَ، وَاعِنِّيْ عَلَيَّ صَالِحِ النَّيَّةِ، وَمَرْضِيَّ وَ رَاهِنَمَايَتِ يَارِيْمِ فَرْمَا، وَ بَرِ نَيْتِ الْقَوْلِ، وَمُسْتَحْسَنِ الْعَمَلِ؛ ﴿١٠٠﴾ وَلَا تَكِلْنِيْ شَايِسْتِهْ وَگفتار پسنديده و عمل نيك نصرتم ده، (١٠٠) وَ مَرَا بَدُونِ اِلَى حَوْلِيْ وَ قُوَّتِيْ، دُونَ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ، قُدْرَتِ وَ تَوَانِيْتِ بِهْ قُدْرَتِ وَ تَوَانِيْتِ وَامگذار.



وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُنِي لِلْقَائِكَ، وَلَا تَفْضَحْنِي

و روزی که مرا برای دیدارت برانگیزی خوار مکن، و پیش روی دوستانت

بَيْنَ يَدَيَّ أَوْلِيَائِكَ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ،

رسوا مساز، و یادت را از خاطر من به دست فراموشی مسپار، و نیروی ادای

وَلَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ؛ ﴿١٠١﴾ بَلِ الزَّمَانِيهِ فِي

شکرت را از من سلب مکن؛ (۱۰۱) بلکه در حالات فراموشی، هنگام

أَحْوَالِ السُّهُوِّ، عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِأَلَايِكَ،

فراموشی‌های نادانان نسبت به نعمت‌هایت، مرا ملازم شکر و سپاسگزاریت

وَأَوْزَعْنِي أَنْ أُثْنِيَ بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ، وَاعْتَرَفَ

قرار ده، و به من الهام کن که به ستایش بر آنچه عطایم کرده‌ای برخیزم، و

بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيَّ، وَاجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ

نسبت به احسانی که به من فرموده‌ای اعتراف کنم. رغبتم را به سویت بالاتر

رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ، وَحَمْدِي إِيَّاكَ فَوْقَ حَمْدِ

از رغبت راغبان، و سپاسم را نسبت به حضرتت، برتر از سپاس سپاسگزاران

الْحَامِدِينَ؛ ﴿١٠٢﴾ وَلَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ فِاقَتِي إِلَيْكَ،

قرار ده. (۱۰۲) و مرا هنگام نیاز به سویت وامگذار، و به خاطر گناهانی

وَلَا تُهْلِكْنِي بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيْكَ، وَلَا تُجَبِّهْنِي

که به پیشگاهت ریخته‌ام هلاکم مکن، و آن گونه که با دشمنانت برخورد

بِمَا جَبَّهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ، فَإِنِّي لَكَ مُسَلِّمٌ؛

بد کردی، با من مکن؛ چرا که من تسلیم و سر سپرده توام.



﴿۱۰۳﴾ اَعْلَمَنَّ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ، وَأَنَّكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ،

(۱۰۳) می‌دانم که تو را بر من از هر جهت حجت است. تو از همه کس

وَأَعْوَدُ بِالْإِحْسَانِ، وَأَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ

به بخشش سزاوارتری، و به احسان خود کرده‌تری، و اهل تقوا و آمرزشی.

الْمَغْفِرَةِ، وَأَنَّكَ بَانَ تَعْفُوا أَوْلَىٰ مِنْكَ بَانَ تَعَابِبِ،

و به عفو کردن شایسته‌تر از عذاب کردنی، و به

وَأَنَّكَ بَانَ تَسْتَرُ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَىٰ أَنْ تَشَهَرَ، ﴿۱۰۴﴾

پرده پوشی، از پرده دری نزدیک‌تری. (۱۰۴) بر این اساس مرا زنده دار؛ به

فَإِحْيَىٰ حَيَاةً طَيِّبَةً تَلْتَضِمُ بِمَا أُرِيدُ، وَتَبْلُغُ مَا

زندگی پاکیزه‌ای که بر آنچه از خیر دنیا و آخرت می‌خواهم ببیوندد، و به آنچه

أَحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا آتِي مَا تَكْرَهُ، وَلَا أَرْتَكِبُ مَا

دوست دارم برساند؛ آن گونه که هیچ عملی که آن را ناپسند می‌داری، انجام

نَهَيْتَ عَنْهُ، وَأَمْتِنِي مَيْتَةً مَنْ يَسْعَىٰ نُورُهُ، بَيْنَ

ندهم و آنچه را نهی کرده‌ای مرتکب نشوم، و مرا هم‌چنان مانند می‌راندن کسی

يَدِيهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ، وَ ذَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ،

که نورش از پیش رویش، و از جانب راستش حرکت می‌کند. و مرا پیش رویت

وَأَعِزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ، وَضَعْنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ،

ذلیل و نزد بندگانت عزیز فرما. هنگامی که با تو خلوت می‌کنم، حقیر و پستم

وَأَرْفَعْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ، وَأَغْنِنِي عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ

کن؛ ولی در میان بندگانت بلند مرتبه‌ام فرما. از آن که از من نیاز است



عَنِّي، وَزِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَةً وَفَقْرًا، وَأَعِزَّنِي مِنْ

پنایزم کن، و بر نداری و تهیدستیم در پیشگاه خود بیفزای،

شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ، وَمِنْ الذُّلِّ

و از سرزنش دشمنان، و نزول بلا و خواری و رنج

وَ الْعِنَاءِ؛ ﴿١٠٥﴾ تَغَمَّدَنِي فِيمَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي،

پناهم ده. (۱۰۵) گناهایی را که از من خبر داری، بر من بپوشان؛ آن گونه که

بِمَا يَتَغَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْلَا حِلْمُهُ،

توانای بر انتقام می پوشاند؛ توانایی که اگر بردباریش نبود، انتقام می گرفت،

وَ الْأَخِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ لَوْلَا أَنَاتُهُ، وَإِذَا أَرَدَتْ

و مؤاخذه کننده بر گناه بود، اگر مدارایش نبود. و زمانی که در حق قومی، فتنه

بِقَوْمٍ فَتَنَتْهُ أَوْ سَوْءًا، فَنَجِّنِي مِنْهَا لَوْذَا بِكَ، وَإِذَا

یا بدی بخواهی، مرا از باب این که به تو پناه آورده ام، از آن فتنه و بدی

لَمْ تَقِمْنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ، فَلَا تَقِمْنِي

نجات ده، و چون مرا در دنیایت، در موقف رسوایی به پا نداشتی،

مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ، وَ أَشْفَعْ لِي أَوْ أَيْلَ مِنْكَ

به همان صورت در جهان آخرت در چنان موقعی به پا مدار. برای من اوایل

بِأَوَاخِرِهَا، وَ قَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا؛

نعمت هایت را به اواخر آن، و سودهای دیرینهات را با تازه های آن توأم ساز.

﴿١٠٦﴾ وَلَا تَمُدُّ لِي مَدًّا يَقْسُو مَعَهُ قَلْبِي،

(۱۰۶) آن قدر مهلتم مده که در کنار آن سنگدل شوم، و مرا دچار بلای



وَلَا تَقْرَعْنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بَهَائِي، وَلَا تَسْمِنِي

کوبنده‌ای مکن که محض آن آبرویم از بین برود، و بر من داغ پستی و حقارت

خسیدۀ یصغرُ لها قدری، وَلَا تَقْصِبَنَّ لِي مِنْ عِزِّي

مزن که به خاطر آن ارزشم ناچیز شود، و نقصی در من قرار مده، که به سبب آن

مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِي، وَلَا تَرْعِنِي رَوْعَةَ أَيْلُسِ بَيْتِي،

قدر و منزلتم مجهول ماند، و آن چنانم مترسان که به وسیله آن ناامید شوم،

وَلَا خِيفَةَ أَوْجُسِ دُونِهَا؛ ﴿١٠٧﴾ اجْعَلْ هَيْبَتِي

و آن گونه بیمم مده که در برابرش هراسناک گردم. (۱۰۷) ترسم را در

فِي وَعِيدِكَ، وَحَذْرِي مِنْ إِعْذَارِكَ وَإِنْذَارِكَ،

تهدیدت و پرهیزم را از اقام حجّت و هشدارت،

وَرَهْبَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ، وَاعْمُرْ لِي

و بیمم را هنگام تلاوت آیاتت قرار ده. شبم را به بیدار کردنم برای

بِأَيْقَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَتَفَرُّدِي بِالتَّهَجُّدِ لَكَ،

بندگیت، تنهاییم را برای شب زنده داری به خاطر حضرتت، و مجرّد

وَتَجَرُّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ، وَإِنْزَالِ حَوَائِجِي بِكَ،

بودنم را برای انس گرفتن به وجود مقدّست، و فرود آوردن حاجاتم به

وَمُنَازَلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ،

درگاهت، و روبه‌رو شدنم را با ذات مبارکت برای آزاد شدنم از آتش، و پناه

وَإِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ؛ ﴿١٠٨﴾

دادنم را از عذابت که اهل جهنّم در آنند، آبادی زندگیم قرار ده. (۱۰۸)



وَلَا تَدْرِنِي فِي طُغْيَانِي عَامِهَا، وَلَا فِي غَمْرَتِي

و مرا تا زمان مرگم در سرکشیم سرگردان و در گرداب نادانیم بی‌خبر وامگذار،

سَاهِيًا حَتَّىٰ حِينٍ، وَلَا تَجْعَلْنِي عِظَةً لِّمَنْ اتَّعَظَ،

و بر اثر خلاف کاری‌ها، مایه پند برای کسی که پند پذیرد، و عبرت برای کسی

وَلَا نَكَالًا لِّمَنْ اَعْتَبَرَ، وَلَا فِتْنَةً لِّمَنْ نَظَرَ،

که عبرت گیرد، و سبب فتنه و آزمایش برای کسی که نظر کند قرار مده. و

وَلَا تَمَكِّرْ بِي فِيمَنْ تَمَكَّرُ بِهِ، وَلَا تَسْتَبَدِلْ

با من در زمره کسانی که با آنان مکر می‌کنی، مکر مکن، و در ایمان و عمل

بِي غَيْرِي، وَلَا تُغَيِّرْ لِي اسْمًا، وَلَا تُبَدِّلْ لِي

دیگری را به جای من انتخاب مکن، و نامم را از دفتر سعادتمندان تغییر مده،

جِسْمًا، وَلَا تَتَّخِذْنِي هُزُؤًا لِخَلْقِكَ، وَلَا سُخْرِيًّا

و بدنم را دگرگون مساز، و مرا مضحکه بندگانت و مسخره خود قرار مده، و

لَكَ، وَلَا تَبْعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ، وَلَا مُمْتَهِنًا إِلَّا

مرا جز برای دنبال کردن خشنودیت و انتقام گرفتن از دشمنانت به خدمت

بِالْإِنْتِقَامِ لَكَ؛ ﴿١٠٩﴾ وَأَوْجِدْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ،

مگیر. (۱۰۹) و مرا از خنکی عفو و شیرینی رحمت، و روح و ریحانت و

وَحَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ، وَرَوْحَكَ وَرِيحَانِكَ، وَجَنَّةَ

بهشت دائمیت کامیاب کن، و به سبب گشایشی از توانگری، مزه فراغت از

نَعِيمِكَ، وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ، بِسَعَةِ

دل مشغولی نسبت به دنیا و آنچه در آن است، و پرداختن به اموری که دوست



مِنْ سَعَتِكَ، وَالْاجْتِهَادِ فِيمَا يُزِلُّ لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ،
 داری، و نیز طعم کوشش نسبت به آنچه عامل تقرب به پیشگاه تو و در نزد
 وَأَتْحَفَنِي بِتُحْفَةٍ مِنْ تَحْفَاتِكَ، ﴿۱۱۰﴾ وَاجْعَلْ
 توست به من بچشان، و ارمغانی از ارمغان‌هایت را نصیب من فرما. (۱۱۰)
 تِجَارَتِي رَابِحَةً، وَكَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ، وَأَخِفْنِي
 و تجارتم را سودمند و بازگشتم را به قیامت بی‌خسارت قرار ده،
 مَقَامَكَ، وَشَوْقُنِي لِقَاءِكَ، وَتُبْ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا،
 و مرا از مقامت بيمناک و به لقايت مشتاق فرما، و به من
 لَا تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً، وَلَا تَذَرْ
 توفیق توبه عنایت کن؛ توبه‌ای خالص که با آن هیچ گناه بزرگ و
 مَعَهَا عَلَانِيَةً وَلَا سِرِيرَةً، وَأَنْزِعِ الْغُلَّ مِنْ صَدْرِي
 کوچکی را باقی نگذار، و هیچ گناه آشکار و پنهانم را وامگذار، و کینه
 لِلْمُؤْمِنِينَ، وَاعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ،
 مؤمنان را از دلم ریشه کن فرما، و دلم را نسبت به فروتنان مهربان کن
 وَكُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ، وَحَلِّنِي حِلْيَةَ
 و با من چنان باش که با شایستگانی. و به زیور
 الْمُتَّقِينَ، ﴿۱۱۱﴾ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي
 پرهیزکارانم بیارای، (۱۱۱) و برایم یاد خوبی در باقی ماندگان و آوازه
 الْغَابِرِينَ، وَذِكْرًا نَامِيًّا فِي الْآخِرِينَ، وَوَافٍ
 روزافزونی در میان آیندگان قرار ده، و مرا از نظر مقام و منزلت، در



بِي عَرَصَةِ الْأَوَّلِينَ، وَتَمَّ سُبُوغُ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ،

عرصه گاه پیشتازان به ایمان و عمل درآور، و گستردگی نعمتت را بر من کامل کن،

وَظَاهِرِ كَرَامَاتِهِالِدِّي، اِمْلَأْ مِنْ فَوَائِدِكَ يَدَيَّ،

و کرامت‌های نعمتت را نزد من پی در پی قرار ده. دستم را از عطاهایت پُر کن،

﴿١١٢﴾ وَسُقِّ كَرَائِمَ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ، وَجَاوِرِي

(١١٢) و موهبت‌های گرانبخت را به سویم فرست، و مرا همسایه

الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، فِي الْجَنَانِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا

پاکیزه‌ترین دوستانت در بهشتی که برای برگزیدگان آراسته‌ای

لِلْأَصْفِيَاءِ، وَجَلَّلَنِي شَرَائِفَ نِحْلِكَ، فِي

قرار ده، و مرا به عطایای بزرگت، در مقاماتی که برای عاشقانت آماده

الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحِبَّائِكَ، وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ

کرده‌ای، بیوشان. و برایم نزد خود جایگاهی قرار ده

مَقِيلًا، أَوْى إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا، وَمَثَابَةً اتَّبَوْوْهَا،

که با دلی آرام در آن پناه گیرم، و منزلی که در آن سکونت گزینم

وَأَقْرُعَيْنَا؛ ﴿١١٣﴾ وَلَا تَقَايِسِنِي بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِرِ،

و دیده به آن روشن کنم، مرا با گناهان بزرگ مقایسه مکن،

وَلَا تُهْلِكْنِي يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرِ؛ وَأَزِلْ عَنِّي كُلَّ

و در آن روزی که اسرار برملا شود، هلاکم مگردان و هر

شَكِّ وَشُبْهَةٍ، وَاجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ

شک و شبهه‌های را از من پاک کن، و از هر رحمتی به سوی حق



كُلِّ رَحْمَةٍ، وَأَجْزِلِ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ،

راهی برایم قرار ده، و نصیب مواهبم را از عطایابت سرشار فرما،

وَوَفِّرْ عَلَيَّ حُظُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ،

و بهره‌های احسان از فضل و بخششت را بر من فراوان کن.

﴿۱۱۴﴾ وَاجْعَلْ قَلْبِي وَاثِقًا بِمَا عِنْدَكَ، وَهَمِّي

(۱۱۴) و دلم را نسبت به آنچه نزد توست مطمئن ساز، و آهنگ و قصدم را

مُسْتَفْرَعًا لِمَا هُوَ لَكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْتَعْمِلُ

برای آنچه که برای توست، از هر چیز دیگر فارغ کن. و مرا به کاری که بندگان

بِهِ خَالِصَتِكَ، وَأَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ

خالصت را محض آن به کار گرفتی، به کار گیر و قلبم را از طاعتت به هنگام

طَاعَتِكَ، وَاجْمَعْ لِي الْغِنَى وَالْعَفَافَ، وَالِدَّعَةَ

غفلت عقلها نسبت به حقایق سیراب کن، و توانگری و پاک دامنی،

وَالْمُعَافَاةَ، وَالصِّحَّةَ وَالسَّعَةَ، وَالطَّمَانِينَةَ

و آسایش و بهبودی و تندرستی، گشایش و آرامش و سلامت همه جانبه

وَالْعَافِيَةَ؛ ﴿۱۱۵﴾ وَلَا تَحْبِطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ

برایم گرد آور. (۱۱۵) و خوبی‌هایم را با گناهی که با آنها آمیخته می‌شود،

مَعْصِيَتِكَ، وَلَا خَلَوَاتِي بِمَا يَعْرِضُ لِي مِنْ نَزَغَاتِ

و خلوت‌هایم را به وسوسه‌ها و مفسادی که از طریق آزمایشت برایم

فِتْنَتِكَ؛ وَصُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ

پیش می‌آید تباه مساز، و آبرویم را از این که دست گدایی نزد کسی



العالمين، وَذُبِّنِي عَنِ التَّمَّاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ؛

از جهانیان دراز کنم حفظ فرما، و از طلبیدن آنچه نزد فاسقان است

﴿۱۱۶﴾ وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا، وَلَا لَهُمْ عَلَيَّ

برکنارم دار. (۱۱۶) و مرا پشتیبان ستم کاران، و دست یار و یاور آنان

مَحْوَ كِتَابِكَ يَدًا وَنَصِيرًا؛ وَحُطِنِي مِنْ حَيْثُ

برای نابود کردن قرآنت قرار مده، و از جایی که خود آگاه نیستم، چنان

لَا أَعْلَمُ، حِيَاطَةً تَقِينِي بِهَا، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ

نگاهبانم باش که به سبب آن از هر ناراحتی محفوظم بداری و درهای

تَوْبَتِكَ، وَرَحْمَتِكَ وَرَأْفَتِكَ، وَرِزْقِكَ الْوَاسِعِ،

توبه و رحمت و مهربانی و روزی فراخ را به رویم بگشا. من از رعبت

إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاعِبِينَ، وَأَتِمِّمْ لِي إِعْطَاكَ؛ إِنَّكَ

کنندگان به سوی توام. نعمت دادنت را درباره‌ام کامل فرما، همانا تو

خَيْرُ الْمُنْعِمِينَ؛ ﴿۱۱۷﴾ وَاجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي

بهترین نعمت دهندگانی. (۱۱۷) و باقی مانده عمرم را برای

الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، ابْتِغَاءَ وَجْهِكَ؛ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ؛

طلب کردن خشنودیت در حج و عمره قرار ده، ای پروردگار جهانیان!

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ؛

و درود خدا بر محمد و آل پاک و پاکیزه‌اش

وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَبَدًا أَبَدِينَ.

و سلام بر او و بر آنان؛ سلامی پیوسته و جاودانه!



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْأَضْحَى وَيَوْمَ الْجُمُعَةِ

دعای امام سجاد علیه السلام در روز عید قربان و روز جمعه

﴿١﴾ اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ مَيْمُونٌ، وَالْمُسْلِمُونَ

(۱) خدایا! امروز، روز مبارک و میمونی است. مسلمانان

فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ، يَشْهَدُ السَّائِلُ

در این روز در نواحی زمینت جمعند؛ مسلمانان سائل و خواهنده

مِنْهُمْ، وَالطَّالِبُ وَالرَّاعِبُ وَالرَّاهِبُ،

و امیدوار و ترسان، در اجتماعات حاضر می‌شوند و تو به جود و

وَأَنْتَ النَّاطِرُ فِي حَوَائِجِهِمْ، فَاسْأَلْكَ بِجُودِكَ

کرمت بینای به حاجات آنانی، و آسان بودن مسئلتم در دایره قدرتت،

و كَرَمِكَ، وَهَوَانِ مَا سَأَلْتُكَ عَلَيْكَ، أَنْ تُصَلِّيَ

از حضرتت می‌خواهم که بر محمد و آلش درود

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، ﴿٢﴾ وَاسْأَلْكَ- اللَّهُمَّ رَبَّنَا-

فرستی. (۲) خدایا! پروردگارا! از تو درخواست می‌کنم، به این خاطر که فرمانروایی

بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ، وَلَكَ الْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

بر هستی از آن توست و سپاس، ویژه حضرت توست. خدایی جز تو نیست،

الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ، ذُو الْجَلَالِ

بردار و کریمی، مهربان و بسیار نعمت دهنده‌ای، دارای عظمت



وَ الْإِكْرَامِ ، بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ،

و اكرامی، پدید آورنده آسمانها و زمینی،

مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ، مِنْ خَيْرٍ

هر مقدار بین بندگان مؤمنان تقسیم می‌کنی، از خیر یا

أَوْ عَافِيَةٍ، أَوْ بَرَكَاتٍ أَوْ هُدًى، أَوْ عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ،

سلامتی همه جانبه یا برکت یا هدایت یا عمل به طاعت، یا خیر خاصی که

أَوْ خَيْرٍ تَمَنَّوْا بِهِ عَلَيْهِمْ، تَهْدِيهِمْ بِهِ إِلَيْكَ، أَوْ

به سبب آن بر آنان منت می‌نهی و به واسطه آن به سوی خودت هدایتشان

تَرْفَعُ لَهُمْ عِنْدَكَ دَرَجَةً، أَوْ تُعْطِيهِمْ بِهِ خَيْرًا

می‌کنی، یا در پیشگاهت درجه آنان را بالا می‌بری، یا از برکت آن خیری

مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، أَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي

از خیر دنیا و آخرت به آنان عنایت می‌کنی، بهره و نصیب مرا از آن خیر،

وَ نَصِيبِي مِنْهُ؛ ﴿٣﴾ أَسْأَلُكَ- اللَّهُمَّ- بِأَنَّ لَكَ

سروش و فراوان گردانی. (۳) خدایا! از تو می‌خواهم به این خاطر که

الْمُلْكَ وَ الْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تُصَلِّيَ

فرمانروایی و حمد ویژه توست و خدایی جز تو نیست، به این که

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، وَ حَبِيبِكَ

بر محمد، بندهات و فرستادهات و حبیبیت

وَ صِفْوَتِكَ، وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ عَلَى آلِ

و برگزیدهات و اختیار شده از آفریده‌هایت، و بر آل



مُحَمَّدِ الْأَبْرَارِ، الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، صَلَاةً

محمد، نیکوکاران، پاکان و خوبان درود فرستی؛ درودی که

لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَأَنْ تُشْرِكُنَا

هیچ کس جز تو قدرت شمردن آن را نداشته باشد، و ما را در دعای

فِي صَلَاحٍ مَنْ دَعَاكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، مِنْ عِبَادِكَ

شایسته هر کس از بندگان مؤمن که تو را در این روز می‌خواند،

الْمُؤْمِنِينَ؛ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا

شریک کنی، ای پروردگار جهانیان! و ما و ایشان را

وَلَهُمْ؛ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بیامری که تو بر هر کاری توانایی.

﴿٤﴾ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَعَمَّدْتُ بِحَاجَتِي، وَبِكَ

(۴) خدایا! با حاجتم آهنگ درگاه تو کردم، و بار تهیدستی و نداری

أَنْزَلْتُ الْيَوْمَ فَقْرِي، وَفَاقَتِي وَمَسْكَنَتِي، وَإِنِّي

و بیچارگیم را به درگاهت فرود آوردم، و من به آمرزش و رحمت

بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ أَوْثَقُ مِنِّي بِعَمَلِي،

تا به عمل و کردارم مطمئن‌ترم، و هر آینه

وَلَمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي؛ ﴿٥﴾

آمرزش و رحمتت از گناهانم وسیع‌تر است؛ (۵)

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَوَلَّ قَضَاءَ

پس بر محمد و آل محمد درود فرست. روا کردن هر حاجتم



كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا، وَتَيْسِيرِ

را خود بر عهده گیر؛ به خاطر قدرتی که بر روا کردنش داری،

ذَلِكَ عَلَيْكَ، وَبِفَقْرِي إِلَيْكَ، وَغِنَاكَ عَنِّي؛

و آسان بودنش در برابر نیرومندیت، و محض نیازم

فَإِنِّي لَمْ أُصِبْ خَيْرًا قَطُّ إِلَّا مِنْكَ، وَلَمْ يَصْرِفْ

به حضرتت، و بی‌نیازیت از من. مسلماً من به خیری نرسیدم

عَنِّي سِوَاءَ قَطُّ أَحَدٌ غَيْرُكَ، وَلَا أَرْجُو لِأَمْرِ

جز از جانب تو، و هرگز احدی شری را از من برنگرداند غیر تو،

آخِرَتِي وَدُنْيَايَ سِوَاكَ.

و در امر آخرت و دنیایم به کسی جز تو امید ندارم.

﴿٦﴾ اللَّهُمَّ مِنْ تَهِيًّا وَتَعَبًّا، وَأَعَدًّا وَاسْتَعَدًّا،

(٦) خدایا! هر کس برای وارد شدن به مخلوقی، تهیه ساز و برگ کرد

لِوَفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ، رَجَاءَ رِفْدِهِ وَنَوَافِلِهِ،

و آماده و حاضر و مهیا شد، به امید صلح و بخشش

وَطَلَبَ نَيْلِهِ وَجَائِزَتِهِ؛ ﴿٧﴾ فَالَيْكَ يَا مَوْلَايَ-

و درخواست خیر و جایزه‌اش؛ (٧) اما ای مولای من!

كَانَتِ الْيَوْمَ تَهَيَّئْتِي وَتَعَبَيْتِي، وَإِعْدَادِي

فراهم آوردن ساز و برگم و آماده شدنم و حاضر گشتنم و مهیا شدنم،

وَاسْتِعْدَادِي، رَجَاءَ عَفْوِكَ وَرِفْدِكَ، وَطَلَبَ

فقط برای وارد شدن بر توست؛ آن هم به امید عفو و صلوات



نَيْلِكَ وَجَائِزَتِكَ.

و درخواست خیر و جایزه‌ات.

(۸) اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ،

(۸) خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست،

وَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ ذَلِكَ مِنْ رَجَائِي؛ يَا مَنْ لَا يُخْفِيهِ

و آن امیدم را در این روز، به ناامیدی تبدیل مکن. ای که

سَائِلٌ، وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ؛ فَإِنِّي لَمْ آتِكَ ثِقَةً مِنِّي،

درخواست کننده‌ای او را به مشقت نمی‌اندازد، و بخششی از توانگریش نمی‌کاهد!

بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ

من از جهت اعتماد به عمل شایسته‌ای که از پیش فرستادم و به امید شفاعت

رَجَوْتُهُ، إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، عَلَيْهِ

آفریده‌ای، جز شفاعت محمد و اهل بیتش - که درود و سلامت بر او

وَعَلَيْهِمْ سَلَامُكَ.

و بر آنان باد. - به پیشگاهت نیامدم.

(۹) آتَيْتَكَ مُقِرًّا بِالْجُرْمِ، وَالْإِسَاءَةِ إِلَى نَفْسِي؛

(۹) آمدم در حالی که به گناه و بدیم نسبت به خود معترفم که آدمم

آتَيْتَكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ، الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ

و به عفو عظیمی که به وسیله آن از خطاکاران گذشتی

عَنِ الْخَاطِئِينَ، ثُمَّ لَمْ يَمْنَعَكَ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ

امید دارم. سپس طول توقّفشان



عَلَى عَظِيمِ الْجُرْمِ، أَنْ عُدْتَ عَلَيْهِم بِالرَّحْمَةِ

بر گناه بزرگ حضرتت را از این که با رحمت و مغفرت به آنان رو کنی

وَالْمَغْفِرَةِ؛ ﴿١٠﴾ فَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ، وَعَفْوُهُ

بازداشت. (۱۰) ای که رحمتش گسترده، و عفویش

عَظِيمٌ، يَا عَظِيمٌ يَا عَظِيمٌ، يَا كَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ،

بزرگ است، ای بزرگ! ای بزرگ! ای بزرگ! ای کریم! ای کریم!

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعُدْ عَلَى بَرِحْمَتِكَ،

بر محمد و آل محمد درود فرست. به رحمتت به من بازگرد

وَتَعَطَّفْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ، وَتَوَسَّعْ عَلَيَّ بِمَغْفِرَتِكَ.

و به احسانت بر من شفقت ورز، و به آمرزشت بر من گشایش ده.

﴿١١﴾ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَأَصْفِيائِكَ،

(۱۱) خدایا! این مقام اقامه نماز عید قربان و جمعه که مخصوص خلفایت

و مواضع امانت، فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي

و برگزیدگان و جایگاه امنای توست در مرتبه بلندی است، که آن را

اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا، قَدْ ابْتَزَوْهَا، وَأَنْتَ الْمُقَدِّرُ

ویژه آنان قرار دادی؛ ولی غاصبان و غارتگران این مقام را از آنها به غارت

لِذَلِكَ؛ ﴿١٢﴾ لَا يُغَالِبُ أَمْرَكَ، وَلَا يُجَاوِزُ الْمَحْتَمُومُ

بردند و تو تقدیر کننده آنی. (۱۲) فرمانت مغلوب کسی نشود، و از تدبیر حتمی ات

مِنْ تَدْبِيرِكَ، كَيْفَ شِئْتَ وَأَنْيَّ شِئْتَ، وَلِمَا أَنْتَ

هر گونه که بخواهی و هر زمان که بخواهی فراتر نتوان رفت؛ به سبب این که تو



أَعْلَمُ بِهِ، غَيْرُ مَتَّهِمٍ عَلَى خَلْقِكَ وَلَا لِإِرَادَتِكَ،

آگاه تر به اموری و نسبت به آفریدنت و ارادهات متهم نیستی. کار این غارتگری

حَتَّىٰ عَادَ صِفْوَتُكَ وَخُلَفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ، مَقْهُورِينَ

نسبت به جایگاه عظیم عید و جمعه، تا آن جا رسید که برگزیدگانت و

مُبْتَزِّينَ؛ يَرُونَ حُكْمَكَ مُبَدَّلًا، وَكِتَابَكَ

خلفایت، مغلوب و شکست خورده و حق به غارت رفته شدند. می دیدند که

مَنْبُودًا، وَفَرَأَيْضُكَ مُحَرَّفَةً عَنِ جِهَاتِ

حکم و فرمانت تغییر یافته، کتابت دور انداخته شده، واجبات از مسیر

أَشْرَاعِكَ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ مَتْرُوكَةً.

شرایعت به دست تحریف افتاده، و سنت های پیامبرت متروک مانده است.

(۱۳) اللَّهُمَّ الْعِنَا أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،

(۱۳) خدایا! دشمنان شان را از اولین و آخرین

وَمَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ، وَأَشْيَاعَهُمْ وَاتَّبَاعَهُمْ.

و هر که به کردارشان راضی شد، و طرفداران و پیروانشان را لعنت کن.

(۱۴) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ إِنَّكَ

(۱۴) خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست؛ همانا

حَمِيدٌ مُجِيدٌ، كَصَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَتَحِيَّاتِكَ

تو ستوده و بزرگواری. مانند درودهایت و برکاتت و تحیاتت

عَلَىٰ أَصْفِيَائِكَ، إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، وَعَجَلٍ

بر برگزیدگانت، ابراهیم و آل ابراهیم، و در گشایش کار



الْفَرَجَ وَالرُّوحَ وَالنُّصْرَةَ، وَالتَّكْيِينَ وَالتَّائِيدَ لَهُمْ.

و آسایش و یاری و تسلط و تأیید ایشان تعجیل فرما.

﴿۱۵﴾ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ

(۱۵) خدایا! مرا اهل توحید و ایمان به خود

وَ الْإِيمَانَ بِكَ، وَ التَّصَدِيقَ بِرَسُولِكَ وَ الْإِثْمَةَ

و تصدیق به رسالت، و امامانی که طاعتشان را واجب فرموده‌ای قرار ده؛

الَّذِينَ حَتَمْتَ طَاعَتَهُمْ، مِمَّنْ يَجْرِي ذَلِكَ بِهِ

آن هم از جمله کسانی که توحید و ایمان به وسیله آنها و به دست آنان

وَعَلَى يَدَيْهِ. آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

جریان پیدا می‌کند، آمین، ای پروردگار جهانیان!

﴿۱۶﴾ اللَّهُمَّ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ،

(۱۶) خدایا! خشمت را جز بردباریت بر

وَلَا يَرُدُّ سَخَطَكَ إِلَّا عَفْوُكَ، وَلَا يُجِيرُ مِنْ

نمی‌گرداند، و سخطت را جز عفو تو نمی‌کند،

عِقَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ، وَلَا يُجِنِّي مِنْكَ، إِلَّا

و از عقابت جز رحمتت پناه نمی‌دهد، و مرا از عذاب تو جز

التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ وَ بَيْنَ يَدَيْكَ؛ ﴿۱۷﴾ فَصَلِّ عَلَيَّ

زاری به درگاه تو و در برابر تو نجات نمی‌دهد؛ (۱۷) پس

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ هَبْ لَنَا - يَا إِلَهِي - مِنْ

بر محمد و آل محمد درود فرست. و ما را ای خدای من از سوی خود



لَدُنْكَ فَرَجًا، بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا تُحْيِي أَمْوَاتَ

گشایش بخش؛ به قدرتی که مردگان را به آن زنده می‌کنی، و

الْعِبَادِ، وَبِهَا تَنْشُرُ مَيِّتَ الْبِلَادِ، وَلَا تُهْلِكُنِي - يَا

سرزمین‌های مرده را به حرکت می‌آوری. ای خدای من! مرا از غصه

إِلَهِي - غَمًّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي، وَتَعْرِفَنِي الْإِجَابَةَ

دوری از رحمتت هلاک مکن تا خواسته‌ام را اجابت فرمایی،

فِي دُعَائِي، وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُنْتَهَى

و مرا از اجابت دعایم آگاه کنی، و مزه سلامت همه جانبه را تا پایان

أَجَلِي؛ وَلَا تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي، وَلَا تُمَكِّنْهُ

زندگیم به من بچشان و دشمن شادم مکن، و او را

مِنْ عُنُقِي، وَلَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ.

و بال گردنم مکن و بر من چیره مساز.

﴿١٨﴾ إلهي إن رفعتني فمن ذا الذي يضعني؟

(۱۸) خدای من! اگر بلند مقام کنی، کیست که پستم کند؟

وإن وضعتني فمن ذا الذي يرفعني؟ وإن

و اگر پستم کنی، کیست که مرا بلند مقام کند؟ و اگر مرا

أكرمتني فمن ذا الذي يهينني؟ وإن أهنتني

گرامی داری، کیست که خوادم کند؟ و اگر خوادم کنی،

فمن ذا الذي يكرمني؟ وإن عذبتني فمن ذا

کیست که گرامیم دارد؟ و اگر عذابم کنی، کیست



الَّذِي يَرْحَمُنِي؟ وَإِنْ أَهْلَكَ تَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي

که به من رحم کند؟ و اگر مرا هلاک کنی، کیست که درباره

يَعْرِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ، أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِهِ؟

بنده‌ات به تو اعتراض کند یا از تو درباره‌اش بازخواست نماید؟

وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ، وَلَا فِي

و من به این حقیقت پی برده‌ام که در حکم و فرمانت ستمی نیست، و در

نَقِمَتِكَ عَجَلَةٌ، وَإِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ،

کیفرت شتاب و عجله‌ای وجود ندارد، و جز این نیست که کسی در کیفر

وَإِنَّمَا يَحْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ، وَقَدْ تَعَالَيْتَ

شتاب می‌ورزد، که بیم از دست رفتن فرصت را دارد، و جز این نیست که کسی به ستم

يَا إِلَهِي- عَنِ ذَلِكِ عُلُوءًا كَبِيرًا.

نیازمند است که ناتوان است، و تو ای خدای من از این امور برتر و بسیار بالاتری.

﴿١٩﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

(۱۹) خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست،

وَلَا تَجْعَلَنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضًا، وَلَا لِتَقِمَّتِكَ نَصَبًا،

و مرا هدف بالا و نشانه انتقام و مجازات قرار مده،

وَمَهِّلْنِي وَنَفْسِي، وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي، وَلَا تَبْتَلِيَنِي

و مهلتم ده و اندوهم را بزدای، و از لغزش‌هایم بگذر، و به بلایی

بِبَلَاءٍ عَلَى أَثَرِ بَلَاءٍ، فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي

دنبال بلا گرفتارم مکن؛ چرا که ناتوانی و کمی تدبیر



وَقَضَّرْ عَى إِلَيْكَ. ﴿٢٠﴾ أَعُوذُ بِكَ- اللَّهُمَّ- الْيَوْمَ

و زاریم را به درگاهت می‌بینی. (۲۰) خدایا! در این روز از خشمت به تو

مِنَ غَضَبِكَ؛ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعِزَّنِي؛

پناه می‌آورم؛ پس بر محمد و آتش درود فرست، و پناهم ده،

﴿٢١﴾ وَأَسْتَجِيرُ بِكَ الْيَوْمَ مِنْ سَخَطِكَ، فَصَلِّ

(۲۱) و در این روز از سخط تو، از خودت امان می‌خواهم، پس بر

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْرِنِي؛ ﴿٢٢﴾ وَأَسْأَلُكَ أَمْنًا

محمد و آتش درود فرست، و امانم ده. (۲۲) و ایمنی از عذابت را

مِنَ عَذَابِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآمِنِّي؛

درخواست دارم؛ پس بر محمد و آتش درود فرست و ایمنم ساز

﴿٢٣﴾ وَأَسْتَهْدِيكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

(۲۳) و از تو هدایت می‌خواهم؛ پس بر محمد و آتش درود فرست

وَاهْدِنِي؛ ﴿٢٤﴾ وَأَسْتَنْصِرُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و هدایتم کن، (۲۴) و از تو یاری می‌طلبم؛ پس بر محمد و آتش درود فرست

وَآلِهِ وَانصُرْنِي؛ ﴿٢٥﴾ وَأَسْتَرْحِمُكَ، فَصَلِّ

و یاریم ده، (۲۵) و از تو درخواست رحمت می‌کنم؛ پس بر محمد

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِي؛ ﴿٢٦﴾ وَأَسْتَكْفِيكَ،

و آتش درود فرست و به من رحم کن، (۲۶) و از تو بی‌نیازی می‌خواهم؛

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي؛ ﴿٢٧﴾

پس بر محمد و آتش درود فرست و بی‌نیازم کن، (۲۷) و از



وَاسْتَرْزُقْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي؛

تو درخواست روزی دارم؛ پس بر محمد و آتش درود فرست و روزیم ده.

﴿٢٨﴾ وَاسْتَعِينُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

(٢٨) و از تو کمک می‌خواهم؛ پس بر محمد و آتش درود فرست و کمک کن،

وَاعِنِّي؛ ﴿٢٩﴾ وَاسْتَغْفِرْكَ لِمَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي،

(٢٩) و نسبت به گناهان گذشته‌ام از تو درخواست آمرزش دارم؛

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي؛ ﴿٣٠﴾

پس بر محمد و آتش درود فرست و مرا ببامرز، (٣٠) و از تو حفظ

وَاسْتَعْصِمُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و نگهداری از شرور و آفات می‌خواهم؛ پس بر محمد و آتش درود فرست و حفظم

وَاعْصِمْنِي؛ فَإِنِّي لَنْ أَعُودَ لِشَيْءٍ كَرِهْتَهُ مِنِّي،

فرما؛ زیرا اگر اراده‌ات به پاکی من از گناه تعلق گیرد، هرگز به آنچه آن را نمی‌پسندی

إِنْ شِئْتَ ذَلِكَ؛ ﴿٣١﴾ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، يَا حَنَّانُ يَا

باز نگردم. (٣١) ای پروردگارم! ای پروردگارم! ای بسیار مهربان! ای

مَنَّانُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، صَلِّ عَلَى

بسیار نعمت دهنده! ای صاحب جلال و اکرام! بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ

محمد و آتش درود فرست. همه آنچه را از تو خواستم و مطالبه کردم، و به خاطر آن

وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ، وَرَغِبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ، وَارْدَهُ

به جانب تو روی آوردم، برایم مستجاب کن و برایم بخواه و مقدر فرما



وَقَدَّرُهُ، وَاقْضِهِ، وَأَمْضِهِ، وَخِرْلِي فِيمَا

و حکم کن و به اجرا گذار، و در آنچه برای من حکم می‌فرمایی، نیکی و خوبی

تَقْضِي مِنْهُ، وَبَارِكْ لِي فِي ذَلِكَ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ

مقرر کن، و برایم در آن برکت قرار ده. و به واسطه آن

بِي، وَاسْعِدْنِي بِمَا تُعْطِينِي مِنْهُ، وَزِدْنِي مِنْ

بر من تفضل فرمای، و به آنچه به من عطا می‌کنی خوشبختم کن

فَضْلِكَ، وَسَعَةِ مَا عِنْدَكَ؛ فَإِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ،

و از احسان و وسعتی که نزد توست بر من بیفزای. همانا تو واسع و کریمی،

وَصِلْ ذَلِكَ بِخَيْرِ الْآخِرَةِ وَنَعِيمِهَا؛ يَا أَرْحَمَ

و همه این مواهب را به خیر و نعمت آخرت پیوسته ساز، ای مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ.

مهربانان!

(ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَأَ لَكَ، وَتُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

آنگاه از حضرت حق هر چه را می‌خواهی بخواه، و هزار بار بر محمد و آلش

أَلْفَ مَرَّةٍ. هَكَذَا كَانَ يَفْعَلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.)

درود فرست، که حضرت زین العابدین علیه السلام چنین می‌کرد.



— ﴿ ٤٩ ﴾ —

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دَفْعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ،

دعای امام سجاد علیه السلام در دفع کید نیرنگ دشمنان

وَرَدَّ بِأَسْمِهِمْ

و برگرداندن اذیت آنان

﴿١﴾ اَللّٰهُمَّ هِدَيْتَنِيْ فَلَهَوْتُ، وَوَعظْتَ فَقَسَوْتُ،

(۱) خدای من! راهنماییم کردی؛ ولی به کارهای پوچ و بیهوده پرداختم، و پندم دادی؛ اما سنگدل

و اَبَلَيْتَ الْجَمِيْلَ فَعَصَيْتُ، ثُمَّ عَرَفْتُ مَا
شدم، و نعمت زیبا عطايم کردی، به نافرمانی گراییدم. چون هدایت و نعمت و عطایت را به من

اَصْدَرْتَ اِذْ عَرَّفْتَنِيْهِ، فَاسْتَغْفَرْتُ فَاَقْلَتَ،
شناساندی، و من به توفیقت آنها را شناختم، و به زشتی گناهانی که در کنار این همه مواهب

فَعُدْتُ فَسْتَرْتَ؛ فَلَكَ - اِلٰهِي - الْحَمْدُ.

انجام دادم آگاه شدم، از حضرتت درخواست آمرزش کردم، و تو مرا آمرزیدی و عذرم را پذیرفتی،

﴿٢﴾ تَقَحَّمْتُ اَوْدِيَةَ الْهَلَاكِ، وَحَلَلْتُ

باز به گناه برگشتم، و تو گناهم را پوشاندی و رسوایم نکردی. خدای من! تو را سپاس. (۲) خود

شِعَابَ تَلْفٍ، تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطْوَاتِكَ
را در وادی هلاکت انداختم، و در درّه‌های تباهی و نابودی وارد شدم، با ورود به آن درّه‌ها،

وَ بِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِكَ، وَ وَسَيْلَتِيْ اِلَيْكَ

خود را در معرض سخت‌گیری‌هایت قرار دادم، و با فرود آمدن به آنها، خود را در معرض



التَّوْحِيدُ، وَذَرِيعَتِي أَنِّي لَمْ أَشْرِكْ بِكَ شَيْئًا،

عذاب هایت گذاشتم. برای نجاتم وسیله‌ام در پیشگاهت، توحید و دستگیره‌ام این است که

وَلَمْ أَخْتِمْ مَعَكَ إِلَهًا، وَقَدْ فَرَرْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي،

چیزی را شریک تو قرار ندادم و همراه تو معبودی نگرفتم. با همه وجودم به سویت فرار کردم،

وَإِلَيْكَ مَفَرُّ الْمُسِيءِ، وَمَفْزَعُ الْمُضِيعِ لِحَظِّ

گریزگاه بدکار و پناهگاه آن که سود و بهره خود را ضایع کرده، و پناهنده شده‌گرگاه توست.

نَفْسِهِ الْمُلْتَجِي؛ ﴿٣﴾ فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَى

(۳) چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنیش را علیه من از نیام بیرون کشیده و

عَلَى سَيْفِ عِدَاوَتِهِ، وَشَحَذَ لِي ظُبَّةَ مَدْيَتِهِ،

دم تیغش را علیه من تیز کرده، و سر نیزه‌اش را به قصد حمله بر من نازک ساخته

وَأَرْهَفَ لِي شِبَاحِدَهُ، وَدَافَلَ لِي قَوَاتِلَ سُمُومِهِ،

و زهرهای کشنده‌اش را به آشامیدنیم در آمیخته، و تیرهای اصابت کننده‌اش را

وَسَدَّدَ نَحْوِي صَوَائِبَ سِهَامِهِ، وَ لَمْ تَنْمَ عَنِّي

به سوی من نشانه رفته، و دیده نگهبانی و مراقبتش نسبت به من نخفته، تصمیم

عَيْنُ حِرَاسَتِهِ، وَأَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ،

گرفته که مرا هدف شکنجه و آزار و ناراحتی قرار دهد، و جرعه تلخی و مرارتش

وَيُجَرِّعُنِي زُعَاقَ مَرَارَتِهِ، ﴿٤﴾ فَانْظُرْتُ - يَا

را به کام من بریزد. (۴) ولی ای خدای من! تو ناتوانیم را از تحمل بارهای گران

إِلَهِي - إِلَى ضَعْفِي، عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَاحِشِ،

و عجزم را از پیروزی، در برابر کسی که آهنگ جنگ و مبارزه با من را دارد



وَعَجَزِي عَنِ الْإِنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ،

دید و تنهاییم را در برابر عده زیادی که با من به عداوت و دشمنی برخاسته، و در حال

وَوَحْدَتِي فِي كَثِيرِ عَدَدٍ مِّنْ نَّوَانِي، وَأَرْصَدَلِي

بی خبری من، در کمین گرفتار کردنم نشسته اند، مشاهده فرمودی. پیش از آن که از تو یاری

بِالْبَلَاءِ فِيمَا لَمْ أُعْمَلْ فِيهِ فِكْرِي؛ ﴿٥﴾ فَاَبْتَدَأْتَنِي

بخوادم، (۵) بی مقدمه به یاریم برخاستی، و پشتم را به نیرویت محکم کردی. سپس

بِنَصْرِكَ، وَشَدَّدْتَ أَرْزِي بِقُوَّتِكَ، ثُمَّ فَلَلْتَلِي

سطوت و صولت و تند و تیزی دشمن را شکستی، و پس از آن که در میان عده ای

حَدَّهُ، وَصَيَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعِ عَدِيدٍ وَحَدَّهُ،

انبوه، و افرادی فراوان جا داشت، تنهائش گذاشتی، و مرا بر او قدرت و برتری دادی،

وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ، وَجَعَلْتَ مَاسِدَهُ

و آنچه را به سوی من نشانه رفته بود، به خودش برگرداندی، و او را از عرصه گاه

مَرْدُودًا عَلَيْهِ، فَرَدَدْتَهُ لَمْ يَشْفِ غَيْظَهُ،

جنگ بر ضد من بازگرداندی، در حالی که خشمش بهبودی نیافت، و کینه اش آرام

وَلَمْ يَسْكُنْ غَلِيلُهُ، قَدْ عَضَّ عَلَيَّ شَوَاهُ، وَادْبَرَ

نشد، و سرانگشتانش را به دندان گزید، و رخ برتافت و به میدان جنگ پشت کرد،

مَوْلِيًّا قَدْ أَخْلَفْتَ سَرَايَاهُ.

در حالی که سپاهیانش از آن چه وعده اش داده بودند، تخلف کردند.

﴿٦﴾ وَكَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ، وَنَصَبَ

(۶) و چه بسیار متجاوزی که با حيله هایش به حقوق من تجاوز کرد، و دام های



لِي شَرِكَ مَصَائِدِهِ، وَوَكَّلَ بِي تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ،

شکارش را برایم نهاد، و مراقبت و نگهبانیش را بر من گماشت، و چون درنده‌ای

وَ أَضْبَأَ إِلَى الْأَضْبَاءِ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ، اِنْتِظَارًا

که به انتظار به دست آوردن فرصت، برای شکار کردن صیدش کمین نماید، در

لَا تَنْتَهَازُ الْفُرْصَةَ لِفَرَسَتِهِ، وَهُوَ يُظْهِرُ لِي

کمین من نشست، در حالی که خوش رویی چابلوسی را برایم آشکار می‌کند،

بِشَاشَةِ الْمَلِكِ، وَيَنْظُرُنِي عَلَى شِدَّةِ الْحَنَقِ؛ ﴿٧﴾

و با شدت خشم مرا می‌پاید.

فَلَمَّا رَأَيْتَ- يَا إِلَهِي تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ- دَخَلَ

ای خدای من! پربرکت و بلند مرتبه‌ای، هنگامی که

سَرِيرَتِهِ، وَقُبِحَ مَا انطَوَى عَلَيْهِ، أَرَكَسْتَهُ

فساد باطن و زشتی آنچه را در دل و اندیشه داشت دیدی، او را با مغز

لِأَمِّ رَأْسِهِ فِي زُبَيْتِهِ، وَرَدَدْتَهُ فِي مَهْوِي حُفْرَتِهِ،

در آن گودالی که برای شکار کنده بود در انداختی، و در پرتگاه حفره‌اش

فَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلًا فِي رَبْقِ حِبَالَتِهِ،

در افکندی، تا پس از سرکشی‌اش، با خواری و خفت در بند دامی که

الَّتِي كَانَ يُقَدِّرُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا، وَقَدْ كَادَ أَنْ

فکر می‌کرد مرا در آن ببیند گرفتار شد، و اگر

يَحُلَّ بِي لَوْ لَا رَحْمَتَكَ مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ.

رحمت تو نبود، آنچه بر سر او آمد، نزدیک بود به سر من آید.



﴿۸﴾ وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ شَرِقَ بِي بَغْضَتِهِ، وَشَجِي

(۸) و چه بسیار حسودی که به خاطر من اندوه و غصه گلوگیرش شد، و شدت

مَنِّي بَغِيظُهُ، وَ سَلَقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ، وَ وَحَرَنِي

خشمش نسبت به من در گلویش پیچید، و با نیش زبان مرا آزار داد،

بِقَرَفِ عُيُوبِهِ، وَ جَعَلَ عَرَضِي غَرَضًا لِمَرَامِيهِ،

و به عیوب خودش به من طعنه زد، و آبرویم را نشانه تیرهای حسدش قرار داد،

وَ قَلَدَنِي خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِيهِ، وَ وَحَرَنِي بِكَيْدِهِ،

و صفات ناپسندی که در وجود خودش بود، به گردن من انداخت، و با مکرش

وَ قَصَدَنِي بِمَكِيدَتِهِ، ﴿۹﴾ فَنَادَيْتُكَ - يَا إِلَهِي -

مرا دچار شدت خشم کرد، و با نیرنگش آهنگ من نمود. (۹) ای خدای من! با

مُسْتَعِيثَابِكَ، وَ اِثْقَابِ سُرْعَةِ اجَابَتِكَ، عَالِمًا أَنَّهُ

فریاد خواهی از تو صدایت زد، در حالی که به سرعت اجابت دعایم اطمینان

لَا يُضِطُّهُدُ مَنْ أَوْى إِلَى ظِلِّ كَنَفِكَ، وَ لَا يَفْزَعُ

داشت، و آگاه بودم که هر کس در سایه حمایتت پناه گیرد، مورد ستم قرار نگیرد،

مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ انْتِصَارِكَ، فَحَصَّصْتَنِي مِنْ

و هر کس به پناهگاه یاری تو ملتجی شود، گرفتار ترس و وحشت نمی شود،

بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ.

و تو مرا به قدرتت از سختی و شرّ او حفظ کردی.

﴿۱۰﴾ وَ كَمْ مِنْ سَحَابٍ مَكْرُوهٍ جَلَّيْتَهَا عَنِّي،

(۱۰) و چه بسیار ابرهای ناپسند و تیره و زشتی که از آسمان زندگیم



وَسَحَائِبِ نِعَمٍ أَمْطَرْتَهَا عَلَيَّ، وَجَدَاوِلِ رَحْمَةٍ
 برطرف فرمودی، و ابرهای نعمتی که بر من باریدی، جویبارهای رحمتی که در
 نَشَرْتَهَا، وَ عَافِيَةِ الْبَسْتِهَا، وَ أَعْيُنِ أَحْدَاثِ
 کشت زار حیاتم روان کردی، و چه بسیار جامه‌های عافیتی که بر من پوشاندی،
 طَمَسْتَهَا، وَ غَوَاشِي كُرْبَاتٍ كَشَفْتَهَا.

و چشمه‌های حوادثی که به خاک انباشتی، و پرده غم‌هایی که از دم برطرف کردی.

(۱۱) وَ كَمِ مِنْ ظَنٍّ حَسَنِ حَقَّقْتَ، وَ عَدَمِ
 (۱۱) و چه بسیار گمان نیکی که به تو داشتیم، و تو آنها را محقق ساختی، و نداری و

جَبَرْتَ، وَ صَرَعَةَ أَنْعَشْتَ، وَ مَسْكَنَةَ حَوْلَتْ؛
 فقری که جبران فرمودی، و افتادنی که دستم را گرفتی و از آن بلند کردی، و مسکنت

كُلُّ ذَلِكَ إِنْعَامًا وَ تَطَوُّلاً مِنْكَ، وَ فِي جَمِيعِهِ
 و فقری که به غنا و ثروت تغییر دادی. همه اینها از روی نعمت دهی و احسان تو بود،
 و در عین غرق بودن در تمام آن مواهب و الطاف، نسبت به نافرمانیت در تلاش و

انْهَمَاكَ مِنِّي عَلَى مَعَاصِيكَ، لَمْ تَمْنَعَكَ إِسَاءَاتِي
 و من در عین غرق بودن در تمام آن مواهب و الطاف، نسبت به نافرمانیت در تلاش و

عَنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِكَ، وَ لَا حَجَرَ نِي ذَلِكَ عَنِ
 کوشش بودم؛ ولی بدکاریم و زشتی کردارم، تو را از کامل کردن احسانت در

ارْتِكَابِ مَسَاخِيظِكَ.

حق من باز نداشت، و این احسانت مرا از ارتکاب علل خشم تو منع نکرد. تو

(۱۲) لَا تَسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ؛ وَ لَقَدْ سَأَلْتَ فَأَعْطَيْتَ،
 (۱۲) لا تسأل عما تفعل؛ ولقد سألْتَ فأعطيت،

از آن چه انجام می‌دهی بازخواست نمی‌شوی. (۱۲) از تو خواسته شد، عطا کردی



وَلَمْ تَسْأَلْ فَأَبْتَدَأْتَ، وَاسْتُمِيعَ فَضْلُكَ

و خواسته نشد، به عطا کردن آغاز فرمودی، و احسانت درخواست شد،

فَمَا أَكْدَيْتَ؛ ﴿۱۳﴾ أَبَيْتَ- يَا مَوْلَايَ- إِلَّا إِحْسَانًا

بخل نورزیدی. (۱۳) ای مولای من! تو نخواستی مگر احسان

وَامْتِنَانًا، وَتَطَوُّؤًا وَإِنْعَامًا، وَأَبَيْتُ إِلَّا تَقَحُّمًا

و اکرام و نیکی کردن و نعمت دادن را، و من نخواستم مگر افتادن

لِحُرْمَاتِكَ، وَتَعَدِيًّا لِحُدُودِكَ، وَغَفْلَةً عَنِ

در محرمات و تجاوز از حدودت و غفلت از تهدیدت را.

وَعِيدِكَ؛ فَلَاكَ الْحَمْدُ- إِلَهِي- مِنْ مُقْتَدِرٍ

خدای من تو را سپاس؛ سپاس نسبت به نیرومندی که مغلوب نمی‌شود و

لَا يُغْلَبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا يُعْجَلُ.

مهلت دهنده‌ای که در عذاب کردن شتاب نمی‌ورزد.

﴿۱۴﴾ هَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ،

(۱۴) این جایگاه کسی است که به فراوانی نعمت‌ها اعتراف کرد، و با کوتاه

وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ، وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيعِ.

آمدن از شکر نعمت‌ها، با نعمت‌ها به مقابله برخاست، و علیه خود به

﴿۱۵﴾ اللَّهُمَّ فَاِنِّي اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمَحْمَدِيَّةِ

تباه کردن امورش گواهی داد. (۱۵) خدایا! به مقام بلند و رفیع محمدی،

الرَّفِيعَةِ، وَالْعُلُوِّيَّةِ الْبَيْضَاءِ، وَاتَّوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهَمَا،

و به ولایت روشن علوی به تو تقرب می‌جویم، و به واسطه آن دو



أَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ كَذَا وَكَذَا، فَإِنَّ ذَلِكَ

بزرگوار به درگاهت رو می‌کنم، که مرا از شر فلان و فلان پناه دهی،

لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وُجْدِكَ، وَلَا يَتَكَادُكَ

که این پناه دهی در کنار تواناییت تو را به تنگنا نمی‌اندازد، و در جنب

فِي قُدْرَتِكَ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ ﴿١٦﴾

قدرتت تو را دچار زحمت و رنج نمی‌کند، و تو بر هر کاری توانایی. (۱۶)

فَهَبْ لِي- يَا إِلَهِي- مِنْ رَحْمَتِكَ وَدَوَامِ تَوْفِيقِكَ،

ای خدای من! از رحمت و دوام توفیقت به من ببخش که

مَا اتَّخَذَهُ سُلْمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَآمِنُ

آن را نردبان رسیدن به خشنودیت قرار دهم، و به سبب آن از

بِهِ مِنْ عِقَابِكَ؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

عقوبتت ایمن گردم، ای مهربان‌ترین مهربانان!



— ﴿ ۵۰ ﴾ —

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّهْبَةِ

دعای امام سجاد علیه السلام در مقام خوف از خدا

﴿ ۱ ﴾ اللَّهُمَّ أَنْتَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا، وَرَبَّيْتَنِي صَغِيرًا،

(۱) خدایا! مرا درست اندام و موزون و متناسب آفریدی، و در حالی که کوچک

وَرَزَقْتَنِي مَكْفِيًّا.

و ناتوان بودم، پرورشم دادی، و به اندازه کافی روزیم بخشیدی. (۲) خدایا! در

﴿ ۲ ﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي وَجَدْتُ فِيمَا أَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ،

آنچه از قرآنت نازل فرمودی، و بندگانت را به آن مژده دادی یافتم که فرمودی:

وَبَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ أَنْ قُلْتَ: «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ

«ای بندگان من که به سبب گناه بر خود اسراف کردید! از رحمت خدا نومید نشوید؛

أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ، لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ

مسلماً خدا همه گناهان را می‌آمرزد.» (۳) در گذشته از من گناهانی سرزد که به آنها آگاهی

اللَّهِ؛ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا»؛ ﴿ ۳ ﴾ وَقَدْ

و خطاهای و معصیت‌هایی بر عهده من است که به اندازه و مقدار و کیفیت و چگونگی

تَقَدَّمَ مِنِّي مَا قَدْ عَلِمْتُ، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي،

آنها از من داناتری؛ پس وای به رسوایی من از آنچه پرونده من ثبت کرده، پرونده‌ای که

فِيَا سَوَاتِمَا مِمَّا أَحْصَاهُ عَلَيَّ كِتَابُكَ! ﴿ ۴ ﴾

تو برای نگارش اعمال مقرر فرموده‌ای. (۴) و اگر نبود محل‌ها و جایگاه‌هایی که به عفوت



فَلَوْلَا الْمَوَاقِفُ الَّتِي أُوْمِلُ مِنْ عَفْوِكَ، الَّذِي

که فراگیر هر چیز است امید بیندم، خود را از دست می‌دادم، و از نجاتم مأیوس می‌شدم.

شِمِلَ كُلِّ شَيْءٍ، لَأَلْقَيْتُ بِيَدِي، وَلَوْ أَنَّ أَحَدًا

اگر کسی می‌توانست از پروردگارش بگریزد، من به خاطر این همه گناهانم، برای این که

اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ.

دچار عذاب نشوم، به گریز از تو سزاوارتر بودم؛ تویی که نه در زمین و نه

لَكُنْتُ أَنَا أَحَقُّ بِالْهَرَبِ مِنْكَ، وَأَنْتَ لَا تَخْفَى

در آسمان، رازی از تو پوشیده نیست، و آن را در عرصه گاه قیامت حاضر

عَلَيْكَ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَالْأَفْئِ السَّمَاءِ، إِلَّا

می‌کنی، و همین بس که تو کیفر دهنده و حسابگر باشی که در کیفر و

أَتَيْتَ بِهَا؛ وَكَفَى بِكَ جَازِيًا، وَكَفَى بِكَ حَسِيبًا.

حساب، به افراد و اشخاص و آلات و ابزار نیاز نداری.

﴿٥﴾ اللَّهُمَّ إِنَّكَ طَالِبِي إِنْ أَنَا هَرَبْتُ؛ وَمُدْرِكِي

(۵) خدایا! تو خواستار و جوینده منی اگر بگریزم، و تو دریابنده منی، اگر

إِنْ أَنَا فَرَرْتُ؛ فَهِيَ أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، خَاضِعٌ ذَلِيلٌ

فرار کنم. اینک منم که در برابرت قرار دارم، فروتن، خوار، بینی به خاک

رَاغِمٌ؛ ﴿٦﴾ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَأِنِّي لِذَلِكَ أَهْلٌ، وَهُوَ يَا

مالیده. (۶) اگر عذابم کنی سزاوار آنم، و عذاب ای پروردگار من از ناحیه

رَبِّ - مِنْكَ عَدْلٌ، وَإِنْ تَعَفُّ عَنِّي فَقَدِيمًا

تو عین عدالت است، و اگر از من بگذری، برنامه تازه‌ای نیست؛ چرا که از



شَمَلَنِي عَفْوُكَ ، وَ أَلْبَسْتَنِي عَافِيَتَكَ ؛ ﴿٧﴾

درباز گذشتت مرا فرا گرفته، و جامه عافیتت را بر من پوشانده‌ای. (۷)

فَأَسْأَلُكَ - اللَّهُمَّ - بِالْمَخْزُونِ مِنْ أَسْمَائِكَ ،

خدایا! به حق نام‌های مبارکت که در دانش تو محفوظ است،

وَبِمَا وَارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ ، إِلَّا رَحِمَتَ

و احدی از آن خبر ندارد، و به جمال و زیباییت که پرده‌های نور آن را

هَذِهِ النَّفْسُ الْجَزُوعَةَ ، وَ هَذِهِ الرِّمَّةُ الْمَلُوعَةَ ،

پوشانده، که بر این وجود بی‌تاب، و این استخوان‌های کهنه پوسیده

الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِكَ ، فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ

رحمت آری. وجود ناتوانی که توانایی گرمی آفتاب را ندارد، چگونه

حَرَّ نَارِكَ ؟ وَالَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ صَوْتَ رَعْدِكَ ،

تاب گرمی آتش را دارد؟! و قدرت شنیدن خروش رعدت را ندارد،

فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ صَوْتَ غَضَبِكَ ؟ ﴿٨﴾

چگونه توان شنیدن فریاد خشمت را دارد؟! (۸)

فَارْحَمْنِي - اللَّهُمَّ - فَإِنِّي أَمْرٌ حَقِيرٌ ، وَ خَطَرِي

خدایا! به من رحم کن؛ زیرا که من فردی حقیر و قدر و منزلتم ناچیز

يَسِيرٌ ، وَ لَيْسَ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ

است، و عذاب کردن من چیزی نیست که به مقدار ذره‌ای در پادشاهی

مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ، وَ لَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي

و فرمانروایت بیفزاید، و اگر عذابم بر پادشاهیت می‌افزود،



مُلْكِكَ، لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ، وَ أَحَبَبْتُ أَنْ
صبر و شکیبایی بر آن را از تو درخواست می‌کردم، و دوست داشتم که
يَكُونَ ذَلِكَ لَكَ، وَلَكِنْ سُلْطَانُكَ - اللَّهُمَّ -

این فزونی برای تو باشد؛ اما خدایا! سلطنتت
أَعْظَمُ، وَمُلْكُكَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ تَزِيدَ فِيهِ طَاعَةَ
بزرگ‌تر و پادشاهیت بادوام‌تر از آن است که طاعت

الْمُطِيعِينَ، أَوْ تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِيَةَ الْمُذْنِبِينَ؛
مطیعان بر آن بیفزاید، یا معصیت گناهکاران از آن بکاهد؛

﴿٩﴾ فَارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَتَجَاوَزْ عَنِّي

(٩) پس به من رحم کن، ای مهربان‌ترین مهربانان! و از من گذشت کن،

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَتُبْ عَلَيَّ؛ إِنَّكَ أَنْتَ

ای صاحب جلال و اکرام! و توبه‌ام را بپذیر که تو

التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

بسیار توبه‌پذیر مهربانی.



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي التَّضَرُّعِ وَالِاسْتِكَانَةِ

دعای امام سجاد علیه السلام در تضرع و فروتنی

﴿۱﴾ اَللّٰهُمَّ اَحْمَدُكَ - وَاَنْتَ لِلْحَمْدِ اَهْلٌ - عَلَيَّ

(۱) خدایا! تو را سپاس می‌گزارم، و تو شایسته سپاسی. سپاس در برابر

حُسْنِ صَنِيعِكَ اِلَيَّ، وَ سُبُوغِ نِعْمَائِكَ عَلَيَّ،

احسان نیکویت به من. و فراوانی نعمت‌هایت بر من،

وَ جَزِيلِ عَطَائِكَ عِنْدِي، وَ عَلَيَّ مَا فَضَّلْتَنِي

و عطای بزرگت نزد من. سپاس بر رحمتت که به سبب آن مرا

بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ اَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ،

برتری بخشیدی، و بر نعمتت که بر من سرشار و فراوان فرمودی، به

فَقَدْ اصْطَنَعْتَ عِنْدِي مَا يَعْجِزُ عَنْهُ شُكْرِي،

اندازه‌ای به من خوبی کردی که سپاس و شکر من از آن عاجز است،

﴿۲﴾ وَ لَوْلَا اِحْسَانُكَ اِلَيَّ، وَ سُبُوغُ نِعْمَائِكَ عَلَيَّ،

(۲) و اگر احسانت نسبت به من نبود، و نعمت‌های سرشارت در سرزمین زندگی

مَا بَلَغْتُ اِحْزَانَ حَظِّي، وَ لَا اِصْلَاحَ نَفْسِي،

من نمی‌ریخت، نمی‌توانستم نصیب خود را از آن به دست آورم، و وجودم را

وَ لَكِنَّكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالِاحْسَانِ، وَ رَزَقْتَنِي

اصلاح کنم. این تو بودی که بی‌مقدمه، احسانت را نسبت به من آغاز کردی



فِي أُمُورِي كُلِّهَا الْكِفَايَةَ، وَصَرَفَتْ عَنِّي جَهْدَ
و کفایت و بی‌نیازی در تمام کارهایم را روزی من کردی، و رنج و زحمت بلا
الْبَلَاءِ، وَمَنْعَتْ مِنِّي مَحْذُورَ الْقَضَاءِ.

را از من گرداندی، و قضای دهشت‌زا را از من منع کردی.

﴿۳﴾ اَللّٰهُمَّ فَكِّرْ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدٍ قَدْ صَرَفْتَ عَنِّي!

(۳) خدای من! چه بسیار بلای جانکاه که از من گرداندی، و چه بسیار

وَكَمِّ مِنْ نِعْمَةٍ سَابِغَةٍ أَقَرَّرْتَ بِهَا عَيْنِي!

نعمت فراوانی که دیدهام را به آن روشن ساختی، و چه بسیار خوبی‌های

وَكَمِّ مِنْ صَنِيعَةٍ كَرِيمَةٍ لَكَ عِنْدِي! أَنْتَ الَّذِي

ارجمندی که از ناحیه تو نزد من است!! تویی که به وقت ناچاری و درماندگی،

أَجَبْتَ عِنْدَ الْإِضْطِرَارِ دَعْوَتِي، وَأَقَلَّتْ عِنْدَ

دعایم را اجابت کردی و به وقت افتادن در مهلکه گناه، از لغزشم گذشتی،

الْعِثَارِ زَلَّتِي، وَأَخَذْتَ لِي مِنَ الْأَعْدَاءِ بِظُلَامَتِي.

و حقوق مرا که دشمنان به زور و ستم از من ربوده بودند، بازستاندی.

﴿۴﴾ اَللّٰهُمَّ مَا وَجَدْتُكَ بِخَيْلًا حِينَ سَأَلْتُكَ،

(۴) خدای من! هنگامی که در پیشگاهت به گدایی برخاستم، تو را بخیل

وَلَا مُنْقَبِضًا حِينَ أَرَدْتُكَ، بَلْ وَجَدْتُكَ لِذُعَائِي

نیافتم، و زمانی که آهنگ تو کردم، منقبض و گرفته‌ات ندیدم؛ بلکه تو

سَامِعًا، وَلَمَطَالِبِي مُعْطِيًا، وَوَجَدْتُ نِعْمًا كَ

را شنونده دعایم، و عطا کننده خواسته‌هایم یافتم، و نعمت‌هایت را



عَلَى سَابِغَةٍ، فِي كُلِّ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِي، وَكُلِّ زَمَانٍ مِنْ

در هر حالی از حالاتم و هر زمانی از زمان‌هایم، بر خود سرشار و کامل

زَمَانِي، فَأَنْتَ عِنْدِي مَحْمُودٌ، وَصَنِيعُكَ لَدَيَّ

مشاهده کردم. تو نزد من ستوده‌ای، و خوبیّت نزد من مورد سپاس

مَبْرُورٌ.

و شکر است.

﴿٥﴾ تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَ لِسَانِي وَ عَقْلِي، حَمْدًا

(۵) جان و زبان و عقل من تو را می‌ستایند؛ ستایشی که بر عرصه کمال و

يَبْلُغُ الْوَفَاءَ، وَ حَقِيقَةَ الشُّكْرِ، حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ

حقیقت شکر برسد؛ ستایشی که در قلّه نهایت خشنودی تو از من باشد.

رِضَاكَ عَنِّي؛ فَنَجِّنِي مِنْ سَخَطِكَ؛ ﴿٦﴾ يَا كَهْفِي

پس مرا از خشمّت نجات ده. (۶) ای پناه من در زمانی که راه‌های

حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ، وَ يَا مُقِيلِي عَثْرَتِي،

گونگون و یربط مرا خسته می‌کند و به زحمت می‌اندازد. ای گذشت

فَلَوْلَا سَتْرُكَ عَوْرَتِي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ؛

کننده از لغزش‌هایم، اگر عیب پوشی تو نبود، از رسوا شدگان بودم،

وَ يَا مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ، فَلَوْلَا نَصْرُكَ أَيَّامِي لَكُنْتُ

ای توانایی دهنده من به نصرت و یاری، اگر یاری تو نبود از شکست

مِنَ الْمَغْلُوبِينَ؛ وَ يَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ

خوردگان بودم. ای که پادشاهان یوغ ذلت و خواری را در پیشگاهش



الْمَذَلَّةِ عَلَىٰ أَعْنَاقِهَا، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ،

به گردن نهاده‌اند، و از عذاب‌ها و عقاب‌هایشان ترسانند! ای اهل

و یا اهل التَّقْوَىٰ، وَيَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ،

تقو! ای که نام‌های نیکو برای اوست! از تو می‌خواهم که از من

أَسْأَلُكَ أَنْ تَعْفُو عَنِّي، وَتَغْفِرَ لِي، فَلَسْتُ بَرِيئًا

بگذری و مرا ببامری. بی گناه نیستم تا معذور باشم. نیرومند

فَاعْتَدِرْ، وَلَا بَدِي قُوَّةٌ فَاَنْتَصِرَ، وَلَا مَفْرَلِي

نیستم، تا پیروزی به دست آورم. گریزگاهی ندارم، تا بگریزم.

فَافِرٌّ، وَاسْتَقِيلُكَ عَثْرَاتِي، وَاتَّصَلُ إِلَيْكَ

گذشت از لغزش‌هایم را از تو می‌خواهم؛ از گناهی که مرا به ذلت و

مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي قَدْ أَوْبَقْتَنِي، وَأَحَاطَتْ بِي

خواری نشانده و سراپایم را گرفته و به عرصه هلاکت در آورده،

فَأَهْلَكَتَنِي.

بیزاری می‌جویم.

﴿٧﴾ مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَيْكَ - رَبِّ - تَائِبًا فَتُبَّ عَلَيَّ،

(٧) پروردگارم! از تمام گناهانم در حال توبه و انابه به جانب تو گریختم؛

مُتَعَوِّذًا فَأَعِذْنِي، مُسْتَجِيرًا فَلَا تَخْذُلْنِي، سَائِلًا

پس توبه‌ام را بپذیر. پناهنده‌ام! پناهم ده. امان می‌خواهم، واگذارم نکن.

فَلَا تَحْرِمْنِي، مُعْتَصِمًا فَلَا تُسَلِّمْنِي، دَاعِيًا

گدایم، محرومم مفرما. دست به دامانم، رهایم مکن. خواهند‌ام، نومیدم



فَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا.

برمگردان.

﴿۸﴾ دَعْوَتِكَ - يَا رَبِّ - مَسْكِينًا مُسْتَكِينًا، مُشْفِقًا

(۸) ای پروردگارم! در حالی که مسکین، درمانده، هراسناک، بیمناک، ترسناک،

خَائِفًا وَجَلًّا، فَقِيرًا مُضْطَّرًّا إِلَيْكَ.

تهیدست، و مضطرّ به درگاه توام، تو را می‌خوانم.

﴿۹﴾ أَشْكُو إِلَيْكَ - يَا إِلَهِي - ضَعْفَ نَفْسِي، عَنِ

(۹) ای خدای من! از ناتوانی وجودم، نمی‌توانم نسبت به آنچه

المُسَارَعَةِ فِيمَا وَعَدْتَهُ أَوْلِيَاءَكَ، وَ الْمُجَانِبَةِ

به دوستانت وعده دادی شتاب ورزم، و از آنچه دشمنانت را از

عَمَّا حَذَّرْتَهُ أَعْدَاءَكَ، وَ كَثْرَةَ هُمُومِي،

آن برحذر داشتی، دوری کنم، و از اندوه زیادم و وسوسه نفسم،

و وَسْوَاسَةَ نَفْسِي.

به تو شکایت می‌کنم.

﴿۱۰﴾ إِلَهِي لَمْ تَفْضَحْنِي بِسِرِّي، وَلَمْ تُهْلِكْنِي

(۱۰) خدای من! به خاطر زشتی باطنم رسوایم مکن، و به گناهم هلاکم مساز.

بِجَرِيرَتِي؛ أَدْعُوكَ فَتُجِيبُنِي، وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئًا

تو را می‌خوانم و تو مرا اجابت می‌کنی؛ گر چه هنگامی که تو مرا می‌خوانی،

حِينَ تَدْعُونِي، وَ أَسْأَلُكَ كُلَّ مَا شِئْتُ مِنْ

در اجابت کنی می‌کنم. هر حاجتی که دارم، از تو می‌طلبم و هر کجا و در



حَوَائِجِي، وَحَيْثُ مَا كُنْتُ وَضَعْتُ عِنْدَكَ

هر موقعیتی که باشم، رازم را به تو می‌سپارم. غیر تو کسی را نمی‌خوانم، و به سِرِّی، فَلَا أَدْعُو سِوَاكَ، وَلَا أَرْجُو غَيْرَكَ.

احدی جز تو امید ندارم.

﴿۱۱﴾ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ، تَسْمَعُ مِنْ شِكَايِكَ، وَتَقْبَلُنِي

(۱۱) لببیک؛ لببیک؛ شکایت کسی را که به درگاهت شکایت کند می‌شنوی،

مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ، وَتُخَلِّصُ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ،

و به آن که به حضرتت اعتماد کند رو می‌کنی، و هر که به دامان رحمتت در آویزد، از

و تَفَرِّجُ عَمَّنْ لَا ذَبِكَ.

ناراحتی و رنج خلاصش می‌کنی، و هر که به تو پناه آورد، غم و اندوهش را برطرف می‌کنی.

﴿۱۲﴾ اَللّٰهُمَّ فَلَا تَحْرِمْنِي خَيْرَ الْآخِرَةِ وَالْاُولٰى

(۱۲) خدای من! به خاطر کمی شکرم از خیر آخرت و

لِقِلَّةِ شُكْرِي، وَاعْفِرْ لِي مَا تَعَلَّمْتُ مِنْ ذُنُوبِي؛ اِنْ

دنیا محرومم مکن و گناهانی که از من خبر داری ببامرز.

تُعَذِّبُ فَاِنَّا الظَّالِمُ الْمُفْرِطُ، الْمُضَيِّعُ الْاَثِمُ،

اگر مرا عذاب کنی، من همان ستمکار، مقصر، ضایع کننده، گناهکار،

الْمُقْصِرُ الْمُضْجِعُ، الْمُغْفِلُ حَظَّ نَفْسِي،

کوتاهی کننده، سست رأی، و ساده لوح و کودن نسبت به نصیب و بهره خویشم

وَ اِنْ تَغْفِرْ فَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ.

و اگر مرا ببامرزی، تو مهربان‌ترین مهربانانی!



— ﴿ ٥٢ ﴾ —

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِلْحَاحِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى

دعای امام سجاد علیه السلام در پافشاری در خواهش از خدای تعالی

﴿١﴾ يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ

(۱) ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر او پوشیده نیست!

وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَكَيْفَ يَخْفَى عَلَيْكَ - يَا إِلَهِي -

ای خدای من! چگونه بر تو پوشیده باشد، چیزی که

مَا أَنْتَ خَلَقْتَهُ؟ وَكَيْفَ لَا تُحْصِي مَا أَنْتَ

خود آفریده‌ای؟ چگونه آنچه را ساخته‌ای، از دایره دانشت بیرون

صَنَعْتَهُ؟ أَوْ كَيْفَ يَغِيبُ عَنْكَ مَا أَنْتَ تُدَبِّرُهُ؟ أَوْ

باشد؟ یا چگونه از تو پنهان بماند، آنچه را که تو تدبیرش می‌کنی؟

كَيْفَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَهْرَبَ مِنْكَ، مَنْ لَا حَيَاةَ لَهُ

یا چگونه می‌تواند بگریزد، کسی که جز به روزیت

إِلَّا بِرِزْقِكَ؟ أَوْ كَيْفَ يَنْجُو مِنْكَ، مَنْ لَا مَذْهَبَ

زنده نیست؟ یا چگونه نجات پیدا می‌کند، کسی که در غیر مملکت

لَهُ فِي غَيْرِ مُلْكِكَ؟ ﴿٢﴾ سُبْحَانَكَ يَا أَخْسَى

تو راهی برایش وجود ندارد؟ (۲) منزّه و پاکی، ترسنده‌ترینشان

خَلْقِكَ لَكَ أَعْلَمُهُمْ بِكَ، وَأَخْضَعُهُمْ لَكَ

در درگاه تو، داناترین آنهاست و افتاده‌ترینشان،



أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِكَ، وَ أَهْوَنُهُمْ عَلَيْكَ مَنْ أَنْتَ
عامل ترین آنها به طاعت توست، و پست ترین آنها در پیشگاهت،
تَرْزُقُهُ، وَ هُوَ يَعْبُدُ غَيْرَكَ.

کسی که روزیش را می‌دهی، و او غیر تو را می‌پرستد.

(۳) سُبْحَانَكَ؛ لَا يَنْقُصُ سُلْطَانَكَ مَنْ أَشْرَكَ

(۳) منزّه و پاکی، کسی که برایت شریکی انگاشته و پیامبران را تکذیب کرده، از

بِكَ، وَ كَذَّبَ رُسُلَكَ، وَ لَيْسَ يَسْتَطِيعُ مَنْ كَرِهَ

سلطنتت نمی‌کاهد، و کسی که قضایت را ناپسند دارد، قدرت رد کردن فرمانت

قَضَاءِكَ أَنْ يَرُدَّ أَمْرَكَ، وَ لَا يَمْتَنِعُ مِنْكَ مَنْ

را ندارد، و کسی که تواناییت را تکذیب کند، نمی‌تواند خود را از قهر و غلبه تو

كَذَّبَ بِقُدْرَتِكَ، وَ لَا يَفُوتُكَ مَنْ عَبَدَ غَيْرَكَ

باز دارد، و کسی که غیر تو را بپرستد، از احاطه و تصرف و عذاب تو در نرود،

وَ لَا يَعْمُرُ فِي الدُّنْيَا مَنْ كَرِهَ لِقَاءَكَ.

و هر که لقای تو را ناپسند دارد، در زندگی دنیا ابدی و جاودانه نخواهد ماند.

(۴) سُبْحَانَكَ؛ مَا أَعْظَمَ شَأْنَكَ! وَ أَقْهَرَ

(۴) منزّه و پاکی، چه بزرگ است مرتبهات، و غالب و قاهر است

سُلْطَانَكَ! وَ أَشَدَّ قُوَّتَكَ! وَ أَنْفَذَ أَمْرَكَ! (۵)

پادشاهیت، و شدید است نیرویت، و نافذ است فرمانت. (۵)

سُبْحَانَكَ؛ فَضِّيتَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ الْمَوْتِ،

منزّه و پاکی، فرمان مرگ را بر همه آفریده‌هایت ثابت و پابرجا کرده‌ای، چه



مَنْ وَحَدَّكَ وَمَنْ كَفَرَ بِكَ، وَكُلُّ ذَائِقِ الْمَوْتِ،

آن که تو را به وحدانیت مؤمن شده، یا آن که به حضرتت کافر گشته، همگی طعم

وَكُلُّ صَائِرِهِ إِلَيْكَ، فَتَبَارَكَتَ وَتَعَالَيْتَ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا

مرگ را می‌چشند، و به سویت باز می‌گردند. مبارک و برتری، خدایی جز

أَنْتَ وَحَدَّكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ؛ ﴿٦﴾ آمَنْتُ بِكَ،

تو نیست، تنها و بی‌شریکی، (۶) به تو ایمان

وَصَدَّقْتُ رُسُلَكَ، وَقَبِلْتُ كِتَابَكَ، وَكَفَرْتُ

آوردم، و رسولانت را تصدیق کردم، و قرآنت را پذیرفتم، و به هر

بِكُلِّ مَعْبُودٍ غَيْرِكَ، وَبَرَّيْتُ مِمَّنْ عَبَدَ سِوَاكَ.

معبودی جز تو کافر شدم، و از هر که غیر تو را بپرستد، بیزار می‌جستم.

﴿٧﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبِحُ وَأُمْسِي مُسْتَقِلًّا لِعَمَلِي،

(۷) خدایا! روز را به شب، و شب را به روز می‌رسانم، در حالی که معلم را

مُعْتَرِفًا بِذَنْبِي، مُقَرَّرًا بِخَطَايَايَ.

اندک می‌شمارم، به گناهم معترفم، به خطایم اقرار دارم.

﴿٨﴾ أَنَا بِإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي ذَلِيلٌ، عَمَلِي أَهْلَكُنِي،

(۸) من به سبب اسراف بر نفسم از طریق گناه خوارم، عمل زشتم هلاکم

وَهَوَايَ أَرْدَانِي، وَشَهْوَاتِي حَرَمَتْنِي؛ ﴿٩﴾

کرده، هوسم مرا پست کرده، شهواتم مرا از رحمت محروم نموده، (۹) از

فَأَسْأَلُكَ - يَا مَوْلَايَ - سُؤَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَاهِيَةٌ

تو درخواست می‌کنم ای مولایم! درخواست کسی که نفسش محض آرزوی درازش



إِطْوَالِ أَمَلِهِ، وَبَدَنِهِ غَافِلٌ لِسُكُونِ عُرْوِقِهِ،

به پوچی و سرگرمی و بیهوده کاری دچار شده، و بدنش به خاطر نگران نبودن

وَ قَلْبُهُ مَفْتُونٌ بِكَثْرَةِ النِّعَمِ عَلَيْهِ، وَفِكَرُهُ

از عذاب و عقاب، و دوری از عبادت و تن پروری، غافل مانده. از این جهت رگ

قَلِيلٌ لِمَا هُوَ صَائِرٌ إِلَيْهِ؛ ﴿۱۰﴾ سُؤَالَ مَنْ قَدْ غَلَبَ

و پیاپی اش در آرامش به سر می برد، و اضطراب و لرزشی ندارد، و دلش به سبب فراوانی نعمت

عَلَيْهِ الْأَمَلُ، وَفَتَنَهُ الْهَوَى، وَاسْتَمَكَّتْ

به فتنه لذت مفتون شده، و اندیشه اش نسبت به فرجام کارش اندک است. (۱۰) از

مِنْهُ الدُّنْيَا، وَأَظْلَهُ الْأَجَلَ؛ سُؤَالَ مَنْ اسْتَكْتَرَتْ

تو درخواست می کنم؛ درخواست کسی که آرزو بر او چیره شده و هوی و هوس او را به

ذُنُوبِهِ، وَاعْتَرَفَ بِخَطِيئَتِهِ؛ سُؤَالَ مَنْ لَا رَبَّ

فتنه انداخته و دنیا پر او مسلط گشته، و مرگ بر سرش سایه انداخته. از تو درخواست می کنم؛

لَهُ غَيْرُكَ، وَلَا وَاعٍ لَهُ دُونَكَ، وَلَا مُنْقِذَ لَهُ

درخواست کسی که گناهانش را بسیار و فراوان شمرده، و به خطایش اعتراف کرده؛

مِنْكَ، وَلَا مَدْجَالَهَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ.

درخواست کسی که پروردگاری جز تو و سرپرستی غیر تو، و نجات دهنده ای از تو و

﴿۱۱﴾ إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلَيَّ جَمِيعِ

پناهگاهی از تو جز به سوی تو ندارد. (۱۱) خدای من! به حق لازم و واجبی

خَلْقِكَ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ، الَّتِي أَمَرَتْ رَسُولَكَ

که در همه آفریده های تو، و به نام بزرگت که به پیامبرت دستور دادی،



أَنْ يُسَبِّحَكَ بِهِ، وَبِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي
 تو را به آن تسبیح کند، و به بزرگی ذات کرمیت که کهنه نمی‌شود،
 لَا يَبْلَى وَلَا يَتَغَيَّرُ، وَلَا يَحُولُ وَلَا يَفْنَى، أَنْ
 و دگرگون نمی‌گردد، و تغییر حال نمی‌یابد، و فانی نمی‌شود،
 تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُغْنِيَنِي عَنْ
 از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا با
 كُلِّ شَيْءٍ بِعِبَادَتِكَ، وَأَنْ تُسَلِّيَ نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا
 بندگیت از هر چیز بنیاز کنی، و به خاطر ترس از تو، ارتباطم را با
 بِمَخَافَتِكَ، وَأَنْ تُثَنِّيَنِي بِالكَثِيرِ مِنْ كَرَامَتِكَ
 دنیا قطع فرمایی، و کرامت و رحمت فراوانت را به من
 بِرَحْمَتِكَ، ﴿١٢﴾ فَأَلِيكَ أَفِرُّ، وَمِنْكَ أَخَافُ،
 برگردانی. (۱۲) به سوی تو می‌گریزم و از تو می‌ترسم
 وَبِكَ أَسْتَعِيْثُ، وَإِيَّاكَ أَرْجُو، وَلَكَ أَدْعُو،
 و به تو فریادرسی می‌کنم، و تو را امیدوارم و تو را می‌خوانم
 وَإِلَيْكَ أَلْجَأُ، وَبِكَ أَثِقُ، وَإِيَّاكَ أَسْتَعِينُ،
 و به تو پناه می‌آورم، و به تو اعتماد می‌کنم، و از تو یاری می‌خواهم،
 وَبِكَ أَوْمِنُ، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَعَلَى جُودِكَ
 و به تو ایمان می‌آورم، و بر تو توکل می‌کنم، و بر جود
 وَكَرَمِكَ أَتَكِلُ.

و کرمت تکیه می‌زنم.



— ﴿ ۵۳ ﴾ —

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي التَّدَلُّلِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

دعای امام سجاد علیه السلام در اظهار فروتنی به درگاه حضرت حق

﴿۱﴾ رَبِّ أَفْحَمْتَنِي ذُنُوبِي، وَانْقَطَعَتْ مَقَالَتِي،

(۱) پروردگارا! گناهم مرا از گفتار باز داشته، و رشته سخنم به خاطر شدت

فَلَا حُجَّةَ لِي، فَإِنَّا الْأَسِيرُ بِبِلِيَّتِي، الْمُرْتَهَنُ

شرمندگی از هم گسیخته، بهانه و عذری و دلیل و برهانی برایم نیست. به بلا

بِعَمَلِي، الْمُرْتَدِّدُ فِي خَطِيئَتِي، الْمَتَحَيِّرُ عَنِ

و مصیبتم که گناهان من است اسیرم، در گرو کردارم رفته‌ام، سرگردان خطاهای

قَصْدِي، الْمُنْقَطِعُ بِي، قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِي

خود هستم، در اراده و آهنگم نسبت به امور سرگردانم، با تمام وجود درمانده‌ام،

مَوْقِفِ الْأَذِلَّاءِ الْمُدْنِينِ، مَوْقِفِ الْأَشْقِيَاءِ،

خود را در جایگاه خواران گنهکار واداشته‌ام؛ جایگاه تیره بختانی که بر تو

الْمُتَجَرِّبِينَ عَلَيْكَ، الْمُسْتَخْفِينَ بِوَعْدِكَ.

جری شده‌اند، و وعدهات را سبک شمرده‌اند.

﴿۲﴾ سُبْحَانَكَ؛ أَيُّ جُرْأَقٍ اجْتَرَأَتْ عَلَيْكَ؟!

(۲) منزّه و پاک. با چه جرأت نسبت به روی گردانی از دستورهایت

وَأَيُّ تَغْرِيرِ غَرَّرْتُ بِنَفْسِي؟! ﴿۳﴾ مَوْلَايَ،

دلیر شدم؟! و با کدام عامل هلاکت، خود را به نابودی انداختم؟! (۳)



إِرْحَمْ كِبُوتِي لِحُرِّ وَجْهِي، وَزَلَّةَ قَدَمِي،
 سقوط و به رو در افتادنم، و لغزش گامم را رحمت آر،
 وَ عُدَّ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَ بِإِحْسَانِكَ
 و به نادانیم با بردباریت و به بدکرداریم با احسانت
 عَلَيَّ إِسَاءَتِي، فَإِنَّا الْمُقَرَّبُ بِذَنْبِي، الْمُعْتَرِفُ
 به من بازگرد. من به گناهم اقرار دارم و به خطایم
 بِخَطِيئَتِي، وَ هَذِهِ يَدِي وَ نَاصِيَتِي، أَسْتَكِينُ
 اعتراف می‌کنم. این دست و سر من است که برای قصاص
 بِالْقَوَدِ مِنْ نَفْسِي، إِرْحَمْ شَيْبَتِي، وَ نَفَادَ أَيَّامِي،
 از نفسم آن را به زاری تسلیم می‌کنم. به پیری و به پایان رسیدن روزگارم،
 وَ اقْتِرَابَ أَجَلِي، وَ ضَعْفِي وَ مَسْكَنتِي، وَ قِلَّةَ
 و نزدیک شدن مرگم و ناتوانی و بیچارگی‌ام، و کمی
 حِيلَتِي.

تدبیرم رحم کن.

﴿٤﴾ مَوْلَايَ، وَ اِرْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيَا

(٤) مولای من! هنگامی که اثر و نشانم از دنیا قطع شد و زیر خاک رفتم، و یادم

آشری، وَ اَمِّحْنِي مِنَ الْمَخْلُوقِينَ ذِكْرِي، وَ كُنْتُ فِي

از خاطر آفریده‌ها محو شد، و هم چون کسی که فراموش شده، در زمره فراموش

الْمَنْسِيَّينَ كَمَنْ قَدْ نُسِيَ.

شدگان قرار گرفتم، به من رحمت آر.



﴿۵﴾ مَوْلَايَ ، وَارْحَمْنِي عِنْدَ تَغْيِيرِ صُورَتِي

(۵) مولای من! هنگامی که چهره و جام دگرگون شود و بدنم بیوسد و اعضايم از هم

وَ حَالِي ، إِذَا بَلَى جِسْمِي ، وَ تَفَرَّقَتْ أَعْضَائِي ،

پاشند و پراکنده شوند، و پیوندهایم بگسلد، بر من ترحم فرما. ای وای بر بی خبری من

وَ تَقَطَّعَتْ أَوْصَالِي ؛ يَا غَفَلَتِي عَمَّا يُرَادُ بِي !

نسبت به آنچه که در برزخ و قیامت و کنار میزان و صراط از من خواسته می شود!

﴿۶﴾ مَوْلَايَ وَارْحَمْنِي فِي حَشْرِي وَ نَشْرِي ،

(۶) مولای من! مرا در برانگیختن و زنده شدنم رحم کن،

وَ اجْعَلْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ أَوْلِيَائِكَ مَوْقِفِي ،

و در آن روز جایگاهم را با اولیایم، و محل برآمدن و

وَ فِي أَحْبَابَائِكَ مَصْدَرِي ، وَ فِي جَوَارِكِ مَسْكَنِي ؛

حرکت من را در میان عاشقانم، و مسکنم را در جوارت قرار ده

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

ای پروردگار جهانیان!



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي اسْتِكْشَافِ الْمُحْمَمِ

دعای امام سجاد علیه السلام در زدودن اندوهها

﴿١﴾ يَا فَارِجَ الْهَمِّ وَكَاشِفَ الْغَمِّ، يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا

(۱) ای زداینده اندوه و برطرف کننده غم! ای رحمان دنیا

وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

و آخرت و مهربان هر دو جهان! بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَافْرِجْ هَمِّي، وَاكْشِفْ غَمِّي؛

محمد درود فرست و اندوه مرا بزدای، و غم را برطرف کن.

﴿٢﴾ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدٌ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ

(۲) ای یگانه! ای یکتا! ای بی نیاز! ای کسی که نزاده و زاده نشده و احدی

وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، اِعْصِمْنِي

برای او همتا نیست! حفظم کن و پاکم فرما، و مصیبت و بلایم

وَطَهِّرْنِي، وَادْهَبْ بِيَلِيَّتِي.

را از میان ببر - «در این قسمت از دعا آیه الكرسي و سوره فلق و ناس و

﴿٣﴾ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَالْمُعَوَّذَتَيْنِ، وَقُلْ هُوَ اللَّهُ

قل هو الله احد را بخوان و بگو: - (۳) خدایا! از تو درخواست می کنم؛

أَحَدٌ، وَقُلْ: ﴿٣﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ

درخواست کسی که نیازش شدید، و نیرویش ضعیف و گناهانش زیاد شده،



اشْتَدَّتْ فِاقَتُهُ، وَضَعُفَتْ قُوَّتُهُ، وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ،

درخواست کسی که برای نیازمندیش فریاد رسی، و برای ناتوانیش نیرو

سُؤَالَ مَنْ لَا يَجِدُ لِفِاقَتِهِ مُغِيثًا، وَلَا لِضَعْفِهِ

دهنده‌ای، و برای گناهش آمرزنده‌ای، غیر تو نمی‌یابد. ای صاحب جلال و

مُقَوِّيًا، وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِرًا غَيْرَكَ؛ يَا ذَا الْجَلَالِ

اکرام! (۴) عملی را از تو درخواست می‌کنم که هر کس آن را انجام دهد،

وَ الْإِكْرَامِ؛ ﴿٤﴾ أَسْأَلُكَ عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ

به خاطر آن دوستش داری و یقینی را می‌خواهم که به سبب آن کسی را

بِهِ، وَ يَقِينًا تَنْفَعُ بِهِ مَنْ اسْتَيْقَنَ بِهِ حَقَّ الْيَقِينِ

سود می‌دهی که در مسیر جریان فرمان و اراده‌ات به وسیله آن یقین،

فِي نَفَازِ أَمْرِكَ.

حق یقین را به دست آورد.

﴿٥﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْبِضْ

(۵) خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و جان مرا بر

عَلَى الصِّدْقِ نَفْسِي، وَاقْطَعْ مِنَ الدُّنْيَا حَاجَتِي،

پایه صدق در نیت و عمل و اخلاق قبض کن، و نیازم را از دنیا

وَ اجْعَلْ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتِي شَوْقًا إِلَى لِقَائِكَ،

بگسل و رغبتم را در آنچه نزد توست، در حالی که مشتاق لقای

وَ هَبْ لِي صِدْقَ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ؛ ﴿٦﴾ أَسْأَلُكَ

باشم، قرار ده و صدق توکل بر وجود مبارکت را به من ببخش. (۶) از تو



مِنْ خَيْرِ كِتَابٍ قَدْ خَلَا، وَاعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ

بهترین سرنوشتی که مقدر شده درخواست می‌کنم، و از بدترین

كِتَابٍ قَدْ خَلَا؛ أَسْأَلُكَ خَوْفَ الْعَابِدِينَ لَكَ،

سرنوشتی که مقدر شده به تو پناه می‌آورم. ترس بندگان را از مقامت

وَ عِبَادَةَ الْخَاشِعِينَ لَكَ، وَ يَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ

و بندگی فروتنان را برایت، و یقین توکل کنندگان را بر وجودت،

عَلَيْكَ، وَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكَ.

و توکل مؤمنان را بر حضرتت از تو درخواست دارم.

﴿٧﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِي مَسْأَلَتِي، مِثْلَ

(٧) خدایا! رغبتم را در خواسته‌هایم مانند رغبت عاشقانت

رَغْبَةَ أَوْلِيَائِكَ فِي مَسَائِلِهِمْ، وَرَهْبَتِي مِثْلَ

در خواسته‌هایشان، و ترسم را مانند ترس دوستانت قرار ده،

رَهْبَةَ أَوْلِيَائِكَ، وَاسْتَعْمَلْنِي فِي مَرْضَاتِكَ

و مرا در عرصه خشنودیت به کار و عملی به کارگیر،

عَمَلًا، لَا أَتْرُكُ مَعَهُ شَيْئًا مِنْ دِينِكَ مَخَافَةَ أَحَدٍ

که با آن چیزی از دینت را به خاطر ترس از کسی

مِنْ خَلْقِكَ.

از آفریده‌هایت رها نکنم.

﴿٨﴾ اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِي فَأَعْظِمْ فِيهَا رَغْبَتِي،

(٨) خدایا! این است حاجت من، رغبت و میلم را در آن بزرگ کن،



وَ أَظْهَرِ فِيهَا عُدْرِي ، وَ لَقِّنِي فِيهَا حُجَّتِي ،
و عذرم را در آن آشکار فرما، و حجّتم را در آن بر زبانم گذار،
وَ عَافِ فِيهَا جَسَدِي .

و جسمم را در آن سلامت بخش.

﴿ ۹ ﴾ اَللّٰهُمَّ مَنْ اَصْبَحَ لَهُ ثِقَةٌ اَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ ،

(۹) خدایا! کسانی صبح می‌کنند در حالی که به غیر تو اعتماد و امید

فَقَدْ اَصْبَحْتُ وَ اَنْتَ ثِقَتِي وَ رَجَائِي فِي الْاُمُورِ

دارند؛ ولی من صبح کردم در حالی که در تمام امورم اعتماد و امیدم

كُلِّهَا ، فَاقْضِ لِي بِخَيْرِهَا عَاقِبَةً ، وَ نَجِّنِي مِنْ

تویی. برای من به آنچه سرانجامش از همه بهتر است حکم فرما، و از

مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ؛

فتنه‌های گمراه کننده نجاتم ده، به مهربانیت ای مهربان‌ترین مهربانان!

وَ صَلَّى اللهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ ، رَسُوْلِ اللهِ

و درود خدا بر سرور ما محمد، فرستاده

المُصْطَفٰى ، وَ عَلٰى اٰلِهِ الطَّاهِرِينَ .

برگزیده خدا و اهل بیت پاکش.

